تفسیر موضوعیالمیزان

-----------------------------------------------------------------

ویرایش 77 کتاب جیبی از معارف قرآن در المیزان

**کتاب هفتاد و ششم**

بررسی

**هدف آیه ها و سوره های قرآن**

(بخش2)

تألیف: سید مهدی امین

(تجدید نظر: 1394)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

بسيار مى‏شود كه مردم، عملى را كه مى‏كنند و يا مى‏خواهند آغاز آن كنند، عمل خود را با نام عزيزى و يا بزرگى آغاز مى‏كنند، تا به اين وسيله مبارك و پر اثر شود و نيز آبرويى و احترامى به خود بگيرد و يا حداقل باعث شود كه هر وقت نام آن عمل و يا يـاد آن بـه ميـان مى‏آيـد، به ياد آن عـزيز نيـز بيـفتنـد.

اين معنا در كلام خداى‏تعالى نيز جريان يافته، خداى‏تعالى كلام خود را به نام خود كه عزيزترين نام است آغاز كرده، تا آن چه كه در كلامش هست نشان او را داشته باشد و مرتبط با نام او باشد و نيز ادبى باشد تا بندگان خود را به آن ادب مؤدب كند و بياموزد تا در اعمال و افعال و گفتارهايش اين ادب را رعايت و آن را با نام وى آغاز نموده، نشان وى را بدان بزند، تا عملش خدايى شده، صفات اعمال خدا را داشته باشد و مقصود اصلى از آن اعمال، خدا و رضاى او باشد و در نتيجه باطل و هالك و ناقص و ناتمام نماند، چون به نام خدايى آغاز شده كه هلاك و بطلان در او راه ندارد(1) ... و

**« من به نام خدا آغاز مى‏كنم! »**

1- الـميزان ج 1، ص 26.

**فهرست مطالب**

**موضـوع :      صفحـه :**

**مقدمـه مــــؤلــــف 22**

فصل دوم: **بررسی هدف سوره ابراهیم تا سوره ناس**

**هدف و فلسفه نزول سوره ابراهیم 24**

بیان اوصاف قرآن کریم به عنوان معجزه و نشانه رسالت رسول الله «ص»

**هدف آیه 6 تا 18 سوره ابراهیم**

ذکر ایام الله: روزها و مواقف نزول نعمت ها و نقمت ها

**هدف آیه 19 تا 34 سوره ابراهیم**

بیان وجود حق در اساس عالم و رستگاری سالکان راه حق

**هدف آیه 35 تا 41 سوره ابراهیم**

بیان دعای ابراهیم برای سرزمین و اهل مکه

**هدف آیه 42 تا 52 سوره ابراهیم**

بیان غافل نبودن خدا از ظالمان

**هدف و فلسفه نزول سوره حجر 27**

دلداری رسول الله«ص» و امر به صبر و ثبات و اعراض از مشرکین

**هدف آیه 10 تا 15 سوره حجر**

بیان سنت های جاری بین مجرمین و اقوام فاسد

**هدف آیه 16 تا 25 سوره حجر**

بیان معارف حقیقی و اسرار الهی در آسمانها و زمین و خزاین اشیاء

**هدف آیه 26 تا 48 سوره حجر**

بیان قضاء الهی در خلقت اولیه و سعادت و تیره بختی انسانها

**هدف آیه 49 تا 84 سوره حجر**

بیان نمونه هائی از بشارت و انذار الهی و سرانجام جوامع فاسد

**هدف آیه 85 تا 99 سوره حجر**

دستوری به رسول الله جهت انجام وظایف عبادی و اعراض از مشرکین

**هدف و فلسفه نزول سوره نحل 30**

بیان غلبه دین حق بر کفار و انحصاری بودن تشریع دین

و بیان شرح هجرت رسول الله«ص» به مدینه

**هدف آیه 22 تا 40 سوره نحل**

بیان عیوب وصفات بد مشرکین ناشی از انکار توحید

**هدف آیه 41 تا 64 سوره نحل**

بیان هجرت رسول خدا و وعده نیکوی خدا برای مهاجرین در راه خدا

**هدف آیه 65 تا 77 سوره نحل**

اثبات توحید و بعث و نبوت با شمارش نعمت های الهی

**هدف آیه 78 تا 89 سوره نحل**

اثبات وحدانیت در ربوبیت و مسئله بعث و نبوت با بیان نعمت های الهی

**هدف آیه 90 تا 105 سوره نحل**

ابلاغ احکام الهی در مکه برای اصلاح حال عمومی جامعه

**هدف آیه 106 تا 111 سوره نحل**

بیان حکم تقیه و پاداش مهاجرین ثابت قدم و کیفر مرتدین از دین

**هدف آیه 112 تا 128 سوره نحل**

بیان احکام حرام و حلال و انطباق دین اسلام و دین ابراهیم «ع»

**هدف و فلسفه نزول سوره اسری 33**

تسبیح خدای تعالی و بیان معراج رسول الله "ص"

مقدرات بنی اسرائیل

**هدف آیه 2تا8 سوره اسری**

بیان سنت الهی در هدایت امت ها

**هدف آیه 9تا22 سوره اسری**

بیان سنت الهی در ملت اسلام

**هدف آیه 23تا39 سوره اسری**

ذکر برخی از کلیات دین

**هدف آیه 40 تا 55 سوره اسری**

بیان مسئله توحید و سرزنش مشرکین

**هدف آیه 56 تا 65 سوره اسری**

بیان سنت الهی در چگونگی عذاب امت آخرین

**هدف آیه 66 تا 72 سوره اسری**

اثبات انحصار قبولی دعا و کشف ضرّ برای خدا

**هدف آیه 73 تا 81 سوره اسری**

نهی رسول الله«ص» از تمایل به مشرکین

**هدف آیه 82 تا 100 سوره اسری**

بیان شفا و رحمت بودن قرآن

**هدف آیه 101 تا 111 سوره اسری**

بیان برخورد فرعونیان با موسی و مشرکین قریش با رسول الله«ص»

**هدف و فلسفه نزول سوره کهف 38**

دعوت به اعتقاد حق و عمل صالح و نفی دوگانه پرستی

**هدف آیه 9 تا 26 سوره کهف**

بیان داستان اصحاب کهف و عوامل غفلت انسانها در زندگی زمینی

**هدف آیه 27 تا 31 سوره کهف**

بیان وظیفه رسول الله دربرابر دینداران و بی دینان

**هدف آیه 32 تا 46 سوره کهف**

بیان واقعیت مالکیت آدمی بر اموال و اولاد و سایر زینتهای دنیا

**هدف آیه 47 تا 59 سوره کهف**

بیان تنهائی انسان در قیامت و کیفر پیروی از شیطان

**هدف آیه 60 تا 82 سوره کهف**

بیان واقعیت پشت پرده حوادث ظاهری

**هدف آیه 83 تا 102 سوره کهف**

بیان تاریخ ذی القرنین

**هدف آیه 103 تا 108 سوره کهف**

بیان خسران زندگی و سوء عاقبت مشرکین

**هدف آیه 109 سوره کهف**

بیان وسعت کلمات الهی

**هدف آیه 110 سوره کهف**

بیان خلاصه هدف سوره کهف، اصول سه گانه دین: توحید نبوت معاد

**هدف و فلسفه نزول سوره مریم 43**

بشارت و انذار

**هدف آیه 16 تا 40 سوره مریم**

بیان زندگی عیسی و یحیی «ع» و مشابهت آنها

**هدف آیه 41 تا 50 سوره مریم**

بیان محاجه ابراهیم«ع» با پدر و کناره گیریش از بت پرستان

**هدف آیه 51 تا 57 سوره مریم**

بیان موهبتها و رحمتهای الهی به موسی و هارون و اسماعیل و ادریس «ع»

**هدف آیه 58 تا 63 سوره مریم**

بیان طریقه انبیاء ، دین توحید، دین اهل سعادت و رشد

**هدف آیه 64 و65 سوره مریم**

بیان زمان و شرایط نازل شدن فرشته وحی

**هدف آیه 66 تا 72 سوره مریم**

بیان سخنان مشرکین درباره مبدأ، معاد و نبوت و رد آنها

**هدف آیه 73 تا 80 سوره مریم**

بیان سخنان مشرکین درباره ضعف مالی مومنان و رد نظرات آنها

**هدف آیه 81 تا 96 سوره مریم**

رد نظریه فرزند خواندگی برای خدا

**هدف آیه 97 و 98 سوره مریم**

بیان تنزیل حقیقت قرآن و تسهیل آن به لسان رسول الله"ص"

**هدف و فلسفه نزول سوره طه 47**

تذکر و یادآوری از راه انذار

**هدف آیه 9 تا 48 سوره طه**

بیان برگزیده شدن حضرت موسی و وقایع تاریخی دعوت او

**هدف آیه 49 تا 79 سوره طه**

بیان آغازدعوت موسی«ع» تا غرق فرعون

**هدف آیه 80 تا 98 سوره طه**

بیان نعمت های الهی بر بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنها

**هدف آیه 99 تا114 سوره طه**

یادآوری هولهای روز قیامت

**هدف آیه 115 تا 126 سوره طه**

بیان شرط سعادت و تیره بختی آدمی

**هدف آیه 127 تا 135 سوره طه**

نتیجه گیری از مطالب سوره طه در آیات پایانی

**هدف و فلسفه نزول سوره انبیاء 50**

بیان مسئله نبوت با طرح مسئله توحید و معاد

**هدف آیه 16 تا 33 سوره انبیاء**

بیان هدف دار بودن خلقت و اثبات معاد

**هدف آیه 34 تا 47 سوره انبیاء**

بیان مسئله نبوت و پاسخ یاوه گوئی های مشرکین

**هدف آیه 48 تا 77 سوره انبیاء**

بیان دعوت جمعی از پیامبران الهی

**هدف آیه 78 تا 91 سوره انبیاء**

بیان دعوت جمعی دیگر از رسولان و پیامبران الهی

**هدف آیه 92 تا 112 سوره انبیاء**

بیان امت واحده بودن بشر و انحصار پرستش رب واحد

**هدف و فلسفه نزول سوره حج 53**

بیان مشروح اصول دین، اجمال فروع دین و انذار از قیامت

**هدف آیه 3 تا 16 سوره حج**

بیان گمراهی و هدایت اصناف مختلف مردم

**هدف آیه 17 تا 24 سوره حج**

بیان داوری و حکم الهی درقیامت درباره مومنین و غیر مومنین

**هدف آیه 25 تا 37 سوره حج**

بیان تشریع حج ابراهیمی و برخی از آداب و احکام حج

**هدف آیه 38 تا 57 سوره حج**

بیان اولین اذن جهاد و آماده سازی افکار مسلمانان برای مبارزه

**هدف آیه 58 تا 66 سوره حج**

بیان ثواب هجرت و جهاد و شهادت در راه خدا

**هدف آیه 67 تا 78 سوره حج**

دعوت مومنین به بندگی خدا، انجام عمل خیر و جهاد فی سبیل الله

**هدف و فلسفه نزول سوره مؤمنون 56**

دعوت به ایمان به خدا و روز قیامت

**هدف آیه 12 تا 22 سوره مؤمنون**

شرح خلقت و تدبیرامورانسان و نعمت های اعطائی خدا به او

**هدف آیه 23 تا 54 سوره مؤمنون**

دعوت بشر به توحید در عبادت از طریق رسالت

**هدف آیه 55 تا 77 سوره مؤمنون**

بیان مکر الهی در متنعم ساختن توانگران مترف و نزول ناگهانی عذاب

**هدف آیه 78 تا 98 سوره مؤمنون**

اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بازگشت خلق بسوی او

**هدف آیه 99 تا 118 سوره مؤمنون**

بیان تفصیلی عذاب آخرتی مشرکین و رستگاری وارثان بهشت

**هدف و فلسفه نزول سوره نور 59**

بیان پاره ای از احکام تشریع شده و معارف الهی مناسب با آنها

**هدف آیه 11 تا 26 سوره نور**

بیان ماجرای افک : تهمت به خانواده پیامبر

**هدف آیه 27 تا 34 سوره نور**

بیان برخی روابط و قوانین خانواده

**هدف آیه 35 تا 46 سوره نور**

بیان نور الهی و نور معرفت خاص مومنین

**هدف آیه 47 تا 57 سوره نور**

بیان وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول الله«ص»

**هدف آیه 58 تا 64 سوره نور**

بیان احکام رفتاردر خانواده و اجتماع و با رسول خدا«ص»

**هدف و فلسفه نزول سوره فرقان 61**

بیان حق بودن دعوت رسول الله و فرقان نازل شده بر او

**هدف آیه 4 تا 20 سوره فرقان**

بیان طعنه های مشرکین به رسول الله درباره قرآن و پاسخ آنها

**هدف آیه 21 تا 31 سوره فرقان**

رد اعتراضات مشرکین به رسالت رسول الله و ارتباطش با فرشته وحی

**هدف آیه 32 تا 40 سوره فرقان**

رد اعتراض کفار بر نزول تدریجی قرآن

**هدف آیه 41 تا 62 سوره فرقان**

بیان صفات کفار معترض به کتاب و رسالت رسول الله «ص»

**هدف آیه 63 تا 77 سوره فرقان**

ارائه شرحی از صفات برجسته عباد الرحمن

**هدف و فلسفه نزول سوره شعراء 63**

دلداری رسول الله و بیان عاقبت تکذیب کنندگان آنحضرت

**هدف آیه 10 تا 68 سوره شعرا**

بیان سرانجام اقوام انبیاء گذشته برای تقویت روحی رسول الله«ص»

**هدف آیه 69 تا 104 سوره شعرا**

بیان قیام و دعوت ابراهیم «ع» و تکذیب قومش

**هدف آیه 105 تا 122 سوره شعرا**

بیان اجمالی از دعوت و مبارزات نوح«ع» و انجام کار قوم او

**هدف آیه 123 تا 140 سوره شعرا**

بیان انجام کار قوم عاد و کیفر تکذیب انبیاء

**هدف آیه 141 تا 159 سوره شعرا** بیان اجمالی از سرگذشت قوم ثمود و نابودی آنان

**هدف آیه 160 تا 175 سوره شعرا**

بیان نابودی قوم لوط

**هدف آیه 176 تا 191 سوره شعرا**

بیان دعوت حضرت شعیب و انجام کارقوم او ( اصحاب ایکه )

**هدف آیه 192 تا 227 سوره شعرا**

نتیجه گیری از سرگذشت اقوام گذشته و دفاع از کتاب و پیامبر خدا

**هدف و فلسفه نزول سوره نمل 66**

بشارت و انذار مردم با ذکر داستانهای انبیاء،

ذکر معارف مربوط به توحید در ربوبیت و معاد

**هدف آیه 7 تا 14 سوره نمل**

بیان آغاز رسالت موسی و اعزام او به سوی فرعون

**هدف آیه 15 تا 44 سوره نمل**

بیان نبوت داود و سلیمان و عجایب سلطنت سلیمان

**هدف آیه 45 تا 53 سوره نمل**

یادآوری نابودی قوم ثمود

**هدف آیه 54 تا 58 سوره نمل**

یادآوری نابودی قوم لوط

**هدف آیه 59 تا 81 سوره نمل**

بیان اکرام بندگان برگزیده الهی و حق ربوبیت خدای تعالی

**هدف آیه 82 تا 93 سوره نمل**

بیان مسئله بعث و وقایع قیامت و حوادث قبل از قیامت

**هدف و فلسفه نزول سوره قصص 68**

بیان جانشین کردن مستضعفین زمین به جای مستکبرین

**هدف آیه 15 تا 21 سوره قصص**

بیان آمدن موسی «ع» از قصر فرعون به شهر و اتفاقات منجر به فرار او

**هدف آیه 22 تا 28 سوره قصص**

بیان خروج موسی «ع» از مصر تا ازدواج با دختر شعیب «ع»

**هدف آیه 29 تا 42 سوره قصص**

بیان بعثت موسی«ع» و مبارزه او با فرعون و نزول تورات

**هدف آیه 43 تا 56 سوره قصص**

بیان آسمانی بودن قرآن و تورات

**هدف آیه 57 تا 75 سوره قصص**

رد عذرهای مشرکین در ایمان نیاوردن به قرآن

**هدف آیه 76 تا 84 سوره قصص**

بیان نابودی قارون و فرو بردن او به زمین

**هدف آیه 85 تا 88 سوره قصص**

وعده بازگشت رسول الله به مکه و پیروزی اسلام

**هدف و فلسفه نزول سوره عنکبوت 71**

هدف حقیقت ایمان است!

**هدف آیه 14 تا 40 سوره عنکبوت**

بیان اجرای سنت الهی در نابودی امتها و جوامع فاسد

**هدف آیه 41 تا 55 سوره عنکبوت**

نتیجه گیری از بیان سرگذشت امتهای هلاک شده تاریخ

**هدف آیه 56 تا 60 سوره عنکبوت**

بیان حفظ دین با مهاجرت و اعتماد به روزی رسانی خدا

**هدف آیه 61 تا 69 سوره عنکبوت**

بیان حجت هائی علیه ضد و نقیض گوئی های مشرکین

**هدف و فلسفه نزول سوره روم 73**

وعده دادن قطعی خدا به یاری دین و نصر مومنین

**هدف آیه 20 تا 26 سوره روم**

آیات دال بر وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت

**هدف آیه 27 تا 39 سوره روم**

تعلیم روش استدلال با آیات الهی

**هدف آیه 40 تا 47 سوره روم**

تعلیم استدلال با افعال خاص خدا

**هدف آیه 48 تا 53 سوره روم**

تعلیم استدلال به اصول عقاید از راه افعال الهی

**هدف آیه 54 تا 60 سوره روم**

تعلیم استدلال به اصول عقاید از طریق افعال الهی

**هدف و فلسفه نزول سوره لقمان 75**

دعوت به توحيد و یقین به معاد و عمل به كليات شرايع دين

**هدف آیه 12 تا 19 سوره لقمان**

بیان حکمت داده شده به لقمان

**هدف آیه 20 تا 34 سوره لقمان**

بیان آیات وحدانیت خدا

**هدف و فلسفه نزول سوره سجده 76**

بیان مبدا و معاد، اقامه برهان و دفع شبهات درباره آن

**هدف آیه 15 تا 30 سوره سجده**

بیان فرق بین مومن واقعی و فاسقان

**هدف و فلسفه نزول سوره احزاب 77**

بیان معارف و احکام دین و شرح جنگهای صدراسلام

**هدف آیه 9 تا 27 سوره احزاب**

شرح جنگ خندق و مقابله با یهود بنی قریظه

**هدف آیه 28 تا 35 سوره احزاب**

شرح امتیازها و تنگناهای خانواده رسول الله «ص»

**هدف آیه 36 تا 40 سوره احزاب**

حکم ازدواج با مطلقه پسرخوانده

**هدف آیه 41 تا 48 سوره احزاب**

دعوت مومنین به ذکر و تسبیح

**هدف آیه 49 تا 62 سوره احزاب**

بیان برخی قوانین خانواده و احکام خاص خانواده رسول الله«ص»

**هدف آیه 63 تا 73 سوره احزاب**

بیان برخی وقایع قیامت

**هدف و فلسفه نزول سوره سبا 79**

بیان اصول سه گانه اعتقادات – توحید، نبوت و معاد

**هدف آیه 10 تا 21 سوره سبا**

بیان داستان داود و سلیمان علیمها السلام و تاریخ شهر سبا

**هدف آیه 22 تا 30 سوره سبا**

بیان مساله توحید

**هدف آیه 31 تا 54 سوره سبا**

بیان مساله نبوت و فروعات آن

**هدف و فلسفه نزول سوره فاطر 80**

بیان اصول سه گانه دین، بیان رزق رسانی خدا و چگونگی عملکرد ملائکه

**هدف آیه 2 تا 8 سوره فاطر**

بیان رزق رسانی خدا

**هدف آیه 9 تا 14 سوره فاطر**

احتجاج بر وحدانیت خدا در الوهیت از طریق رزق رسانی

**هدف آیه 15 تا 26 سوره فاطر**

بیان انحصارربوبیت و الوهیت در خدای تعالی

**هدف آیه 27 تا 38 سوره فاطر**

بیان حجتی بر انحصار ربوبیت الهی از طریق رنگ آمیزی میوه ها

**هدف آیه 39 تا 45 سوره فاطر**

توحید خدا در ربوبیت

**هدف و فلسفه نزول سوره یس 82**

بیان اصول سه گانه دین اسلام

**هدف آیه 13 تا 32 سوره یس**

انذار و تبشیر

**هدف آیه 33 تا 47 سوره یس**

توبیخ اعراض کنندگان از آیات و ادله وحدانیت الهی

**هدف آیه 48 تا 65 سوره یس**

بیان تفصیل آیات مربوط به قیامت و حساب و جزا

**هدف آیه 66 تا 83 سوره یس**

تهدید کفار به عذاب و تأئید رسالت رسول الله«ص»

**هدف و فلسفه نزول سوره صافات 84**

احتجاج بر مساله توحید و بیان مبارزات تعدادی از رسولان

**هدف آیه 12 تا 70 سوره صافات**

بیان مخاصمات اهل بهشت و دوزخ

**هدف آیه 71 تا 113 سوره صافات**

بیان داستان برخی از انبیا و عاقبت شوم کفر به آیات خدا

**هدف آیه 114 تا 132 سوره صافات**

بیان نعمتهای الهی برموسی و هارون و الیاس پیامبر

**هدف آیه 133 تا 148 سوره صافات**

بیان خلاصه داستان لوط «ع» و شرح رهائی یونس «ع» از شکم ماهی

**هدف آیه 149 تا 182 سوره صافات**

رد عقاید قائلین به ارباب متفرقه از جن و انس

**هدف و فلسفه نزول سوره ص 86**

دستور دعوت به قرآن و بیان وظایفی از ملائکه

**هدف آیه 17 تا 29 سوره ص**

رد اعتراضات کفار و اشاره به تبلیغ و فعالیت چند پیامبرالهی

**هدف آیه 30 تا 40 سوره ص**

بیان دومین داستان از بندگان اواب – سلیمان نبی

**هدف آیه 41 تا 48 سوره ص**

بیان سرگذشت ایوب پیامبر و گرفتاری ها و نجات او

**هدف آیه 49 تا 64 سوره ص**

ذکر سرانجام کار متقیان و طاغیان

**هدف آیه 65 تا 88 سوره ص**

دستور ابلاغ انذارها و بیان عاقبت جهنمی پیروی از شیطان

**هدف و فلسفه نزول سوره زمر 88**

دعوت به دین خالص و بی اعتنائی به معتقدات دوران جهالت

**هدف آیه 11 تا 20 سوره زمر**

دعوت به اخلاص و دین خالص برای خدا

**هدف آیه 21 تا 37 سوره زمر**

احتجاج به ربوبیت خدای تعالی و بیان مفهوم هدایت قرآن

**هدف آیه 38 تا 52 سوره زمر**

احتجاج بر یگانگی خدا در ربوبیت و نفی شرکاء مشرکین

**هدف آیه 53 تا 61 سوره زمر**

بشارت رافت و رحمت الهی و تحذیراز زیاده روی و طغیان نفس

**هدف آیه 62 تا 75 سوره زمر**

بیان تدبیر معاد انسانها و نظام بازگشت به خدا

**هدف و فلسفه نزول سوره مومن (غافر) 90**

پاسخ به جدال های باطل مشرکان

**هدف آیه 7 تا 12 سوره مومن (غافر)**

بیان استغفار ملائکه بر توابین و کیفر کفر به توحید الهی

**هدف آیه 13 تا 20 سوره مومن (غافر)**

احتجاج بر مسئله توحید و انذار تکذیب کنندگان آیات خدا

**هدف آیه 21تا54 سوره مومن (غافر)**

موعظه کفار برای عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام نابود شده تاریخ

**هدف آیه 55 تا 60 سوره مومن (غافر)**

وعده نصرت و دعوت رسول الله«ص» به صبر در مقابل دسایس کفار

**هدف آیه 61 تا 68 سوره مومن (غافر)**

بیان یگانگی خدای تعالی در الوهیت و ربوبیت

**هدف آیه 69 تا 78 سوره مومن (غافر)**

بیان سرانجام کار مجادله کنندگان در آیات خدا

**هدف آیه 79 تا 85 سوره مومن (غافر)**

بیان آیات و دلایل توحید و سنت ارسال رسل و نابودی امت ها

**هدف و فلسفه نزول سوره فصلت 93**

پاسخ اعراض مشرکین از قرآن

**هدف آیه 13 تا 25 سوره فصلت**

عبرت از ذلت و عذاب دنیوی و اخروی اقوام هلاک شده

**هدف آیه 26 تا 39 سوره فصلت**

افشای نقشه های کفار برای ابطال حجت قرآن

**هدف آیه 40 تا 54 سوره فصلت**

بیان تهمتها و بی انصافی های مشرکین علیه قرآن عزیز

**هدف و فلسفه نزول سوره شوری 94**

شرح مساله وحی و چگونگی تکلم خدا با رسولان گرامی خود

**هدف آیه 7 تا 12 سوره شوری**

بیان هدف و نتایج وحی و اهمیت انذار به روز قیامت

**هدف آیه 13 تا 16 سوره شوری**

بیان مفاد و محتوای وحی به عنوان دین الهی واحد و عالمگیر

**هدف آیه 17 تا 26 سوره شوری**

بیان کتاب آسمانی نازل شده بوسیله وحی

**هدف آیه 27 تا 50 سوره شوری**

تعریف دین به عنوان رزق از جانب خدا

**هدف آیه 51 تا 53 سوره شوری**

تعریف وحی از نظر ارتباط بین خدا و رسولان

**هدف و فلسفه نزول سوره زخرف 97**

انذار معتقدین به فرزندخدائی و کیفر استهزا کنندگان رسولان

**هدف آیه 15 تا 25 سوره زخرف**

رد عقاید و اقوال ملائکه پرستی کفار

**هدف آیه 26 تا 45 سوره زخرف**

بیان کیفر کفران نعمتهای خدا و کفر به رسولان وآیات و کتاب الهی

**هدف آیه 46 تا 56 سوره زخرف**

عبرت گرفتن کفار از سرنوشت فرعون و قوم او

**هدف آیه 57 تا 65 سوره زخرف**

بیان مجادله کفار با رسول الله «ص» درباره عیسی «ع»

**هدف آیه 66 تا 78 سوره زخرف**

انذار از قیامت

**هدف آیه 79 تا 89 سوره زخرف**

بیان خنثی شدن توطئه علیه رسول الله«ص» و نفی اعتقادات شرک آمیز

**هدف و فلسفه نزول سوره دخان 99**

بیان کیفر شک در قرآن، رحمت بودن آن و نزولش در شب قدر

**هدف آیه 9 تا 33 سوره دخان**

انذار مشرکین از شک در قرآن و از سرنوشت مشابه فرعونیان

**هدف آیه 34 تا 59 سوره دخان**

عذاب اخروی منکرین معاد

**هدف و فلسفه نزول سوره جاثیه 101**

دعوت عموم بشر به دین توحید

**هدف آیه 14 تا 19 سوره جاثیه**

بیان تشریع شریعت برای رسول الله «ص» و پیروی از آن

**هدف آیه 20 تا 37 سوره جاثیه**

بیان بصیرت بودن شریعت اسلام برای مردم

**هدف و فلسفه نزول سوره احقاف 102**

انذار منکرین به توحید و نبوت و معاد

**هدف آیه 15 تا 20 سوره احقاف**

بیان تقسیم مردم به دو دسته : تائبین و خاسرین و بیان عملکرد آنان

**هدف آیه 21 تا 28 سوره احقاف**

بیان نابودی قوم عاد و بیان ایمان آوردن جنیان به قرآن

**هدف آیه 29 تا 35 سوره احقاف**

مقایسه ایمان آوردن جن به قرآن با انکار کردن آن بوسیله کافران

**هدف و فلسفه نزول سوره محمد«ص» 104**

مقایسه بین صفات و آثار صفات مومنین و کافرین و بیان احکام جهاد

**هدف آیه 7 تا 15 سوره محمد**

وعده نصرت در جهاد

**هدف آیه 16 تا 32 سوره محمد**

بیان وصف منافقان و بیماردلان

**هدف آیه 33 تا 38 سوره محمد**

هشدار به مومنین از تمایل به مشرکین و حبط اعمال خود

**هدف و فلسفه نزول سوره فتح 105**

وعده فتح مبین و بیان وقایع منجر به صلح حدیبیه

**هدف آیه 8 تا 10 سوره فتح**

تعظیم و تکریم رسول الله«ص» و معرفی او به عنوان شاهد و مبشر و نذیر

**هدف آیه 11 تا 17 سوره فتح**

بیان بهانه عربهای بدوی از عدم همراهی رسول الله در جنگ حدیبیه

**هدف آیه 18 تا 28 سوره فتح**

بیان رضایت خدا از بیعت کنندگان درحدیبیه و وعده پیروزی آتی

**هدف آیه 29 سوره فتح**

توصیف رسول الله و مومنین به« اشداء علی الکفار و رحماء بینهم!»

**هدف و فلسفه نزول سوره حجرات 107**

بیان برخی احکام مهم دین و وظیفه فرد در مقابل خدا و رسول و اجتماع

**هدف آیه 11 تا 18 سوره حجرات**

بیان برخی احکام اجتماعی و اخلاقی اسلام

**هدف و فلسفه نزول سوره ق 108**

بررسی مسئله معاد

**هدف آیه 15 تا 38 سوره ق**

بیان قدرت الهی برای خلق دوم و احاطه او بر تمام افکار و نیات انسان

**هدف آیه 39 تا 45 سوره ق**

توصیه رسول الله«ص» به صبر در مقابل گفتارکفار و تذکر مومنان به قرآن

**هدف و فلسفه نزول سوره ذاریات 110**

دعوت به توحید در ربوبیت و بیان هدف خلقت انسان

**هدف آیه 20 تا 51 سوره ذاریات**

بیان وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و تدبیر امور

**هدف آیه 52 تا 60 سوره ذاریات**

تهدید منکرین معاد به روز موعود

**هدف و فلسفه نزول سوره طور 112**

تهدید و انذار انکار کنندگان آیات الهی و بیان کیفر و پاداش روز قیامت

**هدف آیه 11 تا 28 سوره طور**

بیان نشانه عذاب شوندگان روز قیامت

**هدف آیه 29 تا 44 سوره طور**

بیان صلاحیت دعوت رسول الله«ص» و دستور ادامه دعوتش

**هدف آیه 45 تا 49 سوره طور**

دستور صبر در حکم پروردگار و بی اعتنائی به مکذبین

**هدف و فلسفه نزول سوره نجم 114**

یادآوری اصول سه گانه اسلام و بیان چگونگی وحی شب معراج

**هدف آیه 19 تا 32 سوره نجم**

نفی شفاعت بت ها به عنوان اساس معتقدات بت پرستان

**هدف آیه 33 تا 62 سوره نجم**

بیان نتیجه انفاق در راه خدا، انحصار خلقت و تدبیر در خدا

**هدف و فلسفه نزول سوره قمر 115**

بیان معجزه شق القمر رسول الله و انذار مکذبین و شرح عاقبت شوم آنها

**هدف آیه 9 تا 42 سوره قمر**

اندرز قوم رسول الله با بیان عاقبت جوامع تاریخی نابود شده

**هدف آیه 43 تا 55 سوره قمر**

عبرت از اقوام هالکه گذشته و کیفر آنها در دنیا و آخرت

**هدف و فلسفه نزول سوره الرحمن 117**

بیان نعمت ها وآثار رحمانیت خدا

**هدف آیه 31 تا 78 سوره الرحمن**

بیان نعمت های بهشتی و بازگشت جن و انس به خدا

**هدف و فلسفه نزول سوره واقعه 118**

بیان وقوع واقعه ومقدمات آن – تقسیم بندی انسانها در قیامت

**هدف آیه 11 تا 56 سوره واقعه**

شرح بهشت مقربون و اصحاب یمین، و دوزخ اصحاب شمال

**هدف آیه 57 تا 96 سوره واقعه**

بیان جزای شکستن عهد ازل و تکذیب روز جزا

**هدف و فلسفه نزول سوره حدید 119**

تشویق و تحریک مومنین به انفاق برای کمک به تجهیز جهادگران

**هدف آیه 7 تا 15 سوره حدید**

دستور اکید به تامین هزینه های جنگ و دفاع

**هدف آیه 16 تا 24 سوره حدید**

درجه متفاوت انفاقگران و تامین کنندگان هزینه جنگ

**هدف آیه 25 تا 29 سوره حدید**

عادت دادن مردم به عدالت و دفاع از آن

**هدف و فلسفه نزول سوره مجادله 121**

بیان برخی احکام خانوادگی و اجتماعی اسلام

**هدف آیه 7 تا 13 سوره مجادله**

بیان برخی آداب مجالست و پرهیز از نجوی در مجالس

**هدف آیه 14 تا 22 سوره مجادله**

تهدید منافقین و مذمت تمایل به دشمنان خدا

**هدف و فلسفه نزول سوره حشر 122**

بیان چگونگی جنگ با یهود بنی نضیر ، و بیان اصول مراقبت از نفس

**هدف آیه 11 تا 17 سوره حشر**

بیان وعده دروغین منافقین به یهود

**هدف آیه 18 تا 24 سوره حشر**

بیان راه های مراقبت از نفس

**هدف و فلسفه نزول سوره ممتحنه 124**

منع شدید دوستی مومنین با کفار، و بیان حکم بیعت زنان مهاجر

**هدف آیه 10 تا 13 سوره ممتحنه**

بیان حکم بیعت زنان مهاجر مسلمان شده

**هدف و فلسفه نزول سوره صف 125**

تشویق به جهاد در راه خدا و وعده گسترش دین الهی

**هدف آیه 10 تا 14 سوره صف**

دعوت مومنین به جهاد در راه خدا و اعتماد به وعده جنت و نصرت او

**هدف و فلسفه نزول سوره جمعه 126**

امر به اهتمام به نماز جمعه

**هدف آیه 9 تا 11 سوره جمعه**

بیان حرمت داد و ستد در حین برگزاری نماز جمعه

**هدف و فلسفه نزول سوره منافقین 127**

شناساندن منافقین و برحذر داشتن مومنین از نفاق

**هدف آیه 9 تا 11 سوره منافقین**

بیان صفات ایجاد کننده نفاق در قلب انسان

**هدف و فلسفه نزول سوره تغابن 128**

تشویق به تامین منابع مالی جنگ و برطرف ساختن مصایب آن

**هدف آیه 11 تا 18 سوره تغابن**

تشویق به انفاق و صبر در مصایب جنگ

**هدف و فلسفه نزول سوره طلاق 129**

بیان احکام طلاق

**هدف آیه 8 تا 12 سوره طلاق**

موعظه و تهدید و بشارت و تاکید برای اجرای احکام مربوط به زنان

**هدف و فلسفه نزول سوره تحریم 129**

دستور اجتناب ازحرام کردن حلال خدا

**هدف آیه 10 تا 12 سوره تحریم**

بیان مثل دو همسر خائن و دو زن مومنه تاریخ

**هدف و فلسفه نزول سوره ملک 131**

دعوت به یگانگی در ربوبیت و اعتقاد به معاد

**هدف آیه 15 تا 22 سوره ملک**

بیان نشانه های تدبیر الهی و اثبات ربوبیت او

**هدف آیه 23 تا 30 سوره ملک**

بیان نشانه های بیشتری از ربوبیت خدای تعالی و تهدید مشرکین

**هدف و فلسفه نزول سوره قلم 132**

تعریف از خلق عظیم رسول الله و نهی شدید از مداهنه با مشرکین

**هدف آیه 34 تا 52 سوره قلم**

بیان نعیم بهشتی پرهیزکاران و عذاب آخرتی تکذیب گران

**هدف و فلسفه نزول سوره الحاقه 133**

بیان اوصاف قیامت و کیفر تیره بختان و پاداش سعادتمندان

**هدف آیه 13 تا 37 سوره الحاقه**

معرفی روز قیامت با برخی از مشخصاتش

**هدف آیه 38 تا 52 سوره الحاقه**

بیان لزوم تصدیق قرآن برای تصدیق حقانیت خبرهای قیامت درآن

**هدف و فلسفه نزول سوره معارج 134**

بیان عذابهای واقع در قیامت برای کفار

**هدف آیه 19 تا 35 سوره معارج**

استفاده صحیح از غریزه حرص آدمی

**هدف آیه 36 تا 44 سوره معارج**

دستور پایان دادن به بگومگوی رسول الله با کافران

**هدف و فلسفه نزول سوره نوح 135**

شرح رسالت و مبارزات حضرت نوح

**هدف آیه 25 تا 28 سوره نوح**

شرح نفرین نوح «ع» علیه قومش و داستان هلاکت آنها

**هدف و فلسفه نزول سوره جن 136**

شرح ماجرای ایمان آوردن جن به رسول الله «ص»

**هدف آیه 18 تا 28 سوره جن**

نتیجه گیری از سوره جن

**هدف و فلسفه نزول سوره مزمل 136**

آماده سازی رسول الله برای دریافت وحی با خواندن نماز شب

**هدف آیه 20 سوره مزمل**

تخفیف نماز شب برای مومنین و تبدیل آن به قرائت قرآن

**هدف و فلسفه نزول سوره مدثر 137**

بیان اولین دستور انذار به رسول الله«ص» و معرفی قرآن کریم

**هدف آیه 8 تا 31 سوره مدثر**

تهدید طعنه زنندگان به قرآن کریم

**هدف آیه 32 تا 48 سوره مدثر**

تنزیه قرآن کریم از تهمت ها

**هدف آیه 49 تا 65 سوره مدثر**

دعوت کفار به سوی قرآن و بیان عوامل دوری آنان از حق

**هدف و فلسفه نزول سوره قیامت 139**

بیان خبر وقوع و نشانه های قیامت کبری

**هدف آیه 16 تا 40 سوره قیامت**

بیان وضع مردم در قیامت

**هدف و فلسفه نزول سوره دهر 139**

بیان خلقت انسان و توصیف نعمتهای ابرار و عذابهای کفار درآخرت

**هدف آیه 23 تا 31 سوره دهر**

دستور عدم اطاعت رسول الله«ص» از کفار و مشرکین و منافقین

**هدف و فلسفه نزول سوره مرسلات 140**

بیانی از یوم الفصل و تهدید شدید منکران آن

**هدف آیه 16 تا 50 سوره مرسلات**

بیان حجتهائی برای یگانگی خدا در ربوبیت از طریق اثبات یوم الفصل

**هدف و فلسفه نزول سوره نباء 141**

بیان خبر عظیم قیامت و یوم الفصل

**هدف آیه 17 تا 40 سوره نباء**

بیان احوالاتی از یوم الفصل

**هدف و فلسفه نزول سوره نازعات 141**

بیان خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت

**هدف آیه 42 تا 46 سوره نازعات**

انحصار علم به وقوع قیامت در خدای تعالی

**هدف و فلسفه نزول سوره عبس 142**

تاکید بر توجه به فقرای اهل آخرت و بی اعتنائی به طاغوتها

**هدف آیه 17 تا 42 سوره عبس**

سرزنش اصرار انسان در کفر به ربوبیت الهی

**هدف و فلسفه نزول سوره تکویر 143**

بیان مقدمات و نشانه های قیامت

**هدف آیه 15 تا 29 سوره تکویر**

تنزیه رسول الله«ص» از تهمت های کفار و صیانت از وحی قرآن

**هدف و فلسفه نزول سوره انفطار 143**

بیان علامت ها و وقایع روز قیامت و اصول کیفر و پاداش اعمال

**هدف و فلسفه نزول سوره مطففین 144**

تهدید کم فروشان به کیفر روز قیامت

**هدف آیه 22 تا 36 سوره مطففین**

بیان عظمت مقام ابرار در بهشت و نزد خدای تعالی

**هدف و فلسفه نزول سوره انشقاق 144**

بیان سیر هر انسان به سوی پروردگار خود و دیدار نتیجه عملش

**هدف و فلسفه نزول سوره بروج 145**

تشویق مومنین به صبر و استقامت در راه خدا

**هدف و فلسفه نزول سوره طارق 145**

انذار مردم از معاد و اشاره به حقیقت روز قیامت

**هدف و فلسفه نزول سوره اعلی 145**

امر به توحید و تنزیه لایق ساحت خدای تعالی

**هدف و فلسفه نزول سوره غاشیه 146**

تعیین جایگاه استقرار سعادتمندان و تیره بختان در قیامت

**هدف و فلسفه نزول سوره فجر 146**

بیان امتحان الهی از طریق اعطا و منع مال دنیا

**هدف و فلسفه نزول سوره بلد 147**

بیان حقیقت خلقت انسان بر اساس رنج

**هدف و فلسفه نزول سوره شمس 147**

بیان راه تزکیه باطن آدمی با پرورش صالح و آرایش تقوی

**هدف و فلسفه نزول سوره لیل 148**

تهدید و انذار از طریق بیان متفاوت بودن سعی انسانها

**هدف و فلسفه نزول سوره ضحی 148**

شاد کردن دل رسول الله« ص»

**هدف و فلسفه نزول سوره انشراح 149**

یادآوری نعمتهای خدا به رسولش و امر به تشدید خدمت در راه او

**هدف و فلسفه نزول سوره تین 149**

شرح مساله بعث و جزا با بیان خلقت انسان و بقای او بر فطرت یا سقوط

**هدف و فلسفه نزول سوره علق 149**

دستور به رسول الله برای تلقی قرآن نازل با وحی الهی

**هدف و فلسفه نزول سوره قدر 150**

بیان نزول قرآن در شب قدر و عظمت شب قدر

**هدف و فلسفه نزول سوره بیّنه 150**

تسجیل عمومیت رسالت رسول الله برای عموم بشر

**هدف و فلسفه نزول سوره زلزال 650**

اشاره به آثار وقوع قیامت و زلزله زمین و تبعات آن

**هدف و فلسفه نزول سوره عادیات 151**

بیان ناسپاسی انسان و کفران نعمتهای پروردگاش

**هدف و فلسفه نزول سوره قارعه 151**

تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن

**هدف و فلسفه نزول سوره تکاثر 151**

توبیخ شدید مردم از سبقت در جمع مال وغفلت از خدای

**هدف و فلسفه نزول سوره عصر 152**

بیان عصاره تمامی معارف الهی قرآن در چند جمله کوتاه

**هدف و فلسفه نزول سوره همزه 152**

تهدید شدید جمع آورندگان مال به قصد کبرفروشی و عیبجوئی از مردم

**هدف و فلسفه نزول سوره فیل 152**

بیان معجزه الهی در صیانت از مکه

**هدف و فلسفه نزول سوره قریش 153**

بیان تامین امنیت مکه و دعوت به عبادت رب بیت

**هدف و فلسفه نزول سوره ماعون 153**

تهدید مسلمان نماهای متخلق به اخلاق منافقان

**هدف و فلسفه نزول سوره کوثر 153**

دلداری و تسلی رسول الله با اعطای کوثر

**هدف و فلسفه نزول سوره کافرون 154**

دستور اعلام برائت رسول الله از دین کفار

**هدف و فلسفه نزول سوره نصر 154**

وعده پیروزی اسلام و مسلمان شدن جمعی کفار

**هدف و فلسفه نزول سوره تبت 154**

تهدید شدید ابولهب به هلاکت خودش و عملش

**هدف و فلسفه نزول سوره اخلاص 155**

بیان توحید خاص قرآنی

و اساس معارف اصولی و فروعی و اخلاقی اسلام

**هدف و فلسفه نزول سوره فلق 155**

امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شرور

**هدف و فلسفه نزول سوره ناس 155**

امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شر وسواس خناس

# مقدمه مـؤلـف

اِنَّــهُ لَقُـرْآنٌ كَـــريــمٌ **« اين قـــــــــرآنـى اســت كــريـــــــــــم! »**

فـى كِتــابٍ مَكْنُـــــونٍ **« در كتــــــــابـــــــى مكنـــــــــــــــــــــــون! »**

لا يَمَسُّــهُ اِلاَّ **الْمُطَهَّـــروُنَ « كه جز دست پــاكــان و فهـم خاصان بدان نرسد! »**

**(77 ـ 79/ واقعه)**

**اين كتاب به منزله يك «كتاب مرجع» يا فرهنگ معارف قرآن است**

**كه از «تفسير الميزان» انتخـاب و تلخيـص و بر حسب موضوع، طبقه‏بندى شده است.**

در یک « طبقه بندی کلی» از موضوعات قرآن كريم در تفسیر المیزان قريب 77 عنوان انتخاب شد که هر يك یا چند موضوع، عنوانی براى تهيه يك كتاب در نظر گرفته شد. هر كتاب در داخل خود به چندين فصل يا عنوان فرعى تقسيم گرديد. هرفصل نيز به سرفصل‏هايى تقسيم شد. در اين سرفصل‏ها، آيات و مفاهيم قرآنى از متن تفسيـر الميــزان انتخــاب و پس از تلخيص، به روال منطقى طبقه‏بندى و درج گرديد، به طورى كه خواننده جوان و محقق ما با مطالعه اين مطالب كوتاه وارد جهان شگفت‏انگيز آيات و معارف قرآن عظيم گردد.

تعدادی از این مجلدات هم گفتارهای مربوط به همین موضوعات و همچنین تحقیقاتی است که علامه طباطبائی رضوان الله علیه درباره اهداف آیات و سوره های قرآن کریم به عمل آورده است. آخرین مجلد منتخبی خلاصه از 21 جلد قبلی است.

در نظر گرفته شد این مجلدات بر اساس سلیقه خوانندگان در شکل ها و قطع های مختلف آماده شود. در قطع وزیری تعداد این مجلدات به 22 رسید. در قطع جیبی نیز چند بخش از هر کتاب اصلی، عنوان یک کتاب در نظر گرفته شد و در نتیجه به 77 جلد رسید.

کتاب حاضر یکی از 77 جلد جیبی است که برای احتراز از تکرار، مقدمه ها و فهرست عناوین موجود در کتاب اصلی، در آن تکرار نشده است.

... و همه توفیقاتی که از جانب حق تعالی برای تألیف این کتاب به بنده خود داده شده، ثواب و توشه راهی است که روح پاک و مقدس علامه طباطبائی بزرگوار به امت اسلام در سراسر جهان پخش کرده است. روحش با فاتحه ای از صمیم دل همه مان شاد باد!

و نیز... همسر مهربانم که در آخر این سالها روحش به مهمانی خدا رفت، سال های طولانی یار راه متحمل من بود... سائل فاتحه و یاسین است!

**سید مهدی ( حبیبی) امین**

بخش اول

**بررسی هدف**

**سوره ابراهیم(ع) تا سوره ناس**

**هدف و فلسفه نزول سوره ابراهیم**

**( الميزان ج : 12 ص :3 )**

# بیان اوصاف قرآن کریم به عنوان معجزه و نشانه رسالت رسول الله «ص»

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الر! كتَبٌ أَنزَلْنَهُ إِلَيْك لِتُخْرِجَ النَّاس مِنَ الظلُمَتِ إِلى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلى صِرَطِ الْعَزِيزِ الحَمِيدِ...!» (1تا5/ابراهیم)**

آيات كريمه اين سوره، پيرامون اوصاف قرآنى كه بر پيغمبر اسلام صلوات الله عليه نازل شده بحث مى‏كند و آن را با اوصاف زير معرفى مى‏نمايد:

اين كتاب، آيت و معجزه و نشانه رسالت آن جناب است و مردم را از ظلمت‏ها به سوى نور بيرون مى‏كشد و به راه مستقيم خدا راهنمائيشان مى‏كند، خدايى كه عزيز و حميد است، يعنى غالب و قاهرى است كه هرگز مغلوب كسى نمى‏شود و غنى و بى نيازى است كه هرگز محتاج كسى نمى‏گردد، خدايى كه در كارهاى خدائيش جميل است، يعنى براى مردم جز خوبى و نعمت منظورى ندارد!

وقتى خدا منعم و غالب و بى نياز و پسنديده كار باشد، بر مردم كه منعم عليه او هستند لازم است كه دعوت او را لبيك گويند، تا در نتيجه از نعمتهايى كه او به ايشان ارزانى داشته برخوردار شوند و آن نعمتها به سعادتشان تمام شود.

و نيز لازم است كه از غضب او بر حذر باشند، زيرا پر واضح است كه عذاب خدائى كه هم قوى است و هم بى نياز مطلق، شديد خواهد بود، چرا كه او مى‏تواند از وجود بندگانش چشم پوشيده، همه را دستخوش هلاكت نمايد و به ديار عدم بفرستد و از نو خلق و بندگان ديگرى بيافريند همچنانكه همين عمل را در امم گذشته انجام داده است .

آرى ، تمامى موجودات ريز و درشت و زمينى و آسمانى اين عالم ، با زبان حال ، گوياى اين حقيقتند كه رب العزة و ولى حميد تنها او است و رب ديگرى غير از او نيست .

اين خلاصه و برداشتى بود از آيات اين سوره كه با آيه زير كه مى‏فرمايد: **«هذا بلاغ للناس و لينذروا به و ليعلموا انما هو اله واحد و ليذكر اولوا الالباب!»** ختم مى‏شود.

**هدف آیه 6 تا 18 سوره ابراهیم الميزان ج : 12 ص : 25**

# ذکر ایام الله: روزها و مواقف نزول نعمت ها و نقمت ها

**« وَ إِذْ قَالَ مُوسى لِقَوْمِهِ اذْكرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكمْ إِذْ أَنجَاكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسومُونَكُمْ سوءَ الْعَذَابِ وَ يُذَبحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يَستَحْيُونَ نِساءَكمْ وَ فى ذَلِكم بَلاءٌ مِّن رَّبِّكمْ عَظِيمٌ‏...!»**

اين آيات، مشتمل بر ذكر پاره‏اى از نعمتها و نقمتهاى خدا است كه هر كدام در روز معينى رخ داده است.

از ظاهر سياق اين آيات بر مى‏آيد كه همه اين آيات غير از آيه:« و اذ تاذن ربكم ...!» نقل كلام حضرت موسى عليه‏السلام‏ است، كه موسى بن عمران عليهماالسلام‏ در اين آيات، مردم خود را به پاره‏اى از ايام خداى سبحان كه به مقتضاى عزت مطلقه‏اش، نعمتها و يا عذابهايى فرستاده و هر كدام را به مقتضاى حكمت بالغه‏اش در جاى خود فرستاده تذكر مى‏دهد و به يادشان مى‏آورد!

**هدف آیه 19 تا 34 سوره ابراهیم الميزان ج : 12 ص : 53**

# بیان وجود حق در اساس عالم و رستگاری سالکان راه حق

**« أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السمَوَتِ وَ الأَرْض بِالحَقّ‏ِ إِن يَشأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بخَلْقٍ جَدِيدٍ...!»**

اين آيات، مردم را به مساله خداشناسى تذكر مى‏دهد، ولى خطاب در آنها همه متوجه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ است كه يكى پس از ديگرى مى‏فرمايد: « ا لم تر ... ا لم تر ... ا لم تر - آيا نمى‏بينى؟»

خداى تعالى در اين آيات، اين معنا را تذكر مى‏دهد كه اين عالم بر اساس حق، خلق شده و تمامى انسانها به زودى مبعوث مى‏شوند و آنهايى كه در زندگى دنيا، زندگيشان بر اساس حق بوده و به حق ايمان آورده و به آن عمل كرده‏اند به سعادت و بهشت نائل مى‏شوند و آنهايى كه زندگيشان بر اساس باطل بوده، يعنى باطل را پرستيده و شيطان را پيروى كردند و طاغيان مستكبر را اطاعت نمودند، چون فريب عزت و قدرت ظاهرى آنان را خوردند، چنين افرادى در آخرت قرين شقاوت خواهند بود و همانهايى كه اينها پيرويشان مى‏كردند از اينها بيزارى مى‏جويند و شيطانهاى انسى و جنى كه معبود اينها قرار گرفته بودند، اظهار بيگانگى مى‏كنند و برايشان معلوم مى‏شود كه عزت و حمد ، همه از خدا بوده است!

آنگاه اين معنا را تذكر مى‏دهد كه تقسيم كردن مردم به دو قسم، از اين جهت است كه سلوك و رفتار آنان دو قسم بوده است، يكى سلوك هدايت و يكى سلوك ضلالت، آن كسى كه اولى را دارد، مؤمن و آن كس كه دومى را گرفته ظالم است، انتخاب دوگانه از قدرت و اختيار خداوند بيرون نبوده و هر چه بخواهد مى‏كند و عزت و حمد مخصوص اوست! سپس وضع امتهاى گذشته را كه به خاطر كفران نعمت خداى عزيز و حميد دچار هلاكت و انقراض شدند، خاطرنشان ساخته، انسانها را بخاطر ظلم و كفران نعمت خدا كه تمام عالم وجود را پر كرده و آنها را نمى‏توان احصاء نمود، عتاب مى‏فرمايد.

**هدف آیه 35 تا 41 سوره ابراهیم الميزان ج : 12 ص : 96**

# بیان دعای ابراهیم برای سرزمین و اهل مکه

**« وَ إِذْ قَالَ إِبْرَهِيمُ رَب اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِناً وَ اجْنُبْنى وَ بَنىَّ أَن نَّعْبُدَ الأَصنَامَ...!»**

اين آيات بعد از تذكرى كه در آيات گذشته يعنى از آيه:« و اذ قال موسى لقومه اذكروا نعمة الله عليكم اذ انجيكم من آل فرعون ... !» به بعد مى‏داد، براى بار دوم نعمتهايى را تذكر مى‏دهد و نخست نعمتهايى را كه خداى سبحان به عموم بندگان مؤمنش - كه همان بنى اسرائيل از ولد ابراهيم باشند - داده يادآورى مى‏كند و سپس نعمتهاى ديگرش را كه به دودمان ديگر از نسل ابراهيم يعنى فرزند اسماعيل ارزانى داشته خاطرنشان مى‏سازد و آن نعمتها عبارت است از همان چيزهايى كه ابراهيم عليه‏السلام در دعاى خود از خداى تعالى درخواست نموده و گفته بود:« رب اجعل هذا البلد آمنا ...!» كه يكى از آنها طلب توفيق بر اجتناب از بت‏پرستى و يكى نعمت امنيت مكه و يكى تمايل دلها به سوى اهل مكه و يكى برخوردارى آنان از ميوه‏ها و غير آن است و همه آنها بدين جهت كه عزيز و حميد بودن خدا را اثبات كند ، خاطر نشان شده است!

**هدف آیه 42 تا 52 سوره ابراهیم الميزان ج : 12 ص :117**

# بیان غافل نبودن خدا از ظالمان

**« وَ لا تَحْسبنَّ اللَّهَ غَفِلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظلِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشخَص فِيهِ الأَبْصرُ...!»**

بعد از آنكه در آيات قبل بشر را انذار نمود و بشارت داد و به صراط خود دعوت نمود و فهمانيد كه همه اينها بخاطر اين است كه خدا عزيز و حميد است، اينك در آيه اول از آيات مورد بحث آن مطالب را به آيه‏اى ختم نموده كه در حقيقت جواب از توهمى است كه ممكن است بعضى فكر كنند كه اگر اين حرفها درست است و راستى اين دعوت، دعوت نبوى و از ناحيه پروردگارى عزيز و حميد است، پس چرا مى‏بينيم اين ستمكاران همچنان سرگرم تمتعات خويشند؟ و چرا آن خداى عزيز و حميد ايشان را به ظلمشان نمى‏گيرد؟ و به دهان متخلفين از دعوت اين پيغمبر و مخالفين او لجام نمى‏زند؟ اگر آن خدا ، خدايى غافل و بى خبر از اعمال ايشان است و يا خدايى است كه خودش وعده خود را خلف مى‏كند و پيغمبران خود را كه وعده نصرتشان داده بود يارى نمى‏نمايد كه چنين خدايى قابل پرستش نيست .

در آيه مزبور از اين توهم جواب داده كه: نه خداى تعالى از آنچه ستمكاران مى‏كنند غافل نيست و وعده‏اى را هم كه به پيغمبرانش داده خلف نمى‏كند و چگونه غافل است و خلف وعده مى‏كند با اينكه او داناى به مكر و عزيزى صاحب انتقام است، بلكه اگر آنها را به خشم خود نمى‏گيرد براى اين است كه مى‏خواهد عذابشان را براى روز سختى تاخير بيندازد و آن روز جزاست. علاوه بر اينكه در همين دنيا هم آنها را عذاب خواهد كرد، همچنانكه امتهاى گذشته را هلاك نمود. و آنگاه سوره مورد بحث را به آيه زير كه جامع‏ترين آيات نسبت به غرض اين سوره است ختم نموده و فرموده است:« هذا بلاغ للناس و لينذروا به و ليعلموا انما هو اله واحد و ليذكر اولوا الالباب!»

**هدف و فلسفه نزول سوره حجر**

**( الميزان ج : 12 ص :137 )**

# هدف و فلسفه نزول سوره حجر

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الر! تِلْك ءَايَت الْكتَبِ وَ قُرْءَانٍ مُّبِينٍ‏...» (1تا9/حجر)**

اين سوره پيرامون استهزاء كفار به رسول خدا «ص»‏ سخن مى‏گويد كه نسبت جنون به آنجناب داده و قرآن كريم را هذيان ديوانگان خوانده بودند .

پس در حقيقت در اين سوره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را تسلاى خاطر داده و وى را به صبر و ثبات و گذشت از آنان سفارش مى‏كند و نفس شريفش را خوشحال و مردم را بشارت و انذار مى‏دهد .

در اين سوره آيه:« فاصدع بما تؤمر و اعرض عن المشركين ...!» قرار دارد كه با يك مساله تاريخى در باره شروع دعوت اسلامى قابل انطباق است و آن مساله اين است كه رسول خدا «ص» در اول بعثت، دعوت خود را علنى نكرد و تا مدت سه و يا چهار و يا پنج سال پنهانى دعوت مى‏نمود، زيرا اوضاع آن قدر نامساعد بود كه اجازه چنين اقدامى نمى‏داد، لذا در اين مدت آحادى از مردم را كه احتمال مى‏داد دعوتش را قبول كنند ملاقات مى‏كرد و دعوت خود را پنهانى با آنان در ميان مى‏گذاشت تا آنكه خداى تعالى با آيه مذكور اجازه‏اش داد تا دعوتش را علنى كند .

از جمله آيات برجسته‏اى كه در اين سوره واقع شده و حقايق بسيار مهمى از معارف الهى را در بر دارد آيه:« و ان من شى‏ء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم!» و آيه:« انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون!» است .

**هدف آیه 10 تا 15 سوره حجر الميزان ج : 12 ص : 194**

# بیان سنت های جاری بین مجرمین و اقوام فاسد

**« وَ لَقَدْ أَرْسلْنَا مِن قَبْلِك فى شِيَع الأَوَّلِينَ‏...!»**

بعد از آنكه داستان استهزاء كفار به كتاب خدا و پيغمبرش و معجزه آمدن ملائكه را كه به عنوان آيت رسالت اقتراح و پيشنهاد كردند، ذكر نمود، اينك در دنبالش سه دسته از آيات را آورده كه در ابتدائش كلمه« و لقد» بكار رفته است . يكى آيه:« و لقد ارسلنا من قبلك ...!» است و يكى آيه:« و لقد جعلنا فى السماء بروجا!» و سوم آيه:« و لقد خلقنا الانسان من صلصال!»

در اولى اين معنا را بيان كرده كه استهزاء عادت و سنت جارى مجرمين است و اينها ايمان آور نيستند ، هر چند كه هر قسم آيتى برايشان بياورى!

در دومى اين معنا را كه اگر كسى بخواهد ايمان بياورد به قدر كفايت، آيات آسمانى و زمينى هست!

در سومى اين معنا را كه اختلاف ميان نوع بشر به ايمان و كفر و ضلالت از چيزهايى است كه خداوند در روز آغاز خلقتشان تقدير و تعيين نمود، از همان ابتداء خلقت آدم را خلق كرد و آن ماجراى ميان او و ملائكه و ابليس در امر سجود پيش آمد .

**هدف آیه 16 تا 25 سوره حجر الميزان ج : 12 ص : 200**

# بیان معارف حقیقی و اسرار الهی در آسمانها و زمین و خزاین اشیاء

**« وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فى السمَاءِ بُرُوجاً وَ زَيَّنَّهَا لِلنَّظِرِينَ‏...!»**

بعد از آنكه خداى سبحان اعراض مشركين از معجزه قرآن و پيشنهادشان را در باره معجزه ديگرى كه عبارت بود از آمدن ملائكه بيان كرد و همچنين جواب از آن را كه ممتنع و مستلزم نابودى ايشان است بداد، اينك در اين آيات تعدادى از آيات و معجزات زمين و آسمان را كه بر توحيد دلالت مى‏كند بر مى‏شمارد ، تا اگر عقل داشته باشند عبرت بگيرند و حجت بر مجرمين تمام شود .

و در اين آيات از معارف حقيقى و اسرار الهى مطالب بلند و دقائق بسيارى گنجانده شده است.

**هدف آیه 26 تا 48 سوره حجر الميزان ج : 12 ص : 220**

# بیان قضاء الهی در خلقت اولیه و سعادت و تیره بختی انسانها

**« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الانسنَ مِن صلْصلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسنُونٍ‏...!»**

اين بيست و سه آيه، سوم از آياتى است كه به دنبال آغاز سوره كه در باره استهزاى كفار به كتاب خدا و پيغمبرش و درخواست آيتى غير قرآن بود ايراد مى‏شود.

در اين آيات خداى سبحان آغاز خلقت جن و انس و دستور دادنش به ملائكه و ابليس كه بر او سجده كنند و سجده ملائكه و امتناع ابليس را كه از جن است و رجم او و گمراهى بنى آدم به دست او و به كرسى نشستن قضاى خدا در سعادت متقين و شقاوت گمراهان ، را بيان مى‏كند!

**هدف آیه 49 تا 84 سوره حجر الميزان ج : 12 ص : 262**

# بیان نمونه هائی از بشارت و انذار الهی و سرانجام جوامع فاسد

**« نَبئْ عِبَادِى أَنى أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ‏! وَ أَنَّ عَذَابى هُوَ الْعَذَاب الأَلِيمُ‏ ! وَ نَبِّئْهُمْ عَن ضيْفِ إِبْرَهِيمَ‏...!»**

بعد از آنكه خداى تعالى پيرامون استهزائى كه مشركين به رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله ‏وسلّم و كتاب نازل بر او و همچنين پيرامون اقتراح آنان كه بايد ملائكه را بياورد و اينكه اگر ملائكه را هم بياورد ايمان نخواهند آورد، با روشن‏ترين بيان بحث فرمود، اينك در اين آيات شروع به نصيحت آنان نموده، در دو آيه اول بشارت و انذار مى‏دهد و آنگاه با ذكر داستانى كه جامع هر دو جهت است - يعنى داستان ميهمانان ابراهيم عليه‏السلام‏ كه براى او بشارت آورده بودند، آن هم بشارتى كه هيچ انتظارش را نداشت و براى قوم لوط عليه‏السلام‏ عذاب آورده بودند، آن هم عذابى كه از شديدترين عذاب‏ها بود - مطلب را تاييد فرمود.

و سپس با اشاره‏اى اجمالى به داستان اصحاب ايكه كه قوم شعيب عليه‏السلام بودند و اصحاب حجر كه مردم و قوم صالح عليه‏السلام‏ بودند تاييد ديگرى كرد.

**هدف آیه 85 تا 99 سوره حجر الميزان ج : 12 ص : 276**

# دستوری برای رسول الله جهت انجام وظایف عبادی و اعراض از مشرکین

**« وَ مَا خَلَقْنَا السمَوَتِ وَ الأَرْض وَ مَا بَيْنهُمَا إِلا بِالْحَقّ‏ِ وَ إِنَّ الساعَةَ لاَتِيَةٌ فَاصفَح الصفْحَ الجَمِيلَ‏...!»**

در اين آيات غرضى كه در آيات قبلى بود خلاصه مى‏شود، غرض از آن آيات اين بود كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را به قيام بر انجام ماموريت و رسالت خود و اعراض و گذشت از جفاهاى مشركين دعوت كند و تسلاى خاطر دهد كه از آنچه مى‏گويند غمگين و تنگ حوصله نگردد، زيرا قضاى حق بر اين رانده شده كه مردم را به اعمالشان در دنيا و آخرت و مخصوصا در روز قيامت - كه هيچ شكى در آن نيست - سزا دهد، همان روزى كه احدى را از قلم نمى‏اندازد و به اندازه يك ذره هم از خير و شر كسى را بدون كيفر و پاداش نمى‏گذارد و با در پيش داشتن چنين روزى، ديگر جاى تاسف خوردن بر كفر كافران باقى نمى‏ماند، چون خدا بدان دانا است و به زودى جزاى اعمالشان را مى‏دهد و نيز جاى تنگ حوصلگى و اندوه نيست ، چون به خداى سبحان مشغول گشتن مهم‏تر و واجب‏تر است!

در اينجا خداى سبحان مساله اعراض و گذشت از كفارى را كه او را مسخره مى‏كردند تكرار كرده - همان كفارى كه در ابتداى سوره ذكرشان گذشت - و همچنين سفارش فرموده بود كه به تسبيح و حمد و عبادت خداى خود بپردازد و خبر داده بود كه خود او شر كفار را از او مى‏گرداند، اينك در اين آيات هم همين را تكرار مى‏كند كه به كار رسالت خود مشغول باشد. در همين جا سوره پايان مى‏پذيرد.

**هدف و فلسفه نزول سوره نحل**

**( الميزان ج : 12 ص :296 )**

# بیان غلبه دین حق بر کفار و انحصاری بودن تشریع دین

# و بیان شرح هجرت رسول الله«ص» به مدینه

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَستَعْجِلُوهُ سبْحَنَهُ وَ تَعَلى عَمَّا يُشرِكُونَ‏! يُنزِّلُ الْمَلَئكَةَ بِالرُّوح مِنْ أَمْرِهِ عَلى مَن يَشاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلا أَنَا فَاتَّقُونِ...!» (1تا21/نحل)**

اگر به دقت در اين سوره نظر كنيم ظن قوى پيدا مى‏شود كه صدر اين سوره از آياتى است كه در روزهاى آخر توقف رسول خدا «ص»‏ در مكه در نزديكى‏هاى مهاجرتش به مدينه نازل شده است و اين آيات، چهل آيه اول آن است، كه خداى سبحان در قسمتى از آن انواع نعمتهاى آسمانى و زمينى را كه مايه حيات انسانى است و انسان در معاشش از آن بهره‏مند مى‏شود خاطر نشان فرموده و از راه نظام متقن و تدبير يك نواختى كه در آنها است بر وحدانيت خود در ربوبيت استدلال فرموده است .

و در قسمتى ديگر، احتجاج مى‏كند بر بطلان پندارهاى مشركين و بى ثمر بودن مساعى ايشان و اينكه به زودى كيفر ايشان را مى‏دهد، همچنانكه امتهاى گذشته را كه مثل اينان بودند كيفر داد و به زودى در روز قيامت در حق آنان فصل قضاء مى‏كند .

خداى سبحان اين آيات را با جمله:« اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالى عما يشركون!» افتتاح نموده و آيات احتجاج را بر تقديس و تنزيه و تسبيحى كه در آنست متفرع كرد و از اين تفريع چنين فهميده مى‏شود كه غرض عمده از آيات صدر سوره اين است كه از نزديك بودن امر الهى خبر دهد و هشدار دهد كه به زودى بر آنان نازل مى‏شود و نيز در اين تفريع تهديدى است بر مشركين كه از در استهزاء مى‏گفتند: پس چرا عذابى كه مى‏گويى نازل نمى‏شود تا ما را تهديد نمايد و نيز با جمله:« فاعفوا و اصفحوا حتى ياتى الله بامره!» مؤمنين را بشارت مى‏دهد بر اينكه به زودى حق بر باطل غلبه نموده و توحيد بر شرك و ايمان بر كفر ظفر مى‏يابد، اين فهرست آن مطالبى است كه با دقت در آيات صدر سوره استفاده مى‏شود.

غرض سوره خبر دادن به نزديك شدن امر خداست كه عبارت است از: غلبه دين حق بر كفار، كه خداى تعالى اين معنا را با بيان اينكه: تنها خداى تعالى اله معبود است نه ديگرى چون تدبير عالم مانند خلقتش قائم به او است و نيز همه نعمتها به او منتهى مى‏گردد و هيچ يك از آنها مصنوع غير او نيست نتيجه مى‏گيرد پس واجب است همان خدا به تنهائى عبادت شود .

و همچنين با بيان اينكه: دين حق از خدا است پس واجب است كه غير دين او دينى و قانونى ديگر تشريع نشود و باز با بيان امورى از دين الهى، توضيح مى‏دهد .

اين، آن غرضى است كه معظم آيات اين سوره آن را دنبال نموده و با بيانهاى مختلفى تعقيب مى‏نمايد، در ضمن بيان اين غرض ، آياتى هم هست كه مساله هجرت و پاره‏اى مطالب مناسب با آن را ايراد مى‏نمايد.

**هدف آیه 22 تا 40 سوره نحل الميزان ج : 12 ص : 330**

# بیان عیوب وصفات بد مشرکین ناشی از انکار توحید

**« إِلَهُكمْ إِلَهٌ وَحِدٌ فَالَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالاَخِرَةِ قُلُوبهُم مُّنكِرَةٌ وَ هُم مُّستَكْبرُونَ‏....!»**

اين آيات، قسمت دوم از آيات صدر سوره است، قسمت اولش متضمن بيان توحيد ربوبيت و اقامه حجت عليه مشركين و انذار آنان به آوردن عذاب و تنزيه خداى سبحان از شرك ايشان بود .

و اين قسمت يعنى قسمت دوم، متضمن مطالبى است كه مناسب با آن بيان است از قبيل بيان عيبهاى مشركين و صفات بد آنان، كه همه ناشى از انكار توحيد است و مانند سخنان باطل و استكبارشان در برابر خدا و استهزاء آيات او و انكار حشر و نيز متضمن بيان بطلان اين سخنان و تهديد ايشان است به آمدن عذاب دنيوى و هشدارشان از عذاب روز مرگ و روز قيامت و نيز حقايقى ديگر .

**هدف آیه 41 تا 64 سوره نحل الميزان ج : 12 ص : 367**

# بیان هجرت رسول خدا و وعده نیکوی خدا برای مهاجرین در راه خدا

**« وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فى اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فى الدُّنْيَا حَسنَةً وَ لأَجْرُ الاَخِرَةِ أَكْبرُ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ‏...!»**

دو آيه اول اين آيات داستان هجرت را يادآورى نموده و به مهاجرين در راه خدا وعده نيكويى در دنيا و آخرت مى‏دهد و ما بقى آيات، داستان شرك مشركين و تشريع احكام بدون اذن خدا را كه كار مشركين بود تعقيب و بر حسب معنا جواب مفصلى است به گفتار مشركين كه دعوت نبوى به ترك عبادت آلهه و ترك تشريع احكام را امرى محال مى‏دانستند و مى‏گفتند:« لو شاء الله ما عبدنا ...!»

مراد از مهاجرت در خدا اين است كه مهاجرت براى كسب رضاى خدا باشد و اين هدف محيط به ايشان باشد و جز آن هدف ديگرى نداشته باشند!

مهاجرين در راه خدا براى دين مهاجرت كردند كه مجتمعى اسلامى و پاك تشكيل دهند كه در آن مجتمع جز خدا كسى پرستش نشود و جز عدل و احسان چيزى حكومت نكند و يا براى اين بود كه به مجتمعى وارد شوند و در آن منزل كنند كه وضعش چنين باشد، پس اگر از مهاجرتشان اميد حسنه‏اى داشتند و يا وعده حسنه‏اى داده شدند آن حسنه همين مجتمع صالح بود و نيز اگر آن شهر را كه بدان مهاجرت كردند، ستودند براى اين بود كه جاى تشكيل چنين مجتمعى بوده نه براى اينكه آب و هوايش خوب بوده، پس هدف و غرض از حسنه‏اى كه وعده داده شدند كه در دنيا به آن برسند همين مجتمع صالح بوده چه اينكه مقصود از حسنه شهر باشد و يا حالت حسنه‏اى كه در آن شهر به خود مى‏گيرند .

**هدف آیه 65 تا 77 سوره نحل الميزان ج : 12 ص : 415**

# اثبات توحید و بعث و نبوت با شمارش نعمت های الهی

**« وَ اللَّهُ أَنزَلَ مِنَ السمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الأَرْض بَعْدَ مَوْتهَا إِنَّ فى ذَلِك لاَيَةً لِّقَوْمٍ يَسمَعُونَ‏...!»**

رجوعى است بعد از رجوع به شمردن نعمت‏هاى الهى و نتيجه گرفتن توحيد و نتيجه گرفتن بعث از اين آيات و اشاره‏اى است به مساله تشريع ، كه عبارت است از نبوت!

**هدف آیه 78 تا 89 سوره نحل الميزان ج : 12 ص : 449**

# اثبات وحدانیت در ربوبیت و مسئله بعث و نبوت با بیان نعمت های الهی

**« وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطونِ أُمَّهَتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السمْعَ وَ الأَبْصرَ وَ الأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشكُرُونَ‏...!»**

اين آيات، تعدادى ديگر از نعمت‏هاى الهى را بر مى‏شمارد و سپس كلام را معطوف به سوى نتيجه‏اى مى‏كند كه آن نتيجه، حق محض در مساله وحدانيت خداى تعالى در ربوبيت و در مساله بعثت در قيامت و در مساله نبوت و شرايع عينا مانند دسته قبلى آيات است كه در آنها نيز برداشت سخن بهمين منوال بود!

**هدف آیه 90 تا 105 سوره نحل الميزان ج : 12 ص : 474**

# ابلاغ احکام الهی در مکه برای اصلاح حال عمومی جامعه

**« إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الاحْسنِ وَ إِيتَاى ذِى الْقُرْبى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنكرِ وَ الْبَغْىِ يَعِظكُمْ لَعَلَّكمْ تَذَكَّرُونَ...!»**

اين آيات برخى از احكام را كه با اسلام قبل از هجرت سازگار است و مايه اصلاح حال عمومى اجتماع است مانند نهى از فحشاء و منكر و ستم و آنچه ملحق به آن است مانند امر به سركشى از خويشاوندان و نهى از شكستن عهد و سوگند ذكر مى‏كند و نيز مطالب ديگرى را يادآورى مى‏كند كه مناسب اينها باشد و آن را اثبات كند .

**هدف آیه 106 تا 111 سوره نحل الميزان ج : 12 ص : 508**

# بیان حکم تقیه و پاداش مهاجرین ثابت قدم و کیفر مرتدین از دین

**« مَن كفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِيمَنِهِ إِلا مَنْ أُكرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطمَئنُّ بِالايمَنِ وَ لَكِن مَّن شرَحَ بِالْكُفْرِ صدْراً فَعَلَيْهِمْ غَضبٌ مِّنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ‏...!**

در اين آيات عليه كفارى كه بعد از ايمان به خدا كافر گشته و مرتد شدند تهديد نموده و مهاجرين را كه در جهاد خود دچار زحمت گشته و در راه خدا صبر كردند وعده جميل داده و متعرض حكم تقيه نيز شده است.

**هدف آیه 112 تا 128 سوره نحل الميزان ج : 12 ص : 519**

# بیان احکام حرام و حلال و انطباق دین اسلام و دین ابراهیم

**« وَ ضرَب اللَّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كانَت ءَامِنَةً مُّطمَئنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَداً مِّن كلّ‏ِ مَكانٍ فَكفَرَت بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاس الْجُوع وَ الْخَوْفِ بِمَا كانُوا يَصنَعُونَ‏...!»**

اين دسته از آيات، تتمه احكامى را بيان مى‏كند كه در آيات قبل بود، در اين آيات خوردنيهاى حرام و حلال را بيان نموده از تحريم و تحليل بدعتى و بدون اذن خدا نهى مى‏كند و نيز پاره‏اى از احكام را كه براى يهود تشريع شده بود و سپس نسخ شد ذكر نموده، در حقيقت مساله نسخ كه در آيه:« و اذا بدلنا آية مكان آية...!» گذشت عطف نموده و اين معنا را خاطر نشان مى‏سازد كه: آنچه بر رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ نازل شده دين ابراهيم است كه بر اساس اعتدال و توحيد بنا شده و آن احكام طاقت‏فرسا كه در دين يهود بود از دين او برداشته شده است .

و در آخر امر به عدالت در مجازات و دعوت به صبر و احتساب نموده و با وعده جميل به نصرت و كفايت براى كسانى كه تقوى پيشه نموده و احسان كنند آن را خاتمه مى‏دهد .

**هدف و فلسفه نزول سوره اسری**

**( الميزان ج : 13 ص :3 )**

# تسبیح خدای تعالی و بیان معراج رسول الله "ص"

# مقدرات بنی اسرائیل

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! سبْحَنَ الَّذِى أَسرَى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِّنَ الْمَسجِدِ الْحَرَامِ إِلى الْمَسجِدِ الأَقْصا الَّذِى بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنرِيَهُ مِنْ ءَايَتِنَا إِنَّهُ هُوَ السمِيعُ الْبَصِيرُ!»**

**(1/اسری)**

اين سوره پيرامون مساله توحيد و تنزيه خداى تعالى از هر شريكى كه تصور شود مى‏باشد و با اينكه در اين مورد بحث مى‏كند، اما مساله تسبيح خدا را بر مساله حمد و ثناى او غلبه داده و بيشتر به قسم دوم پرداخته است، همچنان كه ابتداى آن را با جمله:« سبحان الذى اسرى بعبده ...!» شروع كرده و در خلال سوره هم پى در پى تسبيح او را تكرار نموده، يك جا فرموده:« سبحانه و تعالى عما يقولون!» و جايى ديگر فرموده:« قل سبحان ربى!» و يا فرموده:« و يقولون سبحان ربنا ...!» و حتى در آيه‏اى كه سوره به آن ختم مى‏شود نيز معناى تسبيح خداى را متذكر گرديده و او را بر تنزهش از داشتن شريك و ولى و اتخاذ فرزند ستوده و فرموده است: **« و قل الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا و لم يكن له شريك فى الملك و لم يكن له ولى من الذل و كبره تكبيرا!»**

سوره مورد بحث هدفى را دنبال مى‏كند كه آن عبارت است از تسبيح خداى تعالى، اين سوره مطلب را با اشاره به داستان معراج رسول خدا صلى‏الله‏عليه ‏وآله‏وسلّم و سير آن حضرت از مسجد الحرام به مسجد اقصى( كه همان بيت المقدس باشد و بنائى است مرتفع «هيكل» كه داوود و سليمان عليهماالسلام‏ براى بنى اسرائيل بنا نمودند و خدا آن را خانه مقدس ايشان قرار داد،) شروع نموده و متذكر شده است.

آنگاه كلام را به مناسبت، به مقدرات بنى اسرائيل كشانده، از عزت و ذلت آنان و اينكه خداوند در هر روزگارى كه او را اطاعت مى‏كردند سربلندشان مى‏كرده و هر وقت كه از در عصيان در مى‏آمدند ذليل و خوارشان مى‏ساخته، سخن گفته و نيز كيفيت نزول كتاب بر آنان و پيرامون دعوت آنان به توحيد و نفى شرك توضيح داده است .

سپس به همين مناسبت كلام را به وضع اين امت معطوف ساخته، كه بر اين امت نيز كتاب نازل كرده پس اگر اطاعت كنند اجر مى‏برند و اگر عصيان بورزند عقاب مى‏شوند و ملاك كار ايشان مانند آنان به همان اعمالى است كه مى‏كنند و به طور كلى با هر انسانى بر طبق عملش معامله مى‏كنند و سنت الهى در امتهاى گذشته نيز بر همين منوال بوده است .

پس آنگاه حقايق مهم و بسيارى از معارف مربوط به مبدأ و معاد و شرايع عامه از اوامر و نواهى و غير آن را بيان مى‏كند .

و از آيات برجسته، در اين سوره آيه شريفه:« قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى - بگو چه خدا را بخوانيد و چه رحمان را ، به هر نامى كه بخوانيد براى او است اسماى حسنى!» و نيز آيه:« كلا نمد هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربك و ما كان عطاء ربك محظورا - هر يك از طايفه مؤمن و غير مؤمن را از عطاء پروردگارت مدد مى‏رسانيم و عطاء پروردگار تو ممنوع نيست!» و نيز آيه:« و ان من قرية الا نحن مهلكوها - و هيچ قريه‏اى نيست مگر آنكه ما هلاك كننده آنيم!» و همچنين آيات ديگر، است.

**هدف آیه 2تا8 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 44**

# بیان سنت الهی در هدایت امت ها

**« وَءَاتَيْنَا مُوسى الْكِتَب وَ جَعَلْنَهُ هُدًى لِّبَنى إِسرءِيلَ أَلا تَتَّخِذُوا مِن دُونى وَكيلاً...!»**

از ظاهر سياق اين آيات كه در صدر سوره قرار دارند چنين برمى‏آيد كه در مقام بيان اين معنا است كه سنت الهى در امتها و اقوام مختلف انسانى همواره بر اين بوده است كه ايشان را به راه بندگى و توحيد هدايت نموده و رسيدن به آن را برايشان ممكن ساخته و ايشان را در پذيرفتن و نپذيرفتن مخير نموده است، نعمت‏هاى دنيا و آخرت را در اختيارشان قرار داد و ايشان را به همه رقم اسبابى كه در اطاعت و معصيت بدان نيازمندند مسلح و مجهز ساخت تا اگر اطاعت و احسان كنند به سعادت دنيا و آخرت پاداششان دهد و اگر گناه و عصيان ورزند به نكال و خوارى در دنيا و عذاب آخرت كيفرشان كند .

بنا بر اين مى‏توان گفت كه هفت آيه مذكور به منزله مثالى است كه كيفيت و چگونگى جريان اين سنت عمومى را در بنى اسرائيل مجسم مى‏سازد، بدين شرح كه خدا بر پيغمبرشان كتاب نازل كرد و آن را هدايتى قرار داد تا به وسيله آن به سوى خدايشان راه يابند و در آن كتاب چنين پيشگوئى كرد كه به زودى ترقى نموده و در اثر همان ترقى، طغيان و تباهى خواهند ورزيد و خداوند با مسلط نمودن دشمن، بر آن قوم ، انتقام سختى از آنان خواهدگرفت و خوارشان خواهد ساخت و دشمن آنقدر از ايشان بكشد و اسير كند تا آن كه غرور و طغيانشان فروكش نموده دوباره به سوى اطاعت خدا برمى‏گردند، در آنوقت خدا هم به نعمت و رحمت خود برگشته باز سرو سامانى به ايشان خواهد داد، باز براى بار دوم طغيان خواهند ورزيد و خدا هم به عذاب خود برمى‏گردد .

از اين بيان اين نتيجه به دست مى‏آيد كه آيات هفتگانه مورد بحث به منزله توطئه و زمينه‏چينى براى بيان جريان همين سنت است در امت اسلام و در حقيقت اين چند آيه نظير جمله معترضه است ميان آيه اول و آيه نهم.

**هدف آیه 9تا22 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 61**

# بیان سنت الهی در ملت اسلام

**« إِنَّ هَذَا الْقُرْءَانَ يهْدِى لِلَّتى هِىَ أَقْوَمُ وَ يُبَشرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصلِحَتِ أَنَّ لهَُمْ أَجْراً كَبِيراً...!»**

آيات سابق از سوره اسری، جريان سنت الهى را در هدايت انسان به سوى حق و دين توحيد خاطرنشان مى‏كرد و خلاصه آن سنت اين بود كه خداوند هر كس را كه دعوت حق را اجابت كند در دنيا و آخرت سعادتمند گرداند و هر كه را كه به حق كفر ورزيده و از امر او سرپيچى نمايد در دنيا و آخرت عقاب كند .

و اگر نزول تورات و حوادثى را كه بعد از آن، براى بنى اسرائيل پيش آمده، ذكر فرمود از باب تطبيق حكم كل اين سنت بر افراد و مصاديق آن بود.

و اين دسته از آيات جريان همان سنت را در اين امت خاطر نشان مى‏سازد و مى‏فرمايد كه به همان نحو كه در امت موسى عليه‏السلام‏ جريان يافت در اين امت نيز جريان مى‏يابد، آنگاه نتيجه مى‏گيرد كه پس بايد از شرك اجتناب ورزيده و همواره ملازم طريق توحيد باشند!

**هدف آیه 23تا39 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 105**

# ذکر برخی از کلیات دین

**« وَ قَضى رَبُّك أَلا تَعْبُدُوا إِلا إِيَّاهُ وَ بِالْوَلِدَيْنِ إِحْسناً إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَك الْكبرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلاهُمَا فَلا تَقُل لهَُّمَا أُفٍ وَ لا تَنهَرْهُمَا وَ قُل لَّهُمَا قَوْلاً كرِيماً... !»**

اين آيات بعضى از كليات دين را ذكر مى‏كند و در حقيقت دنباله آيه شريفه:« ان هذا القرآن يهدى للتى هى اقوم ...!» است .

**هدف آیه 40 تا 55 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 141**

# بیان مسئله توحید و سرزنش مشرکین

**« أَ فَأَصفَاکمْ رَبُّكم بِالْبَنِينَ وَ اتخَذَ مِنَ الْمَلَئكَةِ إِنَثاً إِنَّكمْ لَتَقُولُونَ قَوْلاً عَظِيماً...!»**

در اين آيات مساله توحيد و سرزنش مشركين دنبال شده است كه چگونه خدايانى براى خود درست كرده‏اند و ملائكه كرام را زنانى پنداشته‏اند و چگونه با آمدن قرآن و ادله توحيد آن، باز هم متنبه نشده و آيات قرآنى را نمى‏فهمند و در عوض فرستاده ما را و مساله بعث و نشور را مسخره مى‏كنند و سخنان زشتى در باره خدا مى‏گويند و همچنين مطالبى ديگر .

**هدف آیه 56 تا 65 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 173**

# بیان سنت الهی در چگونگی عذاب امت آخرین

**« قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلا يَمْلِكُونَ كَشف الضرِّ عَنكُمْ وَ لا تحْوِيلاً...!»**

در اين آيات در باره مساله توحيد به گونه ديگرى احتجاج شده و ربوبيت خدايانى كه مشركين مى‏پرستيدند ابطال گرديده و حاصلش اين است كه بتها قادر به رفع گرفتاريها و برداشتن آنها از پرستش كنندگان خود نيستند، بلكه آنها در احتياج به خداى سبحان مانند خود بت‏پرستانند، كه همواره در جستجوى وسيله‏اى به درگاه خدا هستند و رحمت او را اميدوار و از عذاب او بيمناكند!

و مساله گرفتاريها و هلاكت‏ها و عذابها همه به دست خداى تعالى است و او در كتاب خود نوشته كه هر قريه‏اى را قبل از روز قيامت هلاك كند و يا به عذاب شديدى مبتلا سازد، در بين امتهاى گذشته هم همين معنا را اعمال كرده، براى هر امتى آيات و معجزات خود را مى‏فرستاده و چون كفر مى‏ورزيدند و آن را تكذيب مى‏كردند دنبالش عذاب انقراض آور را مى‏فرستاده ولى در امت آخرين از آوردن آن معجزات كه دنبالش عذاب استيصال است خوددارى كرد .

آرى خداوند چنين خواست كه رفتار ايشان را با هلاكت تلافى نكند، چيزى كه هست اصل فساد در ميان آنان رو به پيشرفت است و به زودى شيطان همه‏شان را گمراه مى‏كند، آن وقت است كه وعده خدا در باره آنان محقق گشته و خدا هلاكشان مى‏سازد و اين امرى است شدنى!

**هدف آیه 66 تا 72 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 208**

# اثبات انحصار قبولی دعا و کشف ضرّ برای خدا

**« رَّبُّكُمُ الَّذِى يُزْجِى لَكمُ الْفُلْك فى الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضلِهِ إِنَّهُ كانَ بِكُمْ رَحِيماً...!»**

اين آيات در مقام تكميل نمودن آيات قبلى است و مساله استجابت دعا و كشف ضر را كه آيات قبل، از بتها و خدايان مشركين نفى مى‏كرد در باره خداى سبحان اثبات مى‏نمايد.

اينكه احتجاج مزبور با آيه:« يوم ندعوا كل اناس بامامهم ...!» ختم شده و با آن اشاره به اين معنا كرده كه اين هدايت و ضلالتى كه مورد بحث بود در آخرت نيز ملازم انسان است و نشاه آخرت مطابق نشاه دنيا است، هر كه در دنيا بينا باشد در آخرت هم بينا است و هر كه در اينجا كور باشد آنجا هم كور و بلكه گمراهتر است!

**هدف آیه 73 تا 81 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 236**

# نهی رسول الله«ص» از تمایل به مشرکین

**« وَ إِن كادُوا لَيَفْتِنُونَك عَنِ الَّذِى أَوْحَيْنَا إِلَيْك لِتَفْترِى عَلَيْنَا غَيرَهُ وَ إِذاً لاتخَذُوك خَلِيلاً...!»**

اين آيات گوشه‏اى از نيرنگهاى مشركين را كه به قرآن و به پيغمبر صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم زدند و تعدى و پافشارى كه در انكار توحيد و معاد كردند يادآور شده، در همين باره عليه ايشان احتجاج و استدلال مى‏كند .

آرى آنها خواسته بودند كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ نسبت به قسمتى از دستورات، با آنان مداهنه كند و نيز خواستند او را از مكه بيرون كنند.

به همين جهت در اين آيات به شديدترين بيان آن جناب را تهديد مى‏كند كه مبادا به طرف مشركين و لو هر قدر هم اندك باشد ميل پيدا كند و ايشان را هشدار داده كه اگر آن جناب را از مكه بيرون كنند هلاكشان فرمايد .

در اين آيات توصيه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ به نماز و توسل به درگاه پروردگار در آغاز كلام و هم در انجام آن و نيز اعلام به ظهور حق آمده است!

**هدف آیه 82 تا 100 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 249**

# بیان شفا و رحمت بودن قرآن

**« وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظلِمِينَ إِلا خَساراً ...!»**

در اين آيات براى دومين بار به مساله معجزه بودن قرآن اشاره مى‏كند و مجددا آن را آيت و معجزه نبوت معرفى مى‏كند و نيز رحمت و بركتش مى‏خواند.

در اين آيات مى‏خواهد اين جهت را بيان كند كه قرآن شفا و رحمت است و به عبارت ديگر اصلاح كننده كسى است كه خود نفسى اصلاح طلب داشته باشد و گر نه همين قرآن نسبت به ستمكاران خسارت و زيان است و با اينكه اين قرآن معجزه نبوت است، معجزه‏هاى ديگر از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ مى‏خواهند و آنگاه جوابشان را مى‏دهد و البته غير آنچه گفته شد ملحقاتى هم در اين آيات آمده كه از آن جمله پرسش از چگونگى روح و جواب از آن است.

**هدف آیه 101 تا 111 سوره اسری الميزان ج : 13 ص : 300**

# بیان برخورد فرعونیان با موسی و مشرکین قریش با رسول الله«ص»

**« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسى تِسعَ ءَايَتِ بَيِّنَتٍ فَسئَلْ بَنى إِسرءِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنى لأَظنُّك يَمُوسى مَسحُوراً...!»**

در اين آيات وضع رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ و معجزه قرآنش و اعراض مشركين از آن جناب و طلب نمودن معجزاتى بيهوده تشبيه شده به وضع موسى عليه‏السلام‏ و معجزات نبوتش و اعراض فرعون از آن معجزات و نسبت سحر به وى دادن و پس از تشبيه مجددا به وصف قرآن كريم و سبب نزول تدريجى آن و نيز به بيان معارفى ديگر مى‏پردازد .

**هدف و فلسفه نزول سوره کهف**

**( الميزان ج : 13 ص :325 )**

# دعوت به اعتقاد حق و عمل صالح و نفی دوگانه پرستی

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الحَْمْدُ للَّهِ الَّذِى أَنزَلَ عَلى عَبْدِهِ الْكِتَب وَ لَمْ يجْعَل لَّهُ عِوَجَا...!»**

**(1تا8/کهف)**

اين سوره با انذار و تبشير دعوت مى‏كند به اعتقاد حق و عمل صالح همچنانكه از دو آيه اولش هم بوى اين معنا استشمام مى‏شود و نيز از آيه آخر سوره كه مى‏فرمايد: « فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا و لا يشرك بعبادة ربه احدا !»

در اين سوره مساله نفى فرزند داشتن خدا مورد عنايت و توجه زيادى واقع شده است نظير اينكه مى‏بينيم تهديد و انذار را به كسانى اختصاص مى‏دهد كه براى خدا فرزند قائل شده‏اند، يعنى بعد از آنكه مى‏فرمايد:« لينذر باسا شديدا من لدنه!» مجددا مى‏فرمايد:« و ينذر الذين قالوا اتخذ الله ولدا !»

پس در اين آيه روى سخن با دوگانه پرستان است، كه قائل به فرزندى ملائكه و جن و مصلحين بشر براى خدا هستند و همچنين خطاب به نصارى است كه قائل به فرزندى مسيح براى اويند و بعيد نيست كه روى سخن به يهود هم باشد ، چون خود قرآن از يهود نقل كرده كه گفته‏اند عُزير پسر خدا است .

بعيد نيست كسى بگويد كه غرض از نزول اين سوره بيان سه داستان عجيب است كه در قرآن كريم جز در اين سوره ذكر نشده، يكى قصه اصحاب كهف و ديگرى داستان موسى و آن جوانى كه در راه به سوى مجمع البحرين ديدار نمود و سوم حكايت ذى القرنين و آنگاه از اين سه داستان در غرض سوره كه اثبات نفى شريك و تشويق بر تقوى و ترس از خدا است استفاده كند .

**هدف آیه 9 تا 26 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 336**

# بیان داستان اصحاب کهف و عوامل غفلت انسانها در زندگی زمینی

**« أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً ...!»**

اين آيات داستان اصحاب كهف را ذكر مى‏كند كه يكى از سه سؤالى است كه يهود به مشركين ياد دادند تا از رسول خدا (ص) بپرسند و بدين وسيله او را در دعوى نبوتش بيازمايند.

سياق آيات سه‏گانه‏اى كه داستان مزبور با آنها شروع شده اشعار به اين دارد كه قصه كهف قبلا به طور اجمال در بين مردم معروف بوده، مخصوصا اين اشعار در سياق آيه:« أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كانُوا مِنْ آياتِنا عَجَباً !» بيشتر به چشم مى‏خورد و مى‏فهماند كه نزول اين آيات براى تفصيل قضيه است كه از جمله: « نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ ...!» شروع مى‏شود.

و وجه اتصالش به آيات قبل اين است كه با اشاره به اين داستان و اينكه جاى تعجب در آن نيست همان مطالب گذشته را تاييد مى‏كند، كه اگر خداى تعالى موجودات روى زمين را در نظر بشر جلوه داده و دلهاى آدميان را مجذوب آنها نموده تا بدانها ركون و اطمينان كنند و توجه خود را بدانها معطوف دارند، همه به منظور امتحان است. و همچنين اگر پس از گذشتن اندك زمانى همه آنها را با خاك يكسان نموده، از نظر انسان مى‏اندازد و به صورت سرابى جلوه مى‏دهد، همه و همه آياتى است الهى نظير آيتى كه در داستان اصحاب كهف هست، كه خدا خواب را بر آنان مسلط نمود و در كنج غارى سيصد سال شمسى به خوابشان برد و وقتى بيدار شدند جز اين به نظرشان نرسيد كه يا يك روز در خواب بوده‏اند و يا پاره‏اى از روز پس مكث هر انسان در دنيا و اشتغالش به زخارف و زينت‏هاى آن و دلباختگى‏اش نسبت به آنها و غفلتش از ماسواى آن، خود آيتى است نظير آيتى كه در داستان اصحاب كهف است. همانطور كه آنها وقتى بيدار شدند خيال كردند روزى و يا پاره‏اى از روز خوابيده‏اند، انسانها هم وقتى روز موعود را مى‏بينند خيال مى‏كنند يك روز و يا پاره‏اى از يك روز در دنيا مكث كرده‏اند!

پس آيت اصحاب كهف در بين ساير آيات الهى پيشامدى نوظهور و عجيب نيست، بلكه داستانى است كه همه روزه و تا شب و روزى هست، تكرار مى‏گردد.

**هدف آیه 27 تا 31 سوره کهف الميزان ج : 13 ص :414**

# بیان وظیفه رسول الله دربرابر دینداران و بی دینان

**« وَ اتْلُ مَا أُوحِىَ إِلَيْك مِن كتَابِ رَبِّك لا مُبَدِّلَ لِكلِمَتِهِ وَ لَن تجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَداً...!**

در اين آيات رجوع و انعطافى به ما قبل هست به آن جائى كه گفتار قبل از داستان اصحاب كهف بدانجا منتهى گرديد، يعنى به تاسف خوردن و ناشكيبائى رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ از اينكه چرا مردم ايمان نمى‏آورند و به كتابى كه برايشان نازل شده نمى‏گروند و چرا دعوت حقه او را قبول نمى‏كنند .

آيات مورد بحث عطف بدانجا است كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم را تسليت مى‏داد به اينكه سراى دنيا بلاء و امتحان است و آنچه زينت دارد به زودى به صورت خاك خشك در مى‏آيد، پس ديگر سزاوار نيست به خاطر اين مردم خود را ناراحت كنى و دلتنگ شوى كه چرا دعوتت را نمى‏پذيرند و به كتاب خدا ايمان نمى‏آورند .

آنچه بر تو واجب است صبر و حوصله كردن با اين مشت فقرائى است كه ايمان آورده‏اند و مدام پروردگار خود را مى‏خوانند و هيچ توجهى به اين توانگران كافر كيش كه همواره به ثروت خود و زينت حيات دنيايشان مى‏بالند ندارند، چون مى‏دانند اين زينتها به زودى به صورت خاكى خشك مبدل مى‏شود، لذا همواره دنياداران را به سوى پروردگارشان مى‏خوانند ، و ديگر كارى به كارشان ندارند .

هر كه مى‏خواهد ايمان بياورد و هر كه مى‏خواهد كفر بورزد، چيزى به عهده رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ نيست، آنچه وظيفه او است كه بايد در مواجهه با آنان رعايت كند اين است كه در صورت ايمان آوردن، با شادمانى و در صورتى كه ايمان نياورند، با تاسف با آنان مواجه نشود، بلكه همان ثواب و عقاب خداى را تذكر دهد!

**هدف آیه 32 تا 46 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 425**

# بیان واقعیت مالکیت آدمی به اموال و اولاد و سایر زینتهای دنیا

**« وَ اضرِب لهُم مَّثَلاً رَّجُلَينِ جَعَلْنَا لأَحَدِهِمَا جَنَّتَينِ مِنْ أَعْنَبٍ وَ حَفَفْنَهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنهُمَا زَرْعاً!»**

اين آيات متضمن دو مثل است كه حقيقت ملكيت آدمى را نسبت به آنچه در زندگى دنيا از اموال و اولاد - كه زخارف زندگى‏اند و زينت‏هاى فريب دهنده و سريع الزوال‏اند و آدمى را از ياد پروردگارش غافل و مشغول مى‏سازند و واهمه او را تا حدى مجذوب خود مى‏سازد كه به جاى خدا به آنها ركون و اعتماد مى‏كند و به خيالش مى‏قبولاند كه راستى مالك آنها است - بيان مى‏كند و مى‏فهماند كه اين فكر جز وهم و خيال چيز ديگرى نيست، به شهادت اينكه وقتى بلايى از ناحيه خداى سبحان آمد همه را به باد فنا گرفته براى انسان چيزى جز خاطره‏اى كه بعد از بيدارى از عالم رؤيا به ياد مى‏ماند و جز آرزوهاى كاذب باقى نمى‏گذارد .

**هدف آیه 47 تا 59 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 444**

# بیان تنهائی انسان در قیامت و کیفر پیروی از شیطان

**« وَ يَوْمَ نُسيرُ الجِبَالَ وَ تَرَى الأَرْض بَارِزَةً وَ حَشرْنَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنهُمْ أَحَداً...!»**

اين آيات متصل به آيات قبل است و در پى همان آيات سير مى‏كند و به بيان اينكه اين اسباب ظاهرى و زخارف فريبنده دنيوى كه زينت حيات هستند به زودى زوال و نابودى بر آنها عارض مى‏شود مى‏پردازد و براى انسان روشن مى‏كند كه مالك نفع و ضرر خويش نيست و آنچه براى انسان مى‏ماند همان عمل او است كه بر طبقش كيفر و يا پاداش مى‏بيند .

در اين آيات ابتدا ، مساله قيام قيامت مطرح شده و بيان مى‏فرمايد كه هر انسانى تك و تنها بدون اينكه كسى به غير از عملش همراه او باشد محشور مى‏گردد و سپس مساله امتناع ابليس از سجده بر آدم و فسقش نسبت به امر پروردگار را ذكر مى‏كند كه پيروانش او و ذريه او را اولياى خود مى‏گيرند و به جاى خدا او را كه دشمن ايشان است سرپرست خود اتخاذ مى‏كنند .

آنگاه دو باره مساله قيامت را عنوان مى‏كند كه در آن روز خداوند خود پيروان شيطان و نيز شيطانها را كه شريك خدايش گرفته بودند احضار مى‏كند ، در حالى كه رابطه ميان آنان قطع شده باشد .

و در آخر آياتى چند در خصوص وعده و وعيد آمده و مجموع آيات از نظر هدف با آيات قبل متصل است.

**هدف آیه 60 تا 82 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 466**

# شرح تعلیمات خضر به موسی "ع" درباره واقعیت حوادث ظاهری

**« وَ إِذْ قَالَ مُوسى لِفَتَاهُ لا أَبْرَحُ حَتى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضىَ حُقُباً...!»**

در اين آيات داستان موسى و برخوردش در مجمع البحرين با آن عالمى كه تاويل حوادث را مى‏دانست براى رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ تذكر مى‏دهد و اين چهارمين تذكرى است كه در اين سوره دنبال امر آن جناب به صبر در تبليغ رسالت تذكار داده مى‏شود تا هم سرمشقى باشد براى استقامت در تبليغ و هم تسليتى باشد در مقابل اعراض مردم از ذكر خدا و اقبالشان بر دنيا و هم بيانى باشد در اينكه اين زينت زودگذر دنيا كه اينان بدان مشغول شده‏اند متاعى است كه رونقش تا روزى معين است، بنا بر اين، از ديدن تمتعات آنان به زندگى و بهره‏مندى‏شان به آنچه كه اشتهاء كنند دچار ناراحتى نشود، چون در ماوراى اين ظاهر يك باطنى است و در ما فوق تسلط آنان بر مشتهيات ، سلطنتى الهى قرار دارد!

پس ، گويا يادآورى داستان موسى و عالم براى اشاره به اين است كه اين حوادث و وقايعى هم كه بر وفق مراد اهل دنيا جريان مى‏يابد، تاويلى دارد كه به زودى بر ايشان روشن خواهد شد و آن وقتى است كه مقدر الهى به نهايت اجل خود برسد و خداى اذن دهد تا از خواب غفلت چندين‏ساله بيدار شوند و براى يك نشاة ديگرى غير نشاة دنيا مبعوث گردند .

آن عالمى كه موسى ديدارش كرد و خداى تعالى بدون ذكر نامش به وصف جميلش او را ستوده و فرموده:« عبدا من عبادنا اتيناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علما!» اسمش ( در روايات) خضر يكى از انبياء معاصر موسى بوده است.

**هدف آیه 83 تا 102 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 496**

# بیان تاریخ ذی القرنین

**« وَ يَسئَلُونَك عَن ذِى الْقَرْنَينِ قُلْ سأَتْلُوا عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكراً...!»**

اين آيات راجع به داستان ذو القرنين است و در خلال آن پيشگويى‏هايى از قرآن نيز به چشم مى‏خورد.

**هدف آیه 103 تا 108 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 545**

# بیان خسران زندگی و سوء عاقبت مشرکین

**« قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالأَخْسرِينَ أَعْمَلاً ! الَّذِينَ ضلَّ سعْيهُمْ فى الحَْيَوةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يحْسبُونَ أَنهُمْ يحْسِنُونَ صنْعاً...!»**

اين آيات شش‏گانه به منزله استنتاج از آيات گذشته در اين سوره است كه دلباختگى مشركين را نسبت به زينت حيات دنيا و ركون و اطمينان به اوليائى غير از خدا و ابتلاءشان به تاريك بينى و ناشنوائى و آثار اينها در سوء عاقبت را شرح مى‏داد و علاوه بر اينكه از آن آيات نتيجه‏گيرى مى‏كند، تمهيد و مقدمه‏اى است نسبت به آيه آخر سوره كه مى‏فرمايد:« قل انما انا بشر مثلكم...!»

**هدف آیه 109 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 552**

# بیان وسعت کلمات الهی

**« قُل لَّوْ كانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِّكلِمَتِ رَبى لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كلِمَت رَبى وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَداً !»**

اين آيه بيان مستقلى است براى وسعت كلمات خداى تعالى و اينكه كلمات او نابودى پذير نيست و به همين جهت بعيد نيست كه تنها نازل شده باشد نه در ضمن آيات قبل و بعدش ، ليكن اگر در ضمن آيات ديگرى نازل شده باشد آن وقت مربوط به تمامى مطالبى است كه در اين سوره مورد بحث قرار گرفته است.

آيه شريفه در اينكه در جائى قرار گرفته كه غرض سوره استيفاء شده و بيانش تمام گشته و مثالهايش زده شده نظير گفتار كسى مى‏ماند كه خيلى حرف زده و در آخر گفته باشد حرفهاى ما تمامى ندارد لذا به همين مقدار كه گفتيم اكتفاء مى‏كنيم - و خدا داناتر است!

**هدف آیه 110 سوره کهف الميزان ج : 13 ص : 556**

# بیان خلاصه هدف سوره کهف، اصول سه گانه دین: توحید نبوت معاد

**« قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشرٌ مِّثْلُكمْ يُوحَى إِلىَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَحِدٌ فَمَن كانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صلِحاً وَ لا يُشرِك بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدَا !»**

اين آيه آخرين آيه سوره است كه غرض از بيان سوره را خلاصه مى‏كند و در آن اصول سه‏گانه دين را كه توحيد و نبوت و معاد است جمع كرده است.

جمله:« انما الهكم اله واحد!» مساله توحيد را و جمله:« انما انا بشر مثلكم يوحى الى!» و جمله:« فليعمل عملا صالحا ...!» مساله نبوت را و جمله:« فمن كان يرجوا لقاء ربه!» مساله معاد را متعرض است.

**هدف و فلسفه نزول سوره مریم**

**( الميزان ج : 14 ص :3 )**

# بشارت و انذار

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! كهيعص‏! ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّك عَبْدَهُ زَكرِيَّا !»**

**(1تا15/مریم)**

غرض اين سوره به طورى كه در آخرش بدان اشاره نموده مى‏فرمايد:« فانما يسرناه بلسانك لتبشر به المتقين و تنذر به قوما لدا ...!» بشارت و انذار است ، چيزى كه هست همين غرض را در سياقى بديع و بسيار جالب ريخته نخست به داستان زكريا و يحيى و قصه مريم و عيسى و سرگذشت ابراهيم و اسحاق و يعقوب و ماجراى موسى و هارون و داستان اسماعيل و حكايت ادريس و سهمى كه به هر يك از ايشان از نعمت ولايت داده - كه يا نبوت بوده و يا صدق و اخلاص - اشاره كرده ، آنگاه علت اين عنايت را چنين بيان فرموده كه اين بزرگواران خصلتهاى برجسته‏اى داشته‏اند از آن جمله نسبت به پروردگارشان خاضع و خاشع بودند و ليكن اخلاف ايشان از ياد خدا اعراض نموده به مساله توجه به پروردگار به كلى بى‏اعتناء شدند و به جاى آن دنبال شهوت را گرفتند به همين جهت به زودى حالت غى را كه همان از دست دادن رشد است ديدار مى‏كنند مگر آنكه كسى از ايشان توبه كند و به پروردگار خود بازگشت نمايد كه او سرانجام به اهل نعمت مى‏پيوندد .

سپس نمونه‏هايى از لغزشهاى اهل غى و زورگوييهاى آنان و آراى خارج از منطقشان از قبيل نفى معاد و به خدا نسبت پسردارى دادن و بت پرستيدن و آنچه كه از لوازم اين لغزشها است از نكبت و عذاب را خاطر نشان مى‏سازد.

بنا بر اين، مى‏توان گفت بيان اين سوره شبيه به بيان مدعيى است كه براى اثبات دعوى خود مثال‏هايى مى‏آورد .

پس اين سوره با ذكر چند مثال آغاز و با گرفتن نتيجه‏اى كلى از آن مثلها ، كه مورد نظر بوده ، خاتمه يافته است .

پس اين سوره، مردم را به سه طائفه تقسيم مى‏كند:

1 - آنهائى كه خدا انعامشان كرد كه يا انبياء بودند و يا اهل اجتباء و هدايت!

2 - اهل غى، يعنى آنهائى كه مايه و استعداد رشد خود را از دست دادند!

3 - آن كسانى كه توبه نموده و ايمان آوردند و عمل صالح كردند كه به زودى به اهل نعمت و رشد مى‏پيوندند .

و آنگاه ثواب توبه تائبين و مسترشدين و عذاب غاويان كه همنشينان شيطان و از اولياى اويند - را تذكر مى‏دهد .

**هدف آیه 16 تا 40 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 42**

# بیان زندگی عیسی و یحیی «ع» و مشابهت آنها

**« وَ اذْكُرْ فى الْكِتَبِ مَرْيمَ إِذِ انتَبَذَت مِنْ أَهْلِهَا مَكاناً شرْقِيًّا...!»**

در اين آيات از داستان يحيى به داستان عيسى عليه‏السلام‏ نقل كلام شده و ميان اين دو داستان شباهت تمامى هست، چون ولادت هر دو بزرگوار به طور خارق العاده صورت گرفته و اين هر دو در كودكى حكم و نبوت داده شدند، او هم خبر داد كه مامور به احسان به مادر شده و جبار و شقى نيست و بر خود در روز ولادتش و روز مرگش و روز مبعوث شدنش سلام داده، اين نيز همين مطالب را گفته و قرآن از وى نيز نقل كرده و شباهت‏هاى ديگرى نيز داشته‏اند و يحيى عليه‏السلام‏ نبوت عيسى عليه‏السلام‏ را تصديق كرده و به وى ايمان آورد!

**هدف آیه 41 تا 50 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 72**

# بیان محاجه ابراهیم«ع» با پدر و کناره گیریش از بت پرستان

**« وَ اذْكُرْ فى الْكِتَبِ إِبْرَهِيمَ إِنَّهُ كانَ صِدِّيقاً نَّبِياًّ...!»**

اين آيات به پاره‏اى از داستان ابراهيم عليه‏السلام‏ اشاره مى‏كند و آن عبارت است از احتجاجش با پدر در باره بت‏ها، با حجت و هدايت فطرى و معرفت يقينى كه خدايش داده بود و نيز داستان كناره‏گيرى از پدر و از مردم و خدايانشان و اينكه خداوند به او اسحاق و يعقوب را داد و به كلمه باقيه در نسلش اختصاص داد و براى او و اعقاب او ياد خيرى در آيندگان گذاشت كه تا روزگارى هست نامش را به نيكى ببرند.

**هدف آیه 51 تا 57 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 82**

# بیان موهبتها و رحمتهای الهی به موسی و هارون و اسماعیل و ادریس «ع»

**« وَ اذْكُرْ فى الْكِتَبِ مُوسى إِنَّهُ كانَ مخْلَصاً وَ كانَ رَسولاً نَّبِيًّا...!»**

در اين آيات جمع ديگرى از انبياء و برخى از موهبت‏ها و رحمت‏هايى را كه به ايشان اختصاص داده ذكر مى‏كند و آنان عبارتند از موسى ، هارون ، اسماعيل و ادريس عليهماالسلام.

**هدف آیه 58 تا 63 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 97**

# بیان طریقه انبیاء ، دین توحید، دین اهل سعادت و رشد

« **أُولَئك الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَهِيمَ وَ إِسرءِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلى عَلَيْهِمْ ءَايَت الرَّحْمَنِ خَرُّوا سجَّداً وَ بُكِيًّا...!»**

در سابق كه در باره غرض اين سوره بحث كرديم گذشت كه آنچه از سياق آن بر مى‏آيد اين است كه مى‏خواهد بيان كند كه عبادت خداى تعالى - يعنى دين توحيد - دين اهل سعادت و رشد است، دين انبياء و اولياء است و تخلف از طريقه ايشان، يعنى ضايع كردن نماز و پيروى شهوات، پيروى راه ضلالت است و كسى كه چنين كند گمراه است ، مگر آنكه توبه كند و ايمان آورد و عمل صالح انجام دهد .

پس آيات و مخصوصا سه آيه اول آن متضمن خلاصه غرض سوره است و اين خلاصه‏گيرى را به صورت استنباط از داستانهاى وارده در سوره بيان كرده است و تفاوت اين سوره با ساير سوره‏ها همين است كه در ساير سوره‏هاى طولانى غرض از سوره را به عنوان برائت استهلال در ابتداى آن و نيز به عنوان حسن الختام در آخر آن بيان مى‏كند ، ولى در اين سوره اين غرض را در وسط آن بيان كرده است .

**هدف آیه 64 و65 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 109**

# بیان زمان و شرایط نازل شدن فرشته وحی

**« وَ مَا نَتَنزَّلُ إِلا بِأَمْرِ رَبِّك لَهُ مَا بَينَ أَيْدِينَا وَ مَا خَلْفَنَا وَ مَا بَينَ ذَلِك وَ مَا كانَ رَبُّك نَسِيًّا !»**

اين دو آيه نسبت به آيات قبل و بعد از آن به منزله جمله معترضه‏اند و سياق اين دو شهادت مى‏دهد كه كلام در آن، كلام فرشته وحى است و اما به وحى قرآنى و از ناحيه خداى سبحان، چون نظم آن بدون شك نظمى است قرآنى و اين نظريه‏اى است كه روايت وارده به طرق مختلفه از اهل سنت و به نقل مجمع از ابن عباس آن را تاييد مى‏كند و آن روايت اين است كه وقتى جبرئيل در نزول خود تاخير كرد رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ از او پرسيد چرا دير كردى؟ جبرئيل به وحى الهى گفت:« و ما نتنزل الا بامر ربك ... هل تعلم له سميا!»

**هدف آیه 66 تا 72 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 116**

# بیان سخنان مشرکین درباره مبدأ، معاد و نبوت و رد آنها

**« وَ يَقُولُ الانسنُ أَ ءِذَا مَا مِت لَسوْف أُخْرَجُ حَياًّ...!»**

از اينجا به بعد، دو باره بر سر مطلب قبل از دو آيه‏اى كه گفتيم به منزله جمله معترضه است بر مى‏گردد و در حقيقت از اينجا دنباله جمله:« فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا!» تعقيب مى‏شود و بعضى از سخنانى كه از باب غى و ضلالت زدند براى نمونه ذكر مى‏شود و از همه آن سخنان تنها سه تا نقل شده يكى سخنى كه در باره معاد زدند و يكى پيرامون نبوت و يكى پيرامون مبدء .

در اين آيات، يعنى از جمله :« و يقول الانسان ... و نذر الظالمين فيها جثيا!» كه هفت آيه است، حكايت سخن ايشان در استبعاد از قيامت و پاسخ از آن نقل شده و آثار سوء و وبالى كه در سخن ايشان است خاطر نشان مى‏سازد!

**هدف آیه 73 تا 80 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 134**

# بیان سخنان مشرکین درباره ضعف مالی مومنان و رد نظرات آنها

**« وَ إِذَا تُتْلى عَلَيْهِمْ ءَايَتُنَا بَيِّنَتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَى الْفَرِيقَينِ خَيرٌ مَّقَاماً وَ أَحْسنُ نَدِيًّا !»**

اين آيات فصل دوم از كلماتى است كه قرآن كريم از كفار نقل كرده و حاصلش اين است كه دعوت نبويه رسول خدا را به اين صورت رد كرده‏اند كه: هيچ سودى به حال كسى كه به او بگرود ندارد و اگر اين دعوت حق مى‏بود مى‏بايستى دنياى گرونده را كه سعادت زندگى در آن است اصلاح كند، ساختمانهاى رفيع و اثاث البيت نفيس و جمال و زينتى به ايشان بدهد و اين كفر ما كه خير دنيا را به ما رسانده خيلى بهتر از ايمان مؤمنين است، كه وضعشان را به آن فلاكت كشانده، نه حالى و نه مالى برايشان گذاشته، به زندگى سختى دچارشان كرده و همين خود دليل است بر اينكه حق با كفر ما است، حقى كه به هيچ وجه نبايد با ايمان مؤمنين معاوضه شود .

آنگاه خداوند از گفتار آنها پاسخ مى‏دهد به اينكه« و كم اهلكنا ...!» كه چه بسيار مثل شما صاحبان عيش را ما هلاك كرديم و اينكه:« قل من كان فى الضلالة - هر كه در ضلالت پافشارى كند بر خداست كه او را گمراهتر سازد!» و سپس پاسخ خود را تعقيب مى‏كند به بيان حال كسانى كه فريب گفتار آنان را خورده‏اند.

**هدف آیه 81 تا 96 سوره مریم الميزان ج : 14 ص :146**

# رد نظریه فرزند خواندگی برای خدا

**« وَ اتخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لِّيَكُونُوا لهَُمْ عِزًّا...!»**

اين آيات، فصل سوم از اعتقادات كفار را نقل مى‏كند و آن عبارت است از شرك به خدا با برگزيدن خدايانى ديگر و اينكه گفته‏اند: خدا فرزند گرفته و پاسخ از آنها.

**هدف آیه 97 و 98 سوره مریم الميزان ج : 14 ص : 160**

# بیان تنزیل حقیقت قرآن و تسهیل آن به لسان رسول الله"ص"

**« فَإِنَّمَا يَسرْنَهُ بِلِسانِك لِتُبَشرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْماً لُّدًّا !»**

**« وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تحِس مِنهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسمَعُ لَهُمْ رِكْزَا !»**

اين دو آيه، سوره را خاتمه مى‏دهد و خداى سبحان در آن تنزيل حقيقت قرآن را بيان مى‏كند( كه آن حقيقت بلندتر از آن است كه فهم عادى بدان دسترسى يابد و يا غير پاكان آن را لمس كنند!) به اينكه تا مرتبه ذكر به لسان رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم نازل شده و مى‏فرمايد كه هدف از اين سهولت اين است كه متقين از بندگان خداى را بشارت و قوم سخت سر و خصومت پيشه را با آن انذار نمايد ، آنگاه انذار آنان را با ياد آورى هلاكت قرون گذشته خلاصه فرمود .

**هدف و فلسفه نزول سوره طه**

**( الميزان ج : 14 ص :162 )**

# تذکر و یادآوری از راه انذار

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! طه ! مَا أَنزَلْنَا عَلَيْك الْقُرْءَانَ لِتَشقَى...!»(1تا8/طه)**

غرض اين سوره تذكر و يادآورى از راه انذار است كه آيات انذار آن بر آيات تبشيرش غلبه دارد و اين غلبه به خوبى به چشم مى‏خورد، داستانهايى را ذكر مى‏كند كه به هلاكت طاغيان و تكذيب كنندگان آيات خدا منتهى مى‏شود و حجت‏هاى روشنى را متضمن است كه عقل هر كس را ملزم به اعتراف به توحيد خداى تعالى و اجابت دعوت حق مى‏كند و به يادآورى آينده انسان از احوال قيامت و مواقف آن و حال نكبت بار مجرمين و خسران ظالمين منتهى مى‏گردد.

اين آيات - به طورى كه از سياقش بر مى‏آيد - با نوعى تسليت از رسول خدا شروع مى‏شود، تا جان شريف خود را در واداشتن مردم به قبول دعوتش به تعب نيندازد، زيرا قرآن نازل نشده براى اينكه آن جناب خود را به زحمت بيندازد، بلكه آن تنزيلى است الهى كه مردم را به خدا و آيات او تذكر مى‏دهد تا شايد بيدار شوند و غريزه خشيت آنان هوشيار گردد، آنگاه متذكر شده به وى ايمان بياورند و تقوى پيشه كنند، پس او غير از تبليغ وظيفه ديگرى ندارد، اگر مردم به ترس آمدند و متذكر شدند كه هيچ و گر نه يا عذاب استيصال و خانمان برانداز منقرضشان مى‏كند و يا اينكه به سوى خداى خود برگشت نموده در آن عالم به وبال ظلم و فسق خود مى‏رسند و اعمال خود را بدون كم و زياد مى‏يابند و به هر حال نمى‏توانند با طغيان و تكذيب خود خداى را عاجز سازند .

يكى از آيات برجسته اين سوره آيه شريفه:« الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى!» است كه با همه كوتاهيش مساله توحيد را با همه اطرافش متضمن است!

**هدف آیه 9 تا 48 سوره طه الميزان ج : 14 ص : 186**

# بیان برگزیده شدن حضرت موسی و وقایع تاریخی دعوت او

**« وَ هَلْ أَتَاك حَدِيث مُوسى...!»**

در اين آيات داستان موسى عليه‏السلام را شروع كرده، در اين سوره چهار فصل از اين داستان ذكر شده:

اول : چگونگى برگزيدن موسى به رسالت در كوه طور ، كه در وادى طوى واقع است و مامور كردنش به دعوت فرعون .

دوم : با شركت برادرش او را به دين توحيد دعوت كردن و بنى اسرائيل را نجات دادن و اقامه حجت و آوردن معجزه عليه او .

سوم : بيرون شدنش با بنى اسرائيل از مصر و تعقيب فرعون و غرق شدنش و نجات يافتن بنى اسرائيل .

چهارم : گوساله‏پرستى بنى اسرائيل و سرانجام كار ايشان و كار سامرى و گوساله‏اش .

اينكه آيات مورد بحث به چه وجهى متصل به ما قبل مى‏شود؟ وجه اتصالش اين است كه آيات ما قبل مساله توحيد را خاطر نشان مى‏ساخت، اين آيات نيز با وحى توحيد آغاز شده و با همان وحى يعنى كلام موسى كه گفت:« انما الهكم الله الذى لا اله الا هو ... !» و نيز كلام ديگرش در باره هلاك فرعون و طرد سامرى ختم مى‏شود، آيات قبلى نيز با اين تذكر آغاز مى‏شد كه قرآن مشتمل است بر دعوت حق و تذكر كسانى كه بترسند و با مثل اين آيه ختم مى‏شد كه:« الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى!»

**هدف آیه 49 تا 79 سوره طه الميزان ج : 14 ص : 225**

# بیان آغازدعوت موسی«ع» تا غرق فرعون

**« قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَمُوسى‏...!»**

اين آيات فصل ديگرى از داستان موسى عليه‏السلام‏ است، كه در آن رفتن موسى و هارون نزد فرعون و تبليغ رسالتشان مبنى بر نجات بنى اسرائيل را بيان مى‏كند، البته جزئيات جريان را هم خاطر نشان كرده، از آن جمله مساله معجزه آوردن و مقابله با ساحران و ظهور و غلبه حق بر سحر ساحران و ايمان آوردن ساحران و اشاره‏اى اجمالى به بيرون بردن بنى اسرائيل و شكافته شدن آب دريا و تعقيب كردن فرعون و لشگريانش، موسى و بنى اسرائيل را و سر انجام غرق شدن فرعون ، مى‏باشد .

**هدف آیه 80 تا 98 سوره طه الميزان ج : 14 ص : 258**

# بیان نعمت های الهی بر بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنها

**« يَبَنى إِسرءِيلَ قَدْ أَنجَيْنَكم مِّنْ عَدُوِّكمْ وَ وَعَدْنَكمْ جَانِب الطورِ الأَيْمَنَ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السلْوَى‏...!»**

در اين آيات آخرين فصل از آنچه از سرگذشت موسى عليه‏السلام‏ در اين سوره آمده ايراد شده است و در آن خداى تعالى جمله‏اى از منت‏هاى خود را بر بنى اسرائيل مى‏شمارد، مانند اينكه از قبطيان نجاتشان داد و در طرف راست طور ميعادى برايشان معين كرد و من و سلوى برايشان نازل فرمود، آنگاه اين فصل را با داستان سامرى و گمراه كردنش مردم را به وسيله گوساله‏پرستى، خاتمه داده است و اين قصه متصل است به داستان ميعاد در طور .

البته منظور اصلى از اين فصل بيان تعرض بنى اسرائيل است نسبت به غضب خدا كه با گوساله پرستى خود متعرض غضب الهى شدند و به همين جهت داستان را با حرف عطف واو نياورد و مانند بقيه مسائل به اشاره برگزار نكرد، بلكه اين قصه را مفصل بيان نمود.

**هدف آیه 99 تا114 سوره طه الميزان ج : 14 ص : 290**

# یادآوری هولهای روز قیامت

**« كَذَلِك نَقُص عَلَيْك مِنْ أَنبَاءِ مَا قَدْ سبَقَ وَ قَدْ ءَاتَيْنَك مِن لَّدُنَّا ذِكراً ...!»**

اين آيات در دنباله داستان موسى عليه‏السلام‏ قرار دارد كه به منظور انذار مردم ، ايشان را با ياد آورى هولهاى روز قيامت تهديد مى‏كند!

**هدف آیه 115 تا 126 سوره طه الميزان ج : 14 ص : 304**

# بیان شرط سعادت و تیره بختی آدمی

**« وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلى ءَادَمَ مِن قَبْلُ فَنَسىَ وَ لَمْ نجِدْ لَهُ عَزْماً...!»**

در اين آيات داستان داخل شدن آدم و همسرش در بهشت و بيرون شدنشان به وسوسه‏اى از شيطان و حكمى كه خداى تعالى در اين موقع راند كه دينى تشريع نموده سعادت و شقاوت بنى نوع آدمى را منوط به پيروى هدايت او و اعراض از آن نموده بيان مى‏كند .

و اين داستانى كه نام برديم در چند جاى قرآن آمده ، ولى در اين سوره با كوتاهترين عبارت و زيباترين بيان ايراد شده است، به طورى كه ذيل آن شهادت مى‏دهد عمده عنايت در آن بيان همان حكمى است كه گفتيم به تشريع دين و ثواب و عقاب رانده، همچنانكه تفريع بعدش هم كه فرموده:« و كذلك نجزى من اسرف و لم يؤمن بايات ربه ...!» اين معنا را تاييد مى‏كند .

بله ارتباط مختصرى هم به آيات قبل دارد كه در باره توبه مى‏فرمود:« و انى لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحا ثم اهتدى!» چون در اين آيات متعرض توبه آدم شده است .

**هدف آیه 127 تا 135 سوره طه الميزان ج : 14 ص : 324**

# نتیجه گیری از مطالب سوره طه در آیات پایانی

**« وَ كَذَلِك نجْزِى مَنْ أَسرَف وَ لَمْ يُؤْمِن بِئَايَتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَاب الاَخِرَةِ أَشدُّ وَ أَبْقَى...!»**

اين آيات، متفرقاتى است از وعد و وعيد، حجت و حكمت و تسليت خاطر رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏، كه همه آنها مربوط به آيات گذشته در اين سوره و نتيجه آنها است .

**هدف و فلسفه نزول سوره انبیاء**

**( الميزان ج : 14 ص :340 )**

# بیان مسئله نبوت با طرح مسئله توحید و معاد

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْترَب لِلنَّاسِ حِسابُهُمْ وَ هُمْ فى غَفْلَةٍ مُّعْرِضونَ...!»**

**(1تا 15/انبیا)**

غرض اين سوره گفتگو پيرامون مساله نبوت است كه مساله توحيد و معاد را زير بناى آن قرار داده، نخست داستان نزديك بودن روز حساب و غفلت مردم از آن و نيز اعراضشان از دعوت حقى كه متضمن وحى آسمانى است را ذكر مى‏كند، كه ملاك حساب روز حساب همين‏ها است .

و سپس از آنجا به موضوع نبوت و استهزاء مردم منتقل مى‏شود، نبوت خاتم انبيا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ و نسبت ساحر به وى دادن و كلماتش را هذيان و خودش را مفترى و شاعر خواندن را ذكر مى‏كند، آنگاه گفتار آنان را با ذكر اوصاف كلى انبياى گذشته به طور اجمال رد نموده مى‏فرمايد: پيغمبر اسلام نيز همان گرفتاريها را بايد ببيند، چون آنچه اين مى‏گويد همان است كه آن حضرات مى‏گفتند!

پس از آن، داستان جماعتى از انبيا را براى تاييد گفتار اجمالى خود مى‏آورد و سخنى از موسى و هارون، سرگذشتى از ابراهيم و اسحاق و يعقوب و لوط و شرحى از نوح و داوود و سليمان و ايوب و اسماعيل و ادريس و ذو الكفل و ذو النون و زكريا و يحيى و عيسى مى‏آورد.

آنگاه با ذكر يوم الحساب و آنچه كه مجرمين و متقين در آن روز كيفر و پاداش مى‏بينند بحث را خلاصه‏گيرى مى‏كند و مى‏فرمايد: سرانجام نيك از آن متقين خواهد بود و زمين را بندگان صالحش ارث مى‏برند و آنگاه مى‏فرمايد كه اعراضشان از نبوت به خاطر اعراضشان از توحيد است و به همين جهت بر مساله توحيد اقامه حجت مى‏كند همانطور كه بر مساله نبوت اقامه نموده و از آنجايى كه اين سوره به دليل سياقش و به اتفاق مفسرين در مكه نازل شده تهديد و وعيد در آن ، از بشارت و وعده بيشتر است .

**هدف آیه 16 تا 33 سوره انبیاء الميزان ج : 14 ص : 361**

# بیان هدف دار بودن خلقت و اثبات معاد

**« وَ مَا خَلَقْنَا السمَاءَ وَ الأَرْض وَ مَا بَيْنهُمَا لَعِبِينَ‏...!»**

اول اين آيات علت عذاب فرستادن به قراى ظالمه را به بازيچه نبودن خلقت توجيه مى‏كند و مى‏فرمايد: خدا با ايجاد آسمان و زمين و ما بين آن دو نخواسته است بازى كند تا ايشان هم بدون هيچ دلواپسى سرگرم بازى با هواهاى خود باشند، هر چه مى‏خواهند بكنند و هر جور خواستند بازى كنند بدون اينكه حسابى در كارهايشان باشد، نه چنين نيست بلكه خلق شده‏اند تا راه به سوى بازگشت به خدا را طى كنند و در آنجا محاسبه و بر طبق اعمالشان مجازات شوند، پس بايد بدانند كه بندگانى مسؤولند كه اگر از رسم عبوديت تجاوز كنند بر طبق آنچه حكمت الهى اقتضا مى‏كند مؤاخذه مى‏شوند و خدا در كمين‏گاه است .

و چون اين بيان بعينه حجت بر معاد نيز هست لذا دنبالش وجهه سخن را متوجه مساله معاد كرده، بر آن اقامه حجت نمود و در سايه آن متعرض مساله نبوت نيز گرديده چون نبوت از لوازم وجوب عبوديت و آن هم از لوازم ثبوت معاد است پس مى‏توان گفت كه دو آيه اول اين آيات به منزله رابط بين سياق آيات قبل و بعد است.

و اين آيات در اثبات معاد بيانى بديع آورده و تمامى احتمالاتى كه منافى با معاد است به طورى كه خواهيد ديد نفى كرده است.

**هدف آیه 34 تا 47 سوره انبیاء الميزان ج : 14 ص : 399**

# بیان مسئله نبوت و پاسخ یاوه گوئی های مشرکین

**« وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشرٍ مِّن قَبْلِك الْخُلْدَ أَ فَإِين مِّت فَهُمُ الخَْلِدُونَ‏...!»**

اين آيات تتمه كلامى است كه در اين سوره پيرامون مساله نبوت آورد ، در اين آيه‏ها پاره‏اى كلمات مشركين در باره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را آورده، جواب مى‏دهد مثل اينكه گفته بودند او به زودى مى‏ميرد و ما از دست او راحت مى‏شويم و يا از در استهزاء گفته بودند: اين است كه خدايان شما را بد مى‏گويد و يا به عنوان مسخره كردن مساله بعث و قيامت گفته بودند: اين وعده‏اى كه مى‏دهيد چه وقت است اگر راست مى‏گوييد؟ كه خداى عز و جل پاسخ هر يك را داده تا خاطر خطير رسول گراميش را تسلي داده باشد .

**هدف آیه 48 تا 77 سوره انبیاء الميزان ج : 14 ص : 414**

# بیان دعوت جمعی از پیامبران الهی

**« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسى وَ هَرُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْراً لِّلْمُتَّقِينَ‏...!»**

بعد از آنكه در آيات گذشته به مقدار وافى پيرامون مساله نبوت بحث كرد و آن را مبتنى بر مساله معاد نمود اينك در اين آيات به داستانهاى جمعى از انبياى گرامى كه به سوى امتها گسيل داشته و به حكمت و شريعت تاييد فرموده و از شر ستمكاران نجات داده اشاره مى‏فرمايد تا در عين اينكه براى مطالب گذشته مثلهايى است حجت تشريع را تاييد نموده و مشركين را انذار و تخويف و مؤمنين را بشارت داده باشد. از جمله انبيا موسى و هارون و ابراهيم و لوط و اسحاق و يعقوب و نوح و داوود و سليمان و ايوب و اسماعيل و ادريس و ذا الكفل و ذا النون و زكريا و يحيى و عيسى كه هفده نفرند نام برده كه از اين هفده نفر هفت نفر را در اين آيات كه مورد بحث ما است آورده و بقيه را در آيات بعد از آن، در اين آيات نخست موسى و هارون را و سپس ابراهيم و اسحاق و يعقوب و لوط را كه قبل از موسى و هارون زندگى مى‏كرده‏اند نام برده و آنگاه داستان نوح را ذكر كرده كه وى از آن چهار نفر هم جلوتر مى‏زيسته .

**هدف آیه 78 تا 91 سوره انبیاء الميزان ج : 14 ص : 436**

# بیان دعوت جمعی دیگر از رسولان و پیامبران الهی

**« وَ دَاوُدَ وَ سلَيْمَنَ إِذْ يحْكمَانِ فى الحَْرْثِ إِذْ نَفَشت فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ كنَّا لحُِكْمِهِمْ شهِدِينَ‏...!»**

اين آيات شرح حال جمعى ديگر از انبيا را ذكر كرده و آنها عبارتند از داوود ، سليمان ، ايوب ، اسماعيل ، ادريس ، ذو الكفل ، ذو النون ، زكريا ، يحيى و عيسى .

در آن رعايت ترتيب زمانى و انتقال از لاحق به سابق را نكرده است - همچنانكه در آيات قبلى هم رعايت نكرده بود - و در اين ميان به پاره‏اى از نعمتهاى بزرگى كه به بعضى از آنان انعام فرموده بود اشاره نموده و نسبت به بعضى ديگرشان تنها به ذكر نامشان اكتفا نموده است.

**هدف آیه 92 تا 112 سوره انبیاء الميزان ج : 14 ص : 452**

# بیان امت واحده بودن بشر و انحصار پرستش رب واحد

**« إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكمْ فَاعْبُدُونِ‏...!»**

در اين آيات به مضمون اول سوره برگشت شده، زيرا در آن آيات بيان مى‏فرمود كه براى بشر معبودى است واحد و آن معبود همان كسى است كه آسمانها و زمين را خلق فرموده و لذا بايد او را از طريق نبوت و پذيرفتن دعوت انبيا بپرستند و با پرستش وى آماده حساب يوم الحساب شوند و نبوت جز به يك دين دعوت نمى‏كند و آن دين توحيد است ، همچنانكه موسى و قبل از او ابراهيم و قبل از وى نوح و همچنين انبيا قبل از نوح و بعد از موسى - مانند ايوب و ادريس و غير آن دو از پيامبرانى كه اساميشان و پاره‏اى از انعامهايى كه خدا به ايشان كرده و در قرآن كريم آمده - همه به آن دعوت مى‏كردند.

پس ، بشر امتى است واحده و داراى ربى واحد و آن خداى عز اسمه است!

و دين واحد و آن دين توحيد است كه در آن تنها خدا عبادت مى‏شود!

**هدف و فلسفه نزول سوره حج**

**( الميزان ج : 14 ص :476 )**

# بیان مشروح اصول دین، اجمال فروع دین و انذار از قیامت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَأَيُّهَا النَّاس اتَّقُوا رَبَّكمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ الساعَةِ شىْ‏ءٌ عَظِيمٌ‏! يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضعَت وَ تَضعُ كلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاس سكَرَى وَ مَا هُم بِسكَرَى وَ لَكِنَّ عَذَاب اللَّهِ شدِيدٌ!» (1و2 / حج)**

اين سوره مشركين را مخاطب قرار داده، اصول دين و انذار و تخويف را به ايشان خاطر نشان مى‏سازد، همچنانكه در سوره‏هاى نازل شده قبل از هجرت مشركين مورد خطابند. اين سوره سياقى دارد كه از آن بر مى‏آيد مشركين هنوز شوكت و نيرويى داشته‏اند.

در این سوره مؤمنين را به امثال نماز ، حج ، عمل خير ، اذن در قتال و جهاد مخاطب قرار داده است.

آيات سوره حج داراى سياقى است كه مى‏فهماند مؤمنين جمعيتى بوده‏اند كه اجتماعشان تازه تشكيل شده و روى پاى خود ايستاده و مختصرى عده و عده و شوكت به دست آورده‏اند.

با اين بيان به طور قطع بايد گفت كه اين سوره در مدينه نازل شده، چيزى كه هست نزول آن در اوايل هجرت و قبل از جنگ بدر بوده است .

و غرض سوره بيان اصول دين است، البته با بيانى تفصيلى كه مشرك و موحد هر دو از آن بهره‏مند شوند .

و نيز فروع آن، ولى بيانش در فروع به طور اجمال است و تنها مؤمنين موحد از آن استفاده مى‏كنند، چون تفاصيل احكام فرعى در روزگارى كه اين سوره نازل مى‏شده هنوز تشريع نشده بود و به همين جهت در اين سوره كليات فروع دين از قبيل نماز و حج را بيان كرده است .

و از آنجايى كه دعوت مشركين به اصول دين توحيد از طريق انذار صورت مى‏گرفته و نيز وادارى مؤمنين به اجمال فروع دين به لسان امر به تقوى بوده و قهرا سخن از روز قيامت به ميان آمده، لذا گفتار را در آن فراز بسط داده و در آغاز سوره ، زلزله روز قيامت - كه از علامتهاى آن است و به وسيله آن زمين ويران شده و كوهها فرو مى‏ريزد - را خاطر نشان ساخته است!

**هدف آیه 3 تا 16 سوره حج الميزان ج : 14 ص : 481**

# بیان گمراهی و هدایت اصناف مختلف مردم

**« وَ مِنَ النَّاسِ مَن يجَدِلُ فى اللَّهِ بِغَيرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كلَّ شيْطنٍ مَّرِيدٍ...!»**

اين آيات اصنافى از مردم را معرفى مى‏كند و مى‏فرمايد: بعضى مصّر بر باطل و مجادله كننده در برابر حقند و بعضى در باره حق متزلزلند و بعضى ديگر مؤمنند و در باره هر صنفى وصف الحالى ذكر مى‏كند: دسته اول و دوم را گمراه دانسته و گمراهيشان را بيان مى‏كند و از بدى سرانجامشان خبر مى‏دهد و صنف سوم را راه يافته در دنيا و متنعم در آخرت مى‏داند!

**هدف آیه 17 تا 24 سوره حج الميزان ج : 14 ص : 503**

# بیان داوری و حکم الهی درقیامت درباره مومنین و غیر مومنین

**« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصبِئِينَ وَ النَّصرَى وَ الْمَجُوس وَ الَّذِينَ أَشرَكوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلى كلّ‏ِ شىْ‏ءٍ شهِيدٌ...!»**

بعد از آنكه در آيات سابق اختلاف مردم و خصومت آنان را در باره خداى سبحان نقل كرد كه يكى تابع پيشوايى گمراه كننده است و ديگرى پيشوايى است گمراه كننده كه بدون علم در باره خدا جدال مى‏كند و يكى ديگر مذبذب و سرگردانى است كه خدا را در يك صورت مى‏پرستد و در ساير صور به شرك قبلى خود بر مى‏گردد و ديگرى به خداى سبحان ايمان دارد و عمل صالح مى‏كند، اينك در اين آيات مى‏فرمايد كه خدا عليه ايشان شهادت مى‏دهد و به زودى در روز قيامت ميان آنان داورى مى‏كند در حالى كه همه خاضع و مقهور او هستند و در برابر عظمت و كبرياى او به سجده در مى‏آيند، سجده حقيقى - و لو اينكه بعضى از اينان يعنى آنهائى كه عذاب بر آنان حتمى شده بر حسب ظاهر از سجده امتناع كنند - آنگاه اجر مؤمنين و كيفر غير مؤمنين را بعد از فصل قضاء در قيامت بيان مى‏كند .

**هدف آیه 25 تا 37 سوره حج الميزان ج : 14 ص : 515**

# بیان تشریع حج ابراهیمی و برخی از آداب و احکام حج

**« إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصدُّونَ عَن سبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسجِدِ الْحَرَامِ الَّذِى جَعَلْنَهُ لِلنَّاسِ سوَاءً الْعَكِف فِيهِ وَ الْبَادِ وَ مَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادِ بِظلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ...!»**

اين آيات مزاحمت و جلوگيرى كفار مشرك از ورود مؤمنين به مسجد الحرام را ذكر مى‏كند و تهديدى كه به ايشان نموده نقل مى‏كند و اشاره‏اى دارد به تشريع حج خانه خدا براى اولين بار در عهد ابراهيم و ماموريت او به اينكه حج را در ميان مردم اعلام بدارد و نيز پاره‏اى از احكام حج را بيان مى‏كند.

**هدف آیه 38 تا 57 سوره حج الميزان ج : 14 ص : 538**

# بیان اولین اذن جهاد و آماده سازی افکار مسلمانان برای مبارزه

**« إِنَّ اللَّهَ يُدَفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لا يحِب كلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ...!»**

اين آيات متضمن اذن مؤمنين به قتال با كفار است و به طورى كه گفته‏اند: اولين آيه‏اى است كه در باره جهاد نازل شده، چون مسلمانان مدتها بود از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ درخواست اجازه مى‏كردند كه با مشركين قتال كنند و حضرت به ايشان مى‏فرمود: من مامور به قتال نشده‏ام و در اين باب هيچ دستورى نرسيده است و تا در مكه بود همه روزه عده‏اى از مسلمانان نزدش مى‏آمدند كه يا كتك خورده بودند و يا زخمى شده بودند و يا شكنجه ديده بودند و در محضر آن جناب از وضع خود و ستمهايى كه از مشركين مكه و گردن‏كلفت‏هاى آنان مى‏ديدند شكوه مى‏كردند، حضرت هم ايشان را تسليت داده، امر به صبر و انتظار فرج مى‏كرد تا آنكه اين آيات نازل شد كه در آنها فرمود:« اذن للذين يقاتلون ... !»

در این آیات صريحا كلمه اجازه آمده و علاوه در آن زمينه‏چينى شده و مردم را بر جهاد تهييج و دلها را تقويت و با وعده نصرت به طور اشاره و تصريح آنان را ثابت قدم نموده و رفتارى را كه خدا با اقوام ستمگر گذشته نموده يادآور شده است. همه اينها از لوازم تشريع احكام مهم و بيان و ابلاغ براى اولين بار آن است، آن هم حكم جهاد كه بناى آن بر اساس فداكارى و جانبازى است و از دشوارترين احكام اجتماعى اسلام و مؤثرترين آنها در حفظ اجتماع دينى است .

آرى ابلاغ چنين حكمى براى اولين بار بسيار احتياج دارد به زمينه‏چينى و بسط كلام و بيدار كردن افكار، همچنانكه در همين آيات اين روش به كار رفته است، چونكه اولا كلام را با اين نكته كه خدا مولاى مؤمنين و مدافع ايشان است افتتاح نموده، سپس به طور صريح اجازه قتال داده و فرموده كه: شما تاكنون مظلوم بوديد و قتال تنها راه حفظ اجتماع صالح از ظلم ستمگران است و در اين جمله ايشان را به وصف صلاحيت ستوده و آنان را شايسته و قابل براى تشكيل يك مجتمع دينى كه در آن اعمال صالح عملى مى‏شود دانسته، آنگاه رفتار خداى را نسبت به اقوام ستمگر گذشته حكايت كرده و وعده داده كه به زودى انتقام ايشان را از ستمگران معاصرشان خواهد گرفت ، همانطور كه از گذشتگان گرفت!

**هدف آیه 58 تا 66 سوره حج الميزان ج : 14 ص : 563**

# بیان ثواب هجرت و جهاد و شهادت در راه خدا

**« وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فى سبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقاً حَسناً وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيرُ الرَّزِقِينَ‏...!»**

اين آيات غرض سابق را تعقيب نموده ، ثواب كسانى را كه هجرت كرده و سپس در جهاد در راه خدا كشته شدند و يا مردند بيان مى‏كند، البته در خلال اين بيان جملاتى هم در تحريك و تشويق به جهاد و در وعده نصرت آمده، مانند جمله: «ذلك و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغى عليه لينصرنه الله...!»

و اين آيات خصوصيتى دارند كه در هيچ جاى قرآن كريم اين خصوصيت نيست و آن اين است كه اين هشت آيه كه پشت سر هم قرار دارند هر يك با دو اسم از اسماى حسناى الهى ختم مى‏شوند مگر اسم جلاله كه آن نيامده است!

در نتيجه اگر ضمير هو را هم اسم بدانيم، شانزده اسم در اين هشت آيه آمده است:

1 - هو 2 - خير الرازقين 3 - عفوّ 4 - غفور 5 - سميع 6 - بصير 7 - على 8 - كبير 9 - لطيف 10 - خبير 11- غنى 12 - حميد 13 - رؤوف 14 – رحيم 15 – عليم 16 – حليم!

و در آيه نهم آمده كه او زنده مى‏كند و مى‏ميراند و نيز او حق است و ملك آسمان و زمين از او است و اين در معناى چهار اسم است: محيى ، مميت ، حق و مالك يا ملك كه با اين چهار اسم بيست اسم از اسماى خداى تعالى كه با لطيف‏ترين و بى‏سابقه‏ترين وجهى در اين 9 آيه به كار رفته است.

**هدف آیه 67 تا 78 سوره حج الميزان ج : 14 ص : 572**

# دعوت مومنین به بندگی خدا، انجام عمل خیر و جهاد فی سبیل الله

**« لِّكُلّ‏ِ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسكاً هُمْ نَاسِكوهُ فَلا يُنَزِعُنَّك فى الأَمْرِ وَ ادْعُ إِلى رَبِّك إِنَّك لَعَلى هُدًى مُّستَقِيمٍ‏...!»**

اين آيات رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را دستور مى‏دهد به دعوت و اينكه حقايقى از دعوت خود و اباطيل شرك را بيان كند، آنگاه مؤمنين را دستور مى‏دهد به فعل خير كه خلاصه شريعت است و مراد از آن اين است كه خدا را بندگى نموده، عمل خير انجام دهند و در آخر امر به جهاد در راه خدا مى‏كند و با همين دستور سوره را ختم مى‏نمايد!

**هدف و فلسفه نزول سوره مؤمنون**

**( الميزان ج : 15 ص :3 )**

# دعوت به ایمان به خدا و روز قیامت

**بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ‏ ! الَّذِينَ هُمْ فى صلاتهِمْ خَشِعُونَ‏...!»**

**(1تا11/مومنون)**

در اين سوره بر ايمان به خدا و روز قيامت دعوت شده و فرقهايى كه ميان مؤمنين و كفار هست شمرده شده است . صفات پسنديده و فضائلى كه در مؤمنان و رذائل اخلاقى و اعمال زشتى كه در كفار هست ذكر شده و به دنبالش مژده‏ها و بيم‏ها داده كه بيمهاى آن متضمن ذكر عذاب آخرت و بلاهاى دنيايى است .

بلاهايى كه امتهاى گذشته را به خاطر تكذيب دعوت حق از بين برد و منقرض ساخت و از دوران نوح عليه‏السلام‏ گرفته از هر امتى نمونه‏اى ذكر كرده، تا به عيسى عليه‏السلام‏ رسيده است.

**هدف آیه 12 تا 22 سوره مؤمنون الميزان ج : 15 ص : 22**

# شرح خلقت و تدبیرامورانسان و نعمت های اعطائی خدا به او

**« وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الانسنَ مِن سلَلَةٍ مِّن طِينٍ‏...!»**

بعد از آنكه خداى سبحان رستگارى مؤمنين را به خاطر اوصافى كه دارند بيان فرمود، به شرح خلقتشان و نعمت‏هايى كه به آنان ارزانى داشته كه چگونه تدبير امورشان را كرده و تدبير خود را با خلقت خود توأم ساخته، مى‏پردازد تا معلوم شود اوست رب انسان و رب هر موجود ديگر و بر همه واجب است كه تنها او را بپرستند و شريكى برايش نگيرند!

**هدف آیه 23 تا 54 سوره مؤمنون الميزان ج : 15 ص : 32**

# دعوت بشر به توحید در عبادت از طریق رسالت

**« وَ لَقَدْ أَرْسلْنَا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ فَقَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكم مِّنْ إِلَهٍ غَيرُهُ أَ فَلا تَتَّقُونَ‏ ...!»**

خداى عز و جل بعد از آنكه نعمتهاى بزرگ خود را براى مردم برمى‏شمارد به دنبال آن در اين آيات بشر را دعوت مى‏كند به توحيد در عبادت ، آنهم از طريق رسالت و در ضمن اجمالى از طرز دعوت انبياء از زمان نوح تا عيسى بن مريم عليهماالسلام‏ را نقل كرده، ولى نام يك يك آنان را نبرده ، تنها نام نوح كه اولين قيام كننده بود دعوت به توحيد است و نام موسى و عيسى عليهماالسلام‏ را كه آخرين ايشانند برده و نام بقيه را مبهم گذاشته است.

چيزى كه هست خاطرنشان كرده كه دعوت انبيا متصل به هم بوده و پشت سر هم قرار داشته و نيز فرموده كه مردم جز به كفر اجابت نكردند و جز به انكار آيات خدا و كفران نعمت‏هاى او عكس العمل نشان ندادند!

**هدف آیه 55 تا 77 سوره مؤمنون الميزان ج : 15 ص : 50**

# بیان مکر الهی در متنعم ساختن توانگران مترف و نزول ناگهانی عذاب

**« أَ يحْسبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَ بَنِينَ‏...!»**

اين آيات متصل به جمله‏اى است كه در آخر آيات قبل بود و مى‏فرمود: «فذرهم فى غمرتهم حتى حين!» و وجه اتصال اين است كه بعد از آنكه در دنباله داستان انبياء فرمود دين خدا يكى بود و مردم آن را پاره پاره نموده و هر جمعيتى به داشتن يك قسمت از آن خوشحال شدند و آنگاه ايشان را تهديد به عذاب معينى كرد كه پس از رسيدن آن مدت معين هيچ گريزى از آن نيست و اخطار فرمود كه در همان غمرات جهل خود ، به هر طور كه مى‏خواهند خود را آماده عذاب بكنند ، كه به زودى آنان را از همه اطراف فرا خواهد گرفت .

اينك در اين آيات ايشان را به اشتباهى كه داشته‏اند متنبه نموده و مى‏فرمايد : اگر ما در مال و اولاد به ايشان توسعه داديم، خيال نكنند كه خواسته‏ايم خير ايشان را زودتر به ايشان برسانيم، چون اگر خير بود ، توانگران و مترفين ايشان را به عذاب خود دچار نمى‏كرديم ، بلكه اين عمل ما ، براى بيشتر عذاب كردن ايشان است . طرف مقابل آنها مومنون هستند و مسارعت در خيرات آن اعمال صالحى است كه خداوند به مؤمنين توفيق انجام آن را داده است و نيز ثمرات آن است كه همان اجر جزيل و ثواب عظيم در دنيا و آخرت است در نتيجه مؤمنين در اعمال صالح سرعت مى‏گيرند و خدا هم در فراهم نمودن اسباب براى آنان سرعت مى‏گيرد .

**هدف آیه 78 تا 98 سوره مؤمنون الميزان ج : 15 ص : 73**

# اقامه حجت بر توحید خدا در ربوبیت و بازگشت خلق بسوی او

**« وَ هُوَ الَّذِى أَنشأَ لَكمُ السمْعَ وَ الأَبْصرَ وَ الأَفْئِدَةَ قَلِيلاً مَّا تَشكُرُونَ‏...!»**

بعد از آنكه كفار را به عذاب شديدى بيم داد كه مفرى از آن نيست و همه عذرهاى آنان را كه ممكن بود بدان اعتذار جويند رد نمود و بيان نمود كه تنها سبب كفر ايشان به خدا و روز قيامت پيروى هواى نفس و كراهت پيروى از حق است، اينك در اين فصل از آيات همان بيان را با اقامه حجت بر توحيد خدا در ربوبيت و بر بازگشت خلق به سوى او و ارائه آياتى روشن و غير قابل انكار تتميم فرموده است .

پس از آن، به رسولش اعلام مى‏دارد كه به خدا پناه ببرد از اينكه مشمول آن عذاب‏هايى گردد كه كفار از آن بيم داده شده‏اند و نيز از وساوس شيطانها و اينكه به سر وقت او آيند همانطور كه به سر وقت كفار رفتند، به خدا پناه برد!

**هدف آیه 99 تا 118 سوره مؤمنون الميزان ج : 15 ص : 93**

# بیان تفصیلی عذاب آخرتی مشرکین و رستگاری وارثان بهشت

**« حَتى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْت قَالَ رَب ارْجِعُونِ‏...!»**

اين آيات عذاب آخرتى را كه در خلال آيات قبل به مشركين وعده داد به طور مفصل بيان مى‏كند و آغاز آن را از روز مرگ تا قيامت و از قيامت تا ابديت معرفى مى‏كند و اين معنا را خاطر نشان مى‏سازد كه زندگى دنيا كه ايشان را مغرور كرده و از آخرت باز داشته، بسيار ناچيز و اندك است( اگر بخواهند بفهمند!) و در آخر اين آيات كه آخر سوره است سوره را با خطابى به رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله ‏وسلّم‏ ختم مى‏كند و در آن خطاب به وى دستور مى‏دهد كه از او درخواست كند همان چيزى را كه خودش از بندگان مؤمن خود و رستگاران در آخرت حكايت كرده بود و آن اين بود كه گفتند:« رب اغفر و ارحم و انت خير الراحمين - پروردگارا بيامرز و رحم كن كه تو بهترين رحم كنندگان هستى!» اتفاقا سوره را هم با مساله رستگارى همين طائفه افتتاح كرده و فرموده بود كه اينها وارث بهشتند!

**هدف و فلسفه نزول سوره نور**

**( الميزان ج : 15 ص :110 )**

# بیان پاره ای از احکام تشریع شده و معارف الهی مناسب با آنها

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سورَةٌ أَنزَلْنَهَا وَ فَرَضنَهَا وَ أَنزَلْنَا فِيهَا ءَايَتِ بَيِّنَتٍ لَّعَلَّكمْ تَذَكَّرُونَ...!» (1تا10/نور)**

غرض اين سوره همان است كه سوره با آن افتتاح شده و آن بيان پاره‏اى از احكام تشريع شده و سپس پاره‏اى از معارف الهى مناسب با آن احكام است، معارفى كه مايه تذكر مؤمنين مى‏شود .

**هدف آیه 11 تا 26 سوره نور الميزان ج : 15 ص : 125**

# بیان ماجرای افک : تهمت به خانواده پیامبر

**« إِنَّ الَّذِينَ جَاءُو بِالافْكِ عُصبَةٌ مِّنكمْ لا تحْسبُوهُ شرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيرٌ لَّكمْ لِكلّ‏ِ امْرِىٍ مِّنهُم مَّا اكْتَسب مِنَ الاثْمِ وَ الَّذِى تَوَلى كِبرَهُ مِنهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ‏...!»**

اين آيات به داستان افك اشاره مى‏كند. از آيات بر مى‏آيد كه به بعضى از خانواده رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏ وسلّم‏ نسبت فحشاء دادند و نسبت دهندگان چند نفر بوده و داستان را در ميان مردم منتشر كرده و دست به دست گردانده‏اند و نيز به دست مى‏آيد كه بعضى از منافقين يا بيماردلان در اشاعه اين داستان كمك كرده‏اند ، چون به طور كلى اشاعه فحشاء در ميان مؤمنين را دوست مى‏داشتند و لذا خدا اين آيات را نازل كرده و از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ دفاع فرمود .

**هدف آیه 27 تا 34 سوره نور الميزان ج : 15 ص : 151**

# بیان برخی روابط و قوانین خانواده

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيرَ بُيُوتِكمْ حَتى تَستَأْنِسوا وَ تُسلِّمُوا عَلى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ‏...!»**

در اين آيات احكام و شرايعى كه متناسب و مناسب با مطالب گذشته است تشريع شده است.

**هدف آیه 35 تا 46 سوره نور الميزان ج : 15 ص : 165**

# بیان نور الهی و نور معرفت خاص مومنین

**« اللَّهُ نُورُ السمَوَتِ وَ الأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشكَوةٍ فِيهَا مِصبَاحٌ الْمِصبَاحُ فى زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنهَا كَوْكَبٌ دُرِّىٌّ يُوقَدُ مِن شجَرَةٍ مُّبَرَكةٍ زَيْتُونَةٍ لا شرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتهَا يُضى‏ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسسهُ نَارٌ نُّورٌ عَلى نُورٍ يهْدِى اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشاءُ وَ يَضرِب اللَّهُ الأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكلّ‏ِ شىْ‏ءٍ عَلِيمٌ !»**

اين آيات متضمن مقايسه مؤمنين به حقيقت ايمان با كفار است، مؤمنين را به داشتن اين امتيازات معرفى مى‏كند كه به وسيله اعمال صالح هدايت يافته و به نورى از ناحيه پروردگارشان راه يافته‏اند كه ثمره‏اش معرفت خداى سبحان و سلوك و راه‏يابى به بهترين پاداش و نيز به فضل خداى تعالى است، در روزى كه پرده از روى دلها و ديده‏هايشان كنار مى‏رود .

به خلاف كفار كه اعمالشان ايشان را جز به سرابی بدون حقيقت راه نمى‏نمايد و در ظلماتى چند طبقه و بعضى روى بعض قرار دارند و خدا براى آنان نورى قرار نداده، نور ديگرى هم نيست كه با آن روشن شوند .

اين حقيقت را به اين بيان ارائه داده كه خداى تعالى داراى نورى است عمومى ، كه با آن آسمان و زمين نورانى شده و در نتيجه به وسيله آن نور ، در عالم وجود ، حقايقى ظهور نموده كه ظاهر نبود.

و بايد هم اين چنين باشد، چون ظهور هر چيز اگر به وسيله چيز ديگرى باشد بايد آن وسيله خودش به خودى خود ظاهر باشد، تا ديگران را ظهور دهد و تنها چيزى كه در عالم به ذات خود ظاهر و براى غير خود مظهر باشد همان نور است .

پس خداى تعالى نورى است كه آسمانها و زمين با اشراق او بر آنها ظهور يافته‏اند، همچنان كه انوار حسى نيز اين طورند، يعنى خود آنها ظاهرند و با تابيدن به اجسام ظلمانى و كدر، آنها را روشن مى‏كنند، با اين تفاوت كه ظهور اشياء به نور الهى عين وجود يافتن آنها است، ولى ظهور اجسام كثيف به وسيله انوار حسى غير از اصل وجود آنها است .

در اين ميان نور خاصى هست كه تنها مؤمنين با آن روشن مى‏شوند و به وسيله آن به سوى اعمال صالح راه مى‏يابند و آن نور معرفت است كه دلها و ديده‏هاى مؤمنين در روزى كه دلها و ديده‏ها زير و رو مى‏شود، به آن روشن مى‏گردد و در نتيجه به سوى سعادت جاودانه خود هدايت مى‏شوند و آنچه در دنيا برايشان غيب بود در آن روز برايشان عيان مى‏شود .

خداى تعالى اين نور را به چراغى مثل زده كه در شيشه‏اى قرار داشته باشد و با روغن زيتونى در غايت صفا بسوزد و چون شيشه چراغ نيز صاف است، مانند كوكب درى بدرخشد و صفاى اين با صفاى آن، نور على نور تشكيل دهد و اين چراغ در خانه‏هاى عبادت آويخته باشد، خانه‏هايى كه در آنها مردانى مؤمن، خداى را تسبيح كنند، مردانى كه تجارت و بيع ايشان را از ياد پروردگارشان و از عبادت خدا باز نمى‏دارد!

اين مثال، صفت نور معرفتى است كه خداى تعالى مؤمنين را با آن گرامى داشته، نورى كه دنبالش سعادت هميشگى است و كفار را از آن محروم كرده و ايشان را در ظلماتى قرار داده كه هيچ نمى‏بينند .

اين آيات چنان نيست كه به كلى با آيات قبلى اجنبى باشد، بلكه وجه اتصالى با آنها دارد، چون آيات قبل كه احكام و شرايع را بيان مى‏كرد بدينجا خاتمه يافت كه:« و لقد انزلنا اليكم آيات مبينات و مثلا من الذين خلوا من قبلكم و موعظة للمتقين!» كه در آن گفتگو از بيان شد و معلوم است كه بيان به معناى اظهار حقايق معارف و در نتيجه تنويرى است الهى.

علاوه بر اين در آيه مذكور كلمه آيات آمده بود و آيات همان قرآن است كه خداى تعالى در چند جا آن را نور خوانده، مانند آيه:« وانزلنا اليكم نورا مبينا!»

**هدف آیه 47 تا 57 سوره نور الميزان ج : 15 ص : 199**

# بیان وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول الله«ص»

**« وَ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسولِ وَ أَطعْنَا ثُمَّ يَتَوَلى فَرِيقٌ مِّنهُم مِّن بَعْدِ ذَلِك وَ مَا أُولَئك بِالْمُؤْمِنِينَ ...!»**

اين آيات وجوب اطاعت خدا و رسولش صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را بيان مى‏كند و مى‏فهماند كه اطاعت رسول صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ از اطاعت خدا جدا نيست و بر هر مسلمان واجب است كه به حكم و قضاى او تن در دهد، كه روگردانى از حكم و قضاى او نفاق است و در آخر صالحان از مؤمنين را وعده جميل و كفار را تهديد و بيم مى‏دهد .

**هدف آیه 58 تا 64 سوره نور الميزان ج : 15 ص : 224**

# بیان احکام رفتاردر خانواده و اجتماع و با رسول خدا«ص»

**« يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَستَئْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَت أَيْمَنُكمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الحُْلُمَ مِنكمْ ثَلَث مَرَّتٍ مِّن قَبْلِ صلَوةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظهِيرَةِ وَ مِن بَعْدِ صلَوةِ الْعِشاءِ ثَلَث عَوْرَتٍ لَّكُمْ لَيْس عَلَيْكمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُنَاحُ بَعْدَهُنَّ طوَّفُونَ عَلَيْكم بَعْضكمْ عَلى بَعْضٍ كَذَلِك يُبَينُ اللَّهُ لَكُمُ الاَيَتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ‏...!»**

اين آيات بقيه احكامى كه گفتيم در اين سوره آمده بيان مى‏كند و سوره با همين آيات ختم مى‏شود و در آن اشاره است به اينكه خداى سبحان آنچه تشريع مى‏كند به علم خود مى‏كند و به زودى حقيقت( و مصالح واقعى احكامش) براى مردم در روزى كه به سويش باز مى‏گردند روشن مى‏شود!

**هدف و فلسفه نزول سوره فرقان**

**( الميزان ج : 15 ص :237 )**

# بیان حق بودن دعوت رسول الله و فرقان نازل شده بر او

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبَارَك الَّذِى نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَلَمِينَ نَذِيراً ! الَّذِى لَهُ مُلْك السمَوَتِ وَ الأَرْضِ وَ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُن لَّهُ شرِيكٌ فى الْمُلْكِ وَ خَلَقَ كلَّ شىْ‏ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً! وَ اتخَذُوا مِن دُونِهِ ءَالِهَةً لا يخْلُقُونَ شيْئاً وَ هُمْ يخْلَقُونَ وَ لا يَمْلِكُونَ لأَنفُسِهِمْ ضرًّا وَ لا نَفْعاً وَ لا يَمْلِكُونَ مَوْتاً وَ لا حَيَوةً وَ لا نُشوراً !» ( 1تا3/ فرقان)**

غرض اين سوره بيان اين حقيقت است كه دعوت رسول خدا صلى‏الله‏عليه ‏وآله‏وسلّم‏ دعوتى است حق و ناشى از رسالتى از جانب خداى تعالى و كتابى نازل شده از ناحيه او و نيز در اين سوره چند نوبت پشت سر هم ايرادهايى كه كفار بر نبوت آن جناب از ناحيه خدا و بر نازل بودن كتابش از جانب خدا كرده‏اند ، دفع شده و در اين دفع عنايتى بالغ به كار رفته است.

و چون بيان اين غرض مستلزم احتجاج بر مساله توحيد و نفى شريك و بيان پاره‏اى از اوصاف قيامت و صفات پسنديده‏اى از مؤمنين بود، لذا به اين مسائل نيز پرداخته، ولى همه اين بيانات را با لحن انذار و تخويف ايفاء نمود، نه تبشير و تشويق .

**هدف آیه 4 تا 20 سوره فرقان الميزان ج : 15 ص : 246**

# بیان طعنه های مشرکین به رسول الله درباره قرآن و پاسخ آنها

**« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلا إِفْكٌ افْترَاهُ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخَرُونَ فَقَدْ جَاءُو ظلْماً وَ زُوراً...!»**

اين آيات طعنه‏هايى را كه مشركين به رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ و درباره قرآن كريم زده‏اند حكايت نموده، جواب مى‏دهد.

**هدف آیه 21 تا 31 سوره فرقان الميزان ج : 15 ص : 271**

# رد اعتراضات مشرکین به رسالت رسول الله و ارتباطش با فرشته وحی

**« وَ قَالَ الَّذِينَ لا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَئكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ استَكْبرُوا فى أَنفُسِهِمْ وَ عَتَوْ عُتُوًّا كَبِيراً...!»**

اين آيات اعتراض ديگرى را از مشركين بر رسالت رسول حكايت نموده كه خواسته‏اند با آن اعتراض، رسالت وى را رد كنند و حاصل اعتراضشان اين است كه اگر ممكن باشد كه از جنس بشر بدان جهت كه بشر است شخصى رسول شود و ملائكه بر او وحى خداى سبحان بياورد و رسول خدا را ببيند و با او از راه وحى سخن بگويد، بايد ساير افراد بشر نيز بدان جهت كه بشرند داراى اين خصايص بگردند، پس اگر آنچه او ادعاء مى‏كند حق باشد بايد ما و يا بعضى از ما نيز مانند او باشيم، آنچه را او مدعى ديدنش است ببينيم و آنچه او درك مى‏كند ما نيز درك بكنيم .

خداى سبحان چنين پاسخ داده كه به زودى ملائكه را خواهند ديد، ولى نه در اين نشاه بلكه در نشاه‏اى ديگر! و اين جواب در معناى آيه:« ما ننزل الملائكة الا بالحق و ما كانوا اذا منظرين!» مى‏باشد و در اين آيات اشاره به مابعد از مرگ و به روز قيامت است.

**هدف آیه 32 تا 40 سوره فرقان الميزان ج : 15 ص : 287**

# رد اعتراض کفار بر نزول تدریجی قرآن

**« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَحِدَةً كذَلِك لِنُثَبِّت بِهِ فُؤَادَك وَ رَتَّلْنَهُ تَرْتِيلاً ...!»**

در اين آيات، طعنه ديگرى كه كفار به قرآن كريم زده‏اند نقل شده و آن اين است كه چرا قرآن يكباره نازل نشد؟ و از آن پاسخ داده شده است.

**هدف آیه 41 تا 62 سوره فرقان الميزان ج : 15 ص : 305**

بیان صفات کفار معترض به کتاب و رسالت رسول الله «ص»

**« وَ إِذَا رَأَوْك إِن يَتَّخِذُونَك إِلا هُزُواً أَ هَذَا الَّذِى بَعَث اللَّهُ رَسولاً...!»**

اين آيات پاره‏اى از صفات كفار نامبرده را كه به كتاب و رسالت طعنه مى‏زدند و منكر توحيد و معاد بودند بر مى‏شمارد، البته آن صفاتى كه با سنخ اعتراضات و بى انديشه سخن گفتن آنها تناسب دارد، مانند استهزاء به رسول و پيروى از هواى نفس و پرستش چيزهايى كه سود و زيانى برايشان نداشت و نيز استكبارشان از سجده براى خداى سبحان .

**هدف آیه 63 تا 77 سوره فرقان الميزان ج : 15 ص : 329**

# ارائه شرحی از صفات برجسته عباد الرحمن

**« وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشونَ عَلى الأَرْضِ هَوْناً وَ إِذَا خَاطبَهُمُ الْجَهِلُونَ قَالُوا سلَماً...!»**

اين آيات صفات بر جسته و ستوده‏اى از مؤمنين را در مقابل صفات ناستوده‏اى كه براى كفار شمرده بر مى‏شمارد، كه جامع آن صفات در مؤمنين اين است كه: مؤمنين پروردگار خود را مى‏خوانند و پيامبر او و كتابى را كه او بر آن پيامبر نازل كرده تصديق مى‏نمايند و خلاف آن صفات در كفار اين است كه: كفار رسالت پيامبر خداى را تكذيب مى‏كنند و از دعوت او اعراض مى‏نمايند و پيرو هواى نفس مى‏شوند و به همين مناسبت آيات مورد بحث با آيه:« قل ما يعبؤا بكم ربى لو لا دعاؤكم فقد كذبتم فسوف يكون لزاما ! » ختم مى‏شود كه ختم سوره نيز هست.

**هدف و فلسفه نزول سوره شعراء**

**( الميزان ج : 15 ص :345 )**

# دلداری رسول الله و بیان عاقبت تکذیب کنندگان آنحضرت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! طسم‏! تِلْك ءَايَت الْكِتَبِ الْمُبِينِ‏! لَعَلَّك بَخِعٌ نَّفْسك أَلا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ‏ ...!» (1تا9/شعرا)**

غرض از اين سوره، تسليت خاطر رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ است از اينكه قومش او را و قرآن نازل بر او را تكذيب كرده بودند و او آزرده شده بود و همين معنا از اولين آيه آن كه مى‏فرمايد:« تلك آيات الكتاب المبين!» بر مى‏آيد .

آرى كفار قريش يك بار او را مجنون خواندند، بار ديگر شاعر و اين آيات علاوه بر تسليت خاطر آن جناب، مشركين را تهديد مى‏كند به سرنوشت اقوام گذشته و به اين منظور چند داستان از اقوام انبياى گذشته يعنى موسى و ابراهيم و نوح و هود و صالح و لوط و شعيب عليهماالسلام‏ و سرنوشتى كه با آن روبرو شدند و كيفرى كه در برابر تكذيب خود ديدند نقل كرده است تا آن جناب از تكذيب قوم خود دل سرد و غمناك نگردد و نيز قوم آن جناب از شنيدن سرگذشت اقوام گذشته عبرت بگيرند .

اين سوره از سوره‏هاى پيشين مكى است، يعنى از آنهايى است كه در اوايل بعثت نازل شده به شهادت آيه:« و انذر عشيرتك الأقربين!» كه مى‏دانيم مشتمل بر ماموريت آن جناب در اول بعثت است و در اين سوره واقع است و چه بسا از قرار گرفتن آيه مزبور در اين سوره و آيه:« فاصدع بما تؤمر!» در سوره حجر و مقايسه مضمون آن دو با يكديگر تخمين زده شود كه اين سوره جلوتر از سوره حجر نازل شده است .

**هدف آیه 10 تا 68 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 354**

# بیان سرانجام اقوام انبیاء گذشته برای تقویت روحی رسول الله«ص»

**« وَ إِذْ نَادَى رَبُّك مُوسى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظلِمِينَ‏...!»**

در اين آيات به داستانهايى از اقوام انبياى گذشته شروع كرده تا روشن شود كه قوم خاتم الانبياء صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ نيز همان راهى را مى‏روند كه قوم موسى و هارون و ابراهيم و نوح و هود و صالح و لوط و شعيب رفته بودند و به زودى راه اينان نيز به همان سرنوشتى منتهى مى‏شود كه آن اقوام ديگر بدان مبتلا شدند، يعنى بيشترشان ايمان نمى‏آورند و خدا ايشان را به عقوبت دنيايى و آخرتى مى‏گيرد .

دليل بر اينكه آيات در مقام به دست دادن چنين نتيجه‏اى است اين است كه در آخر هر داستانى مى‏فرمايد:« و ما كان اكثرهم مؤمنين! و ان ربك لهو العزيز الرحيم!» همچنان كه در داستان خاتم الأنبياء صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ بعد از ختم كلام و حكايت اعراض قومش در آغاز سوره فرمود:« و ما كان ...!» پس معلوم مى‏شود كه آيات در مقام تطبيق داستانى بر داستان ديگر است .

و همه براى اين است كه خاطر رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ تسليت يافته، حوصله‏اش از تكذيب قومش سر نرود و بداند كه تكذيب قوم او امرى نو ظهور و تازه نيست بلكه همه اقوام انبياى گذشته نيز همين رفتار را داشتند و از قوم خود انتظارى جز آنچه امتهاى گذشته در مقابل انبياى خود داشتند نداشته باشد!

و در ضمن، قوم آن جناب را هم تهديد مى‏كند به سرنوشتى كه امتهاى گذشته به خاطر تكذيب پيغمبرشان دچار شدند. مؤيد اين معنا اين است كه در آغاز نقل داستان ابراهيم عليه‏السلام فرمود: « و اتل عليهم نبا ابراهيم - داستان ابراهيم را بر ايشان بخوان!»

**هدف آیه 69 تا 104 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 389**

# بیان قیام و دعوت ابراهیم «ع» و تکذیب قومش

**« وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَهِيمَ‏...!»**

اين آيات بعد از پايان دادن به داستان موسى عليه‏السلام به مهمترين خبر مربوط به ابراهيم عليه‏السلام‏ اشاره مى‏كند، كه با فطرت سالم و پاك خود عليه قومش كه همگى به اتفاق كلمه بت مى‏پرستيدند، به حمايت از دين توحيد و پرستش خداى سبحان قيام نموده، از مردم وطنش بيزارى جست و از دين حق دفاع نمود و گذشت بر او آنچه كه گذشت، كه همه آيت و معجزه بود، ولى بيشتر قوم او نيز ايمان نياوردند، كه در آخر آيات مورد بحث بدان اشاره مى‏فرمايد .

**هدف آیه 105 تا 122 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 412**

# بیان اجمالی از دعوت و مبارزات نوح«ع» و انجام کار قوم او

**« كَذَّبَت قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسلِينَ...!»**

اين آيات بعد از داستان موسى و ابراهيم«ع» كه دو نفر از پيامبران اولو العزم بودند، شروع مى‏كند به داستان نوح كه اولين پيامبر اولو العزم و از بزرگان انبياء است و اجمال آنچه بين آن جناب و قومش گذشته ، نقل مى‏كند كه در آخر به نجات نوح و همراهانش و غرق اكثر مردم انجاميده است!

**هدف آیه 123 تا 140 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 419**

# بیان انجام کار قوم عاد و کیفر تکذیب انبیاء

**« كَذَّبَت عَادٌ الْمُرْسلِينَ‏...!»**

اين آيات به داستان هود عليه‏السلام‏ و قومش كه همان قوم عاد بودند اشاره مى‏كند. قوم عاد مردمى از عرب بسيار قديم و عرب اوائل( يعنى اوائل پيدايش اين نژاد) بودند، كه در احقاف از جزيرة العرب زندگى مى‏كردند و داراى تمدنى مترقى و سرزمينهايى خرم و ديارى معمور بودند، به جرم اينكه پيامبران را تكذيب كرده، به نعمتهاى الهى كفران ورزيده و طغيان كردند، خداى تعالى به وسيله بادى عقيم هلاكشان ساخته و ديارشان را ويران و دودمانشان را خراب كرد .

**هدف آیه 141 تا 159 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 427**

# بیان اجمالی از سرگذشت قوم ثمود و نابودی آنان

**« كَذَّبَت ثَمُودُ الْمُرْسلِينَ ...!»**

اين آيات به اجمال به داستان صالح عليه‏السلام و قومش اشاره مى‏كند و صالح نيز يكى از انبياى عرب است، كه قرآن كريم تاريخ او را بعد از هود مى‏داند.

**هدف آیه 160 تا 175 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 434**

# بیان نابودی قوم لوط

**« كَذَّبَت قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسلِينَ‏...!»**

اين آيات به داستان لوط پيغمبر عليه‏السلام‏ كه بعد از صالح عليه‏السلام‏ مى‏زيسته اشاره مى‏كند.

**هدف آیه 176 تا 191 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 439**

# بیان دعوت حضرت شعیب و انجام کارقوم او ( اصحاب ایکه )

**« كَذَّب أَصحَب لْئَيْكَةِ الْمُرْسلِينَ‏....!»**

در اين آيات، اجمالى از داستان شعيب عليه‏السلام كه يكى از پيامبران عرب است ذكر كرده و اين داستان آخرى از هفت داستانى است كه در اين سوره آمده است.

**هدف آیه 192 تا 227 سوره شعرا الميزان ج : 15 ص : 444**

# نتیجه گیری از سرگذشت اقوام گذشته و دفاع از کتاب و پیامبر خدا

**« وَ إِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَب الْعَلَمِينَ...‏!»**

اين آيات به مطالبى اشاره مى‏كند كه به منزله نتيجه‏اى است كه از داستانهاى هفتگانه استخراج شود و هم توبيخ و تهديدى است براى كفار عصر رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم!

و نيز در اين آيات از نبوت رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ دفاع شده و احتجاج شده به اينكه نام او در كتابهاى آسمانى گذشتگان برده شده و علماى بنى اسرائيل از آن پيشگوئيها اطلاع دارند و نيز از كتاب آسمانى آن جناب، يعنى قرآن كريم دفاع شده به اينكه: اين كتاب از القاآت شيطانها و اقاويل شعراء نيست .

**هدف و فلسفه نزول سوره نمل**

**( الميزان ج : 15 ص :480 )**

# بشارت و انذار مردم با ذکر داستانهای انبیاء

# ذکر معارف مربوط به توحید در ربوبیت و معاد

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! طس! تِلْك ءَايَت الْقُرْءَانِ وَ كتَابٍ مُّبِينٍ‏! هُدًى وَ بُشرَى لِلْمُؤْمِنِينَ‏...!» (1تا6/نمل)**

بطورى كه از آيات صدر سوره و پنج آيه آخر آن بر مى‏آيد غرض اين سوره اين است كه مردم را بشارت و انذار دهد و به همين منظور ، مختصرى از داستان‏هاى موسى ، داود ، سليمان ، صالح و لوط عليهماالسلام‏ را به عنوان شاهد ذكر نموده و در دنبال آن پاره‏اى از اصول معارف مانند وحدانيت خداى تعالى در ربوبيت و مانند معاد را ذكر نموده است .

**هدف آیه 7 تا 14 سوره نمل الميزان ج : 15 ص : 484**

# بیان آغاز رسالت موسی و اعزام او به سوی فرعون

**« إِذْ قَالَ مُوسى لأَهْلِهِ إِنى ءَانَست نَاراً سئَاتِيكم مِّنهَا بخَبرٍ أَوْ ءَاتِيكُم بِشهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكمْ تَصطلُونَ‏...!»**

اين آيات، ابتداى داستانهاى پنجگانه‏اى است كه گفتيم در اين سوره به عنوان استشهاد براى مطالب صدر سوره از قبيل تبشير و انذارى كه در آنها ذكر مى‏كند مى‏باشد و در سه داستان اول از آن پنج داستان يعنى در داستان موسى و داوود و سليمان، جهت وعده را بر جهت وعيد غلبه داده و در دوتاى ديگر جانب وعيد، بيشتر رعايت شده است.

**هدف آیه 15 تا 44 سوره نمل الميزان ج : 15 ص : 492**

# بیان نبوت داود و سلیمان و عجایب سلطنت سلیمان

**« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ وَ سلَيْمَنَ عِلْماً وَ قَالا الحَمْدُ للَّهِ الَّذِى فَضلَنَا عَلى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ‏...!»**

اين آيات پاره‏اى از داستانهاى داوود و سليمان«ع» را بيان مى‏نمايد و عجايبى از اخبار سليمان و سلطنتى كه خدا به وى داده بود نيز ذكر مى‏كند.

**هدف آیه 45 تا 53 سوره نمل الميزان ج : 15 ص : 530**

# یادآوری نابودی قوم ثمود

**« وَ لَقَدْ أَرْسلْنَا إِلى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صلِحاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يخْتَصِمُونَ...!»**

اين چند آيه، اجمالى از داستان صالح پيغمبر و قومش را آورده و در آن جانب تهديد و انذار بر جانب بشارت و نويد غلبه دارد و اين معنا را در سابق نيز ، خاطرنشان كرديم.

**هدف آیه 59 تا 81 سوره نمل الميزان ج : 15 ص : 539**

# بیان اکرام بندگان برگزیده الهی و حق ربوبیت خدای تعالی

**« قُلِ الحَمْدُ للَّهِ وَ سلَمٌ عَلى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصطفَى ءَاللَّهُ خَيرٌ أَمَّا يُشرِكُونَ‏...!»**

در اين آيات از داستانهايى كه خداى سبحان به منظور ارائه نمونه‏اى از سنت جارى و رايج خود در نوع بشر از نظر هدايت قبلا ذكر كرده بود كه: چگونه راه سعادت را به ايشان نشان مى‏داده و راه يافتگان از ايشان به سوى صراط مستقيم را با رساندن به مقام اصطفاء و با نعمتهايى عظيم ، گرامى مى‏داشته و آنان را كه به وى شرك مى‏ورزيدند و از ياد او اعراض مى‏كردند به عذاب انقراض و بلاهايى الم انگيز مبتلا مى‏كرده است، منتقل شده به حمد و سلام بر بندگان مصطفايش ، آن بندگان كه به مقام اصطفاء رسيدند ، منتقل است به بيان اين نكته كه: تنها ذات اقدس او مستحق عبوديت است ، نه غير او از خدايانى كه شريكش كردند .

آنگاه دنباله كلام را به مساله توحيد و اثبات معاد و آنچه مناسب آن از معارف حقه گوناگون است كشانده است. پس مى‏توان گفت: سياق آيات اين سوره، شبيه به سياق آيات سوره مريم است ، كه بيانش در همانجا آمده است.

**هدف آیه 82 تا 93 سوره نمل الميزان ج : 15 ص : 564**

# بیان مسئله بعث و وقایع قیامت و حوادث قبل از قیامت

**« وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيهِمْ أَخْرَجْنَا لهَُمْ دَابَّةً مِّنَ الأَرْضِ تُكلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاس كانُوا بِئَايَتِنَا لا يُوقِنُونَ‏...!»**

اين آيات فصل سابق را تمام مى‏كند و به مساله بعث و پاره‏اى از ملحقات به آن ، از قبيل امورى كه در قيامت و قبل از قيامت رخ مى‏دهد اشاره مى‏كند و سوره را با همان مطلبى ختم مى‏نمايد كه با آن آغاز شده بود و آن مساله انذار و بشارت است!

**هدف و فلسفه نزول سوره قصص**

**( الميزان ج : 16 ص :3)**

# بیان جانشین کردن مستضعفین زمین به جای مستکبرین

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم‏! تِلْك ءَايَت الْكِتَبِ الْمُبِينِ‏! نَتْلُوا عَلَيْك مِن نَّبَإِ مُوسى وَ فِرْعَوْنَ بِالْحَقّ‏ِ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ...!»(1تا3/قصص)**

غرض اين سوره وعده جميل به مؤمنين است، مؤمنينى كه در مكه قبل از هجرت به مدينه عده اندكى بودند كه مشركين و فراعنه قريش ايشان را ضعيف و ناچيز مى‏شمردند و اقليتى كه در مكه در بين اين طاغيان در سخت‏ترين شرايط به سرمى‏بردند و فتنه‏ها و شدايد سختى را پشت سر مى‏گذاشتند، خداى تعالى در اين سوره به ايشان وعده مى‏دهد كه به زودى بر آنان منت نهاده و پيشوايان مردم قرارشان مى‏دهد و آنان را وارث همين فراعنه مى‏كند و در زمين مكنتشان مى‏دهد و به طاغيان قومشان آنچه را كه از آن بيم داشتند نشان مى‏دهد .

به همين منظور براى اين مؤمنين اين قسمت از داستان موسى و فرعون را خاطرنشان مى‏سازد كه موسى را در شرايطى خلق كرد كه فرعون در اوج قدرت بود و بنى اسرائيل را خوار و زيردست كرده بود كه پسر بچه‏هايشان را مى‏كشت و زنانشان را زنده مى‏گذاشت.، آرى خداوند در چنين شرايطى موسى را آفريد و مهم‏تر آنكه او را در دامن دشمنش يعنى خود فرعون پرورش داد، تا وقتى كه به حد رشد رسيد، آنگاه او را از شر فرعون نجات داد و از بين فرعونيان به سوى مدين روانه‏اش نمود و پس از مدتى به عنوان رسالت دوباره به سوى ايشان بر گردانيد، با معجزاتى آشكار تا آنكه فرعون و لشكريانش تا آخرين نفر را غرق كرده و بنى اسرائيل را وارث آنان نمود و تورات را بر موسى نازل فرمود ، تا هدايت و بصيرت براى مؤمنين باشد .

و عين همين سنت را در ميان مؤمنين به اسلام جارى خواهد كرد و ايشان را به ملك و عزت و سلطنت خواهد رسانيد و رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را دوباره به وطن باز خواهد گردانيد .

آنگاه از اين داستان منتقل مى‏شود به بيان اين كه در حكمت خدا لازم است كه از جانب خودش كتابى نازل كند، تا دعوت حق آن جناب نيز كتاب داشته باشد!

**هدف آیه 15 تا 21 سوره قصص الميزان ج : 16 ص : 20**

# بیان آمدن موسی «ع» از قصر فرعون به شهر و اتفاقات منجر به فرار او

**« وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَينِ يَقْتَتِلانِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاستَغَثَهُ الَّذِى مِن شِيعَتِهِ عَلى الَّذِى مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسى فَقَضى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشيْطنِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ‏...!»**

اين آيات فصل دوم از داستان موسى عليه‏السلام‏ را بيان مى‏كند و در آن، قسمتى از حوادث را كه بعد از رسيدنش به حد بلوغ پيش آمده و به بيرون شدنش از مصر و رفتنش به سوى مدين انجاميد ، ذكر مى‏فرمايد.

**هدف آیه 22 تا 28 سوره قصص الميزان ج : 16 ص : 31**

# بیان خروج موسی «ع» از مصر تا ازدواج با دختر شعیب «ع»

**« وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسى رَبى أَن يَهْدِيَنى سوَاءَ السبِيلِ‏...!»**

اين آيات فصل سوم از داستان موسى عليه‏السلام‏ است، در اين داستان بيرون شدنش از مصر به طرف مدين را آورده كه بعد از كشتن قبطى از ترس فرعون رهسپار آنجا شد و در آنجا با دختر پيرمردى كهن سال ازدواج كرد و در قرآن كريم نام آن پيرمرد نيامده، ليكن در روايات امامان اهل بيت عليهم‏السلام‏ و پاره‏اى از روايات اهل سنت آمده كه او شعيب ، پيغمبر مدين بوده است.

**هدف آیه 29 تا 42 سوره قصص الميزان ج : 16 ص : 41**

# بیان بعثت موسی«ع» و مبارزه او با فرعون ونزول تورات

**« فَلَمَّا قَضى مُوسى الأَجَلَ وَ سارَ بِأَهْلِهِ ءَانَس مِن جَانِبِ الطورِ نَاراً قَالَ لأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنى ءَانَست نَاراً لَّعَلى ءَاتِيكُم مِّنْهَا بخَبرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصطلُونَ...!»**

اين آيات فصل ديگرى از داستان موسى عليه‏السلام است كه در آن، اجمالى از حركت آن جناب با خانواده‏اش از مدين به طرف مصر و مبعوث شدنش به رسالت به سوى فرعون و قوم او، براى نجات دادن بنى اسرائيل و تكذيب آنان رسالت وى را و سرانجام غرق شدنشان را در دريا آورده، تا آنكه در آخر داستانش منتهى مى‏شود به نزول تورات، كه گويا منظور از بيان قصه همين قسمت آخر است.

**هدف آیه 43 تا 56 سوره قصص الميزان ج : 16 ص : 65**

# بیان آسمانی بودن قرآن و تورات

**« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسى الْكتَب مِن بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الأُولى بَصائرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ‏...!»**

خداى سبحان وقتى داستان موسى را بيان كرده خبر داده كه: چگونه مردمى زير دست و برده و ضعيف و زير شكنجه فرعونيان را بر آن ياغيان خونخوار و طاغيان تبهكار پيروز كرد!

خداى سبحان بعد از ذكر اين ماجرا، روى سخن را متوجه كتابهاى آسمانى – كه متضمن دعوت به دين توحيد است و بدان وسيله حجت بر خلق تمام مى‏شود و هم حامل تذكرهايى براى مردم است - نموده و مى‏فرمايد: خداى سبحان تورات را كه در آن بصيرتها و هدايت و رحمت براى مردم بود، بر موسى نازل كرد تا شايد از يادآورى قرون گذشته و هلاكت امت‏هاى گذشته به جرم نافرمانى‏ها، متذكر شوند و از نافرمانى خدا دست بردارند .

و نيز قرآن را بر رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ نازل كرد و در آن داستانها از موسى بياورد، تا با نقل كردن آن انذار كند مردمى را كه قبل از او نذير نداشتند، چون به خاطر كفرشان و فسوقشان در معرض نزول عذاب و گرفتار شدن به مصيبت قرار گرفته بودند و اگر اين كتاب را نازل نمى‏كرد و دعوت را ابلاغ نمى‏كرد، هر آينه آن وقت مى‏گفتند: « پروردگارا چرا رسولى به سوى ما نفرستادى ، تا آيات تو را پيروى كنيم!» و حجت ايشان عليه خدا تمام بود .

**هدف آیه 57 تا 75 سوره قصص الميزان ج : 16 ص : 82**

# رد عذرهای مشرکین در ایمان نیاوردن به قرآن

**« وَ قَالُوا إِن نَّتَّبِع الهُدَى مَعَك نُتَخَطف مِنْ أَرْضِنَا أَ وَ لَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَماً ءَامِناً يجْبى إِلَيْهِ ثَمَرَت كلّ‏ِ شىْ‏ءٍ رِّزْقاً مِّن لَّدُنَّا وَ لَكِنَّ أَكثرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ...!»**

اين آيات عذر ديگر از بهانه‏هاى مشركين مكه را در ايمان نياوردن به كتاب خدا بيان مى‏كند!

خداى تعالى بعد از چند جواب در رد بهانه های مشرکین به داستان قارون اشاره مى‏كند كه زمين او را با خانه‏اش در خود فرو برد .

**هدف آیه 76 تا 84 سوره قصص الميزان ج : 16 ص : 108**

# بیان نابودی قارون و فرو بردن او به زمین

**« إِنَّ قَرُونَ كانَ مِن قَوْمِ مُوسى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ ءَاتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتحَهُ لَتَنُوأُ بِالْعُصبَةِ أُولى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لا يحِب الْفَرِحِينَ‏...!»**

حال و وضع قارون درست حال و روز مشركين را مجسم مى‏كند و چون كفر او ، كارش را به آن عاقبت زشت كشانيد، پس مشركين نيز بترسند از اينكه مثل آنچه كه بر سر قارون آمد، بر سرشان بيايد!

خداى تعالى از مال دنيا آن قدر به او روزى داده بود كه سنگينى كليد گنجينه‏هايش مردان نيرومند را هم خسته مى‏كرد و در اثر داشتن چنين ثروتى خيال مى‏كرد كه او خودش اين ثروت را جمع‏آورى كرده، چون راه جمع‏آورى آن را مى‏دانسته و خودش فكر بوده و حسن تدبير داشته، اين فكر او را مغرور نمود، پس از عذاب الهى ايمن و خاطر جمع شد و زندگى دنيا را بر آخرت ترجيح داده و در زمين فساد برانگيخت، خداى تعالى هم او و خانه او را در زمين فرو برد، نه آن خوش فكرى و حسن تدبيرش ، مانع از هلاكت او شد و نه آن جمعى كه دورش بودند!

**هدف آیه 85 تا 88 سوره قصص الميزان ج : 16 ص : 127**

# وعده بازگشت رسول الله به مکه و پیروزی اسلام

**« إِنَّ الَّذِى فَرَض عَلَيْك الْقُرْءَانَ لَرَادُّك إِلى مَعَادٍ قُل رَّبى أَعْلَمُ مَن جَاءَ بِالهُْدَى وَ مَنْ هُوَ فى ضلَلٍ مُّبِينٍ‏...!»**

اين چند آيه، آيات آخر اين سوره است و در آن به رسول خدا صلى‏الله‏عليه ‏وآله‏وسلّم وعده جميل مى‏دهد كه به زودى بر او منت نهاده و قدر و منزلتش را بلند مى‏كند و نفوذ كلمه‏اش مى‏دهد و دينش را بر ساير اديان برترى مى‏بخشد و امنيت و سلامتى را بر او و مؤمنين به او گسترش مى‏دهد، همان طور كه اين كار را در باره موسى و بنى اسرائيل كرد و در حقيقت آيات قبل هم كه داستان موسى عليه‏السلام‏ را بيان مى‏كرد براى بيان همين نكته بود.

**هدف و فلسفه نزول سوره عنکبوت**

**( الميزان ج : 16 ص :143)**

# هدف حقیقت ایمان است!

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم‏! أَ حَسِب النَّاس أَن يُترَكُوا أَن يَقُولُوا ءَامَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ...!»**

**(1تا13/عنکبوت)**

غرض سوره عنکبوت به طورى كه از اول و آخرش و سياق جارى در سراسرش استفاده مى‏شود، اين است كه: غرض خداى تعالى از ايمان مردم تنها اين نيست كه به زبان بگويند ايمان آورديم، بلكه غرض، حقيقت ايمان است كه تندباد فتنه‏ها آن را تكان نمى‏دهد و دگرگونى حوادث، دگرگونش نمى‏سازد، بلكه هر چه فتنه‏ها بيشتر فشار بياورد، پا بر جا و ريشه‏دارتر مى‏گردد .

پس غرض سوره اعلام اين معنا است كه مردم خيال نكنند به صرف اينكه بگويند ايمان آورديم دست از سرشان برمى‏دارند و در بوته آزمايش قرار نمى‏گيرند، نه، بلكه حتما امتحان مى‏شوند، تا آنچه در دل نهان دارند ظاهر شود و معلوم شود ايمان است يا كفر: پس خدا حتما بايد معلوم كند آن كسانى را كه در دعوى ايمان راست مى‏گويند و آنهايى كه در اين دعوى دروغگويند.

پس فتنه و محنت يكى از سنت‏هاى الهى است كه به هيچ وجه و در باره هيچ كس از آن گذشت نمى‏شود، همان طور كه در امت‏هاى گذشته از قبيل قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهيم ، لوط ، شعيب و موسى جريان يافت و جمعى استقامت ورزيده و جمعى ديگر هلاك شدند و در امت‏هاى حاضر و آينده نيز جريان خواهد داشت و خدا به كسى ظلم نكرده و نمى‏كند ، اين خود امت‏ها و اشخاصند كه به خود ظلم مى‏كنند.

**هدف آیه 14 تا 40 سوره عنکبوت الميزان ج : 16 ص : 166**

# بیان اجرای سنت الهی در نابودی امتها و جوامع فاسد

**« وَ لَقَدْ أَرْسلْنَا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ فَلَبِث فِيهِمْ أَلْف سنَةٍ إِلا خَمْسِينَ عَاماً فَأَخَذَهُمُ الطوفَانُ وَ هُمْ ظلِمُونَ‏...!»**

در اين آيات به هفت داستان از انبياى گذشته و امت‏هاى آنان اشاره مى‏كند كه ايشان عبارتند از: نوح ، ابراهيم ، لوط ، شعيب ، هود ، صالح و موسى عليه‏السلام‏ كه خداى تعالى همه امت‏هاى آنان را با فتنه‏هايى كه برايشان پيش آورد، بيازمود، جمعى از آنان نجات يافته و جمعى ديگر هلاك شدند، چيزى كه هست در باره سه امت اول، هم نجات را ذكر كرده و هم هلاكت را و در باره چهار امت آخرى تنها هلاكت را ذكر فرموده است.

**هدف آیه 41 تا 55 سوره عنکبوت الميزان ج : 16 ص : 191**

# نتیجه گیری از بیان سرگذشت امتهای هلاک شده تاریخ

**« مَثَلُ الَّذِينَ اتخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكبُوتِ اتخَذَت بَيْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْت الْعَنكبُوتِ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ‏ ...!»**

اين آيات متضمن دنباله‏اى است براى داستانهايى كه از امت‏هاى سابق نقل فرمود و آن مثلى است كه خداى سبحان براى معبودهاى موهوم آنان آورده، مى‏فرمايد: اينگونه اعتقادات خرافى آنان آن قدر بى اساس و سست بنياد است كه خلقت آسمانها و زمين به بانگ بلند به فساد آن فرياد مى‏زنند و اعلام مى‏كنند كه بغير از خدا ولى و سرپرستى ندارند و اين اعلام عالم خلقت همان است كه اين كتاب كريم اعلام مى‏دارد .

**هدف آیه 56 تا 60 سوره عنکبوت الميزان ج : 16 ص : 215**

# بیان حفظ دین با مهاجرت و اعتماد به روزی رسانی خدا

**« يَعِبَادِى الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضى وَسِعَةٌ فَإِيَّىَ فَاعْبُدُونِ‏...!»**

در این آیات روى سخن را متوجه مؤمنان نمود كه مشركين آنان را در مكه ناتوان كردند و تهديد به فتنه و عذابشان نمودند، ايشان را دستور مى‏دهد صبر كنند و بر خداى تعالى توكل كنند و اگر امر دين‏دارى بر ايشان مشكل شد و نتوانستند در وطن واجبات دينى را اقامه كنند، از وطن چشم پوشيده مهاجرت نمايند و درباره معيشت خود نگرانى نداشته باشند، زيرا رزق همه بندگان به عهده خدا است و او روزيشان را مى‏دهد، اگر مهاجرت بكنند، همچنان كه در وطن روزيشان مى‏داد،روزی شان را می دهد .

**هدف آیه 61 تا 69 سوره عنکبوت الميزان ج : 16 ص : 221**

# بیان حجت هائی علیه ضد و نقیض گوئی های مشرکین

**« وَ لَئن سأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السمَوَتِ وَ الأَرْض وَ سخَّرَ الشمْس وَ الْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنى يُؤْفَكُونَ‏ ...!»**

در اين آيات ضد و نقيض گويى‏هاى مشركين را كه در عقايد دارند و در فصل سابق صحيح آن عقايد به مؤمنين عرضه شد و به آن ايمان آورده‏اند، ذكر مى‏كند.

**هدف و فلسفه نزول سوره روم**

**( الميزان ج : 16 ص :230)**

# وعده دادن قطعی خدا به یاری دین و نصر مومنین

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم‏! غُلِبَتِ الرُّومُ‏ ...!» (1و19 سوره روم)**

اين سوره با وعده‏اى از خدا آغاز شده و آن اين است كه: به زودى امپراطورى روم كه در ايام نزول اين سوره از امپراطورى ايران شكست خورد، بعد از چند سال بر آن امپراطورى غلبه خواهد كرد و بعد از ذكر اين وعده ، منتقل مى‏شود به وعده‏گاه اكبر كه قيامت و يوم الوعدش گويند، روزى كه تمامى افراد و اقوام در آن روز به سوى خدا بازمى‏گردند ، آنگاه به استدلال بر مساله معاد پرداخته ، سپس كلام را به آيات ربوبيت معطوف مى‏دارد و صفات خاصه خدا را برمى‏شمارد و در آخر، سوره را با وعده نصرت به رسول گرامى‏اش ختم مى‏كند و در فرا رسيدن اين وعده تاكيد بليغ نموده و مى‏فرمايد:« صبر كن كه وعده خدا حق است و كسانى كه يقين ندارند تو را در كارت سست نسازند!» و در چند آيه قبل نيز فرموده بود:« و كان حقا علينا نصر المؤمنين - يارى ما براى مؤمنين حقى است بر ما !»

پس معلوم شد كه غرض سوره وعده دادن قطعى خدا به يارى دين است ، و اگر قبل از بيان اين غرض ، مساله وعده غلبه روم را در چند سال بعد ذكر كرد ، براى اين است كه مؤمنين وقتى ديدند كه وعده غلبه روم عملى شد ، يقين كنند كه وعده ديگر خدا نيز عملى خواهد شد و نيز يقين كنند كه وعده آمدن قيامت هم ، مانند ساير وعده‏هايش عملى مى‏شود ، آرى عقل هر عاقلى حكم مى‏كند كه وقتى خداى تعالى دو تا از وعده‏هايش را عملى كرد ساير وعده‏هايش نيز عملى مى‏شود و بايد از خطرهايى كه وعده آن را مى‏دهد بر حذر بود.

**هدف آیه 20 تا 26 سوره روم الميزان ج : 16 ص : 247**

# آیات دال بر وحدانیت خدا در ربوبیت و الوهیت

**« وَ مِنْ ءَايَتِهِ أَنْ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنتُم بَشرٌ تَنتَشِرُونَ‏...!»**

در اين فصل عده‏اى از آيات را كه بر وحدانيت خداى تعالى در ربوبيت و الوهيت دلالت مى‏كند ، ذكر فرموده و در آن به امتزاج و آميختگى خلقت با تدبير، نيز اشاره شده، تا بدين وسيله روشن گردد كه ربوبيت به معناى مالكيت تدبير و الوهيت به معناى معبود بودن به حق، مخصوص خدا است و كسى جز خدا مستحق آن نيست!

**هدف آیه 27 تا 39 سوره روم الميزان ج : 16 ص : 257**

# تعلیم روش استدلال با آیات الهی

**« وَ هُوَ الَّذِى يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَ لَهُ الْمَثَلُ الأَعْلى فى السمَوَتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ‏...!»**

در اين آيات روش استدلال را از راه شمردن آيات به استدلال به صفات فعلى خدا تغيير داد، كه آنها را تا آخر سوره در چهار فصل بيان مى‏فرمايد، در هر فصل چند صفت از صفات فعل كه مستلزم وحدانيت خدا و معاد است ، ذكر مى‏كند.

**هدف آیه 40 تا 47 سوره روم الميزان ج : 16 ص : 290**

# تعلیم استدلال با افعال خاص به خدا

**« اللَّهُ الَّذِى خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكمْ ثُمَّ يحْيِيكُمْ هَلْ مِن شرَكائكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَلِكُم مِّن شىْ‏ءٍ سبْحَنَهُ وَ تَعَلى عَمَّا يُشرِكُونَ‏...!»**

در اين آيات با افعال خاص به خدا و به عبارتى با اسماى افعال خدا استدلال كرده بر بطلان شركاء و نفى ربوبيت و الوهيت آنها و نيز استدلال كرده است بر مساله معاد.

**هدف آیه 48 تا 53 سوره روم الميزان ج : 16 ص : 301**

# تعلیم استدلال به اصول عقاید از راه افعال الهی

**« اللَّهُ الَّذِى يُرْسِلُ الرِّيَحَ فَتُثِيرُ سحَاباً فَيَبْسطهُ فى السمَاءِ كَيْف يَشاءُ وَ يجْعَلُهُ كِسفاً فَترَى الْوَدْقَ يخْرُجُ مِنْ خِلَلِهِ فَإِذَا أَصاب بِهِ مَن يَشاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَستَبْشِرُونَ‏...!»**

اين آيات سومين فصل از سوره است که از راه افعال خداى تعالى ، بر اصول عقايد استدلال مى‏كند و يا به عبارتى ديگر اسامى افعال خدا را مى‏شمارد و غرض عمده از آن ، احتجاج بر مساله معاد است!

و از آن جا كه عمده انكار و لجاجت مشركين متوجه به معاد است و انكار آن مايه لغويت احكام و شرايع است و در نتيجه مساله توحيد هم لغو مى‏شود، لذا دنبال احتجاج بر مساله معاد، رسول گرامى‏اش را از تاثير دعوتش در آنان مايوس نموده و دستور مى‏دهد تنها به دعوت كسانى بپردازد كه در نفسشان استعداد ايمان و صلاحيت اسلام و تسليم شدن در برابر حق باشد!

**هدف آیه 54 تا 60 سوره روم الميزان ج : 16 ص : 306**

# تعلیم استدلال به اصول عقاید از طریق افعال الهی

**« اللَّهُ الَّذِى خَلَقَكُم مِّن ضعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضعْفاً وَ شيْبَةً يخْلُقُ مَا يَشاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ...!»**

اين آيات فصل چهارم از آيات سوره است كه از نظر مضمون نظير آيات قبل است و سوره با آن خاتمه مى‏يابد .

**هدف و فلسفه نزول سوره لقمان**

**( الميزان ج : 16 ص :311)**

# دعوت به توحيد و یقین به معاد و عمل به كليات شرايع دين

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم ! تِلْك ءَايَت الْكِتَبِ الحَكِيمِ! هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ...!»**

**(1تا11/لقمان)**

غرض اين سوره - به طورى كه آغاز و انجام آن و نيز سياق تمامى آيات آن اشاره مى‏كند - دعوت به توحيد و ايقان و ايمان به معاد و عمل به كليات شرايع دين است. از ابتداى سوره پيداست كه در باره بعضى از مشركين نازل شده، كه مردم را از راه خدا و شنيدن قرآن، به وسيله تبليغاتى دروغ جلوگيرى نموده، مى‏خواستند مساله خدا و دين را از ياد مردم ببرند.

پس اين سوره نازل شد تا اصول عقايد و كليات شرايع حق را بيان نمايد و در برابر احاديث سرگرم كننده آنان مقدارى از داستان لقمان و مواعظش را ايراد كرده است.

**هدف آیه 12 تا 19 سوره لقمان الميزان ج : 16 ص : 319**

# بیان حکمت داده شده به لقمان

**« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَنَ الحِكْمَةَ أَنِ اشكُرْ للَّهِ وَ مَن يَشكرْ فَإِنَّمَا يَشكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنىٌّ حَمِيدٌ...!»**

در اين آيات اشاره شده به اينكه به لقمان حكمت داده شد و چند حكمت نيز از او در اندرز به فرزندش نقل شده و در قرآن كريم جز در اين سوره نامى از لقمان نيامده و اگر در اين سوره آمده، به خاطر تناسبى است كه داستان سراسر حكمت او با داستان خريدار لهو الحديث داشته، چون اين دو نفر در دو نقطه مقابل هم قرار دارند، يك فرد انسان آن قدر دانا و حكيم است كه كلماتش راهنماى همه مى‏شود و در مقابل ، فرد ديگرى يافت مى‏شود كه راه خدا را مسخره مى‏كند و براى گمراه كردن مردم اين در و آن در مى‏زند، تا لهو الحديثى جمع آورى نمايد!

**هدف آیه 20 تا 34 سوره لقمان الميزان ج : 16 ص : 339**

# بیان آیات وحدانیت خدا

**« أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سخَّرَ لَكُم مَّا فى السمَوَتِ وَ مَا فى الأَرْضِ وَ أَسبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَن يجَدِلُ فى اللَّهِ بِغَيرِ عِلْمٍ وَ لا هُدًى وَ لا كِتَبٍ مُّنِيرٍ...!»**

در اين آيات به ما قبل داستان لقمان برگشته كه آيات وحدانيت خدا و نداشتن شريك و ادله آن را ذكر نمود و بدين جا منتهى شد، كه فرمود:« هذا خلق الله فارونى ما ذا خلق الذين من دونه بل الظالمون فى ضلال مبين!»

**هدف و فلسفه نزول سوره سجده**

**( الميزان ج : 16 ص :362)**

# بیان مبدا و معاد، اقامه برهان و دفع شبهات درباره آن

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الم! تَنزِيلُ الْكتَبِ لا رَيْب فِيهِ مِن رَّب الْعَلَمِينَ...!»**

**(1تا14/سجده)**

غرض اين سوره بيان مبدأ و معاد و اقامه برهان بر اين مساله است و نيز دفع شبهه‏هايى كه در باره اين دو مساله در دلها خلجان مى‏كند و در ضمن به مساله نبوت و كتاب نيز اشاره مى‏نمايد و امتيازى كه دو گروه مؤمنين حقيقى به آيات خدا و فاسقان خارج از زى عبوديت، از يكديگر دارند بيان مى‏كند و نيز به دسته اول وعده ثوابى مى‏دهد كه از تصور هر متصور بيرون است و به دسته دوم وعيدى مى‏دهد و به انتقام شديدى تهديد مى‏كند كه عبارت است از عذاب اليم و ابدى در قيامت و عذابى كوچك‏تر از آن كه در دنيا به زودى خواهند چشيد و در آخر ، سوره را با تاكيد آن وعيد و دستور به رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ كه تو نيز منتظر باش آنچنان كه آنان منتظرند ، ختم مى‏كند .

**هدف آیه 15 تا 30 سوره سجده الميزان ج : 16 ص : 392**

# بیان فرق بین مومن واقعی و فاسقان

**« إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِئَايَتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكرُوا بهَا خَرُّوا سجَّداً وَ سبَّحُوا بحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لا يَستَكْبرُونَ... !»**

اين آيات بين مؤمنين واقعى و به حقيقت معناى ايمان و بين فاسقان و ظالمان فرق مى‏گذارد و آثار و لوازم هر يك را بيان نموده سپس ظالمان را به عذاب دنيا تهديد مى‏كند و رسول گرامى‏اش را دستور مى‏دهد كه منتظر باشد تا فتح و پيروزى فرا رسد، آنگاه سوره مورد بحث ختم مى‏شود .

**هدف و فلسفه نزول سوره احزاب**

**( الميزان ج : 16 ص :407)**

# بیان معارف و احکام دین و شرح جنگهای صدراسلام

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَأَيهَا النَّبىُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لا تُطِع الْكَفِرِينَ وَ الْمُنَفِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلِيماً حَكِيماً...!» (1تا8/احزاب)**

اين سوره مشتمل است بر معارف، احكام، قصص، عبرتها و مواعظى چند و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق و اشاره‏اى هم به داستان يهوديان بنى قريظه دارد.

**هدف آیه 9 تا 27 سوره احزاب الميزان ج : 16 ص : 424**

# شرح جنگ خندق و مقابله با یهود بنی قریظه

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسلْنَا عَلَيهِمْ رِيحاً وَ جُنُوداً لَّمْ تَرَوْهَا وَ كانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيراً...!»**

در اين آيات، داستان جنگ خندق و به دنبالش سرگذشت بنى قريظه را آورده و وجه اتصالش به ماقبل اين است كه در اين آيات نيز در باره حفظ عهد و پيمان‏شكنى گفتگو شده است.

**هدف آیه 28 تا 35 سوره احزاب الميزان ج : 16 ص : 454**

# شرح امتیازها و تنگناهای خانواده رسول الله «ص»

**« يَأَيهَا النَّبىُّ قُل لأَزْوَجِك إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَينَ أُمَتِّعْكُنَّ وَ أُسرِّحْكُنَّ سرَاحاً جَمِيلاً...!»**

اين آيات مربوط به همسران رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ است كه اولا به ايشان تذكر دهد كه از دنيا و زينت آن جز عفت و رزق كفاف بهره‏اى ندارند، البته اين در صورتى است كه بخواهند همسر او باشند و گرنه مانند ساير مردمند و سپس ايشان را خطاب كند كه متوجه باشند در چه موقفى دشوار قرار گرفته‏اند و به خاطر افتخارى كه نصيبشان شده چه شدايدى را بايد تحمل كنند، پس اگر از خدا بترسند، خداوند اجر دو چندانشان مى‏دهد و اگر هم عمل زشتى كنند ، عذابشان نزد خدا دو چندان خواهد بود .

آنگاه ايشان را امر مى‏كند به عفت و اينكه ملازم خانه خود باشند و چون ساير زنان خود را به نامحرم نشان ندهند و نماز بگزارند و زكات دهند و از آنچه در خانه‏هايشان نازل و تلاوت مى‏شود از آيات قرآنى و حكمت آسمانى ياد كنند و در آخر، عموم صالحان از مردان و زنان را وعده مغفرت و اجر عظيم مى‏دهد .

**هدف آیه 36 تا 40 سوره احزاب الميزان ج : 16 ص : 479**

# حکم ازدواج با مطلقه پسرخوانده

**« وَ مَا كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضى اللَّهُ وَ رَسولُهُ أَمْراً أَن يَكُونَ لهَُمُ الخِْيرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَن يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسولَهُ فَقَدْ ضلَّ ضلَلاً مُّبِيناً ...!»**

قسمتی از اين آيات در باره داستان ازدواج رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله ‏وسلّم‏ با همسر زيد است همان زيدى كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ او را به عنوان فرزند خود پذيرفته بود و بعيد نيست كه آيه اولى هم از باب مقدمه و توطئه براى آيات بعدش باشد .

**هدف آیه 41 تا 48 سوره احزاب الميزان ج : 16 ص : 491**

# دعوت مومنین به ذکر و تسبیح

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً ! وَ سبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً...!»**

اين آيات مؤمنين را به ذكر و تسبيح دعوت نموده و به ايشان بشارت و وعده جميل مى‏دهد و رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را با صفات كريم خود خطاب نموده و به او دستور مى‏دهد كه به مؤمنين بشارت دهد و كفار و منافقين را اطاعت نكند.

**هدف آیه 49 تا 62 سوره احزاب الميزان ج : 16 ص : 499**

# بیان برخی قوانین خانواده و احکام خاص خانواده رسول الله«ص»

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَتِ ثُمَّ طلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَ سرِّحُوهُنَّ سرَاحاً جَمِيلاً...!»**

اين آيات احكام متفرقى را متضمن است كه بعضى از آنها مخصوص رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ و همسرانش و بعضى ديگر مربوط به عموم مسلمانان است.

**هدف آیه 63 تا 73 سوره احزاب الميزان ج : 16 ص : 519**

# بیان برخی وقایع قیامت

**« يَسئَلُك النَّاس عَنِ الساعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَ مَا يُدْرِيك لَعَلَّ الساعَةَ تَكُونُ قَرِيباً...!»**

اين آيات در باره ساعت، يعنى قيامت، سخن مى‏گويد و پاره‏اى از آنچه بر سر كفار خواهد آمد و عذابهايى كه خواهند ديد، بيان مى‏كند و مؤمنين را دستور مى‏دهد به اينكه سخن سنجيده و منطقى بگويند و وعده‏شان مى‏دهد به وعده‏هايى جميل و در آخر ، سوره را با ذكر مساله امانت ختم مى‏كند .

**هدف و فلسفه نزول سوره سبا**

**( الميزان ج : 16 ص :534)**

# بیان اصول سه گانه اعتقادات – توحید، نبوت و معاد

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الحَمْدُ للَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فى السمَوَتِ وَ مَا فى الأَرْضِ وَ لَهُ الحَْمْدُ فى الاَخِرَةِ وَ هُوَ الحَكِيمُ الْخَبِيرُ...!» ( 1تا 9/سبا)**

اين سوره پيرامون اصول سه‏گانه اعتقادات، يعنى توحيد و نبوت و قيامت بحث مى‏كند. بعد از بيان آنها كيفر كسانى را كه منكر آنهايند و يا القاى شبهه در باره آنها مى‏كنند، بيان نموده، آن گاه از راه‏هاى مختلف آن شبهه‏ها را دفع مى‏كند، يك بار از راه حكمت و موعظه، بار ديگر از راه مجادله.

و از بين اين سه اصول بيشتر به مساله قيامت اهتمام مى‏ورزد، هم در اول كلام آن را ذكر مى‏كند و تا آخر سوره چند بار ديگر هم متعرض آن مى‏شود.

**هدف آیه 10 تا 21 سوره سبا الميزان ج : 16 ص : 543**

# بیان داستان داود و سلیمان علیمها السلام و تاریخ شهر سبا

**« وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضلاً يَجِبَالُ أَوِّبى مَعَهُ وَ الطيرَ وَ أَلَنَّا لَهُ الحَْدِيدَ...!»**

اين آيات به پاره‏اى از داستانهاى داوود و سليمان و نعمت‏هايى كه به ايشان موهبت فرموده بود، اشاره مى‏كند، سپس به داستان سباء اشاره مى‏كند.

وجه اتصال اين داستانها به آيات قبل ، كه در باره معاد بحث مى‏كرد ، اين است كه خدا مدبر امور بندگان خويش است ، ولى از آنجايى كه بندگان او در دنيا فرو رفته در انواع نعمتهاى مادى هستند ، لذا معلوم نمى‏شود كه كدام يك شكر منعم خود را بجا آوردند و كدام يك كفران نمودند و چون در نشاه دنيا امتيازى بين اين دو طائفه نيست ، پس بايد حتما نشاه ديگر باشد ، تا در آنجا كفور از شكور ممتاز گردد .

**هدف آیه 22 تا 30 سوره سبا الميزان ج : 16 ص : 556**

# بیان مساله توحید

**« قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ لا يَمْلِكونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فى السمَوَتِ وَ لا فى الأَرْضِ وَ مَا لهَُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَ مَا لَهُ مِنهُم مِّن ظهِيرٍ...!»**

اين آيات بيانگر مساله توحيد است و پيرامون آن احتجاج مى‏كند.

**هدف آیه 31 تا 54 سوره سبا الميزان ج : 16 ص : 572**

# بیان مساله نبوت و فروعات آن

**« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْءَانِ وَ لا بِالَّذِى بَينَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَى إِذِ الظلِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبهِمْ يَرْجِعُ بَعْضهُمْ إِلى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ استُضعِفُوا لِلَّذِينَ استَكْبرُوا لَوْ لا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ‏...!»**

اين آيات فصل ديگرى است از سوره ، كه در باره مساله نبوت و فروعات آن سخن مى‏گويد و سخنانى را كه مشركين در باره اين مساله گفته‏اند نقل مى‏كند و در خلال آن آنچه در روز مرگ و يا روز قيامت بر سر آنان مى‏آيد، خاطر نشان مى‏سازد.

**هدف و فلسفه نزول سوره فاطر**

**( الميزان ج : 17 ص :3)**

# بیان اصول سه گانه دین، بیان رزق رسانی خدا و چگونگی عملکرد ملائکه

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الحَمْدُ للَّهِ فَاطِرِ السمَوَتِ وَ الأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَئكَةِ رُسلاً أُولى أَجْنِحَةٍ مَّثْنى وَ ثُلَث وَ رُبَعَ يَزِيدُ فى الخَلْقِ مَا يَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلى كلّ‏ِ شىْ‏ءٍ قَدِيرٌ...!» (1/فاطر)**

غرض اين سوره بيان اصول سه‏گانه دين است ، يعنى يگانگى خداى تعالى در ربوبيت و رسالت رسول خدا و معاد و برگشتن به سوى او ، كه در اين سوره بر اين سه مساله استدلال شده و خداى تعالى براى اين منظور عده‏اى از نعمت‏هاى بزرگ آسمانى و زمينى را مى‏شمارد و تدبير متقن امر عالم را به طور عموم و امر انسانها را به طور خصوص به رخ مى‏كشد .

و قبل از شمردن اين نعمت‏ها و شروع به استدلال ، اشاره‏اى اجمالى به اين معنا مى‏كند كه: گشودن در رحمت و بستن آن و افاضه نعمت و امساك آن منحصرا كار خداى تعالى است و مى‏فرمايد:« ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها ... خدا در هر رحمتى را كه به سوى مردم باز كند كسى نيست كه آن را ببندد...!»

و باز قبل از اينكه اين اشاره اجمالى را بكند ، به واسطه‏هايى اشاره مى‏كند كه رحمت و نعمت را از خداى تعالى گرفته، به خلق مى‏رسانند و آنان ملائكه هستند، كه واسطه‏هاى بين خدا و خلقند و به همين جهت مى‏بينيم سوره فاطر با يادآورى اين وسائط شروع مى‏شود.

**هدف آیه 2 تا 8 سوره فاطر الميزان ج : 17 ص : 15**

# بیان رزق رسانی خدا

**« مَّا يَفْتَح اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلا مُمْسِك لَهَا وَ مَا يُمْسِك فَلا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الحَكِيمُ... !»**

بعد از آنكه در آيه قبلى به وضع ملائكه، كه واسطه‏هايى بين خالق و خلقند در رساندن نعمت به خلق اشاره‏اى فرمود، اينك در اين آيات به خود نعمت‏ها اشاره كلى نموده مى‏فرمايد: عموم نعمت‏ها از خداى سبحان است ، نه غير او ، پس تنها رازق خدا است و احدى در رازقيت ، شريك او نيست ، آن گاه از طريق رازقيت استدلال كرده بر ربوبيت و سپس بر مساله معاد و اينكه وعده خدا ، به بعث و عذاب دادن كفار و آمرزش مؤمنين صالح ، حق است. البته در اين آيات ، تسليتى هم براى رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ هست!

**هدف آیه 9 تا 14 سوره فاطر الميزان ج : 17 ص : 24**

# احتجاج بر وحدانیت خدا در الوهیت از طریق رزق رسانی

**« وَ اللَّهُ الَّذِى أَرْسلَ الرِّيَحَ فَتُثِيرُ سحَاباً فَسقْنَهُ إِلى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الأَرْض بَعْدَ مَوْتهَا كَذَلِك النُّشورُ...!»**

در اين آيات، چندين احتجاج است بر وحدانيت خداى تعالى در الوهيت و اين احتجاج‏ها را بعد از شمردن چند نعمت آسمانى و زمينى كه انسان از آن‏ها متنعم است و جز خدا كسى خالق و مدبر امر آن نعمت‏ها نيست، بيان نموده، در خلال بحث اشاره‏اى هم به مساله قيامت دارد.

**هدف آیه 15 تا 26 سوره فاطر الميزان ج : 17 ص : 43**

# بیان انحصارربوبیت و الوهیت در خدای تعالی

**« يَأَيهَا النَّاس أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنىُّ الْحَمِيدُ!»**

بعد از آنكه براى مشركين بيان كرد كه خلقت و تدبير مستند به خداى تعالى است و نتيجه گرفت كه رب ايشان همان خدا است و تنها مالك اوست، نه آلهه‏اى كه به جاى او مى‏پرستند، پس آلهه، مالك چيزى نيستند تا آنكه مدبر آن چيز باشند، اينك در اين آيات ، شروع كرده همان مطلب را با بيانى آميخته با وعده و وعيد افاده كند. خلاصه‏اش اين است كه خدا از ايشان بى‏نياز و ايشان محتاج خدايند، پس او مى‏تواند ايشان را به كيفر اعمالى كه كردند از بين ببرد و اگر خواست خلقى جديد بياورد .

آنگاه خطاب را متوجه رسول گرامى خود مى‏كند، خطابى كه حاصلش اين است كه: اين مؤاخذه و نابود كردن ما ، شامل نمى‏شود مگر تنها همين‏هايى را كه تكذيب مى‏كنند و اما مؤمنين كه انذار تو در آنان اثر مى‏كند، با مشركين فرقى روشن دارند و پيامبر نذيرى است مانند نذيران گذشته و حال آنان را دارد، بنا بر اين اگر او را تكذيب مى‏كنند، انبياى گذشته را تكذيب كردند و همانطورى كه خداى تعالى تكذيب كنندگان از امت آنان را به اخذ شديدى بگرفت، مكذبين اين امت را هم خواهد گرفت!

**هدف آیه 27 تا 38 سوره فاطر الميزان ج : 17 ص : 55**

# بیان حجتی بر انحصار ربوبیت الهی از طریق رنگ آمیزی میوه ها

**« أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَتٍ مخْتَلِفاً أَلْوَنهَا وَ مِنَ الْجِبَالِ جُدَدُ بِيضٌ وَ حُمْرٌ مخْتَلِفٌ أَلْوَنهَا وَ غَرَابِيب سودٌ...!»**

در اين آيات آيت‏هايى ديگر كه دلالت بر توحيد مى‏كند برمى‏شمارد و در ضمن به داستان كتاب منتقل شده، در باره حقانيت آن و اينكه از ناحيه خدا نازل شده، سخن گفته است.

اين آيه حجت ديگرى است بر مساله توحيد، به اين بيان كه خداى سبحان آب را بوسيله بارانها از آسمان نازل مى‏كند و اين خود قوى‏ترين عامل براى روييدن نباتات و ميوه‏هاست و اگر بيرون آمدن ميوه‏ها از مقتضاى همين آمدن باران بود، بايد همه ميوه‏ها به يكرنگ باشند، چون آب باران يكى است و حال اينكه مى‏بينيم الوان مختلفى دارند، پس همين اختلاف الوان دلالت مى‏كند بر اينكه تدبير الهى دست اندر كار اين رنگ‏آميزى است .

**هدف آیه 39 تا 45 سوره فاطر الميزان ج : 17 ص : 73**

# توحید خدا در ربوبیت

**« هُوَ الَّذِى جَعَلَكمْ خَلَئف فى الأَرْضِ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لا يَزِيدُ الْكَفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبهِمْ إِلا مَقْتاً وَ لا يَزِيدُ الْكَفِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلا خَساراً ...!»**

اين آيات نخست بر مساله توحيد خدا در ربوبيت احتجاج مى‏كند و سپس بر نبودن شريكى براى خدا در ربوبيت احتجاج مى‏كند و آنگاه مشركين را بر نقض عهد و سوگند و كارهاى زشتى كه مرتكب مى‏شدند سرزنش مى‏كند و در آخر اين معنا را مسجل مى‏سازد كه هيچ كس و هيچ چيز نمى‏تواند خدا را عاجز كند و اگر خدا به افرادى از اين ستمكاران مهلت مى‏دهد، براى مدتى معين است، همين كه مدتشان سرآمد به آنچه مستحقند جزا مى‏دهد. با اين بيان سوره خاتمه مى‏يابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره یس**

**( الميزان ج : 17 ص :88)**

# بیان اصول سه گانه اعتقادات اسلامی

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يس! وَ الْقُرْءَانِ الحَكِيمِ‏! إِنَّك لَمِنَ الْمُرْسلِينَ‏! عَلى صِرَطٍ مُّستَقِيمٍ‏...!» (1تا12/یس)**

غرض اين سوره بيان اصول سه‏گانه دين است ، چيزى كه هست نخست از مساله نبوت شروع كرده، حال مردم را در قبول و رد دعوت انبيا بيان مى‏كند و مى‏فرمايد كه: نتيجه دعوت حق انبياء، احياى مردم است و اينكه آنان در راه سعادت واقع شوند و حجت را بر مخالفين تمام كند و به عبارت ديگر تكميل هر دو دسته مردم است، عده‏اى را در طريق سعادت و جمعى را در طريق شقاوت!

آنگاه اين سوره بعد از بيان مساله نبوت، منتقل مى‏شود به مساله توحيد و آياتى چند از نشانه‏هاى وحدانيت خدا را برمى‏شمارد و سپس به مساله معاد منتقل شده، زنده شدن مردم را در قيامت براى گرفتن جزا و جداسازى مجرمين از متقين را بيان نموده سپس سرانجام حال هر يك از اين دو طايفه را توصيف مى‏كند .

و در آخر دوباره به همان مطلبى كه آغاز كرده بود برگشته ، خلاصه‏اى از اصول سه‏گانه را بيان و بر آنها استدلال مى‏كند و سوره را ختم مى‏نمايد. .

از آيات برجسته و بسيار علمى اين سوره آيه:« انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون! فسبحان الذى بيده ملكوت كل شى‏ء و اليه ترجعون!» است، پس اين سوره شانى عظيم دارد، چون هم متعرض اصول سه‏گانه است و هم شاخه‏هايى كه از آن اصول منشعب مى‏شود .

روايات هم از طريق شيعه و سنى آمده كه فرمودند: براى هر چيزى قلبى است و قلب قرآن سوره يس است!

**هدف آیه 13 تا 32 سوره یس الميزان ج : 17 ص : 103**

# انذار و تبشیر

**« وَ اضرِب لهُم مَّثَلاً أَصحَب الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسلُونَ‏...!»**

اين آيات مثلى است مشتمل بر انذار و تبشير كه خداى سبحان آن را براى عموم مردم آورده كه در آن به رسالت الهى و تبعات و آثار دعوت به حق اشاره مى‏كند كه عبارت است از مغفرت و اجر كريم براى هر كس كه ايمان آورد و پيروى ذكر( قرآن) كند و از رحمان بغيب خشيت داشته باشد و نيز عبارت است از عذاب اليم براى هر كس كه كفر بورزد و آن دعوت را تكذيب كند.

و نيز به وحدانيت خداى تعالى و مساله معاد و برگشت همه مردم به سوى او اشاره مى‏نمايد .

**هدف آیه 33 تا 47 سوره یس الميزان ج : 17 ص : 123**

# توبیخ اعراض کنندگان از آیات و ادله وحدانیت الهی

**« وَ ءَايَةٌ لهُمُ الأَرْض الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكلُونَ...!»**

بعد از آنكه داستان اهل قريه( انطاكيه) و سرانجام امرشان را در شرك و تكذيب رسولان الهى بيان كرد و آنان را در برابر بى‏اعتنايى به مساله رسالت توبيخ نموده و به نزول عذاب بر آنان تهديد كرد - همان طور كه عذاب بر تكذيب كنندگان از امتهاى گذشته نازل شد - و نيز خاطرنشان ساخت كه همگى حاضر خواهند شد و به حسابشان رسيدگى شده جزا داده مى‏شوند!

چند آيت از آيات خلق و تدبير الهى را به رخشان مى‏كشد، آياتى كه بر ربوبيت و الوهيت خداى تعالى دلالت دارد و به روشنى دلالت مى‏كند بر اينكه خدا، يگانه است و هيچ كس در ربوبيت و الوهيت با او شريك نيست، آنگاه مجددا ايشان را در اينكه به آيات و ادله وحدانيت خدا و به معاد نظر نمى‏كنند و از آن روى گردانند و حق را استهزاء نموده و به فقرا و مساكين انفاق نمى‏كنند، توبيخ مى‏نمايد!

**هدف آیه 48 تا 65 سوره یس الميزان ج : 17 ص : 143**

# بیان تفصیل آیات مریوط به قیامت و حساب و جزا

**« وَ يَقُولُونَ مَتى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صدِقِينَ ...!»**

در اين آیات بطور تفصيل كيفيت قيام قيامت و احضار خلق براى حساب و جزا و پاداشى كه به اصحاب جنت مى‏دهد و كيفرى را كه به مجرمين مى‏دهد ، شرح مى‏دهد.

**هدف آیه 66 تا 83 سوره یس الميزان ج : 17 ص : 157**

# تهدید کفار به عذاب و تأئید رسالت رسول الله«ص»

**« وَ لَوْ نَشاءُ لَطمَسنَا عَلى أَعْيُنهِمْ فَاستَبَقُوا الصرَط فَأَنى يُبْصِرُونَ‏...!»**

اين آيات خلاصه‏اى از معانى سابق است كه در سياقى ديگر بيان شده‏اند و در ضمن كفار را به عذاب تهديد نموده و به اين نكته نيز اشاره مى‏كند كه پيامبر اسلام صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ فرستاده خداست و كتاب او ذكر و قرآن است ، نه او شاعر است و نه كتابش شعر .

و در آخر به خلقت چارپايان اشاره نموده و با آن بر مساله توحيد و معاد احتجاج مى‏كند.

**هدف و فلسفه نزول سوره صافات**

**( الميزان ج : 17 ص :178)**

# احتجاج بر مساله توحید و بیان مبارزات تعدادی از رسولان

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الصفَّتِ صفًّا! فَالزَّجِرَتِ زَجْراً! فَالتَّلِيَتِ ذِكْراً! إِنَّ إِلَهَكمْ لَوَحِدٌ...!» (1تا11/صافات)**

در اين سوره بر مساله توحيد احتجاج شده و مشركين مخالف توحيد را تهديد نموده و مؤمنين خالص را بشارت مى‏دهد و سرانجام كار هر يك از دو طايفه را بيان مى‏كند. سپس نام عده‏اى از بندگان مؤمن خود را كه بر آنان منت نهاده و وعده داده كه بر دشمنانشان غالب و پيروز كند ، ذكر مى‏كند و در خاتمه سوره بيانى ايراد مى‏فرمايد كه به منزله خلاصه‏گيرى از غرض سوره است ، يعنى تنزيه خدا و سلام بر بندگان مرسل و حمد خداى تعالى در برابر رفتار نيكى كه با ايشان كرده است.

**هدف آیه 12 تا 70 سوره صافات الميزان ج : 17 ص : 190**

# بیان مخاصمات اهل بهشت و دوزخ

« بَلْ عَجِبْت وَ يَسخَرُونَ‏...!»

در اين آيات استهزايى كه كفار به آيات خدا مى‏كردند و پاره‏اى از سخنان ايشان كه بر اساس كفر و انكار معاد مى‏گفته‏اند و ردى كه از سخنان ايشان شده، حكايت شده است و در رد آنان به تقرير مساله بعث پرداخته و بيان كرده كه كفار در آن روز چه شدتى و چه عذابهاى گوناگونى دارند و خداوند چگونه بندگان مخلص خود را با نعمت‏ها و كرامتهاى خود گرامى مى‏دارد .

و نيز چگونگى بحث و جدال دوزخيان با يكديگر را نقل مى‏كند كه در روز قيامت چه سخنانى بين آنان رد و بدل مى‏شود و سخنانى را هم كه بين اهل بهشت با خودشان و يا با بعضى از اهل آتش رد و بدل مى‏شود ذكر كرده است.

**هدف آیه 71 تا 113 سوره صافات الميزان ج : 17 ص : 216**

# بیان داستان برخی از انبیا برای نشان دادن عاقبت شوم کفر به آیات خدا

« وَ لَقَدْ ضلَّ قَبْلَهُمْ أَكثرُ الأَوَّلِينَ ...!»

اين آيات غرض سياق سابق را كه متعرض شرك و تكذيب كفار به آيات خدا بود و ايشان را به عذابى اليم تهديد مى‏كرد تعقيب نموده، مى‏فرمايد: بيشتر امت‏هاى گذشته نيز ضلالتى شبيه ضلالت اينان را داشتند، رسولان خدا را كه ايشان را انذار مى‏كردند تكذيب نمودند، همانطورى كه اينان تكذيب مى‏كنند. آنگاه به عنوان شاهد داستانهايى از نوح، ابراهيم، موسى، هارون، الياس، لوط و يونس عليهماالسلام‏ مى‏آورد. آنچه كه در آيات مورد بحث آمده داستان نوح و خلاصه داستان ابراهيم عليه‏السلام‏ است .

**هدف آیه 114 تا 132 سوره صافات الميزان ج : 17 ص : 237**

# بیان نعمتهای الهی برموسی و هارون و الیاس پیامبر

**« وَ لَقَدْ مَنَنَّا عَلى مُوسى وَ هَرُونَ‏...!»**

اين آيات خلاصه‏اى است از داستان موسى و هارون عليهماالسلام‏، البته اشاره‏اى هم به داستان الياس عليه‏السلام‏ دارد و نعمت‏ها و منت‏هايى را كه خداى تعالى بر آنان ارزانى داشته، برمى‏شمارد و نيز بيان مى‏كند كه چگونه دشمنان تكذيب‏گر آنان را عذاب كرد، چيزى كه هست در اين آيات جانب رحمت و بشارت بر جانب عذاب و انذار غلبه دارد .

**هدف آیه 133 تا 1148 سوره صافات الميزان ج : 17 ص : 245**

# بیان خلاصه داستان لوط «ع» و شرح رهائی یونس «ع» از شکم ماهی

**« وَ إِنَّ لُوطاً لَّمِنَ الْمُرْسلِينَ‏...!»**

اين آيات خلاصه‏اى است از داستان لوط عليه‏السلام و سپس يونس عليه‏السلام‏ كه خدا او را مبتلا كرد به شكم ماهى، به كيفر اينكه در هنگام مرتفع شدن عذاب - كه مقدمات نزولش رسيده بود - از قوم خود اعراض كرد.

**هدف آیه 149 تا 182 سوره صافات الميزان ج : 17 ص : 259**

# رد عقاید قائلین به ارباب متفرقه از جن و انس

**« فَاستَفْتِهِمْ أَ لِرَبِّك الْبَنَات وَ لَهُمُ الْبَنُونَ‏...!»**

در اين آيات متعرض عقايد كفار شده كه در باره خدايان خود كه يا ملائكه و يا جن بودند، چه عقايدى داشتند و چگونه ملائكه را دختران خدا ناميده و براى جن قائل به نسبت و خويشاوندى با خدا شدند.

خداى تعالى در اين آيات به فساد عقيده ، آنان اشاره نموده ، سپس رسول گرامى خود را بشارت مى‏دهد به اينكه به زودى او را يارى مى‏كند و مشركين را تهديد مى‏كند به اينكه به عذاب مبتلايشان مى‏سازد. آنگاه سوره مورد بحث را با تقديس و منزه بودن خدا از داشتن شريك و نيز با سلام بر همه رسولان و حمد خدا كه رب العالمين است، ختم مى‏نمايد!

**هدف و فلسفه نزول سوره ص**

**( الميزان ج : 17 ص :274)**

# دستور دعوت به قرآن و بیان وظایفی از ملائکه

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ص! وَ الْقُرْءَانِ ذِى الذِّكْرِ...!» (1تا16/ص)**

در اين سوره گفتار پيرامون رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ دور مى‏زند و اينكه آن جناب با ذكرى از ناحيه خدا كه بر او نازل شده مردم را انذار مى‏كند و به سوى توحيد و اخلاص در بندگى خداى تعالى دعوت مى‏كند.

رسول گرامى خود را امر به صبر نموده و سرگذشت بندگان اواب خود را در يك فصل به يادش مى‏آورد و آنگاه عاقبت كار مردم با تقوى و سرانجام طاغيان را در فصلى خاطرنشان می سازد.

سپس آن جناب را دستور مى‏دهد به اينكه ماموريت خود را در انذار انجام دهد و مردم را به سوى توحيد دعوت كند .

و نيز در فصلى ديگر مى‏فرمايد: كه خدا از همان روز نخست كه به ملائكه امر كرد تا براى آدم سجده كنند و شيطان امتناع كرد ، اين قضاى حتمى را راند كه سرانجام پيروان شيطان و خود او به آتش منتهى شود!

**هدف آیه 17 تا 29 سوره ص الميزان ج : 17 ص : 286**

# رد اعتراضات کفار و اشاره به تبلیغ و فعالیت چند پیامبرالهی

**« اصبرْ عَلى مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ‏...!»**

خدای تعالی در اين آيات رسول گرامى خود را امر به صبر مى‏كند وسفارش مى‏فرمايد ياوه‏گويى‏هاى كفار او را متزلزل نكند و عزم او را سست نسازد و نيز سرگذشت جمعى از بندگان اواب خدا را به ياد آورد كه همواره در هنگام هجوم حوادث ناملايم ، به خدا مراجعه مى‏كردند! از اين عده نام نه نفر از انبياى گرامى خود را ذكر كرده كه عبارتند از : داوود، سليمان، ايوب، ابراهيم، اسحاق، يعقوب، اسماعيل، اليسع و ذو الكفل عليهماالسلام‏ كه ابتدا نام داوود را آورده و به قسمتى از داستانهاى او اشاره مى‏فرمايد.

**هدف آیه 30 تا 40 سوره ص الميزان ج : 17 ص : 306**

# بیان دومین داستان از بندگان اواب – سلیمان نبی

**« وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سلَيْمَنَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ‏...!»**

اين آيات راجع به دومين داستان از قصص بندگان اواب است كه خداى تعالى آن را براى پيغمبرش بيان نموده و دستورش مى‏دهد به اينكه صبر پيشه سازد و در هنگام سختى به ياد اين داستان بيفتد!

**هدف آیه 41 تا 48 سوره ص الميزان ج : 17 ص : 316**

# بیان سرگذشت ایوب پیامبر و گرفتاری ها و نجات او

**« وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوب إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنى مَسنىَ الشيْطنُ بِنُصبٍ وَ عَذَابٍ...!»**

اين آيات متعرض سومين داستانى است كه رسول خدا «ص» مامور شده به ياد آنها باشد و در نتيجه صبر كند و آن عبارت است از: داستان ايوب پيغمبر «ع» و محنت و گرفتاريهايى كه خدا برايش پيش آورد تا او را بيازمايد و سپس رفع آن گرفتاريها و عافيت خدا و عطاى او را ذكر كرده و سپس دستور مى‏دهد تا ابراهيم و پنج نفر از ذريه او از انبيا را به ياد آورد!

**هدف آیه 49 تا 64 سوره ص الميزان ج : 17 ص : 330**

# ذکر سرانجام کار متقیان و طاغیان

**« هَذَا ذِكْرٌ وَ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسنَ مَئَابٍ ...!»**

اين آيات فصل ديگرى است از كلام كه در آن سرانجام كار متقين و طاغيان را بيان نموده متقين را بشارت داده و كفار را انذار و تهديد مى‏كند!

**هدف آیه 65 تا 88 سوره ص الميزان ج : 17 ص : 336**

# دستور ابلاغ انذارها و بیان عاقبت جهنمی پیروی از شیطان

**« قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلا اللَّهُ الْوَحِدُ الْقَهَّارُ...!»**

اين آيات آخرين فصل از فصول سوره ص است كه مشتمل بر چند نكته است: اول آن كه به پيامبر«ص» دستور مى‏دهد كه انذارهاى خود را و دعوت به سوى توحيد را به مردم ابلاغ فرمايد!

و ديگر اين كه ابلاغ كند كه اعراض از حق و پيروى شيطان كار آدمى را به عذاب دوزخ منتهى مى‏سازد، عذابى كه خداوند قضايش را در حق شيطان و پيروان او رانده است! در همين جاست كه اين سوره خاتمه مى‏يابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره زمر**

**( الميزان ج : 17 ص :351)**

# دعوت به دین خالص و بی اعتنائی به معتقدات دوران جهالت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَنزِيلُ الْكِتَبِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الحَكِيمِ‏...!»(1تا10/زمر)**

از خلال آيات اين سوره برمى‏آيد كه مشركين معاصر رسول خدا «ص» از آن جناب درخواست كرده‏اند كه از دعوتش به سوى توحيد و از تعرض به خدايان ايشان صرف نظر كند و گر نه نفرين خدايان گريبانش را خواهد گرفت، در پاسخ آنان اين سوره كه به وجهى قرين سوره ص است ، نازل شده و به آن جناب تاكيد كرده كه دين خود را خالص براى خداى سبحان كند و اعتنايى به خدايان مشركين نكند و علاوه بر آن به مشركين اعلام نمايد كه مامور به توحيد و اخلاص دين است ، توحيد و اخلاصى كه آيات و ادله وحى و عقل همه بر آن تواتر دارند. خداى سبحان در خلال سوره چند نوبت كلام را متوجه اين مساله مى‏سازد.

آنگاه به استدلال بر يكتايى خدا در ربوبيت و الوهيت پرداخته ، هم از طريق وحى و هم از طريق برهان عقلى و هم از راه مقايسه بين مؤمنين و مشركين ، آن را اثبات مى‏كند. مقايسه مزبور مقايسه‏اى لطيف است! چند نوبت مؤمنين را به بهترين اوصاف ستوده و به پاداشهايى كه به زودى در آخرت دارند بشارت مى‏دهد و هر جا سخن از مشركين به ميان آورده - علاوه بر وبال اعمالشان، كه در دنيا گريبانشان را مى‏گيرد، وبالى نظير آن وبالها كه به ساير امت‏هاى گذشته به كيفر تكذيب آيات خدا رسيد و آن عبارت بود از خوارى در دنيا كه البته عذاب آخرت قابل مقايسه با آن نيست - ايشان را به خسران و عذاب آخرت بشارت مى‏دهد .

به همين منظور در اين سوره - و مخصوصا در آخرش - روز قيامت را به روشن‏ترين اوصافش وصف كرده است.

**هدف آیه 11 تا 20 سوره زمر الميزان ج : 17 ص : 374**

# دعوت به اخلاص و دین خالص برای خدا

**« قُلْ إِنى أُمِرْت أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مخْلِصاً لَّهُ الدِّينَ‏...!»**

در اين آيات به نوعى به آغاز كلام برگشت شده، رسول خدا «ص» را دستور مى‏دهد به مردم ابلاغ كند كه اگر ايشان را به توحيد و اخلاص دين براى خدا مى‏خواند ، بدان جهت است كه او مامور از طرف خداست ، و نيز مامور شده است كه خود او هم مانند سايرين به اين دعوت پاسخ مثبت دهد ، چيزى كه هست اين فرق را با سايرين دارد كه او بايد اولين كس باشد به اسلام آوردن و تسليم در برابر آنچه به سويش دعوت مى‏كند و خلاصه به چيزى دعوت كند كه خودش قبل از دعوت ديگران به آن ايمان داشته باشد حال چه اينكه مردم دعوتش را بپذيرند و يا آن را رد كنند!

**هدف آیه 21 تا 37 سوره زمر الميزان ج : 17 ص : 384**

# احتجاج به ربوبیت خدای تعالی و بیان مفهوم هدایت قرآن

**« أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السمَاءِ مَاءً فَسلَكَهُ يَنَبِيعَ فى الأَرْضِ ثُمَّ يخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مخْتَلِفاً أَلْوَنُهُ ثمَّ يَهِيجُ فَترَاهُ مُصفَرًّا ثُمَّ يجْعَلُهُ حُطماً إِنَّ فى ذَلِك لَذِكْرَى لأُولى الأَلْبَبِ‏...!»**

در اين آيات به همان احتجاجى كه در آغاز سوره بر ربوبيت خداى تعالى مى‏شد، برگشت شده و نيز پيرامون هدايت راه يافتگان و ضلالت گمراهان و مقايسه بين اين دو گروه و سرانجام كار هر يك از آن دو، سخن مى‏رود و نيز بيان مى‏شود كه هدايت قرآن به چه معنا است!

**هدف آیه 38 تا 52 سوره زمر الميزان ج : 17 ص : 401**

# احتجاج بر یگانگی خدا در ربوبیت و نفی شرکاء مشرکین

**« وَ لَئن سأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السمَوَتِ وَ الأَرْض لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَ فَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنىَ اللَّهُ بِضرٍ هَلْ هُنَّ كشِفَت ضرِّهِ أَوْ أَرَادَنى بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَت رَحْمَتِهِ قُلْ حَسبىَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكلُ الْمُتَوَكلُونَ‏...!»**

در اين آيات حمله ديگرى به مشركين شده و بر يگانگى خداى تعالى در ربوبيت و عدم صلاحيت شركاء براى ربوبيت احتجاج شده است! و نيز اين معنا خاطرنشان گشته كه شفاعتى كه مشركين براى شركاى خود قائلند و كسى به جز خدا مالك آن نيست. در این آیات امور ديگرى مربوط به دعوت به توحيد از قبيل موعظه و انذار و تبشير نيز آمده است.

**هدف آیه 53 تا 61 سوره زمر الميزان ج : 17 ص : 421**

# بشارت رافت و رحمت الهی و تحذیراز زیاده روی و طغیان نفس

**« قُلْ يَعِبَادِى الَّذِينَ أَسرَفُوا عَلى أَنفُسِهِمْ لا تَقْنَطوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوب جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ‏...!»**

در اين آيات رسول خدا «ص» را دستور مى‏دهد كه مشركين را به اسلام و به پيروى از آنچه خدا نازل كرده دعوت كند و از عواقب اسرافشان بر نفس خود، يعنى از حسرت و ندامت روزى كه حسرت و ندامت سود نمى‏دهد برحذر دارد ، آرى چگونه سود مى‏دهد با اينكه در دنيا از پذيرفتن حق ، استكبار ورزيدند .

و نيز به يادشان بياورد كه در آن روز متقين رستگارى و نجات و كفار خسران و آتش دارند. در لسان اين آيات لحن رأفت و رحمت به خوبى مشاهده مى‏شود!

**هدف آیه 62 تا 75 سوره زمر الميزان ج : 17 ص : 434**

# بیان تدبیر معاد انسانها و نظام بازگشت به خدا

**« اللَّهُ خَلِقُ كلّ‏ِ شىْ‏ءٍ وَ هُوَ عَلى كلّ‏ِ شىْ‏ءٍ وَكِيلٌ‏...!»**

فصلى است از آيات سوره زمر كه سوره با آن ختم مى‏شود و در آن خلاصه‏اى از آنچه از ادله مزبور در سوره استنتاج مى‏شود بيان كرده و سپس رسول خدا«ص» را مامور مى‏كند كه مشركين را مخاطب قرار دهد و بگويد: پيشنهادى كه عليه او كردند مبنى بر اين كه آن جناب هم خدايان ايشان را بپرستد ، جز جهل به مقام خداى تعالى منشاى نداشته و تذكرشان دهد كه هم به او و هم به ساير انبياى قبل از او وحى شده كه اگر شرك بورزند ، اعمالشان بى‏نتيجه مى‏شود!

سپس خداى تعالى نظام بازگشت به سوى خود را كه همان تدبير معاد خلق است ، ذكر نموده و با بيانى جامع و كافى كه بيش از آن تصور ندارد ، توضيح داده و سوره را با حمد خود ختم مى‏كند .

**هدف و فلسفه نزول سوره مومن**

**( الميزان ج : 17 ص :457)**

# پاسخ به جدال های باطل مشرکان

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم‏! تَنزِيلُ الْكِتَبِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ‏...!» (1تا6/غافر)**

اين سوره پيرامون بلندپروازيهاى كفار و جدالشان به باطل به منظور از بين بردن حقى كه بر آنان نازل شده ، سخن مى‏گويد و لذا مى‏بينيم كه آيات آن يكى پس از ديگرى متعرض جدال آنان و پاسخ دادن به جدالشان مى‏شود و با اين تكرار، سورت استكبار و جدال آنان را از راه به رخ كشيدن عذابى كه امم گذشته به جرم تكذيب گرفتار آن شدند مى‏شكند و به همين منظور عذاب‏هاى خوار كننده‏اى را كه خدا به ايشان وعده داده، با ذكر نمونه‏اى از آنچه در آخرت بر سرشان مى‏آيد خاطر نشان مى‏كند و سخنان باطلشان را با حجت‏هايى كه گوياى وحدانيت خدا در ربوبيت و الوهيت است ، به كلى مردود مى‏سازد و رسول گرامى خود را امر به صبر نموده هم آن جناب و هم همه مؤمنين را وعده نصرت مى‏دهد!

و نيز آن جناب را امر مى‏كند به اينكه به كفار اعلام كند كه تسليم پروردگار خويش است و دست از پرستش او برنخواهد داشت ، تا به كلى از آن جناب مايوس گردند .

**هدف آیه 7 تا 12 سوره مومن (غافر) الميزان ج : 17 ص : 466**

# بیان استغفار ملائکه بر توابین، و کیفر کفر به توحید الهی

**« الَّذِينَ يحْمِلُونَ الْعَرْش وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسبِّحُونَ بحَمْدِ رَبهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَستَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْت كلَّ شىْ‏ءٍ رَّحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سبِيلَك وَ قِهِمْ عَذَاب الجَْحِيمِ‏...!»**

در اين آيات به آغاز كلام برگشت كرده ، به آنجا كه مى‏فرمود: نازل كردن كتاب و به پا خاستن دعوت به منظور مغفرت و قبول توبه جمعى و عقاب جمعى ديگر است، در اين آيات خاطر نشان مى‏سازد كه مردم در مقابل اين دعوت دو جورند: يك طايفه آنهايند كه ملائكه حامل عرش خدا و طواف كنندگان پيرامون آن برايشان استغفار مى‏كنند و آنان عبارتند از: توبه كنندگان كه به سوى خدا بر مى‏گردند و راه او را پيروى مى‏كنند و نيز صلحا از پدران و همسران و ذريه ايشانند و دسته دوم عبارتند از كسانى كه به جرم كفر ورزيدن به توحيد ، اهل عذابند .

**هدف آیه 13 تا 20 سوره مومن (غافر) الميزان ج : 17 ص : 479**

# احتجاج بر مسئله توحید و انذار تکذیب کنندگان آیات خدا

**« هُوَ الَّذِى يُرِيكُمْ ءَايَتِهِ وَ يُنزِّلُ لَكُم مِّنَ السمَاءِ رِزْقاً وَ مَا يَتَذَكرُ إِلا مَن يُنِيب...!»**

در اين آيات بر مساله توحيد احتجاج شده و بعد از آنكه مردم را به دو دسته تقسيم مى‏كند: يكى آنهايى كه به سوى خدا رجوع مى‏كنند و راه او را پيروى مى‏نمايند و يكى هم آنهايى كه آيات او را تكذيب نموده و در مقابل آن به باطل جدال مى‏كنند ، آنگاه اين طايفه را انذار مى‏فرمايد .

**هدف آیه 21تا54 سوره مومن (غافر) الميزان ج : 17 ص : 491**

# موعظه کفار برای عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام نابود شده تاریخ

**« أَ وَ لَمْ يَسِيرُوا فى الأَرْضِ فَيَنظرُوا كَيْف كانَ عَقِبَةُ الَّذِينَ كانُوا مِن قَبْلِهِمْ كانُوا هُمْ أَشدَّ مِنهُمْ قُوَّةً وَ ءَاثَاراً فى الأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبهِمْ وَ مَا كانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ‏...!»**

در اين آيات كفار را موعظه مى‏فرمايد كه به آثار امت‏هاى گذشته و داستانهاى ايشان مراجعه كنند و در آنها نظر نموده و عبرت بگيرند و بدانند كه قوت اقوياء و استكبار مستكبران روزگار و مكر مكاران ، خدا را عاجز نمى‏كند و به همين منظور از باب نمونه پاره‏اى از قصص موسى و فرعون را ذكر مى‏كند و در آن قصه مؤمن آل فرعون را مى‏آورد .

**هدف آیه 55 تا 60 سوره مومن (غافر) الميزان ج : 17 ص : 515**

# دعوت رسول الله«ص» به صبر در مقابل دسایس کفار و وعده نصرت

**« فَاصبرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ استَغْفِرْ لِذَنبِك وَ سبِّحْ بحَمْدِ رَبِّك بِالْعَشىّ‏ِ وَ الابْكرِ...!»**

در اين آيات به عنوان نتيجه گیری از جدال موسی«ع» با فرعون، پيامبر گرامى خود را دستور مى‏دهد كه صبر پيشه خود كند و هشدار مى‏دهد كه وعده خدا به نصرت او حق و نيرنگ‏ها و جدال به باطل مردم و استكبارشان از قبول دعوت او به زودى باطل گشته، تمامى تلاشهايشان جز عليه خودشان، نتيجه نمى‏دهد. بنا بر اين، كفار نمى‏توانند خدا را عاجز سازند و به زودى قيامت موعود بپا گشته ، با ذلت و خوارى بدرون جهنم در مى‏آيند .

**هدف آیه 61 تا 68 سوره مومن (غافر) الميزان ج : 17 ص : 521**

# بیان یگانگی خدای تعالی در الوهیت و ربوبیت

**« اللَّهُ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضلٍ عَلى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكثرَ النَّاسِ لا يَشكُرُونَ‏...!»**

در اين آيات براى بار دوم به آيات توحيد كه در اول سوره بود و با آيه:« هو الذى يريكم آياته...!» آغاز مى‏شد و يگانگى خداى تعالى در ربوبيت و الوهيت را اثبات مى‏كرد ، برگشت شده است .

**هدف آیه 69 تا 78 سوره مومن (غافر) الميزان ج : 17 ص : 528**

# بیان سرانجام کار مجادله کنندگان در آیات خدا

**« أَ لَمْ تَرَ إِلى الَّذِينَ يجَدِلُونَ فى ءَايَتِ اللَّهِ أَنى يُصرَفُونَ‏...!»**

در اين آيات براى بار پنجم به مساله آنهايى كه در آيات خدا مجادله مى‏كنند برگشت شده و متعرض سرانجام كار آنان مى‏شود، آنگاه به رسول خدا «ص» امر مى‏فرمايد كه صبر كند و وعده‏اش مى‏دهد كه يارى‏اش خواهد كرد و دلگرمش مى‏كند به اينكه وعده خدا حق است!

**هدف آیه 79 تا 85 سوره مومن (غافر) الميزان ج : 17 ص : 536**

# بیان آیات و دلایل توحید و سنت ارسال رسل و نابودی امت ها

**« اللَّهُ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ الأَنْعَمَ لِترْكبُوا مِنهَا وَ مِنهَا تَأْكلُونَ‏...!»**

در اين آيات براى چندمين بار به ذكر پاره‏اى از آيات و ادله توحيد برگشت نموده مردم را به عبرت‏گيرى از حال امت‏هاى گذشته ، كه هلاك شده‏اند و از سنتى كه در بين آنها جارى ساخته ، ارجاع مى‏دهد .

و آن سنت اين است كه نخست در بين هر امتى رسولى مبعوث مى‏كند و سپس بين آن رسول و امتش قضاء مى‏راند و آن قضاء بالاخره به خسران كفار از آنان منجر مى‏شود و در اينجا سوره خاتمه مى‏يابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره فصلت**

**( الميزان ج : 17 ص :542)**

# پاسخ اعراض مشرکین از قرآن

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ‏...!» (1تا12 /فصلت)**

اين سوره پيرامون اعراض كفار از كتابى كه بر آنان نازل شده ، يعنى از قرآن كريم ، سخن مى‏گويد. غرض اصلى سوره اين است و به همين جهت ملاحظه مى‏كنيد كه يك قسمت از اين سوره در باره همين مساله است و از همان ابتداى سوره اين معنا را خاطرنشان مى‏سازد و بعد از هر چند آيه يك بار همان را متعرض مى‏شود.

لازمه اعراض مشركين از كتاب خدا انكار اصول سه‏گانه دين است كه اساس دعوت حقه اسلام را تشكيل مى‏دهد و آن عبارت است از وحدانيت خدا ، نبوت خاتم الانبياء «ص» و معاد! و چون چنين لازمه‏اى در كار بود ، لذا در باره اين سه اصل مفصل سخن مى‏گويد و در ضمن بشارت و انذار مى‏دهد.

**هدف آیه 13 تا 25 سوره فصلت الميزان ج : 17 ص : 567**

# عبرت از ذلت و عذاب دنیوی و اخروی اقوام هلاک شده

**« فَإِنْ أَعْرَضوا فَقُلْ أَنذَرْتُكمْ صعِقَةً مِّثْلَ صعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ...!»**

اين آيات هم متضمن انذار به عذاب دنيوى است كه قوم عاد و ثمود به كيفر كفرشان به پيغمبران و انكارشان به آيات خدا به آن مبتلا شدند و هم عذاب اخروى كه به زودى دشمنان خدا از اهل جحود كه كلمه عذاب در حقشان محقق شده به آن مبتلا مى‏شوند و در آن اشاره‏اى هم به اين معنا هست كه چگونه خداوند در دنيا گمراهشان كرد و چگونه در آخرت اعضاى بدنشان را به زبان مى‏آورد .

**هدف آیه 26 تا 39 سوره فصلت الميزان ج : 17 ص : 587**

# افشای نقشه های کفار برای ابطال حجت قرآن

**« وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لا تَسمَعُوا لهَذَا الْقُرْءَانِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكمْ تَغْلِبُونَ‏...!»**

در اين آيات به ايمان نياوردن كفار به قرآن كريم كه در صدر سوره آمده بود ، برگشت شده و متعرض نقشه‏هايى شده كه آنان به منظور ابطال حجت قرآن مى‏كشيدند.

در اين آيات بين كفار و مؤمنين با استقامت مقابله شده ، كفار و پاره‏اى از عواقب ضلالت آنان را ، از يكسو و مؤمنين با استقامت و پاره‏اى از پاداشهاى آخرتى ايشان را ، از سوى ديگر آورده و نيز متعرض مطالب متفرقه ديگرى مى‏شود.

**هدف آیه 40 تا 54 سوره فصلت الميزان ج : 17 ص : 599**

# بیان تهمتها و بی انصافی های مشرکین علیه قرآن عزیز

**« إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فى ءَايَتِنَا لا يخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَ فَمَن يُلْقَى فى النَّارِ خَيرٌ أَم مَّن يَأْتى ءَامِناً يَوْمَ الْقِيَمَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...!»**

در اين آيات بار ديگر به مساله قرآن و كفر مشركين بدان - با اينكه آياتش روشن و مقامش بلند است - برگشت شده و بى‏انصافى‏ها و كوتاهى‏هايى كه در باره آن كردند و تهمت‏هايى كه به آورنده‏اش زدند و لجبازيهايى كه در برابر حق نموده و كفرى كه نسبت به آيات آن ورزيدند و آثار و توابعى كه اين رفتارهايشان داشت، برشمرده و سوره را پايان مى‏دهد.

**هدف و فلسفه نزول سوره شوری**

**( الميزان ج : 18 ص :3)**

# شرح مساله وحی و چگونگی تکلم خدا با رسولان گرامی خود

**بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! عسق‏! كَذَلِك يُوحِى إِلَيْك وَ إِلى الَّذِينَ مِن قَبْلِك اللَّهُ الْعَزِيزُ الحَكِيمُ‏...!» (1تا6/شوری)**

اين سوره پيرامون مساله وحى سخن مى‏گويد كه خود نوعى تكلم از ناحيه خداى سبحان با انبياء و رسل او است، مساله وحى موضوعى است كه در اين سوره محور كلام قرار گرفته است.

و اما مطالب ديگر از قبيل آيات توحيد و صفات مؤمنين و كفار و سرانجامى كه هر يك از اين دو فريق دارند و بازگشتشان به خداى سبحان در روز قيامت نیز در این سوره آمده لیکن منظور اولى سوره نيست .

**هدف آیه 7 تا 12 سوره شوری الميزان ج : 18 ص : 19**

# بیان هدف و نتایج وحی و اهمیت انذار به روز قیامت

**« وَ كَذَلِك أَوْحَيْنَا إِلَيْك قُرْءَاناً عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلهََا وَ تُنذِرَ يَوْمَ الجَمْع لا رَيْب فِيهِ فَرِيقٌ فى الجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فى السعِيرِ...!»**

اين آيات فصل دوم از آيات اين سوره است كه در آن نيز مساله وحى را معرفى مى‏كند، چيزى كه هست در اين آيات وحى را از نظر نتائجى كه مترتب بر آن است معرفى مى‏كند. در اين فصل مى‏فرمايد: غرض از وحى انذار مردم است و مخصوصا انذارى كه مربوط به روز قيامت است ، روزى كه همه مردم در آن جمع مى‏شوند و گروهى به سوى بهشت و گروهى ديگر به سوى آتش مى‏روند، چون اگر مردم به چنين روزى تهديد و انذار نشوند ، دعوت دينى به نتيجه نمى‏رسد و تبليغ دينى سودى نمى‏بخشد.

آنگاه اين نكته را بيان مى‏كند كه دو دسته شدن مردم چيزى است كه مشيت خداى سبحان به آن تعلق گرفته و به همين منظور دين را براى مردم تشريع كرده و از راه وحى مردم را از روز جمع انذار نموده ، چون او ولى مردم است و آنها را بعد از مردن زنده مى‏كند و بين آنان در آنچه اختلاف مى‏كردند حكم مى‏فرمايد.

آنگاه رشته كلام به مساله توحيد ربوبيت كشيده مى‏شود و اينكه به جز خداى تعالى ربى نيست، چون صفاتى كه رب بايد داشته باشد مختص به خداست!

**هدف آیه 13 تا 16 سوره شوری الميزان ج : 18 ص : 35**

# بیان مفاد و محتوای وحی به عنوان دین الهی واحد و عالمگیر

**« شرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِى أَوْحَيْنَا إِلَيْك وَ مَا وَصيْنَا بِهِ إِبْرَهِيمَ وَ مُوسى وَ عِيسى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبرَ عَلى الْمُشرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يجْتَبى إِلَيْهِ مَن يَشاءُ وَ يهْدِى إِلَيْهِ مَن يُنِيب...!»**

اين آيات فصل سوم از آياتى است كه وحى الهى را تعريف مى‏كند. فصل اول در باره خود وحى بود و فصل دوم در باره اثرش و اين فصل آن را از نظر مفاد و محتوى تعريف مى‏كند.

محتواى وحى عبارت است از دين الهى واحدى كه بايد تمامى ابناء بشر به آن يك دين بگروند و آن را سنت و روش زندگى خود و راه به سوى سعادت خود بگيرند .

البته در اين فصل به مناسبت ، اين را نيز بيان مى‏كند كه شريعت محمدى جامع‏ترين شرايعى است كه از ناحيه خدا نازل شده و نيز اختلافهايى كه در اين دين واحد پيدا شده از ناحيه وحى آسمانى نيست، بلكه از ناحيه ستمكارى و ياغى‏گريهايى است كه عده‏اى با علم و اطلاع در دين خدا به راه انداختند و نيز در آيات اين فصل فوائد ديگرى است كه بطور ضمنی به آنها اشاره شده است.

**هدف آیه 17 تا 26 سوره شوری الميزان ج : 18 ص : 51**

# بیان کتاب آسمانی نازل شده بوسیله وحی

**« اللَّهُ الَّذِى أَنزَلَ الْكِتَب بِالحَْقّ‏ِ وَ الْمِيزَانَ وَ مَا يُدْرِيك لَعَلَّ الساعَةَ قَرِيبٌ...!»**

اين آيات فصل چهارمى است از آيات سوره، كه وحى را تعريف مى‏كند به اينكه آن دينى كه به وسيله وحى نازل شده به صورت كتابى است كه براى مردم نوشته شده و ميزانى است كه در قيامت با آن، اعمالشان سنجيده مى‏شود و بر طبق آن جزاء داده مى‏شوند و جزاء حسن خود نوعى رزق است، آنگاه رشته سخن به ثواب و عقابى كه روز قيامت دارند كشيده شده است . در اين فصل آيه مودت و آياتى مناسب با آن نيز آمده است.

**هدف آیه 27 تا 50 سوره شوری الميزان ج : 18 ص : 77**

# تعریف دین به عنوان رزق از جانب خدا

**« وَ لَوْ بَسط اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فى الأَرْضِ وَ لَكِن يُنزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرُ بَصِيرٌ...!»**

صدر اين آيات متصل است به داستان رزق دادن خدا به بندگان. يكى از بزرگترين رزقها ، دينى است كه خداى سبحان در اختيار بندگانش گذاشته و با در نظر داشتن اين نكته گفتار اين فصل داخل در گفتار فصل گذشته مى‏شود كه در باره وحى سخن مى‏گفت و به طور كلى آيات اين سوره براى بيان آن ريخته شده ، بعد از هر چند آيه يكبار برگشته به همان غرض اشاره مى‏كند .

آنگاه پاره‏اى از آيات و دلائل توحيد را كه مربوط به رزق است - مانند خلقت آسمانها و زمين، منتشر كردن جنبندگان در آسمان و زمين، خلقت كشتى‏ها كه در دريا در حركتند، دادن فرزندان ذكور و اناث، يا يكى از آنها را به هر كه بخواهد و ندادن هيچ يك از آنها را به هر كه بخواهد - ذكر مى‏كند!

آنگاه مى‏فرمايد بعضى از رزق‏ها هست كه تنها در دنيا مى‏دهد و به همه مى‏دهد و آن رزقى است كه با فناى دنيا فانى مى‏شود و بعضى ديگرش مخصوص مؤمنين است كه در آخرت مى‏دهد و آن بهترين رزق و پايدارترين رزق است، از همين جا به مناسبت ، به ذكر صفات مؤمنين منتقل شده ، حسن عاقبت آنان را بيان مى‏كند و نيز به اوصاف قيامت و عاقبت ستمكاران منتقل مى‏شود و شرح مى‏دهد كه در قيامت با چه هولها و وحشت‏ها و عذابها روبرو مى‏شوند .

از اينها گذشته در خلال آيات، اجمالى از پاره‏اى احكام را بيان نموده، انذار و تخويفى هم مى‏كند و به حق دعوت نموده و به حقايق و معارف بسيارى اشاره مى‏نمايد.

**هدف آیه 51 تا 53 سوره شوری الميزان ج : 18 ص : 106**

# تعریف وحی از نظر ارتباط بین خدا و رسولان

**« وَ مَا كانَ لِبَشرٍ أَن يُكلِّمَهُ اللَّهُ إِلا وَحْياً أَوْ مِن وَرَاى حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسولاً فَيُوحِىَ بِإِذْنِهِ مَا يَشاءُ إِنَّهُ عَلىٌّ حَكيمٌ‏...!»**

اين آيات آخرين فصلى است كه خداى سبحان در اين سوره در باره وحى و تعريف آن بيان نموده و در اين فصل وحى و سخن گفتن خدا با بندگانش را به سه قسمت تقسيم مى‏كند: به وسيله وحى يا از پس پرده و حجاب و يا به وسيله ارسال رسول كه به اذن خود هر چه بخواهد به آن رسول وحى مى‏كند .

آنگاه مى‏فرمايد: پيامهاى خود را به اين طريق بر رسول خدا «ص» وحى مى‏كند و آنچه از ناحيه خداى تعالى به آن جناب وحى شده قبل از وحى در نفس آن جناب سابقه نداشته، يعنى آن جناب به هيچ يك از معارفى كه به وى وحى شده قبلا آگاهى نداشت و اين وحى است كه نورى است الهى و خداى تعالى هر يك از بندگان خود را بخواهد به اين هدايت اختصاص مى‏دهد و او را مورد وحى خود قرار مى‏دهد و به دنبالش هر يك از بندگان را بخواهد به وسيله پيامبرش و به اذن خود هدايت مى‏فرمايد!

**هدف و فلسفه نزول سوره زخرف**

**( الميزان ج : 18 ص :120 )**

# انذار معتقدین به فرزندخدائی و کیفر استهزا کنندگان رسولان

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! وَ الْكِتَبِ الْمُبِينِ! إِنَّا جَعَلْنَهُ قُرْءَناً عَرَبِيًّا لَّعَلَّكمْ تَعْقِلُونَ! وَ إِنَّهُ فى أُمّ‏ِ الْكِتَبِ لَدَيْنَا لَعَلىٌّ حَكِيمٌ...!» (1تا 14/زخرف)**

اين سوره بطورى كه آغاز و انجام آن و نيز مطالبى كه بين اين آغاز و انجام فاصله شده، جز چند آیه، شهادت مى‏دهد، در مقام انذار و هشدار دادن بشر است. در اين سوره اين معنا را خاطر نشان مى‏سازد كه سنت الهى بر اين جريان يافته كه انبياء و رسولانى برگزيند و كتاب و ذكرى بر آنان نازل كند و هيچگاه اسراف و افراط مردم در قول و فعلشان او را از اين كار باز نمى‏دارد ، بلكه همواره رسولان و انبيايى فرستاده و استهزاء كنندگان و تكذيب كنندگان ايشان را هلاك نموده و سپس به سوى آتشى جاودانه سوق داده است!

در اين بيان نخست مساله ارسال رسل را به طور اجمال ذكر مى‏كند و سپس از بين آنان ابراهيم و سپس موسى و آنگاه عيسى«ع» را نام مى‏برد و مطالبى از اسراف كفار نقل نموده، از آن جمله يكى از مهمترين گفتار آنان را كه مى‏گفتند خداى سبحان فرزند گرفته و ملائكه دختران او هستند ذكر مى‏كند!

و اين بدان جهت است كه نسبت به خصوص اين عقيده و رد آن عنايت داشته و به همين جهت آن را مكرر نقل مى‏كند و جواب مى‏گويد و گويندگان آن را به عذاب تهديد مى‏كند ، البته در اين سوره حقايق متفرق ديگرى نيز هست .

**هدف آیه 15 تا 25 سوره زخرف الميزان ج : 18 ص : 131**

# رد عقاید و اقوال ملائکه پرستی کفار

**« وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءاً إِنَّ الانسنَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ‏...!»**

اين دسته از آيات، قسمتى از اقوال و عقايد كفار را كه اسراف و كفر به نعمت منشا آن بود حكايت مى‏كند ، مثل اينكه مى‏گفتند خدا فرزند دارد و ملائكه دختران خدايند و اين را دليل بر ملائكه‏پرستى خود مى‏گرفتند و آيات مورد بحث بعد از حكايت اين اقوال آن را رد مى‏كند .

**هدف آیه 26 تا 45 سوره زخرف الميزان ج : 18 ص : 139**

# بیان کیفر کفران نعمتهای خدا و کفر به رسولان وآیات و کتاب الهی

**« وَ إِذْ قَالَ إِبْرَهِيمُ لأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنَّنى بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ‏...!»**

از آنجا كه رشته كلام از رسالت رسول و كفر مشركين به رسالت و تشبث ايشان(در شرك) به ذيل تقليد از پدران و بدون هيچ دليل ديگر انجاميد، دنبالش داستان ابراهيم عليه‏السلام را ذكر مى‏كند كه تقليد كردن از پدر و قومش را دور انداخته، از آنچه آنان به جاى خداى سبحان مى‏پرستيدند بيزارى جست و از پروردگارش طلب هدايتى كرد كه از فطرتش سرچشمه مى‏گرفت.

بعد از نقل داستان ابراهيم اين مسائل را خاطر نشان مى‏فرمايد كه از چه نعمت‏هايى برخوردارشان كرد و آنها چگونه آن نعمت‏ها را كفران كردند و به كتاب خدا كافر شدند و در آن خرده‏گيريها نمودند و به فرستاده خدا طعنه‏ها زدند، طعنه‏هايى كه به خودشان بر مى‏گردد و سپس آثار اعراض از ياد خدا را ذكر مى‏كند و عاقبت اين كار را كه همان شقاوت و خسران است تذكر مى‏دهد و آنگاه عطف مى‏كند بر آن اين را كه پيامبر بايد براى هميشه از ايمان آوردن ايشان مايوس باشد و سپس تهديدشان مى‏كند به عذاب!

و به پيامبر عزيزش تاكيد مى‏كند كه به قرآن تمسك جويد، چون قرآن ذكر او و ذكر قوم او است و به زودى از آن بازخواست مى‏شوند و آنچه در قرآن است دين توحيد است كه همه انبياء گذشته بر آن دين بودند!

**هدف آیه 46 تا 56 سوره زخرف الميزان ج : 18 ص : 161**

# عبرت گرفتن کفار از سرنوشت فرعون و قوم او

**« وَ لَقَدْ أَرْسلْنَا مُوسى بِئَايَتِنَا إِلى فِرْعَوْنَ وَ مَلايهِ فَقَالَ إِنى رَسولُ رَب الْعَلَمِينَ‏...!»**

در اين آيات برايشان مثلى از داستانهاى موسى عليه‏السلام و فرعون و قومش آورده كه خدا او را با معجزات و آيات باهره‏اش به سوى ايشان گسيل داشت و آنان بر آن آيات خنديدند و مسخره كردند و فرعون براى قومش احتجاج كرد و به آنان خطاب نمود كه من بهتر از موسى هستم، براى اينكه ملك مصر از آن من است كه اين نهرها از دامنه آن جارى است، با اين حرفها عقل مردم را دزديد و آنان اطاعتش كردند و سرانجام كارشان و استكبارشان بدينجا كشيد كه خدا از ايشان انتقام گرفته غرقشان كرد .

**هدف آیه 57 تا 65 سوره زخرف الميزان ج : 18 ص : 169**

# بیان مجادله کفار با رسول الله «ص» درباره عیسی «ع»

**« وَ لَمَّا ضرِب ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُك مِنْهُ يَصِدُّونَ...!»**

بعد از آنكه در آيات قبل از اشاره به داستان موسى عليه‏السلام فارغ شد، اينك در اين آيات به داستان عيسى عليه‏السلام‏ اشاره مى‏كند و قبل از هر چيز مجادله مردم با رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ در باره عيسى عليه‏السلام را ذكر نموده سپس از آن پاسخ مى‏دهد.

**هدف آیه 66 تا 78 سوره زخرف الميزان ج : 18 ص : 179**

# انذار از قیامت

**« هَلْ يَنظرُونَ إِلا الساعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَ هُمْ لا يَشعُرُونَ‏...!»**

در اين آيات دو باره به انذار قوم برگشته ، از قيامت تخويفشان مى‏كند و نيز به مآل حال پرهيزكاران و مجرمين و ثواب و عقابشان در قيامت اشاره مى‏فرمايد.

**هدف آیه 79 تا 89 سوره زخرف الميزان ج : 18 ص : 187**

# بیان خنثی شدن توطئه علیه رسول الله«ص» و نفی اعتقادات شرک آمیز

**« أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبرِمُونَ‏...!»**

در اين آيات به سخنان قبل برگشت شده و در آن كفار را در برابر اينكه عليه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ نقشه مى‏كشند توبيخ نموده تهديدشان مى‏كند به اينكه خداى تعالى هم عليه ايشان كيد خواهد كرد .

و نيز در اين آيات اعتقاد مشركين را بر اينكه خدا فرزند دارد نفى نموده و بطور كلى شريك داشتن خدا را رد و ربوبيت مطلقه خدا را به تنهايى اثبات مى‏كند و در آخر ، سوره را با تهديد و وعيد ختم مى‏كند!

**هدف و فلسفه نزول سوره دخان**

**( الميزان ج : 18 ص :195 )**

# بیان کیفر شک در قرآن، رحمت بودن آن و نزولش در شب قدر

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم‏! وَ الْكتَبِ الْمُبِينِ‏! إِنَّا أَنزَلْنَهُ فى لَيْلَةٍ مُّبَرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ! فِيهَا يُفْرَقُ كلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ‏...!» (1 تا 8/دخان)**

غرض سوره در يك كلمه خلاصه مى‏شود و آن اين است كه مى‏خواهد كسانى را كه به كتاب خدا شك دارند از عذاب دنيا و عذاب آخرت انذار كند و اين غرض را در اين سياق بيان مى‏كند كه: قرآن كتابى است روشن كه از ناحيه خدا نازل شده بر كسى كه او به سوى مردم گسيل داشته ، تا انذارشان كند و به اين منظور نازل كرده تا رحمتى از او به بندگانش باشد و در بهترين شب نازل كرده ، شب قدر كه در آن شب هر امرى بطور خلل‏ناپذيرى تقدير مى‏شود.

چيزى كه هست مردم - يعنى كفار - در باره آن خود را به شك مى‏اندازند و با هوى و هوس خود بازى مى‏كنند و به زودى عذابى دردناك در دنيا از هر سو ايشان را احاطه مى‏كند، آنگاه به سوى پروردگار خود برمى‏گردند و خداوند بعد از فصل قضاء و محاسبه دقيق با عذابى جاودانه از ايشان انتقام مى‏گيرد .

آنگاه براى آنان مثالى در خصوص عذاب دنيوى مى‏آورد و آن داستان موسى عليه‏السلام‏ است كه به سوى قوم فرعون و براى نجات بنى اسرائيل گسيل شد و فرعونيان او را تكذيب كردند و خداوند به همين جرم در دريا غرقشان كرد .

سپس براى عذاب دومشان كه آن را انكار مى‏كردند ، يعنى بازگشت به خدا در روز فصل قضا( قيامت) چنين اقامه حجت مى‏كند كه : قيامت آمدنى است ، چه بخواهند و چه نخواهند!

و در آخر پاره‏اى از اخبار قيامت را و آنچه بر سر مجرمين مى‏آيد و آنچه از انواع عذاب به آنها مى‏رسد، برشمرده، قسمتى هم از ثوابهايى را كه به متقين مى‏رسد كه حاصل جمعش عبارت است از حياتى طيب و مقامى كريم ، بيان مى‏كند!

**هدف آیه 9 تا 33 سوره دخان الميزان ج : 18 ص : 205**

# انذار مشرکین از شک در قرآن و از سرنوشت مشابه هلاکت و غرق فرعونیان

**« بَلْ هُمْ فى شكٍ يَلْعَبُونَ‏...!»**

بعد از آنكه در آيات قبل فرمود: قرآن كتابى است مبين كه در بهترين شب بر رسول خدا«ص» نازل شد، تا رحمت خدا و انذارى از سوى وى باشد ، اينك در اين آيات ترديد مشركين را در حقانيت قرآن يادآور شده تهديدشان مى‏كند به عذاب دنيا و عذاب روز قيامت و به همين منظور داستان فرستادن موسى به سوى فرعون را برايشان مثل مى‏آورد كه فرعون و قومش او را تكذيب كردند و خداى تعالى غرقشان كرد .

و اين قصه خالى از اين اشاره نيست كه خداى تعالى به زودى با بيرون كردن ياغيان قريش از مكه، رسولش و مؤمنين را از شر آنها نجات مى‏دهد و سپس سران قريش را كه به تعقيب رسول خدا«ص» و مؤمنين برمى‏خيزند هلاك مى‏نمايد .

**هدف آیه 34 تا 59 سوره دخان الميزان ج : 18 ص : 218**

# عذاب اخروی منکرین معاد

**« إِنَّ هَؤُلاءِ لَيَقُولُونَ‏...!»**

بعد از آنكه كفار را به عذاب دنيوى و سپس به عذاب اخروى انذار و تهديد كرد و در عذاب دنيوى به ماجراى قوم فرعون تمثل جست كه موسى از طرف پروردگارش به رسالت به سويشان گسيل شد و مردم او را تكذيب كردند و در نتيجه غرق گشته و منقرض شدند ، اينك در اين آيات به عذاب اخروى آنان پرداخته و انكار معاد را از ايشان حكايت مى‏كند كه معتقد بودند به اينكه بعد از مرگ اولى ديگر حياتى نيست و آنگاه بر اثبات معاد احتجاج مى‏كند و برهان اقامه مى‏نمايد و سپس به پاره‏اى از عذابهاى آخرت كه به زودى مجرمين بدان مبتلا مى‏شوند و نيز به پاره‏اى از نعمت‏هاى دائمى كه متقين به آن مى‏رسند اشاره مى‏كند ، و در اينجاست كه سوره با تذكر همان مطلبى كه با آن آغاز شده بود يعنى نزول كتاب به منظور تذكر خلق و دستور به انتظار كشيدن رسول خدا«ص» خاتمه مى‏يابد .

# هدف و فلسفه نزول سوره جاثیــه

**( الميزان ج : 18 ص :233 )**

# دعوت عموم بشر به دین توحید

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم! تَنزِيلُ الْكِتَبِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الحَْكِيمِ...!»**

**(1تا13/جاثیه)**

غرض اين سوره دعوت عموم بشر است به دين توحيد ، و پرهيز از عذابى كه از آن انذار مى‏كند .

سوره، نخست با مساله توحيد آغاز مى‏شود و سپس به تشريع شريعت براى رسول خدا«ص» و اينكه بر آن جناب و بر عامه بشر لازم است از آن پيروى كنند اشاره نموده ، مى‏فرمايد: چون در پيش روى خود روزى را دارند كه در آن روز بر طبق اعمال صالحى كه انجام داده‏اند از ايمان و پيروى شريعت و بر طبق گناهانى كه كرده‏اند از اعراض از دين و غيره محاسبه خواهند شد .

آنگاه پيشامدهايى را كه هر يك از اين دو طايفه در قيامت دارند ذكر مى‏كند . البته در خلال اين بيانات انذار شديد و تهديد سختى به مستكبرين دارد كه از آيات خدا اعراض مى‏كنند و نيز به كسانى كه هواى نفس خود را معبود خود گرفته‏اند و خدا آنان را گمراه كرد در عين اينكه به گمراهى خود عالم بودند ، هشدار مى‏دهد .

از لطائفى كه در اين سوره آمده بيان معناى نوشتن نامه اعمال و استنساخ آن است!

**هدف آیه 14 تا 19 سوره جاثیه الميزان ج : 18 ص : 247**

# بیان تشریع شریعت برای رسول الله «ص» و پیروی از آن

**« قُل لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِى قَوْمَا بِمَا كانُوا يَكْسِبُونَ‏...!»**

بعد از آنكه آيات و دلايل وحدانيت خداى تعالى را ذكر نمود و در ضمن آنها تا اندازه‏اى به مساله معاد اشاره نمود و نيز مساله نبوت را در خلال ذكر تنزيل كتاب و تهديد استهزاء كنندگان ذكر فرمود ، اينك در اين آيات تشريع شريعت براى رسول خدا «ص» را ذكر مى‏كند و براى اينكه مطلب مربوط به ما قبل شود، دو مقدمه مى‏آورد:

يكى اينكه مؤمنين بايد متعرض حال كفار منكر معاد نشوند، زيرا خداى تعالى خودش ايشان را مجازات خواهد فرمود، چون اعمال چه خوب و چه بدش مورد بازپرسى قرار خواهد گرفت و علت تشريع شريعت هم همين است .

دوم اينكه انزال كتاب و حكم و نبوت امرى نوظهور نيست، چون خداى تعالى به بنى اسرائيل نيز كتاب و حكم و نبوت داد و معجزات روشنى برايشان اظهار كرد ، كه با آن معجزات ديگر جاى شكى در دين خدا باقى نماند ، چيزى كه هست علماى بنى اسرائيل از راه ستم و ياغى‏گرى در آن دين اختلاف راه انداختند كه به زودى خداى تعالى بين آنان داورى خواهد كرد .

آنگاه بعد از ذكر اين دو مقدمه مساله تشريع شريعت براى رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم را بيان نموده و آن جناب را دستور مى‏دهد تا از شريعت خود پيروى كند و از پيروى هوى و هوسهاى مردم جاهل دورى نمايد .

**هدف آیه 20 تا 37 سوره جاثیه الميزان ج : 18 ص : 255**

# بیان بصیرت بودن شریعت اسلام برای مردم

**« هَذَا بَصئرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ‏...!»**

بعد از آنكه به مساله تشريع شريعت براى رسول خدا «ص»اشاره كرد و فرمود كه آن جناب را بر شريعتى از أمر يعنى شريعت اسلام قرار داديم ، اينك در اين آيات به اين معنا اشاره مى‏كند كه شريعت اسلام بصيرتهايى براى مردم است ، كه با آن تشخيص مى‏دهند كه چه راهى از راه‏هاى زندگى را طى كنند تا به حيات طيب در دنيا و سعادت زندگى آخرت برسند و نيز شريعت اسلام هدايت و رحمتى است براى مردمى كه به آيات خدا يقين دارند .

و نيز به اين نكته اشاره مى‏كند كه آنچه مرتكبين گناهان را وادار مى‏كند كه از پيروى شريعت سرباز زنند ، انكار معاد است ، آنها خيال مى‏كنند كه با افراد متشرعى كه پابند به دين خدا هستند ، در زندگى و مرگ يكسانند و براى پایبندى به شريعت هيچ اثرى قائل نيستند ، لذا فكر مى‏كنند چرا به خاطر پيروى از شريعت خود را به زحمت اندازيم و بدون جهت مقيد نموده ، بار سنگين اعمال صالح را به دوش بكشيم؟ به همين جهت خداى تعالى بر بطلان پندار آنان و اثبات معاد اقامه برهان مى‏كند و سپس به شرح جزئيات پرداخته شمه‏اى از پاداشهاى صالحان و عقابهاى طالحان و منكرين و مجرمين را بيان نموده و سوره را با حمد و تسبيح خدا ختم مى‏كند!

**هدف و فلسفه نزول سوره احقاف**

**( الميزان ج : 18 ص :281 )**

# انذار منکرین به توحید و نبوت و معاد

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! حم‏! تَنزِيلُ الْكِتَبِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الحَكِيمِ‏...!»**

**(1تا 14/احقاف)**

غرض اين سوره انذار مشركينى است كه دعوت به ايمان به خدا و رسول و معاد را رد مى‏كردند و اين انذار مشتمل است بر عذاب اليم براى كسانى كه آن را انكار نموده، از آن اعراض كنند و به همين جهت اين سوره با اثبات معاد آغاز شده و در اين آيات احتجاج بر يگانگى خدا و بر نبوت نيز شده و اشاره‏اى هم به هلاكت قوم هود و قريه‏هاى پيرامون مكه رفته است و به اين وسيله مردم را انذار مى‏كند .

و نيز از آمدن چند نفر از طائفه جن نزد رسول خدا «ص» خبر مى‏دهد كه بعد از شنيدن آياتى از قرآن به آن جناب ايمان آورده ، به نزد قوم خود بازگشتند ، تا ايشان را انذار كنند .

**هدف آیه 15 تا 20 سوره احقاف الميزان ج : 18 ص : 304**

# بیان تقسیم مردم به دو دسته : تائبین و خاسرین، و بیان عملکرد آنان

**« وَ وَصيْنَا الانسنَ بِوَلِدَيْهِ إِحْسناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهاً وَ وَضعَتْهُ كُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصلُهُ ثَلَثُونَ شهْراً حَتى إِذَا بَلَغَ أَشدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سنَةً قَالَ رَب أَوْزِعْنى أَنْ أَشكُرَ نِعْمَتَك الَّتى أَنْعَمْت عَلىَّ وَ عَلى وَلِدَى وَ أَنْ أَعْمَلَ صلِحاً تَرْضاهُ وَ أَصلِحْ لى فى ذُرِّيَّتى إِنى تُبْت إِلَيْك وَ إِنى مِنَ الْمُسلِمِينَ‏...!»**

در اين فصل از آيات به طور مفصل شرح مى‏دهد و مى‏فرمايد: مردم دو دسته‏اند: يك دسته تائبين هستند كه همواره به سوى خدا رجوع دارند و در برابر او تسليمند و ايشان كسانى‏اند كه اعمال نيكترشان قبول مى‏شود و از گناهانشان در مى‏گذرند و جزو اصحاب جنتند.

دسته ديگر خاسران و زيانكارانند كه همان سرنوشتى كه امت‏هاى گذشته از جن و انس بدان گرفتار شدند در باره اينان نيز حتمى شده است .

آنگاه طائفه اول را به كسى مثل زده كه ايمان به خدا دارد و تسليم او و نيكوكار به والدين خويش است و همواره از خدا مى‏خواهد تا شكر بر نعمتهايش را به او الهام كند ، نعمتهايى كه به خودش داده و نعمتهايى كه به پدر و مادرش ارزانى داشته و نيز مى‏خواهد كه عمل صالح و اصلاح ذريه‏اش را به وى الهام كند!

و طائفه دوم را به كسى مثل زده كه عاق پدر و مادرش باشد ، وقتى او را به سوى ايمان به خدا و روز جزاء مى‏خوانند مى‏گويد: اين حرفها جزو خرافات كهنه و قديمى است و به اين اكتفاء ننموده پدر و مادر را تهديد مى‏كند كه ديگر از اين حرفها نزنند .

**هدف آیه 21 تا 28 سوره احقاف الميزان ج : 18 ص : 319**

# بیان نابودی قوم عاد و بیان ایمان آوردن جنیان به قرآن

**« وَ اذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُ بِالأَحْقَافِ وَ قَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِن بَينِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ أَلا تَعْبُدُوا إِلا اللَّهَ إِنى أَخَاف عَلَيْكمْ عَذَاب يَوْمٍ عَظِيمٍ‏...!»**

در اين آيات به دو داستان اشاره مى‏كند: يكى از قوم عاد و هلاكت ايشان و در ضمن اشاره به هلاكت قراى پيرامون مكه و يكى هم از ايمان آوردن قومى از جن ، كه خداى تعالى به سوى رسول خدا«ص» متوجهشان كرد و با شنيدن قرآن ايمان آوردند و براى انذار به سوى قوم خود برگشتند .

و منظور از نقل اين دو داستان اين است كه هر كس بخواهد از سرگذشت آنان عبرت بگيرد و آيات فوق تنها مربوط به داستان اول است.

**هدف آیه 29 تا 35 سوره احقاف الميزان ج : 18 ص : 327**

# مقایسه ایمان آوردن جن به قرآن با انکار کردن آن بوسیله کافران

« وَ إِذْ صرَفْنَا إِلَيْك نَفَراً مِّنَ الْجِنّ‏ِ يَستَمِعُونَ الْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضىَ وَلَّوْا إِلى قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ...!»

اين آيات داستان دومى را بعد از داستان قوم عاد بيان مى‏كند تا امت اسلام از آن عبرت گيرد، اگر بگيرد و در اين آيات به مشركين طعنه مى‏زند كه چگونه به آن جناب و به كتابى كه بر او نازل شده كفر ورزيدند با اينكه كتاب مزبور به زبان خود آنان نازل شده و خوب مى‏دانند آيتى معجزه است و با اين حال آن را از نوع كتابهاى بشرى معرفى مى‏كنند و به آن كتابها تشبيه مى‏نمايند و با اينكه جن وقتى بدان گوش فرا دادند ايمان آوردند و به سوى قوم خود برگشتند تا آنان را هم انذار كنند .

**هدف و فلسفه نزول سوره محمد«ص»**

**( الميزان ج : 18 ص :336 )**

# مقایسه بین صفات و آثار صفات مومنین و کافرین، و بیان احکام جهاد

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صدُّوا عَن سبِيلِ اللَّهِ أَضلَّ أَعْمَلَهُمْ‏...!»**

**(1 تا 6/محمد)**

اين سوره كفار را به اوصاف خبيثه و اعمال زشتى كه از خصائص ايشان است توصيف مى‏كند و مؤمنين را با صفات طيب و اعمال نيكى كه دارند مى‏ستايد ، آنگاه آثار صفات مؤمنين را كه نعمت و كرامت است و آثار صفات كفار را كه نقمت و خوارى است، بر مى‏شمارد.

و خلاصه در اين سوره بين دو طائفه مقايسه شده، هم بين صفات و اعمالى كه در دنيا دارند و هم بين آثارى كه در آخرت مترتب بر اعمال آنان مى‏شود .

و در اين ميان بعضى از احكام جهاد و قتال را بيان مى‏كند.

**هدف آیه 7 تا 15 سوره محمد الميزان ج : 18 ص : 345**

# وعده نصرت در جهاد

« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصرُوا اللَّهَ يَنصرْكُمْ وَ يُثَبِّت أَقْدَامَكمْ‏...!»

سياق اين آيات همان سياقى است كه آيات قبل داشتند.

**هدف آیه 16 تا 32 سوره محمد الميزان ج : 18 ص : 353**

# بیان وصف منافقان و بیماردلان

**« وَ مِنهُم مَّن يَستَمِعُ إِلَيْك حَتى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِك قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَا ذَا قَالَ ءَانِفاً أُولَئك الَّذِينَ طبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ‏ ...!»**

سياق اين آيات طبق سياق آيات قبلى جريان يافته و در آن متعرض حال كسانى شده كه منافق و بيمار دلند و بعد از ايمان به كفر برمى‏گردند .

**هدف آیه 33 تا 38 سوره محمد الميزان ج : 18 ص : 370**

# هشدار به مومنین از تمایل به مشرکین و حبط اعمال خود

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسولَ وَ لا تُبْطِلُوا أَعْمَلَكمْ...!»**

خداى تعالى بعد از آنكه حال كفار را بيان كرد و بيان حال بيماردلان و تثاقل آنان در امر قتال و حال مرتدين ايشان را بر آن بيان اضافه كرد، اينك در اين آيات روى سخن را به مؤمنين برگردانده و بر حذرشان مى‏دارد از اينكه مثل آن كفار و آن منافقين و آن مرتدين باشند و با مشركين سازش نموده به سوى آنان متمايل شوند، در نتيجه تابع روشى شوند كه خدا را به خشم مى‏آورد و يا همانند منافقان از خوشنودى خدا كراهت داشته باشند و در نتيجه عملشان حبط گردد .

البته در اين آيات ايشان را با ترغيب و ترهيب و تطميع و تخويف ، موعظه هم مى‏كند و با اين بيانات سوره خاتمه مى‏يابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره فتح**

**( الميزان ج : 18 ص :377 )**

# وعده فتح مبین، و بیان شرح سفر رسول الله«ص» منجر به صلح حدیبیه

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا فَتَحْنَا لَك فَتْحاً مُّبِيناً...!» ( 1تا7/فتح)**

مضامين آيات اين سوره با فصول مختلفى كه دارد انطباقش بر قصه صلح حديبيه كه در سال ششم از هجرت اتفاق افتاد روشن است و همچنين با ساير وقايعى كه پيرامون اين قصه اتفاق افتاد، مانند داستان تخلف اعراب از شركت در اين جنگ و نيز جلوگيرى مشركين از ورود مسلمانان به مكه و نيز بيعتى كه بعضى از مسلمانان در زير درختى انجام دادند كه تاريخ و روایات، تفصيل آنها را آورده اند.

پس غرض سوره بيان منتى است كه خداى تعالى به رسول خدا نهاده و در اين سفر فتحى آشكار نصيبش فرموده و نيز منتى كه بر مؤمنين همراه وى نهاده و مدح شايانى است كه از آنان كرده و وعده جميلى است كه به همه كسانى از ايشان داده كه ايمان آورده و عمل صالح كرده‏اند!

**هدف آیه 8 تا 10 سوره فتح الميزان ج : 18 ص : 407**

# تعظیم و تکریم رسول الله«ص» و معرفی او به عنوان شاهد و مبشر و نذیر

**« إِنَّا أَرْسلْنَك شهِداً وَ مُبَشراً وَ نَذِيراً...!»**

اين چند آيه، فصل دوم از آيات سوره است كه در آن خداى سبحان پيامبر خود را از در تعظيم و تكريم چنين معرفى مى‏كند كه او را به عنوان شاهد و مبشر و نذير فرستاده ، اطاعت او اطاعت خدا و بيعت با او بيعت با خدا است!

**هدف آیه 11 تا 17 سوره فتح الميزان ج : 18 ص : 413**

# بیان بهانه عربهای بدوی از عدم همراهی رسول الله در جنگ حدیبیه

**« سيَقُولُ لَك الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الأَعْرَابِ شغَلَتْنَا أَمْوَلُنَا وَ أَهْلُونَا فَاستَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْس فى قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن يَمْلِك لَكُم مِّنَ اللَّهِ شيْئاً إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضراًّ أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعَا بَلْ كانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرَا...!»**

اين آيات فصل سومى است از آيات سوره و در آن متعرض حال عربهايى است كه از يارى رسول خدا «ص» تقاعد ورزيدند و در سفر حديبيه شركت نكردند و به طورى كه گفته‏اند آنها اعراب و قبائل اطراف مدينه بودند، يعنى جهينه، مزينه، غفار، اشجع، اسلم و دئل كه از امر آن جناب تخلف كرده و گفتند: محمد و طرفدارانش به جنگ مردمى مى‏روند كه ديروز در كنج خانه خود به دست ايشان كشته دادند و بطور قطع از اين سفر برنمى‏گردند و ديگر ديار و زن و فرزند خود را نخواهند ديد.

خداى سبحان در اين آيات به رسول گرامى‏اش خبر داد كه اينان به زودى تو را مى‏بينند و از نيامدنشان اعتذار مى‏جويند كه سرگرم كارهاى شخصى و رسيدگى به اهل و به مالها بوديم و از تو مى‏خواهند برايشان طلب مغفرت كنى، ولى خدا آنان را در آنچه مى‏گويند تكذيب مى‏كند و تذكر مى‏دهد كه سبب نيامدنشان، چيزى است غير از آنچه كه اظهار مى‏كنند و آن سوء ظنشان است و خبر مى‏دهد كه به زودى درخواست مى‏كنند تا دوباره به تو بپيوندند و تو نبايد بپذيرى، چيزى كه هست به زودى دعوتشان خواهى كرد به جنگ قومى ديگر، اگر اطاعت كردند كه اجرى جزيل دارند و گر نه عذابى دردناك در انتظارشان هست!

**هدف آیه 18 تا 28 سوره فتح الميزان ج : 18 ص : 422**

# بیان رضایت خدا از بیعت کنندگان بعد ازصلح حدیبیه و وعده پیروزی آتی

**« لَّقَدْ رَضىَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَك تحْت الشجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فى قُلُوبهِمْ فَأَنزَلَ السكِينَةَ عَلَيهِمْ وَ أَثَبَهُمْ فَتْحاً قَرِيباً...!»**

اين آيات فصل چهارم از آيات سوره است كه در آن شرحى از مؤمنين كه با رسول خدا «ص» به حديبيه رفتند ذكر نموده و رضايت خود را از آنان كه با آن جناب در زير درخت بيعت كردند اعلام مى‏دارد آنگاه بر آنان منت مى‏گذارد كه سكينت را بر قلبشان نازل كرده و به فتحى قريب و غنيمت‏هايى بسيار نويدشان مى‏دهد و نيز خبرى كه در حقيقت نويدى ديگر است مى‏دهد كه مشركين اگر با شما جنگ كنند فرار خواهند كرد، به طورى كه پشت سر خود را نگاه نكنند.

و مى‏فرمايد آن رؤيايى كه در خواب به پيامبرش نشان داد رؤياى صادقه بود و بر حسب آن ، به زودى داخل مسجد الحرام خواهند شد، در حالى كه ايمن باشند و سر خود را بتراشند، بدون اينكه از كسى واهمه‏اى كنند، چون خدا رسول خود را به هدايت و دين حق فرستاده تا دين حق را بر همه اديان غلبه دهد ، هر چند كه مشركين كراهت داشته باشند!

**هدف آیه 29 سوره فتح الميزان ج : 18 ص : 445**

# توصیف رسول الله و مومنین به« اشداء علی الکفار و رحماء بینهم!»

**« محَمَّدٌ رَّسولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعاً سجَّداً يَبْتَغُونَ فَضلاً مِّنَ اللَّهِ وَ رِضوَناً سِيمَاهُمْ فى وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السجُودِ ذَلِك مَثَلُهُمْ فى التَّوْرَاةِ وَ مَثَلُهُمْ فى الانجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شطئَهُ فَئَازَرَهُ فَاستَغْلَظ فَاستَوَى عَلى سوقِهِ يُعْجِب الزُّرَّاعَ لِيَغِيظ بهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصلِحَتِ مِنهُم مَّغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِيمَا!»**

اين آيه خاتمه سوره است و پيامبر را توصيف مى‏كند و نيز آنهايى را كه با اويند به اوصافى مى‏ستايد كه در تورات و انجيل ستوده و مؤمنين را كه عمل صالح انجام داده‏اند وعده جميل مى‏دهد. اين آيه متصل به آيه قبل است، چون در آن آيه مى‏فرمود كه او رسول خود را به هدايت و دين حق فرستاده است.

**هدف و فلسفه نزول سوره حجرات**

**( الميزان ج : 18 ص :453 )**

# بیان برخی احکام مهم دین و وظیفه فرد در مقابل خدا و رسول و اجتماع

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لا تُقَدِّمُوا بَينَ يَدَىِ اللَّهِ وَ رَسولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سمِيعٌ عَلِيمٌ‏...!» (1تا10/حجرات)**

اين سوره مشتمل بر مسائلى از احكام دين است ، احكامى كه با آن سعادت زندگى فردى انسان تكميل مى‏شود و نظام صالح و طيب در مجتمع او مستقر مى‏گردد .

بعضى از آن مسائل ادب جميلى است كه بايد بين بنده و خداى سبحان رعايت شود و پاره‏اى آدابى است كه بندگان خدا بايد در مورد رسول خدا «ص» رعايت كنند ، كه در پنج آيه اول سوره آمده است.

بعضى ديگر آن، احكام مربوط به مسائلى است كه مردم در برخورد با يكديگر در مجتمع زندگى خود بايد آن را رعايت كنند .

قسمتى ديگر مربوط به برترى‏هايى است كه بعضى افراد بر بعض ديگر دارند و تفاضل و برترى افراد از اهم امورى است كه جامعه مدنى انسان با آن منتظم مى‏شود و انسان را به سوى زندگى توأم با سعادت و عيش پاك و گوارا هدايت مى‏كند و با آن بين دين حق و باطل فرق مى‏گذارد و مى‏فهمد كدام دين حق است و كدام از سنن اجتماعى قومى است!

و در آخر، سوره را با اشاره به حقيقت ايمان و اسلام ختم نموده ، بر بشريت منت مى‏گذارد كه نور ايمان را به او افاضه فرموده است .

**هدف آیه 11 تا 18 سوره حجرات الميزان ج : 18 ص : 479**

# بیان برخی احکام اجتماعی و اخلاقی اسلام

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لا يَسخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسى أَن يَكُونُوا خَيراً مِّنهُمْ وَ لا نِساءٌ مِّن نِّساءٍ عَسى أَن يَكُنَّ خَيراً مِّنهُنَّ وَ لا تَلْمِزُوا أَنفُسكمْ وَ لا تَنَابَزُوا بِالأَلْقَبِ بِئْس الاسمُ الْفُسوقُ بَعْدَ الايمَنِ وَ مَن لَّمْ يَتُب فَأُولَئك هُمُ الظلِمُونَ‏...!»**

بیان احکام مربوط به روابط اجتماعی و اخلاقی اسلام از قبیل نفی استهزا و دشنام و غیره.

**هدف و فلسفه نزول سوره ق**

**( الميزان ج : 18 ص :502 )**

# بررسی مسئله معاد

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ق! وَ الْقُرْءَانِ الْمَجِيدِ! بَلْ عَجِبُوا أَنْ جاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقالَ الْكافِرُونَ هذا شَيْ‏ءٌ عَجيبٌ...!» (1تا14/ق)**

اين سوره مساله دعوت اسلام را بيان مى‏كند و به آنچه در اين دعوت است اشاره مى‏كند، يعنى انذار به معاد و انكار مشركين به معاد و تعجبى كه از آن داشتند كه بعد از مردن و بطلان شخصيت آدمى و خاك شدنش چگونه دوباره زنده مى‏شود و به همان صورت و وضعى كه قبل از مرگ داشت برمى‏گردد؟ آنگاه تعجب آنان را رد مى‏كند به اين كه علم الهى محيط به ايشان است و كتاب حفيظ كه هيچ يك از احوال خلقش و هيچ حركت و سكون آنها - چه خردش و چه كلانش - از قلم آن كتاب نيفتاده نزد او است. آنگاه اين منكرين را تهديد مى‏كند به اينكه اگر به راه نيايند بر سرشان همان خواهد آمد كه بر سر امت‏هاى گذشته و هلاك شده آمد .

و آنگاه براى بار دوم باز به علم و قدرت خداى تعالى پرداخته از راه تدبيرى كه در خلقت آسمانها و آراستن آن با ستارگان بى حركت و با حركت و تدابير ديگرى كه به كار برده و نيز تدبيرى كه در خلقت زمين به كار برده و آن را گسترده و كوههاى ريشه دار در آن جايگزين ساخته گياهان نر و ماده در آن رويانيده و نيز به اينكه آب را از آسمان فرستاده و ارزاق بندگان را تامين نموده و زمين را با آن آب زنده كرده است ، علم و قدرت او را اثبات مى‏كند .

و نيز به همين منظور به بيان حال انسان مى‏پردازد كه از اولين روزى كه خلق شده و تا زنده است در تحت مراقبت شديد و دقيق قرار دارد ، حتى يك كلمه در فضاى دهانش نمى‏آورد و از اين بالاتر يك خاطره را در دلش خطور نمى‏دهد و نفسش آن را وسوسه نمى‏كند ، مگر آنكه همه‏اش را ثبت مى‏كنند!

و آنگاه بعد از آنكه مرد با او چه معامله مى‏شود و بعد از زنده شدنش براى پس دادن حساب، همچنان در تحت مراقبت هست تا آنكه از حساب فارغ شود، يا به آتش در آيد اگر از تكذيب كنندگان حق باشد و يا به بهشت و قرب پروردگار اگر از متقين باشد .

و كوتاه سخن آنكه: زمينه گفتار در اين سوره مساله معاد است و يكى از آيات برجسته آن آيه:« لقد كنت فى غفلة من هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد!» و يكى ديگر آيه:« يوم نقول لجهنم هل امتلات و تقول هل من مزيد!» و يكى هم آيه:« لهم ما يشاؤن فيها و لدينا مزيد!» است.

و در اين آياتى كه نقل كرديم به طور اجمال به مساله معاد و اينكه مشركين آن را امرى بعيد مى‏پنداشتند اشاره شده و نخست جوابى اجمالى با تهديد مى‏دهد و سپس به طور مفصل از آن جواب داده ، باز براى بار دوم تهديد مى‏كند .

**هدف آیه 15 تا 38 سوره ق الميزان ج : 18 ص : 513**

# بیان قدرت الهی برای خلق دوم و احاطه او بر تمام افکار و نیات انسان

**« أَ فَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الأَوَّلِ بَلْ هُمْ فى لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ...!»**

آيه اولى از اين آيات تتمه حجتى است كه در آخر آيات قبلى بر علم و قدرت خداى تعالى اقامه كرده بود و آن حجت عبارت بود از خلقت آسمانها و زمين و آنچه در آن دو از خلائق و تدابير است، آن تدبيرهايى كه كاملترين تدبيرها و تمام‏ترين تدبيرها است!

همه اين مذكورات مربوط مى‏شد به خلقت نخستين و نشاه نخستين، آنگاه اين حجت را تكميل كرد با اشاره به اين جهت كه: آيا مگر ما از آن خلقت نخستين خسته شديم؟ و از آن نتيجه مى‏گيرد كه آن خدايى كه قادر بود عالم را بدون الگو و براى اولين بار خلق كند ، قادر است كه در نشاه‏اى ديگر با خلقتى جديدش بيافريند ، و همان علمى كه در خلقت نخستين داشت ، در خلقت دوم نيز دارد ، چون هر دو در خلقت مثل همه ، وقتى برايش يكى از اين دو خلقت ممكن باشد ، دومى هم ممكن است و براى خلقت دومش مانند اولش نمونه‏اى نمى‏خواهد ، جز اينكه بگويد باش و همين كافى است كه عالم بار ديگر موجود شود! آنگاه از بيان گذشته اعراض مى‏كند و مى‏فرمايد: با اينكه هر دو خلقت مثل هم است ، باز هم در باره خلقت جديد در شكند؟!

سپس اشاره مى‏كند به خلقت نخستين انسان و اينكه خدا حتى خطورات قلبى او را مى‏داند و رقبائى بر او گمارده تا با دقيقترين وجه مراقبتش كنند، آنگاه سكرات مرگ او را مى‏گيرد و بعد از آن يا داخل بهشت مى‏شوند و يا داخل آتش .

بعد براى بار دوم به سرگذشت اقوام گذشته كه آيات خدا و معاد را تكذيب كردند و دچار خشم الهى و عذاب انقراض گشتند ، با اينكه از شما مردم نيرومندتر بودند ، اشاره نموده ، مى‏فرمايد: همان خدايى كه آنان را آنطور كيفر داد قادر است شما را نيز كيفر كند!

**هدف آیه 39 تا 45 سوره ق الميزان ج : 18 ص : 539**

# توصیه رسول الله«ص» به صبر در مقابل گفتارکفار و تذکر مومنان به قرآن

**« فَاصبرْ عَلى مَا يَقُولُونَ وَ سبِّحْ بحَمْدِ رَبِّك قَبْلَ طلُوع الشمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ‏...!»**

اين آيات خاتمه سوره است ، كه در آن رسول خدا «ص»را دستور مى‏دهد كه در برابر آنچه مى‏گويند و نسبتهايى كه مى‏دهند - مثلا مى‏گويند سحر و جنون و شعر است - صبر كن! و نيز در مقابل لجبازيها و استهزايى كه نسبت به معاد و برگشتن به سوى خداى تعالى دارند، حوصله به خرج ده و پروردگار خود را با تسبيح عبادت كن و منتظر روز قيامت باش كه با يك صيحه آغاز مى‏شود و كسانى را كه از خداى نديده مى‏ترسند با قرآن تذكر بده !

**هدف و فلسفه نزول سوره ذاریات**

**( الميزان ج : 18 ص :544 )**

# دعوت به توحید در ربوبیت و بیان هدف خلقت انسان

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الذَّرِيَتِ ذَرْواً ! فَالحامِلَتِ وِقْراً ! فَالجارِيَتِ يُسراً ! فَالْمُقَسمَتِ أَمْراً ! إِنمَا تُوعَدُونَ لَصادِقٌ‏! وَ إِنَّ الدِّينَ لَوَقِعٌ‏...!» (1تا19/ذاریات)**

دعوت پيامبر اسلام همواره لبه تيزش به طرف وثنيت بود، كه ايشان را به توحيد در ربوبيت مى‏خواند و مى‏خواست به آنها بفهماند كه خداى تعالى تنها رب آنان و رب تمامى عالم است!

اين دعوتش از دو طريق بود ، يكى از راه بشارت و نويد و يكى از راه انذار و تهديد كه مخصوصا بر اين انذار بيشتر تكيه داشت و انذارش به دو چيز بود: يكى عذاب دنيا كه اقوام و ملل گذشته را به جرم تكذيب منقرض ساخت و يكى هم عذاب آخرت كه عذابى است جاودانه! و در پيشبرد دعوت، همين انذار مؤثر و عمده بود، چون اگر حساب و جزاى روز قيامت نباشد، ايمان به وحدانيت خدا و نبوت انبياء لغو و بى اثر است! همچنان كه مشركين به همين منظور خداى آسمان و زمين را با خدايان دروغين معاوضه كردند و شديدا با اصول سه‏گانه توحيد و نبوت و معاد مخالفت و انكار مى‏ورزيدند .

آرى مى‏خواستند با انكار معاد و اصرار در اينكه چنين چيزى نيست و مسخره كردن آن به هر راهى كه ممكن باشد خود را از قيد و بند آزاد كنند ، چون آنها هم اين قدر مى‏فهميدند كه اگر بتوانند اصل سوم يعنى معاد را باطل كنند آن دو اصل ديگر خود به خود باطل مى‏شود .

اين سوره متعرض مساله معاد و انكار مشركين نسبت به آن است و با اين مساله ختم مى‏شود .

اما نه از اين جهت كه خود معاد را اثبات كند ، همچنان كه در مواردى از كلام مجيدش، معاد بدان جهت كه معاد است مورد نظر قرار گرفته ، بلكه از اين جهت متعرض آن شده كه روز جزاء است و كسى كه وعده آن را داده خداى تعالى است و خداى تعالى هم يگانه رب ايشان است و وعده او صدق است و در آن شكى نيست .

و به همين منظور وقتى رشته كلام به احتجاج بر مساله معاد مى‏كشد، بر مساله توحيد احتجاج مى‏كند و آيات بيرونى - از زمينى و آسمانى - و آيات درونى را به رخ مى‏كشد .

و عذابهايى كه با آن عذابها امت‏هاى گذشته را به دنبال دعوت به توحيد عقوبت كرد - وقتى دعوت انبيا را نپذيرفتند و نبوتشان را تكذيب كردند - ذكر مى‏كند و اين نيست مگر براى همين منظور كه با اثبات توحيد ، روز جزاء را كه خداى واحد وعده داده اثبات كند ، خدايى كه هرگز خلف وعده نمى‏كند ، از سوى ديگر روز جزاء را اثبات كند كه دعوت نبويه از آن خبر داده( دعوتى كه هرگز دروغ و فريب در آن وجود ندارد!) تا در نتيجه راهى براى انكار معاد برايشان باقى نماند و نتوانند از راه انكار معاد مساله توحيد و نبوت را هم لغو جلوه دهند، كه بيانش گذشت.

اين سوره هر چند همه آياتش برجسته است ، اما يكى از برجسته‏ترين آياتش آيه شريفه:« و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون!» است.

و اين نوزده آيه‏اى كه از اول سوره در اينجا آورديم، در حقيقت آغاز گفتار است و در آن خاطرنشان مى‏سازد اين وعده‏اى كه داده شده‏اند وعده‏اى است حق و صدق و انكارشان نسبت به آن و لجبازيشان در انكار آن به جز تخمين و احتمال دليلى ندارد، آنگاه به توصيف روز جزاء مى‏پردازد كه متقين در آن روز چه وصفى دارند، و منكرين چه حالى .

**هدف آیه 20 تا 51 سوره ذاریات الميزان ج : 18 ص : 557**

# بیان وحدانیت خدای تعالی در ربوبیت و تدبیر امور

**« وَ فى الأَرْضِ ءَايَتٌ لِّلْمُوقِنِينَ‏ ...!»**

اين آيات به تعدادى از نشانه‏هاى دلالت كننده بر وحدانيت خداى تعالى در ربوبيت و نيز برگشت امر تدبير در آسمان و زمين و مردم و ارزاق آنان به خداى سبحان، اشاره مى‏كند كه لازمه آن اين است كه چنين خدايى مى‏تواند از طريق رسالت، دينى را بفرستد و نه تنها مى‏تواند بلكه واجب است كه بفرستد و لازمه اين وجوب آن است كه بر خلايق هم لازم است كه دعوت نبوى را در آنچه كه دين او متضمن آن است از وعده بعث و جزا تصديق كنند و قبول كنند كه آنچه آن حضرات وعده مى‏دهند صدق است و دين كه همان روز جزا است واقع شدنى است!

خصوصيت اين سوره همين است كه در سلوك احتجاج بر اثبات معاد ، به توحيد نيز مى‏پردازد.

**هدف آیه 52 تا 60 سوره ذاریات الميزان ج : 18 ص : 577**

# تهدید منکرین معاد به روز موعود

**« كَذَلِك مَا أَتى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسولٍ إِلا قَالُوا ساحِرٌ أَوْ مجْنُونٌ‏...!»**

اين آيات خاتمه سوره است و در آن به همان مطالبى كه سوره با آن آغاز شده بود برگشت شده، كه همان انكار معاد مشركين و معارضه با مقام رسالت با سخنانى مختلف بود و سپس ايشان را به روز موعود تهديد مى‏كرد.

**هدف و فلسفه نزول سوره طور**

**( الميزان ج : 19 ص :3 )**

# تهدید و انذار انکار کنندگان آیات الهی و بیان کیفر و پاداش روز قیامت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الطورِ ! وَ كِتَبٍ مَّسطورٍ...!»( 1 تا 10/ طور)**

غرض اين سوره تهديد و انذار كسانى است كه هر آيتى را تكذيب نموده و همواره با حق عناد مى‏ورزند و مى‏خواهد اينگونه كفار را به عذابى كه براى روز قيامتشان آماده كرده بيم دهد و به همين منظور با سوگندهايى غليظ، از وقوع چنين عذابى و تحقق آن در قيامت خبر مى‏دهد و مى‏فرمايد: عذاب آن روز ، ايشان را رها نخواهد كرد تا بر آنان واقع شود و هيچ گريزى از آن ندارند .

سپس پاره‏اى از صفات آن عذاب و آن ويل را كه عذابى است عمومى و جدا ناشدنى بيان مى‏كند و در مقابل ، قسمتى از نعمتهاى اهل نعيم آن روز را كه همان متقين هستند شرح مى‏دهد، همانهايى كه در دنيا در ميان اهل خود به شفقت رفتار مى‏كردند و خدا را به ايمان مى‏خواندند و به يكتايى مى‏ستودند .

و آنگاه شروع مى‏كند به توبيخ مكذبين، كه نسبت‏هاى ناروايى به رسول خدا«ص» و به قرآن و دين حقى كه بر آن جناب نازل شده مى‏دادند .

در پايان ، سوره را با تكرار همان تهديدها ختم نموده ، رسول گرامى خود را دستور مى‏دهد به اينكه پروردگار خود را تسبيح گويد!

**هدف آیه 11 تا 28 سوره طور الميزان ج : 18 ص : 577**

# بیان نشانه عذاب شوندگان روز قیامت

**« فَوَيْلٌ يَوْمَئذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ‏...!»**

اين آيات نشانه كسانى را كه اين عذاب بر سرشان مى‏آيد بيان مى‏كند، عذابى كه در آن و در وقوعش هيچ شكى نمى‏توان كرد و حال آن اشخاص را در آن روز بيان مى‏كند و غرض اصلى اين سوره همين است - همچنان كه قبلا هم خاطر نشان كرديم - اما اينكه در اين ميان نامى هم از متقين مى‏برد و شرح حالى از آنان بيان مى‏كند از باب تطفل است و مى‏خواهد انذار و تهديد كفار را تاكيد كند .

**هدف آیه 29 تا 44 سوره طور الميزان ج : 19 ص : 25**

# بیان صلاحیت دعوت رسول الله«ص» و دستور ادامه دعوتش

**« فَذَكرْ فَمَا أَنت بِنِعْمَتِ رَبِّك بِكاهِنٍ وَ لا مجْنُونٍ‏...!»**

بعد از آنكه از عذاب روز قيامت خبر داد كه به زودى تكذيب كنندگان آيات خداى را خواهد گرفت، در حالى كه مردم متقى در بهشتها با چشمى روشن و دلى خرسند قرار دارند، اينك در اين آيات به رسول گراميش دستور مى‏دهد دعوت خود را همچنان ادامه دهد و تذكر خود را متوقف نسازد و اشاره مى‏كند به اينكه آن جناب صلاحيت اقامه دعوت حقه را دارد و اين تكذيب كنندگان در تكذيب او و رد دعوتش هيچ عذرى ندارند و آنچه را كه عذر براى آنان تصور مى‏شود همه را نفى كرده و آن عذرها، شانزده عذر است كه بعضى از آنها مربوط به رسول خدا«ص» است ، كه اگر موجه باشد معنايش اين است كه : آن جناب صلاحيت براى پيروى ندارد ، عذرهايى است كه از قبول سخن او جلوگيرى مى‏كند ، مانند اينكه آن جناب كاهن، يا جن زده يا شاعر و يا دروغ‏پرداز بر خدا باشد و يا خواسته باشد با دعوتش مردم را سرگرم كند و قسمتى ديگر از آنها مربوط به خود تكذيب‏كنندگان است ، مثل اينكه ايشان بدون خالق به وجود آمده باشند و يا خود ، خالق خويشتن باشند و يا عقلشان حكم كند به اينكه بايد دعوت آن جناب را تكذيب كنند و از اين قبيل عذرهايى ديگر و آيات مورد بحث علاوه بر رد اين اعذار ، كفار را بر تكذيبشان شديدا توبيخ مى‏كند .

**هدف آیه 45 تا 49 سوره طور الميزان ج : 19 ص : 34**

# دستور صبر در حکم پروردگار و بی اعتنائی به مکذبین

**« فَذَرْهُمْ حَتى يُلَقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى فِيهِ يُصعَقُونَ‏...!»**

اين آيات، سوره را ختم مى‏كند و در آن رسول خدا«ص» را دستور مى‏دهد كه مكذبين را به حال خودشان واگذارد و متعرض ايشان نشود و در برابر حكم پروردگار خود صبر كند و او را با حمد تسبيح گويد!

و در عين حال در بين اين مطالب مكذبين را تهديد مى‏كند به همان عذابى كه در آغاز سوره با آن تهديد مى‏كرد و آن عبارت بود از عذابى واقع كه دافعى برايش نيست و در اين آيات، يك تهديد ديگر هم بر آن تهديد اضافه كرده براى ستمكاران!

**هدف و فلسفه نزول سوره نجم**

**( الميزان ج : 19 ص :39 )**

# یادآوری اصول سه گانه اسلام و بیان چگونگی وحی شب معراج

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَى‏...!» ( 1تا18/نجم)**

غرض اين سوره يادآورى اصول سه‏گانه اسلام، يعنى وحدانيت خداى تعالى در ربوبيت، معاد و نبوت است، ولى اول به مساله نبوت پرداخته، وحيى را كه به رسول خدا«ص» شده تصديق و توصيف نموده، آنگاه متعرض مساله توحيد مى‏شود و بت‏ها و شركاى مشركين را به بليغ‏ترين وجهى نفى مى‏كند، آنگاه به مساله سوم پرداخته و وضع منتهى شدن خلقت و تدبير عالم به خداى تعالى و زنده كردن مردگان و خنداندن و گرياندن و اغناء و اقناء و تعذيب و دعوت و انذار را توصيف نموده، گفتار را با اشاره به مساله معاد و امر به سجده و عبادت ختم مى‏كند.

آياتى كه از اين سوره آورده‏ايم فصل اول از فصول سه‏گانه آيات سوره است آياتى است كه وحيى را كه به رسول خدا«ص» مى‏شود تصديق و توصيف مى‏كند، ليكن در اينجا روايات بسيار زيادى از ائمه اهل بيت عليهم‏السلام‏ صادر شده كه به صراحت فرموده‏اند: مراد از اين آيات اين نيست كه مطلق وحى را بيان و توصيف كند، بلكه مراد بيان يك قسم وحى است و آن وحى بطور مشافهه و رو در رو است، كه در شب معراج خداى سبحان با رسول گراميش داشت .

پس اين آيات مى‏خواهد داستان معراج را بيان كند و ظاهر آيات هم خالى از تاييد اين روايات نيست و از كلمات بعضى از اصحاب از قبيل ابن عباس و انس و ابى سعيد خدرى و غير ايشان - به طورى كه از ايشان نقل شده - نيز همين معنا استفاده مى‏شود و بنا بر همين معنا گفتار مفسرين جريان يافته، هر چند كه در تفسير مفردات و جملات اين آيات اختلافى شديد دارند .

**هدف آیه 19 تا 32 سوره نجم الميزان ج : 19 ص : 58**

# بیان مسئله بت ها و نفی شفاعت بت ها به عنوان اساس بت پرستی

**« أَ فَرَءَيْتُمُ اللَّت وَ الْعُزَّى‏...!»**

اين آيات قسمتى از آيات فصل دوم سوره است، كه گفتيم در سه فصل خلاصه مى‏شود ، خداى تعالى در اين آيات به مساله بت‏ها و بت‏پرستى‏ها پرداخته به شديدترين وجه ريشه اين ادعا را مى‏زند كه بت‏ها به زودى ايشان را شفاعت مى‏كنند و در اين آيات اشاره‏اى هم به مساله معاد كه از مطالب فصل سوم سوره است دارد .

**هدف آیه 33 تا 62 سوره نجم الميزان ج : 19 ص : 70**

# بیان نتیجه انفاق در راه خدا، انحصار خلقت و تدبیر در خدا

**« أَ فَرَءَيْت الَّذِى تَوَلى‏...!»**

سياق نه آيه از آيات اول اين فصل رواياتى را كه در شان نزول وارد شده تصديق مى‏كند در آن روايات آمده كه مردى از مسلمانان اموال خود را در راه خدا انفاق كرد، مردم او را سرزنش كردند كه انفاق در راه خدا هم حدى دارد و او را از فناى مالش زنهار داده و از گرفتار شدن به فقر ترساندند و به او كه زير بار نمى‏رفت گفتند: اگر ترك انفاق گناه داشت به گردن ما ، آن مرد هم پذيرفت و ديگر انفاق نكرد و به مناسبت اين واقعه آيات نه‏گانه مذكور نازل شد.

در اين آيات حق مطلب در مساله ربوبيت و الوهيت را روشن كرده مى‏فرمايد: خلقت و تدبير تنها از آن خدا است و تمامى آن به خدا منتهى مى‏شود و خداى سبحان هر چه خلق كرده و تدبير نموده طورى خلق و تدبير كرده كه نشاه‏اى ديگر را دنبال داشته باشد، تا در آن نشاه جزاى كافر و مؤمن و مجرم و متقى را بدهد و لازمه چنين خلقتى تشريع دين است، بايد بندگان را به تكاليفى مكلف كند و كرده و شاهدش هم همين است كه امت‏هاى گذشته را كه يكى پس از ديگرى آمدند و زير بار دين و تكاليف او نرفتند هلاك كرد ، مانند قوم نوح و عاد و ثمود و مؤتفكه!

آنگاه بعد از نقل اين داستانها از صحف انبياى گرامى خاطر نشان كرده كه اين نذير - رسول خدا «ص»- هم از همان نذيران امت‏هاى گذشته است و اينكه قيامت نزديك است و سپس در آخر سوره روى سخن را متوجه به ايشان نموده كه براى خدا سجده و عبادت كنيد.

از جمله آيات برجسته‏این سوره آيه شريفه:« و ان الى ربك المنتهى!» و آيه شريفه:« و ان ليس للانسان الا ما سعى!» است.

**هدف و فلسفه نزول سوره قمر**

**( الميزان ج : 19 ص :87 )**

# بیان معجزه شق القمر رسول الله و انذار مکذبین و شرح عاقبت شوم آنها

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْترَبَتِ الساعَةُ وَ انشقَّ الْقَمَرُ ...!» ( 1تا8/قمر)**

اين سوره به جز دو آيه از آخرش كه متقين را وعده بهشت و حضور در نزد خداى تعالى مى‏دهد بقيه آياتش يكسره مربوط به انذار و تهديد است، نخست در اين سوره به معجزه شق القمر اشاره مى‏كند، كه رسول خدا «ص»آن را به خاطر مطالبه قومش آورد و سپس مى‏فرمايد كه: همان قوم او را ساحر خواندند و نبوتش را تكذيب نموده همچنان هواهاى نفسانى را پيروى كردند ، با اينكه خبرهاى تكان دهنده‏اى از اخبار روز قيامت و از داستانهاى امم منقرضه در گذشته بگوششان خورد .

آنگاه دوباره به نقل پاره‏اى از آن داستانها بر مى‏گردد ، اما پيداست كه با خشم و عتاب آنها را نقل مى‏كند و بد حاليشان در روز قيامت هنگام بيرون شدن از قبرها و حضورشان را براى حساب خاطرنشان مى‏سازد.

سپس به داستانهايى از قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم لوط و دودمان فرعون و عذابهاى دردناكى كه به خاطر تكذيبشان پيامبران را بر سر آنان آمد، پرداخته، مى‏فرمايد: قوم پيامبر اسلام نزد خدا عزيزتر از آنان نيستند و ايشان هم مانند آنها نمى‏توانند خدا را عاجز سازند و در آخر همانطور كه گفتيم سوره را با بشارت به متقين ختم مى‏كند .

از جمله آيات برجسته‏اش آيات راجع به قدر است كه در آخر سوره قرار دارد!

**هدف آیه 9 تا 42 سوره قمر الميزان ج : 19 ص : 106**

# اندرز قوم رسول الله با بیان عاقبت جوامع تاریخی نابود شده

**« كَذَّبَت قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَ قَالُوا مجْنُونٌ وَ ازْدُجِرَ...!»**

در اين آيات به پاره‏اى از حوادث گذشته كه در آن اندرز هست اشاره شده و از ميان اين دسته از اخبار سرگذشت قوم نوح و عاد و ثمود و قوم لوط و آل فرعون را اختصاص به ذكر داد و مشركين عرب را با ياد آن اقوام تذكر داد و بار ديگر اجمالى از آنچه سابقا از وضع آنان و سرانجام امرشان بيان كرده بود تذكر مى‏دهد، تا بدانند در اثر تكذيبشان به آيات خدا و فرستادگان او چه عذاب اليم و عقاب‏هايى در پى دارند ، تا آيه شريفه« و لقد جاءهم من الانباء ما فيه مزدجر !» را بيان كرده باشد.

و به منظور اينكه تقرير داستانها و نتيجه‏گيرى از آنها را تاكيد كرده باشد و شنوندگان بيشتر تحت تاثير قرار گرفته و اين اندرزها بيشتر در دلها جاى‏گير شود، دنبال هر يك از قصه‏ها اين جمله را تكرار كرد كه:« فكيف كان عذابى و نذر!» و همين تاكيد را با ذكر غرض از انذار و تخويف دو برابر نموده، فرمود:« و لقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر !»

**هدف آیه 43 تا 55 سوره قمر الميزان ج : 19 ص : 136**

# عبرت از اقوام هالکه گذشته و کیفر آنها در دنیا و آخرت

**« أَ كُفَّارُكمْ خَيرٌ مِّنْ أُولَئكمْ أَمْ لَكم بَرَاءَةٌ فى الزُّبُرِ...!»**

اين آيات به منزله نتيجه‏گيرى از مطالب و اخبار عبرت‏انگيزى است كه جلوتر آن را مكرر ذكر كرده بود و آن اخبار نخست راجع به قيامت بود و بار دوم راجع به داستان امت‏هاى هالك بود، پس در حقيقت اين آيات در درجه اول انعطافى به اخبار امت‏هاى هالكه دارد و در نتيجه خطابى است به قوم رسول خدا«ص» كه كفار شما بهتر از كفار امت‏هاى طاغى و جبار گذشته نيستند و همانطور كه خداى تعالى آنها را به ذلت بارترين وجه هلاك كرد، اينان را نيز هلاك مى‏كند و كفار شما برائتى از آتش دوزخ ندارند و چنين مدركى برايشان نوشته نشده ، تا با كفار امت‏هاى گذشته فرق داشته باشند ، عده و عده شان هم در جلوگيرى از عقاب خدا سودى به حالشان نخواهد داشت .

در درجه دوم به اخبار مربوط به قيامت كه در سابق گذشت انعطاف دارد، مى‏فرمايد: اگر همچنان مرتكب جرم شوند و دعوت تو را تكذيب كنند، بلاى قيامتشان عظيم‏تر و تلخ‏تر خواهد بود و در آخر اشاره‏اى به منزلگاه متقين در آن روز نموده ، سوره را ختم مى‏كند.

**هدف و فلسفه نزول سوره الرحمن**

**( الميزان ج : 19 ص :153 )**

# بیان نعمت ها وآثار رحمانیت خدا

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنُ‏! عَلَّمَ الْقُرْءَانَ‏! خَلَقَ الانسنَ‏! عَلَّمَهُ الْبَيَانَ‏!»**

**( 1تا 30/الرحمن)**

اين سوره در اين مقام است كه خاطر نشان سازد كه خداى تعالى عالم و اجزاى آن از قبيل زمين و آسمان و خشكى‏ها و درياها و انس و جن را طورى آفريده و نيز اجزاى هر يك را طورى نظم داده كه جن و انس بتوانند در زندگى خود از آن بهره‏مند شوند و قهرا عالم به دو قسمت و دو نشاه تقسيم مى‏شود، يكى نشاه دنيا كه به زودى خودش با اهلش فانى مى‏شود و يكى ديگر نشاه آخرت كه هميشه باقى است و در آن نشاه سعادت از شقاوت و نعمت از نقمت متمايز مى‏گردد.

با اين بيان روشن مى‏شود كه عالم هستى از دنيايش گرفته تا آخرتش نظامى واحد دارد، تمامى اجزا و ابعاض اين عالم با اجزا و ابعاض آن عالم مرتبط است و اجزاى عالم هستى اركانى قويم دارد، اركانى كه يكديگر را اصلاح مى‏كنند، اين جزء، مايه تماميت آن جزء ديگر و آن مايه تماميت اين است!

پس آنچه در عالم هست چه عينش و چه اثرش از نعمت‏ها و آلاى خداى تعالى است و به همين جهت پشت سر هم از خلايق مى‏پرسد و با عتاب هم مى‏پرسد كه:« فباى الاء ربكما تكذبان - كداميك از آلاى پروردگارتان را تكذيب مى‏كنيد؟» و اين خطاب عتاب‏آميز در اين سوره سى و يك مرتبه تكرار شده است .

و باز به همين مناسبت است كه اين سوره با نام رحمان آغاز گرديد ، كه صفت رحمت عمومى و همگانى خداست ، رحمتى كه مؤمن و كافر و دنيا و آخرت را در بر دارد و در آخر نيز، سوره با آيه:« تبارك اسم ربك ذى الجلال و الاكرام!» ختم مى‏شود..

در قرآن كريم اين تنها سوره است كه بعد از بسم الله با يكى از اسماى خداى عز و جل آغاز شده است.

در مجمع البيان از امام موسى بن جعفر از آباى گرامى‏اش عليهم‏السلام‏ از رسول خدا«ص» روايت آورده كه فرموده : براى هر چيزى عروسى و جلوه‏گاه حسنى هست و **عروس قرآن سوره الرحمن است**!

**هدف آیه 31 تا 78 سوره الرحمن الميزان ج : 19 ص : 174**

# بیان نعمت های بهشتی و بازگشت جن و انس به خدا

**« سنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلانِ...!»**

اين آيات فصل دوم از آيات سوره است، كه نشئه دوم جن و انس را توصيف مى‏كند ، نشئه‏اى كه به سوى خدا بر مى‏گردند و به جزاى اعمال خود مى‏رسند و آلاء و نعمتهايى را كه خدا در آن نشئه به ايشان ارزانى مى‏دارد بر مى‏شمارد ، همچنان كه در فصل گذشته نشاه اول را توصيف مى‏كرد، آلاى خدا در آن نشاه را بر مى‏شمرد.

**هدف و فلسفه نزول سوره واقعه**

**( الميزان ج : 19 ص :194 )**

# بیان وقوع واقعه ومقدمات آن – تقسیم بندی انسانها در قیامت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ..!» ( 1تا 10/ واقعه)**

اين سوره، قيامت كبرى را كه در آن مردم دوباره زنده مى‏شوند و به حسابشان رسيدگى شده جزا داده مى‏شوند شرح مى‏دهد ، نخست مقدارى از حوادث هول انگيز آن را ذكر مى‏كند، حوادث نزديك‏تر به زندگى دنيايى انسان و نزديك‏تر به زمينى كه در آن زندگى مى‏كرده، مى‏فرمايد: اوضاع و احوال زمين دگرگون مى‏شود و زمين بالا و پايين و زير و رو مى‏گردد، زلزله بسيار سهمگين زمين كوهها را متلاشى و چون غبار مى‏سازد، آنگاه مردم را به طور فهرست‏وار به سه دسته سابقين و اصحاب يمين و اصحاب شمال ، تقسيم نموده، سرانجام كار هر يك را بيان مى‏كند.

آنگاه عليه اصحاب شمال كه منكر ربوبيت خداى تعالى و مساله معاد و تكذيب كننده قرآنند كه بشر را به توحيد و ايمان به معاد دعوت مى‏كند استدلال نموده، در آخر گفتار را با يادآورى حالت احتضار و فرا رسيدن مرگ و سه دسته شدن مردم خاتمه مى‏دهد .

**هدف آیه 11 تا 56 سوره واقعه الميزان ج : 19 ص : 203**

# شرح بهشت مقربون و اصحاب یمین، و دوزخ اصحاب شمال

**« أُولَئك الْمُقَرَّبُونَ‏ ! فى جَنَّتِ النَّعِيمِ‏...!»**

اين آيات حال و وضعى كه هر يك از سه طايفه (مقربون، اصحاب یمین و اصحاب شمال) در قيامت دارند شرح مى‏دهد.

**هدف آیه 57 تا 96 سوره واقعه الميزان ج : 19 ص : 224**

# بیان جزای شکستن عهد ازل و تکذیب روز جزا

**« نحْنُ خَلَقْنَكُمْ فَلَوْ لا تُصدِّقُونَ‏...!»**

بعد از آنكه رشته كلام خداى سبحان منتهى شد به بيان عاقبت امر طوايف سه‏گانه ، كه آخرين ايشان اصحاب شمال بود و فرمود: عاملى كه ايشان را به چنين سرنوشتى سوق داد يكى شكستن عهدى بود كه در ازل سپرده بودند كه به مراسم عبوديت قيام كنند و ديگرى تكذيب بعث و جزا بود و نيز بعد از آنكه رسول گرامى خود را دستور داد به اينكه گفتار آنان را با تقرير بعث و جزا و بيان كيفرها و پاداشهاى قيامت رد كند ، اينك در اين آيات ايشان را بر سر اينكه معاد و جزا را انكار كردند توبيخ مى‏كند ، به اينكه آورنده خبر بعث و جزا خدا است ، كه آفريدگار ايشان و مدبر امر ايشان و كسى است كه مرگ و ايجاد بعد از مرگ را برايشان مقدر كرده ، او مى‏داند كه از آغاز خلقتشان تا منتها اليه امرشان چه حوادثى بر آنان جريان مى‏يابد و نيز توبيخ مى‏كند به اينكه آن كتابى كه ايشان را از معاد خبر مى‏دهد قرآن كريم است ، كه از بازيچه دست شيطانها و اولياى گمراه آنان مصون است!

سپس دوباره بر سر سخن شده حال طوايف سه‏گانه را يك بار ديگر بيان مى‏كند و خاطر نشان مى‏سازد كه اختلاف احوالى كه اين طوايف دارند، از روز مرگشان شروع مى‏شود. در اينجا سوره خاتمه مى‏يابد.

**هدف و فلسفه نزول سوره حدید**

**( الميزان ج : 19 ص :249 )**

# تشویق و تحریک مومنین به انفاق برای کمک به تجهیز جهادگران

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سبَّحَ للَّهِ مَا فى السمَوَتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الحَكِيمُ...!»**

**(1تا6/حدید)**

غرض اين سوره تحريك و تشويق مؤمنين به انفاق در راه خداست، همچنان كه تكرار امر صريح به اين معنا در خلال آياتش اشعار بدان دارد. در تشويق مردم به اين عمل همين بس كه انفاق مردم را قرض دادن آنان به خداى عز اسمه دانسته و معلوم است كه خداى عز و جل عالى‏ترين و مقدس‏ترين و بهترين مطلوبست، او هرگز خلف وعده نمى‏كند و او وعده‏شان داده كه اگر به وى قرض بدهند مضاعف و چند برابر بر مى‏گرداند و نيز وعده داده كه در عوض انفاقشان اجرى كريم و بسيار زياد بدهد .

و نيز اشاره كرده به اينكه اين انفاق منشاش تقوا و ايمان به رسول است و اثر آمرزش گناهان و داشتن دو برابر از رحمت و ملازمت با نور و بلكه ملحق شدن به صديقين و شهداء در نزد خداى سبحان است .

در خلال آيات سوره معارفى هم راجع به مبدأ و معاد آمده و دعوت به تقوا و اخلاص ايمان و زهد دارد و نيز مشتمل بر مواعظى است.

چون تشويق و تحريك مردم به انفاق و اينكه انفاق قرض دادن به خدا است اين توهم را ايجاد مى‏كند كه مگر خدا به مال ما محتاج است ، لذا از همان آغاز سخن يعنى اولين كلمه سوره مساله نزاهت خدا از احتياج را خاطر نشان نموده، فرموده: آنچه در زمين و آسمانها است خدا را تسبيح مى‏گويند و نيز عده‏اى از اسماى حسناى خدا را كه رساننده اين نزاهت است ذكر كرد و همه سوره‏هايى كه با تسبيح خدا آغاز شده ، يعنى سوره حشر ، صف ، جمعه و تغابن كه بعضى با كلمه سبح و بعضى ديگر با كلمه يسبح آغاز شده‏اند، نظير سوره مورد بحث است .

**هدف آیه 7 تا 15 سوره حدید الميزان ج : 19 ص : 263**

# دستور اکید به تامین هزینه های جنگ و دفاع

**« ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسولِهِ وَ أَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكم مُّستَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكمْ وَ أَنفَقُوا لهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ...!»**

در اين آيات دستور مؤكد مى‏دهد به اينكه مسلمين در راه خدا و مخصوصا در جهاد انفاق كنند و از آيه شريفه:« لا يستوى منكم من انفق من قبل الفتح...!» به خوبى برمى‏آيد كه دستور مذكور در مورد جهاد مؤكدتر است و همين خود مؤيد آن قولى است كه مى‏گويد: آيه شريفه« امنوا بالله و رسوله و انفقوا ...!» در جنگ تبوك نازل شد .

**هدف آیه 16 تا 24 سوره حدید الميزان ج : 19 ص : 281**

# درجه متفاوت انفاقگران و تامین کنندگان هزینه جنگ

**« أَ لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَن تخْشعَ قُلُوبهُمْ لِذِكرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الحَقّ‏ِ وَ لا يَكُونُوا كالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَب مِن قَبْلُ فَطالَ عَلَيهِمُ الأَمَدُ فَقَست قُلُوبهُمْ وَ كَثِيرٌ مِّنهُمْ فَسِقُونَ...!»**

اين قسمت از آيات سوره همان هدف و غرضى را دنبال مى‏كند كه قسمت قبلى دنبال مى‏كرد و آن تشويق و ترغيب به ايمان به خدا و رسول او و انفاق در راه خدا بود ، البته در ضمن ، مؤمنين را عتاب مى‏كند كه چرا بايد علائم و نشانه‏هايى از قساوت قلب از ايشان بروز كند و به منظور تاكيد در تحريك و تشويق به انفاق درجه انفاقگران نزد خدا را بيان نموده و با اين لحن دستور به انفاق مى‏دهد:« كه : هان ! بشتابيد به مغفرت و جنت...!» و نيز دنيا و اهل دنيا را كه بخل مى‏ورزند و مردم را هم به بخل مى‏خوانند مذمت مى‏كند .

و در خلال آيات، ناگهان سياق را كه مخصوص مسلمانان بود به سياقى تغيير داده كه شامل مسلمين و اهل كتاب هر دو بشود.

**هدف آیه 25 تا 29 سوره حدید الميزان ج : 19 ص : 299**

# بیان هدف رسولان و کتاب و میزان: عادت دادن مردم به عدالت و دفاع از آن

**« لَقَدْ أَرْسلْنَا رُسلَنَا بِالْبَيِّنَتِ وَ أَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَب وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاس بِالْقِسطِ وَ أَنزَلْنَا الحَْدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شدِيدٌ وَ مَنَفِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصرُهُ وَ رُسلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ...!»**

خداى تعالى پس از اشاره به قساوتى كه دلهاى مؤمنين را فرا گرفته و در نتيجه در امتثال تكاليف دينى و مخصوصا انفاق در راه خدا كه مايه قوام امر جهاد است تثاقل ورزيدند و آنگاه ايشان را به اهل كتاب تشبيه كرد كه در اثر طولانى شدن مهلت خدا به آنان دلهايشان دچار قساوت گرديد، اينك در اين آيات غرض الهى از فرستادن رسولان و نازل كردن كتاب و ميزان همراه ايشان را بيان كرده، مى‏فرمايد: غرض از اين ارسال رسل و انزال كتب اين بود كه انبيا مردم را به عدالت عادت دهند، تا در مجتمعى عادل زندگى كنند و آهن را نازل كرد تا بندگان خود را در دفاع از مجتمع صالح خود و بسط كلمه حق در زمين بيازمايد، علاوه بر منافع ديگرى كه آهن دارد و مردم از آن بهره‏مند مى‏شوند .

آنگاه فرمود كه نوح و ابراهيم عليه‏السلام‏ را فرستاد و نبوت و كتاب را در ذريه آن دو بزرگوار قرار داد و يكى پس از ديگرى رسولانى گسيل داشت و اين سنت همچنان در تمامى امت‏ها استمرار يافت و نتيجه كار همواره اين بود كه عده‏اى از مردم راه حق را يافته، اكثريتى از ايشان فاسق شدند و سپس سوره را با دعوت مردم به اين معنا ختم مى‏كند كه ايمان خود را تكميل كنند، تا از رحمت خدا دو چندان عايدشان گردد!

**هدف و فلسفه نزول سوره مجادله**

**( الميزان ج : 19 ص :310 )**

# بیان برخی احکام خانوادگی و اجتماعی اسلام

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قَدْ سمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتى تجَدِلُك فى زَوْجِهَا وَ تَشتَكِى إِلى اللَّهِ وَ اللَّهُ يَسمَعُ تحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سمِيعُ بَصِيرٌ ...!» (1تا6/مجادله)**

اين سوره متعرض مطالب گوناگون از احكام و آداب و صفات است .

قسمتى از آن مربوط به حكم ظهار است، قسمتى هم مربوط به نجوى و بيخ گوشى سخن گفتن است، قسمتى هم مربوط به آداب نشستن در مجلس و قسمتى راجع به اوصاف كسانى است كه با خدا و رسولش مخالفت مى‏كنند و يا با دشمنان دين دوستى مى‏ورزند و كسانى را كه از دوستى با آنان احتراز مى‏كنند معرفى نموده، به وعده‏اى جميل در دنيا و آخرت دلخوش مى‏سازد!

**هدف آیه 7 تا 13 سوره مجادله الميزان ج : 19 ص : 319**

# بیان برخی آداب مجالست و پرهیز از نجوی و سخنان بیخ گوشی در مجالس

**« أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فى السمَوَتِ وَ مَا فى الأَرْضِ مَا يَكونُ مِن نجْوَى ثَلَثَةٍ إِلا هُوَ رَابِعُهُمْ وَ لا خَمْسةٍ إِلا هُوَ سادِسهُمْ وَ لا أَدْنى مِن ذَلِك وَ لا أَكْثرَ إِلا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كانُوا ثمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكلّ‏ِ شىْ‏ءٍ عَلِيمٌ‏...!»**

اين آيات راجع به نجوى و پاره‏اى آداب مجالست است.

**هدف آیه 14 تا 22 سوره مجادله الميزان ج : 19 ص : 333**

# تهدید منافقین و مذمت تمایل به دشمنان خدا

**« أَ لَمْ تَرَ إِلى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِب اللَّهُ عَلَيهِم مَّا هُم مِّنكُمْ وَ لا مِنهُمْ وَ يحْلِفُونَ عَلى الْكَذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ‏ ...!»**

اين آيات سرگذشت دسته‏اى از منافقين را ذكر مى‏كند كه با يهوديان دوستى و مودت و با خدا و رسولش دشمنى داشتند و ايشان را به خاطر همين انحراف مذمت نموده ، به عذاب و شقاوت تهديد مى‏كند ، تهديدى بسيار شديد و در آخر به عنوان حكمى قطعى و كلى مى‏فرمايد: ايمان به خدا و روز جزا نمى‏گذارد انسانى با دشمنان خدا و رسولش دوستى كند ، حال اين دشمنان هر كه مى‏خواهند باشند و سپس مؤمنين را مدح مى‏كند به اينكه از دشمنان دين بيزارند و ايشان را وعده ايمان مى‏دهد، ايمانى مستقر در روح و جانشان، ايمانى از ناحيه خدا و نيز وعده بهشت و رضوان مى‏دهد .

**هدف و فلسفه نزول سوره حشر**

**( الميزان ج : 19 ص :346 )**

# بیان چگونگی جنگ با یهود بنی نضیر ، و بیان اصول مراقبت از نفس

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سبَّحَ للَّهِ مَا فى السمَوَتِ وَ مَا فى الأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الحَكِيمُ‏...!»**

**( 1تا10/حشر)**

اين سوره به داستان يهوديان بنى النضير اشاره دارد كه بخاطر نقض پيمانى كه با مسلمين بسته بودند محكوم به جلاى وطن شدند و نيز به اين قسمت از داستان اشاره دارد كه سبب نقض عهدشان اين بود كه منافقان به ايشان وعده دادند كه اگر نقض عهد كنيد ما شما را يارى مى‏كنيم، ولى همين كه ايشان نقض عهد كردند ، منافقين به وعده‏اى كه داده بودند وفا ننمودند .

در ضمن اين اشارات مطالبى ديگر نيز در اين سوره آمده و از آن جمله مساله حكم غنيمت بنى النضير است.

از آيات برجسته اين سوره هفت آيه آخر آن است كه خداى سبحان در آنها بندگان خود را دستور مى‏دهد به اينكه **از طريق مراقبت نفس و محاسبه آن آماده ديدارش شوند** و عظمت كلام و جلالت قدر خود را در قالب بيان عظمت ذات مقدسش و اسماى حسنى و صفات عليايش ، بيان مى‏فرمايد .

**هدف آیه 11 تا 17 سوره حشر الميزان ج : 19 ص : 364**

# بیان وعده دروغین منافقین به یهود

**« أَ لَمْ تَرَ إِلى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لاخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَبِ لَئنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَ لا نُطِيعُ فِيكمْ أَحَداً أَبَداً وَ إِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصرَنَّكمْ وَ اللَّهُ يَشهَدُ إِنهُمْ لَكَذِبُونَ‏...!»**

اين آيات به حال منافقين و وعده‏هايى كه به مردم بنى النضير دادند كه اگر با مسلمين بجنگيد كمكتان مى‏كنيم و اگر بيرون برويد با شما مى‏آييم و نيز به خلف وعده‏شان اشاره مى‏كند.

**هدف آیه 18 تا 24 سوره حشر الميزان ج : 19 ص : 372**

# بیان راه های مراقبت از نفس

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنظرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَت لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرُ بِمَا تَعْمَلُونَ...!»**

مضمونى كه اين آيات شريفه دارد به منزله نتيجه‏اى است كه از آيات سوره گرفته مى‏شود .

بر كسى كه ايمان به خدا و رسول و روز جزا دارد واجب است كه پروردگار خود را به ياد آورد و او را فراموش ننمايد و ببيند چه عملى مايه پيشرفت آخرت او است و به درد آن روزش مى‏خورد كه به سوى پروردگارش برمى‏گردد .

و بداند كه عمل او هر چه باشد عليه او حفظ مى‏شود و خداى تعالى در آن روز به حساب آن مى‏رسد و او را بر طبق آن محاسبه و جزا مى‏دهد ، جزائى كه ديگر از او جدا نخواهد شد .

و اين همان هدفى است كه آيه:« يا ايها الذين امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد...!» دنبال نموده، مؤمنين را وادار مى‏كند كه به ياد خداى سبحان باشند و او را فراموش نكنند و مراقب اعمال خود باشند ، كه چه مى‏كنند ، صالح آنها كدام و طالحش كدام است ، چون سعادت زندگى آخرتشان به اعمالشان بستگى دارد .

و مراقب باشند كه جز اعمال صالح انجام ندهند و صالح را هم خالص براى رضاى خدا به جاى آورند و اين مراقبت را استمرار دهند و همواره از نفس خود حساب بكشند و هر عمل نيكى كه در كرده‏هاى خود يافتند خدا را شكرگزارند و هر عمل زشتى ديدند خود را توبيخ نموده، نفس را مورد مؤاخذه قرار دهند و از خداى تعالى طلب مغفرت كنند .

ذكر خداى تعالى به ذكرى كه لايق ساحت عظمت و كبريائى او است يعنى ذكر خدا به اسماى حسنى و صفات علياى او كه قرآن بيان نموده تنها راهى است كه انسان را به كمال عبوديت مى‏رساند، كمالى كه انسان ، ما فوق آن ، ديگر كمالى ندارد! و اين بدان جهت است كه انسان عبد محض و مملوك طلق براى خداى سبحان است و غير از مملوكيت چيزى ندارد، از هر جهت كه فرض كنى مملوك است و از هيچ جهتى استقلال ندارد .

همچنان كه خداى عز و جل مالك او است از هر جهت كه فرض شود و او از هر جهت داراى استقلال است و معلوم است كه كمال هر چيزى خالص بودن آنست ، هم در ذاتش و هم در آثارش، پس كمال انسانى هم در همين است كه خود را بنده‏اى خالص و مملوكى براى خدا بداند و براى خود هيچگونه استقلالى قائل نباشد و از صفات اخلاقى به آن صفتى متصف باشد، كه سازگار با عبوديت است ، نظير خضوع و خشوع و ذلت و استكانت و فقر در برابر ساحت عظمت و عزت و غناى خداى عز و جل و اعمال و افعالش را طبق اراده او صادر كند ، نه هر چه خودش خواست و در هيچ يك از اين مراحل دچار غفلت نشود، نه در ذاتش و نه در صفاتش و نه در افعالش .

و همواره به ذات و افعالش نظير تبعيت محض و مملوكيت صرف داشته باشد و داشتن چنين نظرى دست نمى‏دهد مگر با توجه باطنى به پروردگارى كه بر هر چيز شهيد و بر هر چيز محيط و بر هر نفس قائم است، هر كس هر چه بكند او ناظر عمل او است و از او غافل نيست و فراموشش نمى‏كند .

در اين هنگام است كه قلبش اطمينان و سكونت پيدا مى‏كند ، همچنان كه فرموده : **« الا بذكر الله تطمئن القلوب!»** و در اين هنگام است كه خداى سبحان را به صفات كمالش مى‏شناسد ، آن صفاتى كه اسماى حسنايش حاكى از آن است و در قبال اين شناسايى صفات عبوديت و جهات نقصش برايش آشكار مى‏گردد ، هر قدر خدا را به آن صفات بيشتر بشناسد خاضع‏تر، خاشع‏تر، ذليل‏تر، فقيرتر و حاجتمندتر مى‏شود .

و معلوم است كه وقتى اين صفات در آدمى پيدا شد ، اعمال او صالح مى‏گردد و ممكن نيست عمل طالحى از او سر بزند ، براى اينكه چنين كسى دائما خود را حاضر درگاه مى‏داند و همواره به ياد خداست ، همچنان كه خداى تعالى فرموده:« و اذكر ربك فى نفسك تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال **و لا تكن من الغافلين!** ان الذين عند ربك لا يستكبرون عن عبادته و يسبحونه و له يسجدون!»

**هدف و فلسفه نزول سوره ممتحنه**

**( الميزان ج : 19 ص :386 )**

# منع شدید دوستی مومنین با کفار ، و بیان حکم بیعت زنان مهاجر

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّى وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقّ‏ِ يخْرِجُونَ الرَّسولَ وَ إِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَداً فى سبِيلى وَ ابْتِغَاءَ مَرْضاتى تُسِرُّونَ إِلَيهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَ مَا أَعْلَنتُمْ وَ مَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضلَّ سوَاءَ السبِيلِ‏...!» (1تا9/ممتحنه)**

اين سوره متعرض مساله دوستى مؤمنين با كفار است و از آن به سختى نهى مى‏كند، هم در ابتداى سوره متعرض آن است و هم در آخرش و در خلال آياتش متعرض احكامى در باره زنان مهاجر و بيعت زنان شده است.

**هدف آیه 10 تا 13 سوره ممتحنه الميزان ج : 19 ص : 407**

# بیان حکم بیعت زنان مهاجر مسلمان شده

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكمُ الْمُؤْمِنَت مُهَجِرَتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَنهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ إِلى الْكُفَّارِ لا هُنَّ حِلٌّ لهُمْ وَ لا هُمْ يُحِلُّونَ لَهُنَّ وَ ءَاتُوهُم مَّا أَنفَقُوا وَ لا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ لا تُمْسِكُوا بِعِصمِ الْكَوَافِرِ وَ سئَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَ لْيَسئَلُوا مَا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ...!»**

سياق و زمينه اين آيه شريفه چنين مى‏رساند كه بعد از صلح حديبيه نازل شده است. در عهدنامه‏هايى كه بين رسول خدا «ص» و مردم مكه برقرار گرديده نوشته شده است كه اگر از اهل مكه مردى ملحق به مسلمانان شد ، مسلمانان موظفند او را به اهل مكه برگردانند ، ولى اگر از مسلمانان مردى ملحق به اهل مكه شد اهل مكه موظف نيستند او را به مسلمانان برگردانند .

و نيز از آيه شريفه چنين برمى‏آيد كه يكى از زنان مشركين مسلمان شده و به سوى مدينه مهاجرت كرده و همسر مشركش به دنبالش آمده و درخواست كرده كه رسول الله«ص» او را به وى برگرداند و رسول خدا«ص» در پاسخ فرموده : آنچه در عهدنامه آمده اين است كه اگر مردى از طرفين به طرف ديگر ملحق شود بايد چنين و چنان عمل كرد و در عهدنامه در باره زنان چيزى نيامده و به همين مدرك رسول الله«ص» آن زن را به شوهرش نداد و حتى مهريه‏اى را كه شوهر به همسرش داده بود به آن مرد برگردانيد .

اينها مطالبى است كه از آيه استفاده مى‏شود و آيه شريفه دلالت بر احكامى مناسب اين مطالب نيز دارد، البته احكام مربوط به زنان.

**هدف و فلسفه نزول سوره صف**

**( الميزان ج : 19 ص :418 )**

# تشویق به جهاد در راه خدا، و وعده گسترش دین الهی

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سبَّحَ للَّهِ مَا فى السمَوَتِ وَ مَا فى الأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الحَكِيمُ‏...!»**

**( 1تا 9/صف)**

اين سوره ، مؤمنين را ترغيب و تحريك مى‏كند بر اينكه در راه خدا جهاد نموده ، با دشمنان دين او كارزار نمايند و خبر مى‏دهد كه اين دين نورى است درخشان از جانب خداى سبحان كه كفار اهل كتاب مى‏خواهند آن را با دهان خود خاموش كنند ، ولى خدا نور آن را تمام مى‏كند ، هر چند كه كافران كراهت داشته باشند و دين خود را بر تمامى اديان غلبه مى‏دهد هر چند كه مشركين نخواهند!

و اين پيغمبرى كه به وى ايمان آورده‏اند فرستاده‏اى است از طرف خداى سبحان ، او را فرستاده تا هدايت باشد و دين حق را به شما برساند و اين همان است كه عيسى بن مريم«ع» بنى اسرائيل را به آمدنش بشارت داد .

پس بر مؤمنين است كه كمر همت بر اطاعتش ببندند و آنچه امر مى‏كند امتثال كنند و در راه خدا جهاد نموده، خدا را در دينش يارى كنند، تا خداى تعالى به سعادت آخرتشان رسانيده ، ياريشان كند و در دنيا فتح و پيروزى نصيبشان كند و بر دشمنانشان غالب و مسلط نمايد و نيز بر مؤمنين است كه هرگز آنچه را كه خود عمل نمى‏كنند به ديگران نگويند و در آنچه وعده مى‏دهند تخلف ننمايند ، كه اين گونه اعمال ايشان را مستوجب خشمى از خدا نموده ، رسول را آزار مى‏دهد و اين خطر را هم دارد كه خدا دلهايشان را منحرف سازد ، همان طور كه با قوم موسى «ع» چنين كرد ، چون با اينكه مى‏دانستند آن جناب رسول خدا به سوى ايشان است ، مع ذلك آزارش دادند و خدا مردم ستمكار را هدايت نمى‏كند .

**هدف آیه 10 تا 14 سوره صف الميزان ج : 19 ص : 435**

# دعوت مومنین به جهاد در راه خدا و اعتماد به وعده جنت و نصرت او

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكمْ عَلى تجَرَةٍ تُنجِيكم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ‏...!»**

اين آيات مؤمنين را به ايمان به خدا و رسول او و به جهاد در راه خدا دعوت نموده و آنان را به مغفرت و جنت در آخرت و نصرت و فتح در دنيا وعده‏اى جميل مى‏دهد و ايشان را دعوت مى‏كند به اينكه نسبت به وعده نصرت خدا و تاييد او اعتماد كنند. اين دو معنايى كه گفتيم غرض نهايى سوره است و مطالبى كه در آيات قبلى بود جنبه زمينه‏چينى براى اين دو معنا را داشت .

**هدف و فلسفه نزول سوره جمعه**

**( الميزان ج : 19 ص :442 )**

# امر به اهتمام به نماز جمعه

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يُسبِّحُ للَّهِ مَا فى السمَوَتِ وَ مَا فى الأَرْضِ المَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الحَكِيمِ‏...!» ( 1تا 8 /جمعه)**

اين سوره به بيانى كاملا انگيزنده ، مسلمين را وادار مى‏كند كه نسبت به نماز جمعه اهتمام بورزند و آنچه در به پاداشتنش لازم است فراهم سازند ، چون نماز جمعه از شعائر بزرگ خدا است كه تعظيم و اهتمام به امر آن ، هم دنياى مردم را اصلاح مى‏كند و هم آخرتشان را و خداى تعالى بيان اين مطلب را با تسبيح و ثناى بر خود آغاز كرد كه در ميان قومى امى رسولى از خود آنان مبعوث كرد تا آيات او را بر آنان بخواند و با اعمال صالح و اخلاق پاك تزكيه شان كند و كتاب و حكمتشان بياموزد و به همين منظور كتاب خدا و معارف دينش را به بهترين وجهى بر آنان و افرادى كه به آنان ملحق مى‏شوند و نسل‏هاى بعد از آنان تحميل كرد و زنهارشان داد از اينكه مثل يهود نباشند كه خداى تعالى تورات را بر آنان تحميل كرد ، ولى آنان آن را حمل نكردند و به معارف آن معتقد نشدند و به احكامش عمل نكردند ، در نتيجه مانند الاغى شدند كه بارش كتاب باشد .

و در آخر به عنوان نتيجه دستور مى‏دهد كه وقتى بانك نماز جمعه بلند مى‏شود بازار و دادوستد را رها نموده ، به سوى ذكر خدا بشتابند و نيز افرادى را كه خلاف اين دستور عمل مى‏كنند و رسول خدا «ص» را در حالى كه مشغول خطبه نماز است رها نموده ، به سوى دادوستد مى‏روند ، سرزنش مى‏كند و اين رفتار را نشانه آن مى‏داند كه اين گونه افراد معارف كتاب خدا و احكامش را نپذيرفته‏اند .

**هدف آیه 9 تا 11 سوره جمعه الميزان ج : 19 ص : 460**

# بیان حرمت داد و ستد در حین برگزاری نماز جمعه

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِى لِلصلَوةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسعَوْا إِلى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ‏...!»**

اين آيات وجوب نماز جمعه و حرمت معامله را در هنگام حضور نماز تاكيد نموده ، درضمن كسانى را كه در حال خطبه نماز آن را رها نموده ، به دنبال لهو و تجارت مى‏روند عتاب نموده ، عملشان را عمل بسيار ناپسند مى‏داند .

**هدف و فلسفه نزول سوره منافقین**

**( الميزان ج : 19 ص :468 )**

# شناساندن منافقین و برحذر داشتن مومنین از نفاق

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا جَاءَك الْمُنَفِقُونَ قَالُوا نَشهَدُ إِنَّك لَرَسولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّك لَرَسولُهُ وَ اللَّهُ يَشهَدُ إِنَّ الْمُنَفِقِينَ لَكَذِبُونَ‏...!» ( 1تا8/منافقین)**

اين سوره وضع منافقين را توصيف مى‏كند و آنان را به شدت عداوت با مسلمين متهم ساخته ، رسول خدا «ص» را دستور مى‏دهد، تا از خطر آنان برحذر باشد و مؤمنين را نصيحت مى‏كند به اينكه از كارهايى كه سرانجامش نفاق است بپرهيزند، تا به هلاكت نفاق دچار نگردند و كارشان به آتش دوزخ منجر نشود.

**هدف آیه 9 تا 11 سوره منافقین الميزان ج : 19 ص : 489**

# بیان صفات ایجاد کننده نفاق در قلب انسان

**« يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لا تُلْهِكمْ أَمْوَلُكُمْ وَ لا أَوْلَدُكمْ عَن ذِكرِ اللَّهِ وَ مَن يَفْعَلْ ذَلِك فَأُولَئك هُمُ الْخَسِرُونَ‏...!»**

در اين چند آيه مؤمنين را تذكر مى‏دهد به اينكه از بعضى صفات كه باعث پيدايش نفاق در قلب مى‏شود بپرهيزند ، يكى از آنها سرگرمى به مال و اولاد و غافل شدن از ياد خداست و يكى ديگر بخل است .

**هدف و فلسفه نزول سوره تغابن**

**( الميزان ج : 19 ص :493 )**

# تشویق به تامین منابع مالی جنگ و برطرف ساختن مصایب آن

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يُسبِّحُ للَّهِ مَا فى السمَوَتِ وَ مَا فى الأَرْضِ لَهُ الْمُلْك وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلى كلّ‏ِ شىْ‏ءٍ قَدِيرٌ...!» (1تا10/تغابن)**

اين سوره از نظر سياق و نظم شبيه به سوره حديد است و گويى خلاصه‏اى از آن است و غرض سوره اين است كه مؤمنين را تشويق و تحريك كند به اينكه در راه خدا انفاق كنند و غرض ديگرش اين است كه ناراحتى‏ها و تاسف‏هايى كه در اثر هجوم مصائب در دلهاشان نشسته برطرف سازد و نويد دهد كه اگر در راه ايمان به خدا و جهاد در راه او و انفاق در آن راه مشقاتى را متحمل مى‏شوند ، همه به اذن خدا است!

آياتى كه در صدر سوره واقع شده جنبه مقدمه و زمينه‏چينى براى بيان اين غرض را دارد، در آن آيات بيان مى‏كند كه اسماى حسنى و صفات علياى خدا اقتضا مى‏كند كه براى بشر بعث و بازگشتى فراهم سازد ، تا همه به سويش برگردند و در آن بازگشت اهل ايمان و عمل صالح به سوى بهشت جاودان هدايت شوند و اهل كفر و تكذيب به سوى آتش ابدى رانده شوند ، پس اين مطالب مقدمه چينى است براى آيات بعد كه مى‏فرمايد: بايد خدا و رسول را اطاعت كنيد و بر مصائب و نيز در برابر انفاق در راه خدا خويشتن‏دار باشيد ، بدون اينكه از منع موانع متاثر و از ملامت شماتتگران بيمى به خود راه دهيد!

**هدف آیه 11 تا 18 سوره تغابن الميزان ج : 19 ص : 508**

# تشویق به انفاق و صبر در مصایب جنگ

**« مَا أَصاب مِن مُّصِيبَةٍ إِلا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَن يُؤْمِن بِاللَّهِ يهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكلّ‏ِ شىْ‏ءٍ عَلِيمٌ...!»**

در اين آيات به بيان غرض سوره شروع نموده است ، چون آياتى كه گذشت گفتيم همه جنبه مقدمه و زمينه‏چينى را دارد و غرض سوره وادارى مردم به انفاق در راه خدا و صبر در برابر مصائبى است كه در خلال مجاهدات در راه او مى‏بينند .

در ميان همه اين اغراض اول مساله مصيبت‏ها و صبر در برابر آنها را ذكر فرموده تا ذهن شنونده براى تاثر از سفارشات بعدى به انفاق آماده‏تر و صاف‏تر گردد و ديگر عذرى باقى نماند!

**هدف و فلسفه نزول سوره طلاق**

**( الميزان ج : 19 ص :522 )**

# بیان احکام طلاق

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَأَيهَا النَّبىُّ إِذَا طلَّقْتُمُ النِّساءَ فَطلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتهِنَّ وَ أَحْصوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكمْ لا تخْرِجُوهُنَّ مِن بُيُوتِهِنَّ وَ لا يخْرُجْنَ إِلا أَن يَأْتِينَ بِفَحِشةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَ تِلْك حُدُودُ اللَّهِ وَ مَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظلَمَ نَفْسهُ لا تَدْرِى لَعَلَّ اللَّهَ يحْدِث بَعْدَ ذَلِك أَمْراً...!» ( 1تا7/طلاق)**

اين سوره مشتمل بر بيان كلياتى از احكام طلاق است و به دنبال آن مقدارى اندرز و تهديد و بشارت.

**هدف آیه 8 تا 12 سوره طلاق الميزان ج : 19 ص : 541**

# موعظه و تهدید و بشارت و تاکید برای اجرای احکام مربوط به زنان

**« وَ كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَت عَنْ أَمْرِ رَبهَا وَ رُسلِهِ فَحَاسبْنَهَا حِساباً شدِيداً وَ عَذَّبْنَهَا عَذَاباً نُّكْراً ...!»**

اين آيات موعظه و تهديد و بشارت است و با اين اندرزها توصيه به تمسك به احكام خدا را تاكيد مى‏كند و يكى از آن احكام همان احكام طلاق و عده است و در قرآن كريم هيچ توصيه‏اى در باره هيچ حكمى به قدر احكام راجعه به زنان تاكيد نشده و اين نيست مگر به خاطر اينكه دنبال اين احكام و اين توصيه‏ها خبرى هست .

**هدف و فلسفه نزول سوره تحریم**

**( الميزان ج : 19 ص :550 )**

# دستور اجتناب ازحرام کردن حلال خدا

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَأَيهَا النَّبىُّ لِمَ تحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَك تَبْتَغِى مَرْضات أَزْوَجِك وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ‏..!» ( 1تا9/تحریم)**

اين سوره با داستانى كه بين رسول خدا «ص»و بعضى از همسرانش اتفاق افتاد، آغاز شده و آن اين بود كه به خاطر حادثه‏اى پاره‏اى از حلالها را بر خود حرام كرد و بدين سبب در اين آيات آن جناب را مورد عتاب قرار مى‏دهد كه چرا به خاطر رضايت بعضى از همسرانت، حلال خدا را بر خود حرام كردى و در حقيقت و به طورى كه از سياق بر مى‏آيد عتاب متوجه همان همسر است و مى‏خواهد رسول گرامى خود را عليه آن همسر يارى كند .

بعد از نقل اين داستان مؤمنين را خطاب مى‏كند به اينكه جان خود را از عذاب آتشى كه آتش‏گيرانه‏اش انسان و سنگ است نگه بدارند و بدانند كه به جز اعمال خود آنان به ايشان جزايى نمى‏دهند، جزايشان خود اعمالشان است و معلوم است كه هيچ كس نمى‏تواند از عمل خود بگريزد پس هيچ كس از اين جزا خلاصى ندارد، مگر پيغمبر و آنهايى كه به وى ايمان آوردند، آنگاه بار ديگر رسول خدا«ص» را به جهاد با كفار و منافقين خطاب مى‏كند . در آخر، سوره را به آوردن مثلى ختم مى‏كند، مثلى از زنان كفار مثلى از زنان مؤمنين.

**هدف آیه 10 تا 12 سوره تحریم الميزان ج : 19 ص : 574**

# بیان مثل دو همسر خائن و دو زن مومنه تاریخ

**« ضرَب اللَّهُ مَثَلاً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَاَت نُوحٍ وَ امْرَأَت لُوطٍ كانَتَا تحْت عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صلِحَينِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنهُمَا مِنَ اللَّهِ شيْئاً وَ قِيلَ ادْخُلا النَّارَ مَعَ الدَّخِلِينَ‏...!»**

اين آيات كريمه متضمن دو تا مثل است يكى مثلى كه خدا به وسيله آن حال كفار را مجسم مى‏كند و يكى هم مثلى كه بيانگر حال مؤمنين است، مثل اول وضع كفار را در شقاوت و هلاكت روشن نموده ، بيان مى‏كند كه اگر چنين شدند به خاطر خيانتى بود كه به خدا و رسولش كردند و سرانجام خيانت به خدا و رسول همين است، از هر كس كه مى‏خواهد سر بزند ، هر چند از كسى سر بزند كه وابسته و متصل به انبيا باشد و مثل دومى بيانگر اين حقيقت است كه سعادت و رستگارى مؤمنين هم تنها به خاطر ايمان خالصشان به خدا و رسول و قنوتشان و حسن اطاعتشان بوده و اتصال و خويشاوندى كه با كفار داشتند ضررى به حالشان نداشت ، پس معلوم مى‏شود ملاك كرامت نزد خدا تنها و تنها تقوى است و بس .

براى مجسم كردن اين معنا نخست حال اين طايفه اول را به حال دو تا زن تاريخ مثل مى‏زند كه هر دو همسر دو پيامبر بزرگوار بودند، دو پيامبرى كه خداى تعالى عبد صالحشان ناميده - و چه كرامتى بزرگتر از اين - و با اين حال اين دو زن به آن دو بزرگوار خيانت كردند و در نتيجه فرمان الهى رسيد كه با ساير دوزخيان داخل دوزخ گردند ، پس اين دو زن همسر و هم بستر دو پيامبر بزرگوار بودند ، اما همسرى آنان سودى به حالشان نبخشيد و بدون كسب كمترين امتيازى در زمره هالكان به هلاكت رسيدند.

طايفه دوم را به دو زن ديگر تاريخ مثل مى‏زند، يكى همسر فرعون است، كه درجه كفر شوهرش بدانجا رسيد كه در بين مردم معاصر خود( با كمال بى‏شرمى و جنون) فرياد زد: رب اعلاى شما منم! اما اين همسر به خدا ايمان آورد و ايمانى خالص آورد و خداى تعالى او را نجات داد و داخل بهشتش كرد و قدرت همسرى چون فرعون و كفر او نتوانست به ايمان وى خدشه‏اى وارد سازد ، دومى مريم دختر عمران است ، مريم صديقه و قانته كه خدايش به كرامت خود گراميش داشت و از روح خود در او بدميد .

در اين تمثيل تعريض و چوبكارى سختى به دو همسر رسول خدا «ص» شده ، كه آن دو نيز به آن جناب خيانت كردند و سر او را فاش ساخته ، عليه او دست به دست هم دادند و اذيتش كردند و مخصوصا وقتى مى‏بينيم سخن از كفر و خيانت و فرمان( داخل دوزخ شويد!) دارد، مى‏فهميم كه اين تعريض تا چه حد شديد است!

**هدف و فلسفه نزول سوره ملک**

**( الميزان ج : 19 ص :582 )**

# دعوت به یگانگی در ربوبیت و اعتقاد به معاد

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبَرَك الَّذِى بِيَدِهِ الْمُلْك وَ هُوَ عَلى كلّ‏ِ شىْ‏ءٍ قَدِيرٌ...!»**

**( 1تا 14/ملک)**

غرض اين سوره بيان عموميت ربوبيت خداى تعالى براى تمامى عالم است، در مقابل مسلك وثنى‏ها كه معتقدند براى هر يك از نواحى عالم ربى جداگانه است كه يا از خيل فرشتگان است و يا از مخلوقات ديگر و خداى عز و جل رب همه عالم نيست ، بلكه تنها رب آن ارباب است و بس .

به همين جهت در اين سوره بسيارى از نعمت‏هاى الهى از خلقت و تدبير را نام مى‏برد ، چون در حقيقت ذكر اين نعمت‏ها استدلالى است بر ربوبيت عامه الهى!

به همين مناسبت است كه سخن را با كلمه تبارك آغاز كرده ، چون اين كلمه به معناى كثرت صدور بركات از ناحيه خداى عز و جل است و نيز مكرر جناب ربوبى را به صفت رحمان كه مبالغه در رحمت است مى‏ستايد ، چون رحمت ، همان عطيه در قبال استدعاى حاجتمند است و در اين سوره سخنى هم از انذار و تهديد آمده و در آخر به مساله حشر و قيامت منتهى مى‏گردد .

مضامين آيات آن به دو مساله خلاصه مى‏شود: يكى دعوت به اينكه يگانگى او در ربوبيت را بپذيرند و دوم اينكه به معاد معتقد شوند!

**هدف آیه 15 تا 22 سوره ملک الميزان ج : 19 ص : 597**

# بیان نشانه های تدبیر الهی و اثبات ربوبیت او

**« هُوَ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ الأَرْض ذَلُولاً فَامْشوا فى مَنَاكِبهَا وَ كلُوا مِن رِّزْقِهِ وَ إِلَيْهِ النُّشورُ...!»**

در اين آيات پشت سر هم، نشانه‏هاى تدبير الهى را ذكر مى‏كند ، تدبيرى كه ربوبيت آن جناب را اثبات مى‏نمايد و اين نشانه‏ها را با انذار و تخويف ذكر نموده ، مى‏فرمايد: **« هو الذى جعل لكم الأرض ذلولا!» دنبالش مى‏فرمايد: « أ و لم يروا الى الطير...!» كه بعد از انذار در آيه:« الذى خلق الموت و الحيوة..!» و آيه:« الذى خلق سبع سموات ... !» و آيه:« و لقد زينا ...! » قرار گرفته است.**

**هدف آیه 23 تا 30 سوره ملک الميزان ج : 19 ص : 606**

# بیان نشانه های بیشتری از ربوبیت خدای تعالی و تهدید مشرکین

**« قُلْ هُوَ الَّذِى أَنشأَكمْ وَ جَعَلَ لَكمُ السمْعَ وَ الأَبْصرَ وَ الأَفْئِدَةَ قَلِيلاً مَّا تَشكُرُونَ...!»**

اين آيات نشانه‏هاى ديگرى از ربوبيت خداى تعالى را به مشركين تذكر مى‏دهد تا به وسيله آن به وحدانيت خدا در خلقت و تدبير رهنمونشان شود و در آن مطالب را توأم با تخويف و تهديد بيان مى‏كند ، همچنان كه گفتيم همه سوره اينطور است ، چيزى كه هست بايد اين را در نظر بگيريم كه خداى تعالى بعد از آنكه در جمله:« بل لجوا فى عتو و نفور!» به لجاجت و عناد آنان در باره حق اشاره كرد ، سياق را از خطاب به آنان برگردانيد و روى سخن از ايشان برتافته خطاب را متوجه رسول خدا«ص» كرد و فرمود: حالا تو با آنان سخن بگو! بگوششان بخوان! آيات و نشانه‏هاى ربوبيت من در خلقت و تدبير را كه همه بر يگانگى من در ربوبيت دلالت دارند به يادشان بياور! و از عذاب من انذارشان كن:« قل هو الذى ...! قل هو الذى ذرأكم ...! قل انما العلم ...! قل أ رأيتم ان اهلكنى الله ...! قل هو الرحمن ...! قل ا رأيتم ان أصبح ماؤكم غورا ...!» كه در همه اين آيات مى‏فرمايد: تو بگو چنين و چنان!

**هدف و فلسفه نزول سوره قلم**

**( الميزان ج : 19 ص :613 )**

# تعریف از خُلق عظیم رسول الله و نهی شدید از اطاعت و مداهنه با مشرکین

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! ن! وَ الْقَلَمِ! وَ مَا يَسطرُونَ‏! مَا أَنت بِنِعْمَةِ رَبِّك بِمَجْنُونٍ! وَ إِنَّ لَك لأَجْراً غَيرَ مَمْنُونٍ‏! وَ إِنَّك لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ‏...!» (1تا33/قلم)**

اين سوره رسول خدا«ص» را به دنبال تهمت‏هاى ناروايى كه مشركين به وى زده و او را ديوانه خوانده بودند ، تسليت و دلدارى مى‏دهد و به وعده‏هاى جميل و پاسدارى از خلق عظيمش دلخوش مى‏سازد و آن جناب را به شديدترين وجهى از اطاعت مشركين و مداهنه با آنان نهى نموده ، امر اكيد مى‏كند كه در برابر حكم پروردگارش صبر كند!

**هدف آیه 34 تا 52 سوره قلم الميزان ج : 19 ص : 635**

# بیان نعیم بهشتی پرهیزکاران و عذاب آخرتی تکذیب گران

**« إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبهِمْ جَنَّتِ النَّعِيمِ‏...!»**

اين آيات دنباله تهديدهايى است كه در باره تكذيب‏گران رسول خدا«ص» كرده بود و عذاب آخرتى آنان را به اين بيان مسجل مى‏سازد كه مردم با تقوى در بهشت‏هاى نعيم هستند و اينكه تكذيب‏گران و متقين يكسان نيستند، پس نمى‏توانند اميد كرامتى از خدا داشته باشند و چون مجرمند آنچه هم از نعمت‏هاى دنيا در اختيار دارند استدراج و املاء است نه نعمت و كرامت و نيز در اين آيات رسول خدا «ص» را امر مى‏كند به اينكه در برابر حكم پروردگارش صبر كند و اين امر را تاكيد مى‏نمايد!

**هدف و فلسفه نزول سوره الحاقه**

**( الميزان ج : 19 ص :652 )**

# بیان اوصاف قیامت و کیفر تیره بختان و پاداش سعادتمندان

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحاقَّةُ! مَا الحاقَّةُ ! وَ مَا أَدْرَاك مَا الحاقَّةُ...!»**

**(3تا 12/الحاقه)**

اين سوره مساله حاقه يعنى قيامت را به ياد مى‏آورد، در اينجا قيامت را حاقه ناميده، در جاى ديگر قارعه و واقعه خوانده است و در اين آيات سخن را در سه فراز سوق داده، در فصلى به طور اجمال سرانجام امت‏هايى را ذكر مى‏كند كه منكر قيامت بودند و خداى تعالى آنان را به اخذى رابيه( عقوبتى شديد) بگرفت .

و در فصلى اوصاف حاقه را بيان مى‏كند و اينكه در آن روز مردم دو گروهند ، يكى اصحاب يمين و يكى اصحاب شمال ، يكى اهل سعادت و ديگرى اهل شقاوت!

و در فصل سوم در راستى و درستى خبرها و سخنان قرآن تاكيد نموده ، آنها را حق اليقين معرفى مى‏كند!

**هدف آیه 13 تا 37 سوره الحاقه الميزان ج : 19 ص : 661**

# معرفی روز قیامت با برخی از مشخصاتش

**« فَإِذَا نُفِخَ فى الصورِ نَفْخَةٌ وَحِدَةٌ...!»**

اين آيات فصل دومى است كه حاقه را با پاره‏اى از نشانيها و مقدماتش و شمه‏اى از وقايعى كه در آن روز رخ مى‏دهد معرفى مى‏كند .

**هدف آیه 38 تا 52 سوره الحاقه الميزان ج : 19 ص : 672**

# بیان لزوم تصدیق قرآن برای تصدیق حقانیت خبرهای قیامت درآن

**« فَلا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ‏...! »**

اين دسته از آيات ، فصل سوم از آيات سوره است كه مطالب سابق مربوط به حاقه را به لسان تصديق قرآن تاكيد مى‏كند، تا با تصديق قرآن حقانيت خبرهايى كه از مساله قيامت داد ثابت شود .

**هدف و فلسفه نزول سوره معارج**

**( الميزان ج : 20 ص :3 )**

# بیان عذابهای واقع در قیامت برای کفار

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سأَلَ سائلُ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ‏...!» (1تا18/معارج)**

آنچه سياق اين سوره دست مى‏دهد اين است كه مى‏خواهد روز قيامت را توصيف كند به آن عذابهايى كه در آن براى كفار آماده شده، از همان آغاز ، سخن از عذاب دارد.

سؤال سائلى را حكايت مى‏كند كه از عذاب الهى كفار پرسيده و اشاره مى‏كند به اينكه اين عذاب آمدنى است و هيچ مانعى نمى‏تواند از آمدنش جلوگير شود و نيز عذابى است نزديك ، نه دور كه كفار مى‏پندارند ، آنگاه به صفات آن روز و عذابى كه براى آنان تهيه شده پرداخته ، مؤمنين را كه به انجام وظائف اعتقادى و عملى خود مى‏پردازند استثنا مى‏كند.

**هدف آیه 19 تا 35 سوره معارج الميزان ج : 20 ص : 16**

# راهبری استفاده صحیح از غریزه حرص آدمی

**« إِنَّ الانسنَ خُلِقَ هَلُوعاً ...!»**

اين آيات به اولين سبب و انگيزه‏اى كه انسان را به رذيله اعراض از ياد خدا و به جمع اموال و گنجينه كردن آن و در آخر دچار آتش خالد شدن وامى‏دارد اشاره مى‏كند ، آتشى كه فرمود:« لظى، نزاعة للشوى!» و آن سبب عبارت است از حالتى در انسان به نام هلع - شدت حرص- كه حكمت الهى اقتضا كرد آدمى را به اين صفت بيافريند، تا به وسيله اين صفت به آنچه مايه خير و سعادتش مى‏باشد هدايت شود ، چيزى كه هست اين خود انسان است كه اين مايه سعادت خود را مايه بدبختى خود مى‏سازد و به جاى اينكه در راه سعادت خود صرف كند ، در راه بدبختى خود صرف مى‏كند و همين مايه سعادت خويش را مايه هلاكت دائمى خود مى‏كند، مگر كسانى كه ايمان آورده و عمل صالح مى‏كنند، كه در جنات از عزت و احترام برخوردارند .

**هدف آیه 36 تا 44 سوره معارج الميزان ج : 20 ص : 27**

# دستور پایان دادن به خصام و بگومگوی رسول الله با کافران

**« فَمَا لِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَك مُهْطِعِينَ‏...!»**

بعد از آنكه در فصل اول از آيات اين سوره در ذيل داستان درخواست عذاب بيان كرد كه عذابى واقع شدنى دارند، كه هيچ دافعى از آن نيست و آن عذاب آتشى است « متلظى» و « نزاعة للشوى» كه هر اعراضگر و هر كسى را كه مال جمع مى‏كند و گنجينه مى‏سازد به سوى خود مى‏كشد.

و نيز بعد از آنكه در فصل دوم از آن آيات ملاك گرفتارى آنان به اين بدبختى را ذكر كرد و فرمود كه: ملاك آن اين است كه انسان مجهز به غريزه هلع و غريزه حب خير براى خويش است و اين غريزه‏ها او را به پيروى هواى نفس مى‏كشاند و وادار مى‏كند در برابر هر حقى كه با آن مواجه مى‏شود استكبار كند و از اين راه به آتش جاودانه‏اش مبتلا مى‏كند، آتشى كه به جز صالحان و معتقدين به روز جزا و ترسندگان از عذاب پروردگار ، كسى از آن نجات نمى‏يابد .

اينك در اين فصل از آيات - كه فصل سوم است - روى سخن را به همان كفار نموده مثل كسى كه از رفتار آنان به تعجب آمده ، سخن مى‏گويد ، چون ايشان دورادور رسول خدا «ص» را گرفته چپ و راست او را احاطه كرده‏اند و از او جدا نمى‏شوند ، اما با دلهايى متفرق و با چشم ظاهرى به آن جناب اقبال نموده‏اند ، ولى دلهايشان از آن جناب اعراض دارد، لذا رسول گرامى خود را مخاطب قرار داده مى‏فرمايد: چرا اينان اينطورند؟ آيا يك يك اينان انتظار دارند در عين اينكه كافرند داخل در جنت نعيم شوند؟ با اينكه خداى سبحان مقدر فرموده با جنت خود به جز افراد مؤمن را كه خود استثنا كرده كسى را گرامى ندارد، آيا اينها با اين توقعشان مى‏خواهند از خدا سبقت بگيرند و او را عاجز سازند؟ و حكم او را نقض و تقدير او را باطل سازند؟ حاشا كه بتوانند، زيرا خدايى كه آنان را از نطفه‏اى خوار و بى‏مقدار آفريده قادر است از همين نطفه كه آنان را آفريده كسانى بهتر از ايشان بيافريند، كسانى كه او را بپرستند و داخل جنتش شوند .

و در آخر اين فصل رسول گرامى خود را دستور مى‏دهد به اينكه خصام و بگومگوى با آنان را تعطيل كند و آنان را به حال خودشان وا گذارد، تا همچنان به لجبازى و سرگرمى خود مشغول باشند، تا آن روزى را كه وعده رسيدنش داده شده ديدار كنند!

**هدف و فلسفه نزول سوره نوح**

**( الميزان ج : 20 ص :37 )**

# شرح رسالت و مبارزات حضرت نوح

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! إِنَّا أَرْسلْنَا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَك مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ...!»(1تا24/نوح)**

اين سوره اشاره می کند به رسالت نوح به سوى قومش و به اجمالى از دعوتش و اينكه قوم او اجابتش نكردند و در آخر به پروردگار خود شكوه نمود و نفرينشان كرد و براى خود و پدر و مادر خود و هر مرد و زنى كه با ايمان داخل خانه‏اش شود استغفار كرد و به اينكه در آخر عذاب بر آن قوم نازل شده ، همگى غرق شدند!

**هدف آیه 25 تا 28 سوره نوح الميزان ج : 20 ص : 54**

# شرح نفرین نوح «ع» علیه قومش و داستان هلاکت آنها

**« مِّمَّا خَطِيئَتهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَاراً فَلَمْ يجِدُوا لهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصاراً...!»**

اين آيات داستان هلاكت قوم نوح و تتمه نفرين آن جناب عليه ايشان را حكايت مى‏كند.

**هدف و فلسفه نزول سوره جن**

**( الميزان ج : 20 ص :57 )**

# شرح ماجرای ایمان آوردن جن به رسول الله «ص»

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أُوحِىَ إِلىَّ أَنَّهُ استَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الجِنّ‏ِ فَقَالُوا إِنَّا سمِعْنَا قُرْءَاناً عجَباً ...!» ( 1تا17/جن)**

اين سوره به داستان چند نفر از طايفه جن اشاره مى‏كند كه صوت قرآن را شنيدند و ايمان آورده ، به اصول معارف دين اقرار كردند. از اين اشاره تسجيل نبوت رسول خدا«ص» نتيجه‏گيرى مى‏شود و نيز اين سوره به وحدانيت خداى تعالى در ربوبيت و مساله معاد هم اشاره مى‏كند .

**هدف آیه 18 تا 28 سوره جن الميزان ج : 20 ص : 75**

# نتیجه گیری از سوره جن

**« وَ أَنَّ الْمَسجِدَ للَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً ...!»**

در اين آيات مساله نبوت تسجيل شده و مساله وحدانيت خداى تعالى و مساله معاد را به عنوان نتيجه از داستان جن ذكر مى‏كند.

**هدف و فلسفه نزول سوره مزمل**

**( الميزان ج : 20 ص :92 )**

# آماده سازی رسول الله برای دریافت وحی با خواندن نماز شب

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَأَيهَا الْمُزَّمِّلُ ! قُمِ الَّيْلَ إِلا قَلِيلاً ! نِّصفَهُ أَوِ انقُص مِنْهُ قَلِيلاً! أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْءَانَ تَرْتِيلاً...!» ( 1تا 19/مزمل)**

اين سوره رسول خدا«ص» را امر مى‏كند به اينكه نماز شب بخواند، تا به اين وسيله آماده و مستعد گرفتن مسؤوليتى گردد كه به زودى به او محول مى‏شود و آن قرآنى است كه به وى وحى خواهد شد و دستورش مى‏دهد در برابر حرفهاى بيهوده‏اى كه دشمنان مى‏زنند و شاعر و كاهن يا ديوانه‏اش مى‏خوانند صبر كند و به نحوى پسنديده از آنان كناره‏گيرى نمايد و در اين آيات تهديد و انذارى هم به كفار شده و حكم صبر را به همه مؤمنين تعميم داده، در آخر تخفيفى را كه براى رسول خدا «ص» و مؤمنين قائل شده ذكر مى‏كند .

اين سوره از نخستين سوره‏هايى است كه در اول بعثت نازل شده است.

**هدف آیه 20 سوره مزمل الميزان ج : 20 ص :114**

# تخفیف نماز شب برای مومنین و تبدیل آن به قرائت قرآن

**« إِنَّ رَبَّك يَعْلَمُ أَنَّك تَقُومُ أَدْنى مِن ثُلُثىِ الَّيْلِ وَ نِصفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طائفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَك وَ اللَّهُ يُقَدِّرُ الَّيْلَ وَ النهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تحْصوهُ فَتَاب عَلَيْكمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسرَ مِنَ الْقُرْءَانِ عَلِمَ أَن سيَكُونُ مِنكم مَّرْضى وَ ءَاخَرُونَ يَضرِبُونَ فى الأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضلِ اللَّهِ وَ ءَاخَرُونَ يُقَتِلُونَ فى سبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصلَوةَ وَ ءَاتُوا الزَّكَوةَ وَ أَقْرِضوا اللَّهَ قَرْضاً حَسناً وَ مَا تُقَدِّمُوا لأَنفُسِكم مِّنْ خَيرٍ تجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيراً وَ أَعْظمَ أَجْراً وَ استَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمُ‏!»**

سخن در اين آيه شريفه براى تخفيف دادن به دستورى است كه در اول سوره به شخص رسول خدا«ص» داد و در آيه:« ان هذه تذكرة ...!» در وسط سوره آن دستور را به عموم مؤمنين تعميم داد و آن عبارت بود از پرداختن به نماز شب و تهجد! در اين آيه مى‏خواهد بفرمايد:

خدا از مؤمنين اكتفا كرد به هر مقدارى كه بتوانند از قرآن تلاوت كنند، پس آيه شريفه مى‏خواهد دستور اول سوره را تخفيف دهد، نه اينكه آن را نسخ نموده از قيام در دو ثلث شب و يا نصف آن و يا ثلث آن منع كند .

**هدف و فلسفه نزول سوره مدثر**

**( الميزان ج : 20 ص :122 )**

# بیان اولین دستور انذار به رسول الله«ص» و معرفی قرآن کریم

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! يَأَيهَا الْمُدَّثِّرُ! قُمْ فَأَنذِرْ ...!»(1تا7/مدثر)**

اين سوره مشتمل بر مطالب زير است:

اول اينكه رسول خدا «ص» را دستور مى‏دهد به اينكه مردم را انذار كند و اين دستور را با لحنى و در سياقى بيان كرده كه از آن پيداست جزو دستورهاى اوائل بعثت است .

دوم اينكه اشاره مى‏كند به عظمت شان قرآن و جلالت قدرش.

سوم اينكه كسانى را كه منكر قرآن شوند و نسبت سحر به آن دهند تهديد و كسانى را كه از دعوت قرآن سربتابند مذمت كرده است.

آنچه يقينى و مسلم است اين است كه اين سوره در اوائل بعثت نازل شده و جزو اولين سوره‏هاى قرآنى است و آيات هفتگانه‏اى كه در اين فصل آورديم متضمن امر به انذار و ساير لوازم انذار است، كه خداى تعالى به آن سفارش فرموده است.

**هدف آیه 8 تا 31 سوره مدثر الميزان ج : 20 ص : 131**

# تهدید طعنه زنندگان به قرآن کریم

**« فَإِذَا نُقِرَ فى النَّاقُورِ...!»**

در اين آيات شريفه به طعنه زنندگان به قرآن كه آن را سحر مى‏خواندند و بعضى از حقائق آن را استهزاء مى‏كردند ، تهديد شديدى شده است .

**هدف آیه 32 تا 48 سوره مدثر الميزان ج : 20 ص : 147**

# تنزیه قرآن کریم از تهمت ها

**« َكلا وَ الْقَمَرِ ...!»**

در اين آيات قرآن كريم از تهمت‏هايى كه بدان زده شده تنزيه گرديده و اين معنا مسجل گشته كه قرآن يكى از آيات كبراى حق است و در آن انذار تمامى بشر است و در پيرويش آزادى نفوس از گروگان اعمال است، اعمالى كه او را به سوى سقر مى‏كشاند!

**هدف آیه 49 تا 65 سوره مدثر الميزان ج : 20 ص : 155**

# دعوت کفار به سوی قرآن و بیان عوامل دوری آنان از حق

**« فَمَا لهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ‏...!»**

در اين آيات نتيجه‏گيرى از وعد و وعيدهاى گذشته را به صورت تعجب از اعراض كفار از تذكرات قرآن و تنفرشان از حق صريح بيان كرده ، گويا فرموده : وقتى جريان بدين قرار است عقلا واجب مى‏شود كه دعوت حق را اجابت نموده ، به وسيله تذكرات قرآن متذكر شود ، پس بسيار عجيب است كه چطور باز هم از اين تذكر روى بر مى‏تابند ، نه ، نه ، علت اصلى اين است كه اينان به رسالت ايمان ندارند و تك‏تكشان توقع دارند كه كتابى از خدا بر يك يك آنان نازل گردد ، نه ، بلكه علت اين است كه از آخرت ترس ندارند و در نتيجه از وعيد و تهديدهاى قرآن متنبه نمى‏شوند .

آنگاه روى سخن را به خود آنان كرده، مجددا آن تذكره را بر آنان عرضه مى‏كند و در قبول و رد آن مخيرشان نموده ، تا اگر خواستند قبول كنند و اگر خواستند رد كنند ، ليكن بايد بدانند كه در اين خواستن مستقل نيستند و نمى‏توانند با خواست خود خداى سبحان را عاجز سازند و به همين جهت نمى‏توانند متذكر شوند ، مگر وقتى كه خدا بخواهد و حكم قدر به طور قطع در ميان آنان نيز جارى است .

**هدف و فلسفه نزول سوره قیامت**

**( الميزان ج : 20 ص :162 )**

بیان خبر وقوع و نشانه های قیامت کبری

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ! ...» (1تا15/قیامت)**

بيان اين سوره پيرامون مساله قيامت كبرى دور مى‏زند ، نخست از وقوع روز قيامت خبر مى‏دهد و در مرحله دوم آن روز را يكبار با ذكر چند نشانه و بار ديگر با اجمالى از سرگذشت انسان در آن روز توصيف مى‏كند ، و خبر مى‏دهد كه اولين قدم در سير به سوى قيامت مرگ است و در مرحله سوم سوره را با استدلال بر قدرت خداى تعالى بر اعاده عالم ختم نموده، اثبات مى‏كند همانطور كه خداى تعالى بر خلقت نخستين عالم قادر بود همچنين بر خلقت بار دوم آن، كه همان قيامت است قادر است!

**هدف آیه 16 تا 40 سوره قیامت الميزان ج : 20 ص : 172**

# بیان وضع مردم در قیامت

**« لا تحَرِّك بِهِ لِسانَك لِتَعْجَلَ بِهِ‏...!»**

اين آيات تتمه صفات روز قيامت است ، البته از اين نظر كه مردم در آن روز چه حالى دارند و اينكه مردم در آن روز دو طايفه‏اند، طايفه‏اى كه چهره‏اى شكفته و دلى شاد دارند و طايفه‏اى ديگر كه چهره‏اى درهم كشيده و دلى نوميد از نجات دارند و اشاره مى‏كند به اينكه آغاز اين تقسيم از زمان احتضار شروع مى‏شود! و سپس اشاره مى‏كند به اينكه انسان را آزاد و رها نمى‏گذارند، همان خدايى كه او را در آغاز آفريد قادر است بار ديگر او را زنده كند و در اينجا سوره ختم مى‏شود .

**هدف و فلسفه نزول سوره دهر**

**( الميزان ج : 20 ص :190 )**

# بیان خلقت انسان و توصیف نعمتهای ابرار و عذابهای کفار درآخرت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! هَلْ أَتى عَلى الانسنِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شيْئاً مَّذْكُوراً...!» ( 1 تا 22/ دهر)**

اين سوره در آغاز، خلقت انسان را بعد از آنكه نامى از او در ميان نبود خاطرنشان مى‏سازد و سپس مى‏فرمايد كه خداى تعالى او را به راهى كه تنها راه اوست هدايت كرد ، حال يا اين انسان شكر هدايتش را مى‏گزارد و يا كفران مى‏كند. آنگاه مى‏فرمايد براى كافران انواعى از عذاب و براى ابرار الوانى از نعمت آماده كرده ، و اوصاف آن نعمت‏ها را در طى هجده آيه شرح مى‏دهد و همين دليل است بر اينكه مقصود اصلى هم بيان همين جهت بوده است.

پس از بيان اوصاف آن نعمت ، روى سخن را به رسول گرامى خود نموده مى‏فرمايد : قرآن نازل شده از ناحيه اوست ، و مايه تذكر بشر است ، پس بايد كه در برابر حكم پروردگار خود صابر باشد و هوا و هوس‏هاى كفار را پيروى نكند و بايد كه پروردگار خود را صبح و شام به ياد بياورد و براى او شبها به سجده بيفتد و شبى طولانى تسبيح گويد.

**هدف آیه 23 تا 31 سوره دهر الميزان ج : 20 ص : 224**

# دستور عدم اطاعت رسول الله«ص» از کفار و مشرکین و منافقین

**« إِنَّا نحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْك الْقُرْءَانَ تَنزِيلاً...!»**

بعد از آنكه خداى سبحان جزاى أبرار را بيان كرد و فرمود كه در برابر صبرى كه در راه خدا كردند چه پاداشها از نعيم مقيم ابدى و ملك عظيم برايشان تهيه ديده ، اينك در اين فصل از سوره خطاب را متوجه رسول گرامى خود نموده و او را امر مى‏كند به اينكه باز هم در برابر حكم پروردگارش صبر كند و اين گنهكاران كافر و علاقه‏مندان به زندگى زودگذر دنيا را كه از آخرت روى گردانده به دنيا چسبيده‏اند اطاعت نكند، نه مشركين را و نه ساير كفار را و نه منافقين و هواپرستان را و اينكه همواره به ياد نام پروردگارش باشد و براى او سجده كند و مستمرا او را تسبيح گويد، آنگاه همين فرمان را براى همه امت عموميت داده ، مى‏فرمايد:« ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا !»

**هدف و فلسفه نزول سوره مرسلات**

**( الميزان ج : 20 ص :232 )**

# بیانی از یوم الفصل و تهدید شدید منکران آن

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الْمُرْسلَتِ عُرْفاً ...!» ( 1تا 15/مرسلات)**

اين سوره يوم الفصل كه همان روز قيامت است را خاطر نشان ساخته ، خبر از وقوع آن را تاكيد مى‏كند و اين تاكيد خود را با تهديد شديدى به منكرين آن و انذار و تبشير به ديگران توأم نموده، جانب تهديد را بيش از ساير مطالب تاكيد مى‏كند، براى اينكه مى‏بينيم ده مرتبه مى‏فرمايد:« ويل يومئذ للمكذبين - واى در آن روز بر تكذيب‏گران!»

**هدف آیه 16 تا 50 سوره مرسلات الميزان ج : 20 ص : 243**

# بیان حجتهائی برای یگانگی خدا در ربوبیت از طریق اثبات یوم الفصل

**« أَ لَمْ نهْلِكِ الأَوَّلِينَ...!»**

اين آيات حجت‏هايى است كه بر يگانگى خداى تعالى در ربوبيت دلالت مى‏كند، أدله‏اى است كه به حكم آن بايد يوم الفصلى باشد و در آن مكذبين به جزاى خود برسند و نيز به كيفرهايى كه براى آنان تهيه شده و به نعمت و كرامتى كه براى مردم با تقوى آماده شده اشاره مى‏كند و سوره را با توبيخ و مذمت منكرين كه از عبادت خدا و ايمان به گفتار او استكبار مى‏ورزند، ختم نموده است.

**هدف و فلسفه نزول سوره نباء**

**( الميزان ج : 20 ص :255 )**

# بیان خبر عظیم قیامت و یوم الفصل

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! عَمَّ يَتَساءَلُونَ‏! عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ‏...!» (1تا16/نباء)**

اين سوره متضمن خبر از آمدن يوم الفصل و صفات آن و استدلال بر حقيقت آن و ترديدناپذيرى آن است و از اينجا آغاز مى‏شود كه مردم از يكديگر از خبر قيامت مى‏پرسند، آنگاه در سياق جواب و با لحنى تهديدآميز مى‏فرمايد: به زودى از آن آگاه خواهند شد و سپس براى ثبوت آن به اين دليل استدلال مى‏كند كه نظام مشهود در عالم با تدبير حكيمانه‏اى كه در آن است، بهترين و روشن‏ترين دلالت را دارد بر اينكه بعد از اين نشئه دنياى متغير و فنا پذير ، نشئه ثابت و باقى هست و به دنبال اين خانه‏اى كه در آن عمل هست و جزا نيست ، خانه‏اى هست كه در آن جزا هست و عمل نيست ، پس در اين ميان روزى هست كه نظام جارى در اين عالم از آن خبر مى‏دهد .

سپس آن روز را با ذكر حوادثش توصيف مى‏كند كه مردم همگى در آن احضار مى‏شوند و همه يكجا جمع مى‏گردند ، طاغيان به سوى عذابى دردناك و متقين به سوى نعيمى مقيم منتقل مى‏شوند و در آخر، كلام را با يك جمله تهديدآميز ختم مى‏كند!

**هدف آیه 17 تا 40 سوره نباء الميزان ج : 20 ص : 266**

# بیان احوالاتی از یوم الفصل

« إِنَّ يَوْمَ الْفَصلِ كانَ مِيقَتاً ...!»

اين آيات يوم الفصل را كه در جمله:« كلا سيعلمون!» به طور اجمال بدان اشاره كرده بود توصيف نموده، شرح مى‏دهد كه در آن روز به طاغيان و متقيان چه مى‏گذرد و در آخر ، سوره را با تهديدى كه به منزله نتيجه است ختم مى‏كند .

**هدف و فلسفه نزول سوره نازعات**

**( الميزان ج : 20 ص :288 )**

# بیان خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ النَّزِعَتِ غَرْقاً...!» (1تا41/نازعات)**

در اين سوره خبرهاى مؤكدى از وقوع قيامت آمده و از طريق تدبير ربوبى كه نتيجه‏اش تقسيم شدن مردم به دو طايفه بهشتى و دوزخى است، بر وقوع آن استدلال كرده و در آخر با اشاره به اينكه از رسول خدا«ص» مى‏پرسيدند كه قيامت چه وقت است؟ و با پاسخ به اين سؤال سوره را ختم مى‏كند.

**هدف آیه 42 تا 46 سوره نازعات الميزان ج : 20 ص : 316**

# انحصار علم به وقوع قیامت در خدای تعالی

**« يَسئَلُونَك عَنِ الساعَةِ أَيَّانَ مُرْساهَا ...!»**

در اين چهار آيه متعرض سؤال مشركين از زمان قيام قيامت شده ، آن را رد مى‏كند ، به اينكه علم به آن نزد احدى نيست و كسى به جز خداى تعالى از آن خبر ندارد و خداى تعالى علم به آن را به خود اختصاص داده است.

**هدف و فلسفه نزول سوره عبس**

**( الميزان ج : 20 ص :323 )**

# تاکید بر توجه به فقرای اهل آخرت و بی اعتنائی به طاغوتها

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! عَبَس وَ تَوَلى‏...!» ( 1تا16/عبس)**

غرض سوره، عتاب هر كسى است كه ثروتمندان را بر ضعفاء و مساكين از مؤمنين مقدم مى‏دارد، اهل دنيا را احترام مى‏كند و اهل آخرت را خوار مى‏شمارد، بعد از اين عتاب رشته كلام به اشاره به خوارى و بى‏مقدارى انسان در خلقتش و اينكه در تدبير امورش سراپا حاجت است و با اين حال به نعمت پروردگار و تدبير عظيم او كفران مى‏كند كشيده شده و در آخر سخن را با ذكر قيامت و جزاء و تهديد مردم خاتمه مى‏دهد.

**هدف آیه 17 تا 42 سوره عبس الميزان ج : 20 ص : 334**

# بیان اصرار انسان در کفر به ربوبیت الهی

**« قُتِلَ الانسنُ مَا أَكْفَرَهُ‏ ...!»**

در اين فصل نخست انسان را نفرين مى‏كند و از اينكه در كفر به ربوبيت رب خود اصرار و مبالغه مى‏ورزد تعجب مى‏كند و آنگاه به حدوث و بقاى او اشاره نموده مى‏فهماند كه انسان نه مالك چيزى از آفرينش خويش است و نه مالك چيزى از تدبير امورش، بلكه خداى سبحان است كه او را از نطفه‏اى بى‏مقدار آفريده و سپس اندازه‏گيرى‏اش كرد و آنگاه راه را برايش آسان ساخت و در آخر هم او است كه وى را مى‏ميراند و به قبر داخلش مى‏كند و هر وقت كه بخواهد دوباره زنده‏اش مى‏سازد .

پس خداى سبحان يگانه رب و خالق و مدبر امر او است، آن هم نه تنها در حدوثش بلكه در بقايش و تا آخرين لحظه هستى‏اش مدبر او است، ولى اين انسان كفرانگر ، فرمان او را نمى‏برد و به هدايت او مهتدى نمى‏شود .

و اگر انسان تنها و تنها به طعامى كه مى‏خورد نگاه كند ، كه يكى از مظاهر تدبير خدا و مشتى از درياى رحمت او است، آن وقت به تدبير وسيع پروردگارش و لطيف صنع او پى مى‏برد ، آنچنانكه عقلش مبهوت شود و هوشش از سر بدر رود ، در حالى كه نعمت‏هاى خدا تنها طعام نيست و در اين ميان نعمت‏هاى ديگرى است كه از حيطه شمار بيرون است!

**هدف و فلسفه نزول سوره تکویر**

**( الميزان ج : 20 ص :347 )**

# بیان مقدمات و نشانه های قیامت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا الشمْس كُوِّرَت...!»(1تا14/تکویر)**

اين سوره روز قيامت را با ذكر پاره‏اى از مقدمات و نشانيهاى آن و پاره‏اى از آنچه در آن روز واقع مى‏شود متذكر و يادآور مى‏شود و آن روز را چنين توصيف مى‏كند كه : روزى است كه در آن عمل انسان هر چه باشد كشف مى‏گردد و سپس قرآن را توصيف مى‏كند به اينكه از القاآتى است كه رسولى آسمانى كه فرشته وحى است آن را به رسول خدا«ص» القاء كرده و از القاآت شيطانى نيست و رسول خدا هم ديوانه نيست كه شيطانها او را دست انداخته باشند .

**هدف آیه 15 تا 29 سوره تکویر الميزان ج : 20 ص : 354**

# تنزیه رسول الله«ص» از تهمت های کفار و صیانت از وحی قرآن

**« فَلا أُقْسِمُ بِالخُْنَّسِ‏ ...!»**

اين آيات در مقام منزه داشتن رسول خدا«ص» از جنون است - كه مشركين آن جناب را بدان متهم كرده بودند - و نيز منزه داشتن قرآنى كه آورده از مداخله شيطان است، مى‏فرمايد: قرآن او كلام خداى تعالى است كه ملك وحى آن را به وى القاء مى‏كند، ملكى كه هرگز در رسالت خود خيانت نمى‏كند و نيز قرآن او هشدارى است كه به اذن خدا هر كسى را كه بخواهد راه راست را بيابد هدايت مى‏كند .

**هدف و فلسفه نزول سوره انفطار**

**( الميزان ج : 20 ص : 364 )**

# بیان علامت ها و وقایع روز قیامت و اصول کیفر و پاداش اعمال

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا السمَاءُ انفَطرَت‏...!» ( 1تا19/انفطار)**

اين سوره روز قيامت را با بعضى از علامت‏هاى متصل به آن تحديد مى‏كند و خود آن روز را هم به بعضى از وقايعى كه در آن روز واقع مى‏شود معرفى مى‏كند و آن اين است كه در آن روز تمامى اعمالى كه انسان خودش كرده و همه آثارى كه بر اعمالش مترتب شده و بوسيله ملائكه حفظه كه موكل بر او بوده‏اند محفوظ مانده ، در آن روز جزاء داده مى‏شود .

اگر اعمال نيك بوده با نعيم آخرت و اگر زشت بوده و ناشى از تكذيب قيامت بوده ، با دوزخ پاداش داده مى‏شود ، دوزخى كه خود او افروخته و جاودانه در آن خواهد زيست. آنگاه دوباره توصيف روز قيامت را از سر مى‏گيرد ، كه آن روزى است كه هيچ كسى براى خودش مالك چيزى نيست و امر در آن روز تنها براى خداست.

اين سوره از آيات برجسته قرآن است!

**هدف و فلسفه نزول سوره مطففین**

**( الميزان ج : 20 ص :377 )**

# تهدید کم فروشان به کیفر روز قیامت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَيْلٌ لِّلْمُطفِّفِينَ‏...!» ( 1تا21/مطففین)**

اين سوره با تهديد مرتکبین كم‏فروشى در كيل و وزن آغاز شده و كم‏فروشان را تهديد مى‏كند به اينكه در يوم عظيم كه روز قيامت است براى جزا مبعوث مى‏شوند. اين مطلب را با تفصيل جريانى كه در آن روز بر سر فجار و ابرار مى‏آيد خاتمه مى‏دهد.

**هدف آیه 22 تا 36 سوره مطففین الميزان ج : 20 ص : 391**

# بیان عظمت مقام ابرار در بهشت و نزد خدای تعالی

**« إِنَّ الأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ‏ ...!»**

در اين آيات تا حدودى جلالت قدر ابرار و عظمت مقام آنان نزد خداى تعالى و خرمى زندگى در بهشتشان را بيان نموده، مى‏فرمايد: اين ابرار كه امروز مورد استهزاء و طعنه كفارند ، به زودى به كفار خواهند خنديد و عذابى را كه به ايشان مى‏رسد تماشا خواهند كرد .

**هدف و فلسفه نزول سوره انشقاق**

**( الميزان ج : 20 ص :398 )**

# بیان سیر هر انسان به سوی پروردگار خود و دیدار نتیجه عملش

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا السمَاءُ انشقَّت...!» ( 1تا25/انشقاق)**

اين سوره به قيام قيامت اشاره نموده ، بيان مى‏كند كه براى انسان سيرى است به سوى پروردگارش ، او در اين مسير هست تا پروردگارش را ديدار كند و خداى تعالى به مقتضاى نامه عملش به حسابش برسد. در اين آيات اين مطالب را تاكيد مى‏كند و آيات مربوط به تهديدش از آيات بشارتش بيشتر است!

**هدف و فلسفه نزول سوره بروج**

**( الميزان ج : 20 ص :411 )**

# تشویق مومنین به صبر و استقامت در راه خدا

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ السمَاءِ ذَاتِ الْبرُوج...!» (1تا22/بروج)**

اين سوره مشتمل بر انذار و بشارت است و در آن به سختى كسانى را انذار كرده كه مردان و زنان مسلمان را به جرم اينكه به خدا ايمان آورده‏اند شكنجه مى‏كنند ، نظير مشركين مكه كه با گروندگان به رسول خدا«ص» چنين مى‏كردند ، آنان را شكنجه مى‏كردند تا از دين اسلام به شرك سابق خود برگردند ، بعضى از اين مسلمانان صبر مى‏كردند و برنمى‏گشتند و لو شكنجه به هر جا كه خواست برسد و بعضى برگشته مرتد مى‏شدند و اينها افرادى بودند كه ايمانى ضعيف داشتند.

خداى سبحان در اين آيات قبل از اين مطالب اشاره‏اى به اصحاب اخدود مى‏كند و اين خود تشويق مؤمنين به صبر در راه خداى تعالى است، دنبال اين داستان اشاره‏اى هم به سرگذشت لشكريان فرعون و ثمود دارد و اين مايه دلخوشى رسول خدا«ص» و وعده نصرت به آن جناب و تهديد مشركين است!

**هدف و فلسفه نزول سوره طارق**

**( الميزان ج : 20 ص :427 )**

# انذار مردم از معاد و اشاره به حقیقت آن روز

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ السمَاءِ وَ الطارِقِ! وَ مَا أَدْرَاك مَا الطارِقُ‏ ! النَّجْمُ الثَّاقِب...!»**

**( 1تا17/طارق)**

در اين سوره مردم را به معاد انذار كرده و استدلال كرده به اطلاق قدرت و سخن را با تاكيد ايفاء نموده و ضمنا به حقيقت آن روز اشاره مى‏كند و سوره را با تهديد كفار ختم مى‏نمايد.

**هدف و فلسفه نزول سوره اعلی**

**( الميزان ج : 20 ص :437 )**

# امر به توحید و تنزیه لایق ساحت خدای تعالی

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! سبِّح اسمَ رَبِّك الأَعْلى! الَّذِى خَلَقَ فَسوَّى! وَ الَّذِى قَدَّرَ فَهَدَى...!**

**( 1تا19/اعلی)**

در اين آيات به توحيد خداى تعالى امر شده ، توحيدى كه لايق به ساحت مقدس او باشد و نيز به تنزيه ذات متعاليه‏اش از اينكه نام مقدسش با نامى ديگر ذكر شود و يا چيزى كه بايد به او مستند شود بغير او نسبت دهند ، مثلا كسى ديگر را در خلقت و تدبير و رزق شريك او بدانند و به رسول خدا«ص» وعده تاييد مى‏دهد، تاييد به وسيله علم و حفظ و نيز وعده مى‏دهد كه او را از آسان‏ترين طريق و مناسب‏ترين راه موفق به تبليغ و دعوت بفرمايد.

**هدف و فلسفه نزول سوره غاشیه**

**( الميزان ج : 20 ص :454 )**

# تعیین جایگاه استقرار سعادتمندان و تیره بختان در قیامت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! هَلْ أَتَاك حَدِيث الْغَشِيَةِ...!» ( 1تا26/غاشیه)**

سوره غاشيه سوره انذار و بشارت است و غاشيه همان روز قيامت است كه بر مردم از هر سو احاطه پيدا مى‏كند و در اين سوره قيامت را با شرح حال مردم توصيف مى‏كند از اين جهت كه به دو دسته تقسيم مى‏شوند سعيدها و شقى‏ها و هر طائفه‏اى در جايى كه برايشان آماده شده مستقر مى‏گردند يكى در بهشت و ديگرى در دوزخ و رشته كلام بدينجا كشيده مى‏شود كه رسول خدا«ص» را دستور مى‏دهد كه مردم را تذكر دهد به اينكه مقام ربوبى چه فنونى از تدبير در اين عالم بكار برده، فنونى كه هر يك دلالت دارد بر ربوبيت او براى همه عالم و براى خصوص ايشان و اينكه بازگشتشان به سوى او و حسابرسى اعمالشان با او است!

**هدف و فلسفه نزول سوره فجر**

**( الميزان ج : 20 ص :464 )**

# بیان امتحان الهی از طریق اعطا و منع مال دنیا

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الْفَجْرِ! وَ لَيَالٍ عَشرٍ! وَ الشفْع وَ الْوَتْرِ..!» (1تا30/فجر)**

در اين سوره تعلق به دنيا بدان جهت كه طغيان و كفران به دنبال دارد ، مذمت شده و اهل دنيا را به شديدترين عذاب دنيا و آخرت تهديد نموده، روشن مى‏سازد كه انسان به خاطر كوتاه فكريش خيال مى‏كند اگر خدا به او نعمتى داده به خاطر آن است كه نزد خدا كرامت و احترامى دارد و آنكه مبتلا به فقر و فقدان است، به خاطر اين است كه در درگاه خدا خوار و بى‏مقدار است، ولى به خاطر پندار غلطش هر فساد و طغيانى را مرتكب مى‏شود و آن پندار غلط را روپوش و رفوى خطاهاى خود مى‏كند و دومى هم به خاطر آن پندار غلطش كفر مى‏گويد( و به هر ذلتى تن مى‏دهد،) و حال آنكه امر بر او مشتبه شده ، بلكه اگر قدرت و ثروت دارد و اگر مبتلا به فقر و تنگى معاش است، همه به منظور امتحان الهى است ، تا روشن كند چه چيز از دنيايش براى آخرتش از پيش مى‏فرستد .

پس قضيه به آن صورت كه انسان توهم مى‏كند و به زبان هم جارى مى‏سازد نيست، بلكه به صورتى است كه به زودى در قيامت كه حساب و جزا به پا مى‏شود ، روشن مى‏سازد كه آنچه به او رسيد چه فقر و ناتوانى و چه ثروت و قدرت همه امتحان بود ، كه او مى‏توانست از دنيايش براى آخرتش گرفته ، از پيش بفرستد، ولى نفرستاد و عذاب آخرت را بر ثوابش ترجيح داد، پس از ميان همه مردم دنيا كسى به سعادت زندگى آخرت نمى‏رسد، مگر نفس مطمئنه و كسى كه دلش به پروردگارش گرم است و تسليم امر او است و در نتيجه بادهاى سهمگین گرفتاريها ، او را از جاى نمى‏كند و در او تغيير حالت پديد نمى‏آورد و اگر ثروتمند شد طغيان نمى‏كند و اگر فقير شد كفران نمى‏ورزد!

**هدف و فلسفه نزول سوره بلد**

**( الميزان ج : 20 ص :482 )**

# بیان حقیقت خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لا أُقْسِمُ بهَذَا الْبَلَدِ...!» ( اتا20/بلد)**

اين سوره بيانگر اين حقيقت است كه خلقت انسان بر اساس رنج و مشقت است ، هيچ شانى از شؤون حيات را نخواهى ديد كه توام با تلخى‏ها و رنج‏ها و خستگى‏ها نباشد ، از آن روزى كه در شكم مادر روح به كالبدش دميده شد ، تا روزى كه از اين دنيا رخت بر مى‏بندد هيچ راحتى و آسايشى كه خالى از تعب و مشقت باشد نمى‏بيند و هيچ سعادتى را خالص از شقاوت نمى‏يابد ، تنها خانه آخرت است كه راحتى‏اش آميخته با تعب نيست!

بنا بر اين ، چه بهتر به جاى هر تلخى و ناكامى و رنج ، سنگينى تكاليف الهى را تحمل كند، در برابر آنها صبر نمايد صبر بر اطاعت و بر ترك معصيت و در گسترش دادن رحمت بر همه مبتلايان كوشا باشد ، كسانى را از قبيل ايتام و فقرا و بيماران و امثال آنها كه دچار مصائب شده‏اند مورد شفقت خود قرار دهد ، تا جزو اصحاب ميمنه شود و گرنه آخرتش هم مثل دنيايش خواهد شد و در آخرت از اصحاب مشئمه خواهد بود كه نار مؤصده مسلط بر آنان است!

**هدف و فلسفه نزول سوره شمس**

**( الميزان ج : 20 ص :495 )**

# بیان راه تزکیه باطن آدمی با پرورش صالح و آرایش تقوی

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الشمْسِ وَ ضحَاهَا...!» ( 1تا 15/شمس)**

حاصل مضمون اين سوره اين است كه: انسان - كه با الهام خدايى تقوا را از فجور و كار نيك را از كار زشت تميز مى‏دهد - اگر بخواهد رستگار شود بايد باطن خود را تزكيه كند و آن را با پرورشى صالح بپروراند و رشد دهد ، با تقوا بيارايد و از زشتى‏ها پاك كند و گر نه از سعادت و رستگارى محروم مى‏ماند، هر قدر بيشتر آلوده‏اش كند و كمتر بيارايد محروميتش بيشتر مى‏شود و آنگاه به عنوان شاهد داستان ثمود را ذكر مى‏كند كه به جرم اينكه پيامبرشان حضرت صالح را تكذيب كرده ، ناقه‏اى را كه مامور به حمايت از آن بودند بكشتند ، به عذاب استيصال و انقراض مبتلا شدند و با نقل اين داستان به اهل مكه تعريض و توبيخ مى‏كند!

**هدف و فلسفه نزول سوره لیل**

**( الميزان ج : 20 ص :506 )**

# تهدید و انذار از طریق بیان متفاوت بودن سعی انسانها

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الَّيْلِ إِذَا يَغْشى‏...!» ( 1تا21/لیل)**

غرض اين سوره تهديد و انذار است و اين هدف را از اين راه دنبال مى‏كند كه به انسانها بفهماند مساعى و تلاشهايشان يك جور نيست ، بعضى از مردمند كه انفاق مى‏كنند و از خدا پروا دارند و وعده حسناى خدا را تصديق مى‏كنند و خداى تعالى هم در مقابل، حياتى جاودانه و سراسر سعادت در اختيارشان مى‏گذارد و بعضى ديگرند كه بخل مى‏ورزند و به خيال خود مى‏خواهند بى نياز شوند و وعده حسناى خدايى را تكذيب مى‏كنند و خداى تعالى هم آنان را به سوى عاقبت شر راه مى‏برد.

در اين سوره اهتمام و عنايت خاصى به مساله انفاق مالى شده است!

**هدف و فلسفه نزول سوره ضحی**

**( الميزان ج : 20 ص :521 )**

# شاد کردن دل رسول الله« ص»

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الضحَى! وَ الَّيْلِ إِذَا سجَى! مَا وَدَّعَك رَبُّك وَ مَا قَلى‏...!»**

**(1تا11/ضحی)**

بعضى گفته‏اند: چند روزى به رسول خدا «ص» وحى نشد ، به طورى كه مردم گفتند خدا با او وداع كرده ، در پاسخشان اين سوره نازل شد و خداى تعالى به اين وسيله آن حضرت را شاد كرد!

**هدف و فلسفه نزول سوره انشراح**

**( الميزان ج : 20 ص :528 )**

# یادآوری نعمتهای خدا به رسولش و امر به تشدید خدمت در راه او

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَ لَمْ نَشرَحْ لَك صدْرَك‏...!» ( 1تا8/انشراح)**

در اين سوره رسول خدا«ص» را امر مى‏كند به اينكه كمر خدمت در راه خدا ببندد و به سوى او رغبت كند و به اين منظور نخست منت‏هايى كه بر او نهاده تذكر مى‏دهد.

**هدف و فلسفه نزول سوره تین**

**( الميزان ج : 20 ص :538 )**

# شرح مساله بعث و جزا با بیان خلقت انسان و بقای او بر فطرت یا سقوط

**« بِّسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ التِّينِ وَ الزَّيْتُونِ! وَ طورِ سِينِينَ‏! وَ هَذَا الْبَلَدِ الأَمِينِ‏...!»**

**( 1تا8/تین)**

اين سوره مساله بعث و جزا را ياد آور شده ، مطلب را از راه خلقت انسان در بهترين تقويم و سپس اختلاف افراد انسان در بقا بر فطرت اولى و خارج شدن از آن و در نتيجه تنزلش تا اسفل سافلين را بيان نموده، در آخر خاطر نشان مى‏كند كه به حكم حكمت الهى واجب است كه بين دو طايفه در دادن جزا فرق گذاشت و پاداش هر دو نبايد يكسان باشد.

**هدف و فلسفه نزول سوره علق**

**( الميزان ج : 20 ص :545 )**

# دستور به رسول الله برای تلقی قرآن نازل با وحی الهی

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! اقْرَأْ بِاسمِ رَبِّك الَّذِى خَلَقَ‏...!»(1تا19/علق)**

در اين سوره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏وآله‏وسلّم‏ را امر مى‏كند به اينكه قرآن را كه به وحى خدا نازل مى‏شود تلقى كند .

اين سوره اولين سوره‏اى است كه از قرآن نازل شده و سياق آياتش آنچنان به هم ارتباط دارد كه بتوان گفت يكباره نازل شده است.

**هدف و فلسفه نزول سوره قدر**

**( الميزان ج : 20 ص :559 )**

# بیان نزول قرآن در شب قدر و عظمت شب قدر

**« بِّسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا أَنزَلْنَهُ فى لَيْلَةِ الْقَدْرِ...!» ( 1تا5/قدر)**

اين سوره نزول قرآن در شب قدر را بيان مى‏كند و آن شب را تعظيم نموده از هزار ماه بالاتر مى‏داند، چون در آن شب ملائكه و روح نازل مى‏شوند!

**هدف و فلسفه نزول سوره بیّنه**

**( الميزان ج : 20 ص :569 )**

# تسجیل عمومیت رسالت رسول الله برای عموم بشر

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَبِ وَ الْمُشرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتى تَأْتِيهُمُ الْبَيِّنَةُ...!» (1تا8/بیّنه)**

اين سوره رسالت محمد بن عبد الله خاتم النبيين« صلوات الله عليه» را براى عوام از اهل كتاب و مشركين مسجل مى‏كند و به عبارتى ساده‏تر براى عموم اهل ملت و غير اهل ملت و باز ساده‏تر بگويم: براى عموم بشر تسجيل مى‏كند و مى‏فهماند كه آن جناب از ناحيه خدا به سوى عموم بشر گسيل شده و اين عموميت رسالت آن جناب مقتضاى سنت الهى، يعنى سنت هدايت است! و بر عموميت دعوت آن جناب استدلال كرده ، به اينكه دعوت آن حضرت متضمن صلاح مجتمع انسانى است ، عقايد و اعمال افراد و جوامع را صالح مى‏سازد!

**هدف و فلسفه نزول سوره زلزال**

**( الميزان ج : 20 ص :580 )**

# اشاره به آثار وقوع قیامت و زلزله زمین و تبعات آن

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا زُلْزِلَتِ الأَرْض زِلْزَالها...!» (1تا8/زلزال)**

در اين سوره سخن از قيامت و زنده شدن مردم براى حساب و اشاره به بعضى از علامتهايش رفته، كه يكى زلزله زمين و يكى ديگر سخن گفتن آن از حوادثى است كه در آن رخ داده است.

**هدف و فلسفه نزول سوره عادیات**

**( الميزان ج : 20 ص :587 )**

# بیان ناسپاسی انسان و کفران نعمتهای پروردگاش

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الْعَدِيَتِ ضبْحاً...!» (1تا11/عادیات)**

اين سوره در باره ناسپاسى انسان و كفران نعمت‏هاى پروردگارش و حب شديدش نسبت به خير سخن مى‏گويد و نتيجه مى‏گيرد با اينكه دوستدار خير خلق شد و با اينكه خير را تشخيص مى‏دهد، اگر انجام ندهد حجتى بر خدا ندارد ، بلكه خدا بر او حجت دارد و به زودى به حسابش مى‏رسد!

**هدف و فلسفه نزول سوره قارعه**

**( الميزان ج : 20 ص :594 )**

# تهدید به عذاب قیامت و بشارت به ثواب آن

**« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏ ! الْقارِعَةُ ! مَا الْقارِعَةُ ! وَ ما أَدْراكَ مَا الْقارِعَةُ...!»**

**(1تا11/قارعه)**

اين سوره تهديد به عذاب قيامت و بشارت به ثواب آن است، ولى جانب تهديدش بر بشارتش مى‏چربد.

**هدف و فلسفه نزول سوره تکاثر**

**( الميزان ج : 20 ص :599 )**

# توبیخ شدید مردم از سبقت در جمع مال وغفلت از خدای

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَلْهَاكُمُ التَّكاثُرُ...! » (1تا8/تکاثر)**

اين سوره مردم را به شدت توبيخ مى‏كند بر اينكه با تكاثر ورزيدن و مسابقه گذاشتن در جمع مال و اولاد و ياوران با يكديگر از خداى تعالى و از سعادت واقعى خود بى‏خبر مى‏مانند، از تبعات و آثار سوء خسران‏آور اين سرگرمى غفلت مى‏ورزند و ايشان را تهديد مى‏كند به اينكه به زودى نتيجه سرگرمى‏هاى بيهوده خود را مى‏دانند و مى‏بينند و به زودى از اين نعمت‏ها كه در اختيارشان گذاشته شده بود تا شكرش را بجاى آورند بازخواست مى‏شوند كه چرا در شكرگزارى خدا خود را به نادانى زديد و به كارهاى بيهوده سرگرم كرديد و چرا نعمت خدا را با كفران مقابله نموديد؟

**هدف و فلسفه نزول سوره عصر**

**( الميزان ج : 20 ص :608 )**

# بیان عصاره تمامی معارف الهی قرآن در چند جمله کوتاه

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَ الْعَصرِ! إِنَّ الانسنَ لَفِى خُسرٍ! إِلا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصلِحَتِ وَ تَوَاصوْا بِالْحَقّ‏ِ وَ تَوَاصوْا بِالصبرِ!» ( 1تا3/عصر)**

اين سوره تمامى معارف قرآنى و مقاصد مختلف آن را در كوتاه‏ترين بيان خلاصه كرده است!

**هدف و فلسفه نزول سوره همزه**

**( الميزان ج : 20 ص :614 )**

# تهدید شدید جمع آورندگان مال به قصد کبرفروشی و عیبجوئی از مردم

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! وَيْلٌ لِّكلّ‏ِ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ...!» (1تا9/همزه)**

اين سوره تهديد شديدى است به كسانى كه عاشق جمع مالند و مى‏خواهند با مال بيشتر خود بر سر و گردن مردم سوار شوند و بر آنان كبريايى بفروشند و به همين جهت از مردم عيب‏هايى مى‏گيرند كه عيب نيست!

**هدف و فلسفه نزول سوره فیل**

**( الميزان ج : 20 ص :620 )**

# بیان معجزه الهی در صیانت از مکه

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! أَ لَمْ تَرَ كَيْف فَعَلَ رَبُّك بِأَصحَبِ الْفِيلِ...!»(1تا5/فیل)**

در اين سوره به داستان اصحاب فيل اشاره مى‏كند كه از ديار خود به قصد تخريب كعبه معظمه حركت كردند و خداى تعالى با فرستادن مرغ ابابيل و آن مرغان با باراندن كلوخهاى سنگى بر سر آنان هلاكشان كردند و به صورت گوشت جويده‏شان درآوردند.

اين قصه از آيات و معجزات بزرگ الهى است، كه كسى نمى‏تواند انكارش كند، براى اينكه تاريخ‏نويسان آن را مسلم دانسته و شعراى دوران جاهليت در اشعار خود از آن ياد كرده‏اند.

**هدف و فلسفه نزول سوره قریش**

**( الميزان ج : 20 ص :625 )**

# بیان تامین امنیت مکه و دعوت به عبادت رب بیت

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! لايلَفِ قُرَيْشٍ‏...!» ( 1تا 4/قریش)**

اين سوره بر قريش منت مى‏گذارد كه خداى تعالى با اين دفاعى كه از مكه كرد شما را در انظار، مورد احترام قرار داد تا بتوانيد با امنيت كامل بدون اينكه راهزنان متعرض شما شوند كوچ تابستانى و زمستانى خود را به منظور تجارت انجام دهيد، آنگاه دعوتشان مى‏كند به توحيد و عبادت رب بيت!

مضمون این سوره نوعى ارتباط با سوره فيل دارد و لذا بعضى از اهل سنت گفته‏اند سوره فيل و ايلاف يك سوره‏اند و ليكن حق مطلب آن است كه دليلى كه بر آن استناد كرده‏اند، وحدت را نمى‏رساند . از همه اينها گذشته رواياتى كه دلالت بر جدايى اين دو سوره دارد و اينكه بين آن دو بسم الله قرار دارد متواتر است!

**هدف و فلسفه نزول سوره ماعون**

**( الميزان ج : 20 ص :632 )**

# تهدید مسلمان نماهای متخلق به اخلاق منافقان

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ! أَ رَءَيْت الَّذِى يُكَذِّب بِالدِّينِ...!»(1تا7/ماعون)**

اين سوره تهديد كسانى است كه خود را مسلمان معرفى كرده‏اند ولى متخلق به اخلاق منافقينند، از قبيل سهو از نماز و ريا كردن در اعمال و منع ماعون(زکات و کمک مالی،) كه هيچ يك از اينها با ايمان به روز جزا سازگارى ندارد .

**هدف و فلسفه نزول سوره کوثر**

**( الميزان ج : 20 ص :637 )**

# دلداری و تسلی رسول الله با اعطای کوثر

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِنَّا أَعْطيْنَك الْكَوْثَرَ...!» (1تا3/کوثر)**

در اين سوره منتى بر رسول خدا «ص» نهاده به اينكه به آن جناب كوثر داده و اين بدان منظور است كه آن جناب را دلخوش سازد و بفهماند كه آن كس كه به وى زخم زبان مى‏زند كه اولاد ذكور ندارد و اجاق كور است، خودش اجاق كور است.

اين سوره كوتاه‏ترين سوره قرآن است.

**هدف و فلسفه نزول سوره کافرون**

**( الميزان ج : 20 ص :644 )**

# دستور اعلام برائت رسول الله از دین کفار

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ يَأَيهَا الْكفِرُونَ‏...!» (1تا6/کافرون)**

در اين سوره رسول خدا «ص» را دستور مى‏دهد به اينكه برائت خود از كيش وثنيت آنان را علنا اظهار داشته ، خبر دهد كه آنها نيز پذيراى دين وى نيستند، پس نه دين او مورد استفاده ايشان قرار مى‏گيرد و نه دين آنان آن جناب را مجذوب خود مى‏كند، بنابر اين نه كفار مى‏پرستند آنچه را كه آن جناب مى‏پرستد و نه تا ابد آن جناب مى‏پرستد آنچه را كه ايشان مى‏پرستند ، پس كفار بايد براى ابد از سازشكارى و مداهنه آن جناب مايوس باشند!

**هدف و فلسفه نزول سوره نصر**

**( الميزان ج : 20 ص :650 )**

# وعده پیروزی اسلام و مسلمان شدن جمعی کفار

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! إِذَا جَاءَ نَصرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ...!» (1تا3/نصر)**

در اين سوره خداى تعالى رسول گراميش را وعده فتح و يارى مى‏دهد و خبر مى‏دهد كه به زودى آن جناب مشاهده مى‏كند كه مردم گروه گروه داخل اسلام مى‏شوند و دستورش مى‏دهد كه به شكرانه اين يارى و فتح خدايى، خدا را تسبيح كند و حمد گويد و استغفار نمايد .

**هدف و فلسفه نزول سوره تبت**

**( الميزان ج : 20 ص :663 )**

# تهدید شدید ابولهب به هلاکت خودش و عملش

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! تَبَّت يَدَا أَبى لَهَبٍ وَ تَب...!»(1تا5/تبت)**

اين سوره تهديد شديدى است به ابو لهب، تهديدى است به هلاكت خودش و عملش، تهديدى است به آتش جهنم براى خودش و همسرش!

**هدف و فلسفه نزول سوره اخلاص**

**( الميزان ج : 20 ص :669 )**

# بیان توحید خاص قرآنی و اساس معارف اصولی و فروعی و اخلاقی اسلام

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ!**

**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ! اللَّهُ الصمَدُ! لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ! وَ لَمْ يَكُن لَّهُ كفُواً أَحَدُ!»**

**(1تا4/اخلاص)**

اين سوره خداى تعالى را به احديت ذات و بازگشت ما سَوىَ الله در تمامى حوائج وجوديش به سوى او و نيز به اينكه احدى نه در ذات و نه در صفات و نه در افعال شريك او نيست مى‏ستايد و اين توحيد قرآنى، توحيدى است كه مختص به خود قرآن كريم است و تمامى معارف( اصولى و فروعى و اخلاقى) اسلام بر اين اساس پى‏ريزى شده است .

**هدف و فلسفه نزول سوره فلق**

**( الميزان ج : 20 ص :679 )**

# امر به رسول الله برای پناه بردن از شرور به خدا

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أَعُوذُ بِرَب الْفَلَقِ...!‏»(1تا5/فلق)**

در اين سوره خدای تعالی به رسول گرامى خود دستور مى‏دهد كه از هر شر و از خصوص بعضى شرور به او پناه ببرد!

**هدف و فلسفه نزول سوره ناس**

**( الميزان ج : 20 ص :686 )**

# امر به رسول الله برای پناه بردن به خدا از شر وسواس خناس

**« بِسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ! قُلْ أَعُوذُ بِرَب النَّاسِ...!»‏ (1تا6/ناس)**

در اين سوره رسول گرامى خود را دستور مى‏دهد به اينكه از شر وسواس خناس، به خدا پناه ببرد!